



دولتی کردن سرمایه چاره وابستگی؟

صفحه ۶۳

شماره پنجم - بهمن ۱۳۵۹

قیمت ۹۰ ریال

دانشگاهها کی باز میشود؟

مقدمه‌ای بر ویژگیها و ضرورت‌های انقلاب فرهنگی -
"ستاد انقلاب فرهنگی"، عملکرد و نقطه‌نظرهای
آن درباره تغییرات سازمانی و آموزشی در دانشگاهها
- رئوس چند طرح پیشنهادی برای تحول نظام
آموزش عالی
صفحه ۶

شهر به شهر با آوارگان

صفحه ۴۴

تقویم تاریخ

گذری بر رویدادهای
تاریخی ایران و جهان :
حماسه سیاهکل، شهادت
فرزندان پیشتاز خلق،
مبارزات سال ۵۷، مرگ
کاندی و لنین و ...
صفحه ۱۱۳

کردستان : ادامه جنگ و فاجعه ایندر قاش

صفحه ۲۸



مقایسه‌ای میان مشروطیت و بهمن ۵۷

صفحه ۲۴

شکنجه خاطره تلخ دیروز و ...

صفحه ۳۹

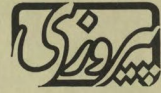
روز به روز

چکیده‌ای از رویدادهای
هر روز دی ماه در ایران و
جهان
صفحه ۸۴

هنر

سه شعر از
خسرو گل‌سرخ
و چند طرح

صفحه ۵۷



شماره پنجم - بهمن ۱۳۵۹
ماهنامه سیاسی - اجتماعی
زیر نظر شورای نویسندگان
نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۱۳ - ۵۴
تلفن: ۸۳۸۸۶۳

'پیروزی' مشترک می‌پذیرد

بهای اشتراک: - ۶ شماره ۵۰۰ ریال
- ۱۲ شماره ۱۰۰۰ ریال
برای اشتراک جمله مبلغ لازم را به حساب جاری شماره
۳۶۲ بانک صادرات نمعه ۳۱۳۶ تهران واریز کنید
و رسید آتراً با ذکر اینکه جمله را از چه شماره‌ای
مخواهید به نشانی پستی ما بفرستید.

شماره های قبلی " پیروزی " را در تهران و شهرستانها از مراکز زیر تهیه کنید:

- تهران:
- اراک:
- اصفهان:
- بروجرد:
- تبریز:
- شیراز:
- قائم شهر:
- کرمان:
- مسجد سلیمان:
- همدان:
- کرمانشاه:

برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، و کالاهای مربوطه آرها همی می‌پذیریم

حرف اول

دو سال گذشت. دو سال از آن هفته سرخ بهمن که نوادگان گاو از هفت خوان پادشاهی گذشتند. هفته‌ای که هتلم بهمن‌سپین روزه‌های خلق در مصیبت دریا ریخته بود. هفته‌ای که عمید خون و خشم و خروش را زدن بود. گوماکرم ازم گسستن زنجیرها و پروافتادن تندبیرها بود. هفته‌ای که خیابانها پر از کودکان کبریت بدست و آسمان پر از دود و تیرهای کاغذی بود. هفته‌ای که قفله‌های سرخ " اوله " باز نداشت تا باغشاد را سوزد. زمانی که نیست و دو، مهربانی نهایت پانزده (خرداد) شانزده (آذر) هفده (شهریور) شد. زمانی که هر خیابان ابتدای " بیرخیز " و " هر میدان " ادامه " قبیله " بود. هنگامی که " ساحل " جنگلی به وسعت ایران زمین شد. هفته‌ای که این درس همیشه تاریخ را دوباره و در عمل مرور کردیم که حق گرفتاری است، آزادی به " اعلامی " که از حلقوم درخیم بیرون کشیدی است. که تا دم خیر و جور و ظلم و ظلمت را تیر تیر قیام می‌شکند به سکت و انتظار گذر آید...

اکنون و هر روز سرود آن هفته سرخ همچنان شنیدی است و بره پوارها چون سگ شسته‌ای نشسته است. در خیابانها خون جوانان بیخونی وحش و در سیرنگ آن هفته امتحان همچنان در خاطره هاست، و خواهد ماند.

هفته سرخ بهمن افتخار تحمل ملتی، جر کشیده و قیام راسخ او برای برانگیدن نظامی بسپید و بی‌لگدن نظم تازه بود که خواست ها و آزادیهای کین و جوارده سرخویده را بر آورد. استنار وجود فطانتی، اختناق و بعدالذی، و ایستنی شدید اقتصادی و بحرانهای عمیق ناسی از آن و انحطاطی بی‌حیثی فرهنگی بنیادین نمی‌بایست ادامه یابد. خروشی به پستی ایران زمین نمی‌بایست تا زندانبنا شود، و زمانها به سخن افتد. استنار پایان یابد تا آن شتابندیا هفتاد و سه سال روز نشد، و دسترخ رحمتکش ایرانی می‌بایست از آن خود او برای آید شد. اقتصاد ایرانی می‌بایست از زیر سایه درخت بسپید، امیرالمسلم به پیله برافتاب چین بردن شود. تاریخه در این خاک بسپاور بدواند و می‌داند. خدای پاک، فرهنگ خودی می‌بایست از کد مسوم فرهنگ سرمایه داری غربی بآلودنوش تا دوباره زنده و جوان شود. و سرانجام، آن عزیز گذشته که بی او همه چیز هیجاست می‌بایست باز آید تا هیچ را همنسجیز کند: آزادی، آزادی.

در آن هفته سرخ بود که زمانها سراسر کشودند و زندانبانان به زنجیر کشیدند. خدای آزادی در در خیابانها دید. دستگه‌های اختناق شاهی چون آواری و روریخت و مردوران سرمایه وابسته گرچند و برخی از زندانها گرفتار آمدند و نابود شدند.

اکنون، با فاصله دو سال با سرنگریستن ما در آن روزهای شور و حرکت قهرمانی، به نقد نقد یاد آوردنی از همه‌سایه‌ای نیست. که تا بلی بر توان ها و توانی‌های ما است. سنجشی زیربوی است که داشته ایم و

داریم، در جهت افزونی قدرتی که باید داشته باشیم. با فاصله دو سال، امروز سواهایی در باره آن روزها مطرح میشود که جواب آنها، نه برای آن روزها و شاید امروز، که باید برای فرادای نزدیک باشد. سخن از " می‌شد " ها نیست، که زمان گذشته است. سخن از میشود هاو باید هاست. اکنون چه سود که بگوئیم: میشد برآوار نظام فروریخته، نظمی نوین بنیاد است تا در آن، استنار تنها واژه ای عشق در فرهنگ گذشته‌ها باشد. خط دراز فاصله طبقاتی کوتاه، تر و کوتاه تر شود تا به ناچیزی نقطه برسد، " امیرالمسلم " لغتی بیگانه شود تا فقط در " فرهنگت " بنشیند. و آزادی، نه فقط هوای گذرانی در کوچه‌های بی‌آر خون و واپوت، که عنصر تشکیل دهنده آسمان می‌باشد و بر قانون اختلال نایدیر تنفر انسانها حکومت کند. از این " می‌شد " ها می‌توان گفت. اما چه سود. آنچه می‌توان گفت " شد " است و اینکه، سواهایی که به فاصله دو سال طرح میشود جوابی برای دیروز و امروز و بوی فردا، می خواهد، " چرا نشد؟ " است که باید همه از خود ببرسیم. اما باید بدانیم که " نمی‌توانستیم " تنها جواب آن نیست، چرا که آن هفته " سرخ " بهمن نشان داد که بسیار می‌توانستیم. برای کودکان کبریت بدست بهمن، نه فقط بره‌های کاغذی، که سوزاندن بسیاری بی‌سهمای تاریک ستم ممکن بود. هست. نوادگان گاو هنوز در فشار دست نیانگشته اند و اکنون و داوند پابرجاست.



اکنون دو سال گذشته است. دوسالی که هر روز آن داستانی تازه را بر همان متن کین رقم می‌زند. هر روز " پرسی و در سرتازه ای، و فرزندان گاو چه سالها را که باید باز درکتب بگذرانند! اکنون که از " می‌شد " ها سخن بگوئیم و به " می‌شود " ها برسیم. اما پرسشی تلخ چون رسوبی با مانده از گذشته‌ها هر روز بر سر راه ما است: ما را چه می‌شود؟ در دوسالی که گذشته، برای کاشن از آن بازسگین و ایستگی که بر دوشنگ تک ناسنگینی می‌گرد چه کرده ایم؟ خط دراز فاصله طبقاتی تا کجا رسید؟ عدالتی که وعده آن، توده‌های خلق را چون رودی عظیم بهمن می‌پیوست تا بارگه بیداد را نابود کند چه شد؟ بر سر آزادی چه آمد؟

براین همه پرسش، سواهایی تلخ می‌رسد که همه از سوزان سونه از " بدخواهان " و " دشمنان " است: در دو سال گذشته، وابستگی ما به خارج بویژه به فرآوردنهای غذائی افزاینده است. کارگاهها و کارخانه‌های ما، در بیشتر موارد، کمترین میزان توانایی خود را تولید می‌کنند. در حالیکه ما سه زمین کشاورزی دستخوش جرو بحث‌ها و کشمکش‌های فلج کننده است. میزان تولید کشاورزی حتی در بار و زمین مشاغل کشور سقوط می‌کند. در حالیکه توده های محروم و بی‌خانمان هر روز بر

جمعیت شهرها می‌افزاید، فقر گویگی با اختنار و انحصار فرآوردنهای مورد نیاز، آخرین سنگسهای تپیری می‌ریزاید و بیورد کمبود گنگلی همسومونجم در یکسوی خلی دراز قرار گیرد که در انتهای دیگر آن، میلیونها انسان تهی‌دست، برای تکه نان شش‌ساعتی روز را جان می‌کنند.

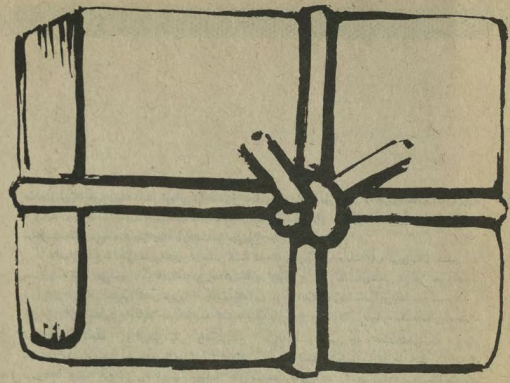
داستان تلخ ما امنی قضایی اکنون داستانی کینه شده که هر روز از زبان بلند پایه ترین مقامات کشور به صدای بلند تکرار می‌شود. در حالیکه هنوز صدای گنگین گشودن درهای زندانبنا شاهی در هوا محو شده، و دوباره از " زندانی‌سازی " سخن می‌رود، و افسوسگره این بار، آنگاه که به زندانبنا این زندانبان متهم اند، خود را از گروه پیشین، و شاید حتی هم بند گذشته زندانبان تازه بوده اند. دوباره ششجه مطرح است که گروهی آن را " تابعه " و گروهی دیگر " واقعیتی تلخ " می‌دانند و همین چه واقعیتی تلخی است و باز سرانجام، آزادی‌ساز، لغایت " ساله " ا. آزادی که می‌بایست کلید حل همه ساله‌ها باشد. آزادی که می‌بایست چشمه خروشان رودهای بهمن پیوسته، خلق در مصبرهایی باشد، که می‌بایست در فرقی پیشا پیش‌مصف نوادگان گاو و کبریت دست کودکان ببرافکن باشد...



ایشبه را گنیم، اما ماد کسی که بگوید همه چیز همانست که بود. آنگاه با انگتا بر فواهر آنچه گذشته، در جستجوی شایسته‌هایی بیان عالی گذشته اند: تنها پرستندگان ثابت بسپید " طاقت " نیستند بلکه جاهلانی هستند که حتی نخستین حرف الفبای تاریخ را نخوانده اند. کسانی که نینداندند که هیروود از مصدب را به قفا باز می‌گرد و هرگز کبریت بدستی بازنگوش نیست.

از آن هفته " خورین بهمن، و از دوسالی که از پیران گذشته، ملتی سرور آید که خواست ها و آرمان خورشید شاخته است و دشمن خورشید را از نزدیک می‌شناسد. در بی‌هیج نعمت " اعلامی " نیست که میداند چرا چگونگی بهمن جستجو کرد. ملتی است که گشاده دستی برداختن گرانترین قیمت ها برای آزادی، استقلال و ماندگاری را دارد، و در زمانه بازار از چانه زدن نمی‌هراسد و رنگتا پو نمی‌سپند.

اما اینبه هشداری نگران کننده است، و نیازی نیست که کسی " بدخواه " یا " دشمن " باشد که این را بگوید. آنچه می‌گذرد، نشانه‌هایی از وضعیت است که اگر نباید بحرانهایی عمیق را بدندان می‌آورد. بحرانهایی که سگت کردن، این زن را بخاطر یادآوری آن شتم کردن، و سرپوشی بر آن نهادن، آن را تنها عمیق‌تر می‌کند. بحرانهایی که اجبار جستجوی نه بهترین راه حل، به قوی ترین راه حل را بدندان می‌آورد...



انقلاب فرهنگی و ویژگی‌ها و ضرورت‌ها

دراصلی که ده ماه از رویدادهای خنوبین دانشگاهی می‌گذرد دانشگاه‌های سراسر کشور همچنان بسته است. ده‌ها هزار دانشجو و هزاران استاد بیگار و درانتظارند. میلیاردها تومان ثروت ملی بصورت تاسیسات و وسائل دانشگاهی بگوشای رها شده است. درحالیکه شمار لزوم مبارزه با وابستگی همه جا را گرفته، بخش عظیم حیاتی فعالیت‌های علمی و فرهنگی که باید زمینه ساز و تکمیل اجتناب‌ناپذیر هر حرکت واقفانه استقلال طلبانه باشد، بکلی تعطیل و بازگشایی آن به زمانی نامعلوم موکول شده است. "ستاد انقلاب فرهنگی" که رسماً مابوریت تعیین تکلیف سراسر نظام آموزش عالی به آن محول شده، با گذشت زمان هرچه بیشتر ساکت‌تر - و ظاهراً بی‌عمل‌تر - می‌شود. و از اظهارات گله‌آلود اعضای آن

هیچگونه نشانه‌ای که خبر از گشایش دانشگاه‌ها در روزی از روزهای نزدیک بدهد، بدست نمی‌آید. در واقع هرچه زمان می‌گذرد و بازگشایی دانشگاه‌ها حیاتی‌تر خود می‌نمایند، اظهارات اعضای "ستاد انقلاب فرهنگی" انتزاعی‌تر شده و به نظریه‌هایی هرچه کلی‌تر درباره آنچه "دانشگاه انقلابی" از نظر آنان باید باشد، محدود می‌شود. و اینهمه در زمانی است که نه تنها شرایط کلی و "زمین" جامعه ایرانی، که همچنین وضعیت ناشی از جنگ مخرب کنونی، وجود گروه‌های وسیعی از گادرهای متخصص را برای بازسازی و برآورد انداختن اقتصاد جنگ‌زده و از با افتاده میهن ایجاد می‌کند.

گذشته از همه مسائلی که ریشه در وابستگی فرهنگی جامعه ما دارد و هنوز تغییر و تحول در نظام دانشگاهی - تا چه رسد به "رفورم" و "انقلاب" فرهنگی - را گویا نمی‌کند، شرایط ویژه‌ای که جنگ بوجود آورده خود به تنهایی تکلیف هر نوع حرکت واقعی در جهت بازسازی نظام آموزش عالی را روشن می‌کند. در پرتو واقعیت‌های شدت ملموس ناشی از اثرات جنگ بر ساخت اقتصادی - اجتماعی کشور، و با توجه به نیازهای مشخصی که این واقعیت‌ها بدانها اهمیت خیرگیکننده داده، بازسازی نظام دانشگاهی نه فقط یک تحول فرهنگی، که یک نیاز حیاتی است مستقیماً با سرنوشت مسائل زیربنایی کشور در ارتباط است.

نه تنها بازسازی اقتصاد جنگ زده، که حتی دوباره بازی تاسیسات و برآورد شده از جنگ نیز فوراً مساله وابستگی "زمین" کشور ما را مطرح می‌کند. این فرصتی خواهد بود که با پایه‌های اقتصادی درحد امکان استقلال طلبانه تهیه شود و با آخرین مقاومت‌ها - خواسته یا ناخواسته - در برابر وابستگی درهم شکسته شود. این فرصت نادر، سرنوشت نظام دانشگاهی ما را نیز تا حد زیادی تعیین می‌کند. انتخاب بین راه حلی مکتبی بر تدارک و تربیت کادرهای تخصصی برای بازسازی کشور و راه حل برآمده و "بی‌رحمت" استخدام کارشناس‌های خارجی، با همه توجهات و مصلحت‌جویی‌هایی که ممکن است عنوان شود، به سرنوشت بسته است که سرنوشت وابستگی را تعیین می‌کند. از این گفته، نباید چنین برداشت شود که این سرنوشت همین جا و در محدوده زمانی و مکانی تنگی به همین نارنگی سرنوشت تعیین می‌شود. بلکه غرض ما این است که این فرصت نادر می‌تواند زمینه‌های منطقی روند عروانی رهایی از وابستگی اقتصادی کشور را تدارک کند و بدر مقابل، سهولت مراجعه به راه‌های خارجی، می‌تواند شدت و وسوسه انگیز باشد...

نظری به شرایط موجود کشور و عینیتی به عملکرد "انقلاب فرهنگی" بطور کلی، که در ارقام و اظهارات "ستاد" این انقلاب تجلی می‌شود، هنوز نگرانی در این زمینه را منطقی می‌کند، بویژه آنکه به زمان بر سرعت می‌گذرد و هماکنون که گفته شد، از ویران‌آبشارهای اعضای "ستاد انقلاب فرهنگی" که به نحو فزاینده‌ای خارج از محدوده قابل لمس واقعیت‌ها و نیازهای حیاتی هر روز کشور جلوه می‌کند، خبری نمی‌توان از زبان برآورد افتادن نظام آموزش عالی کشور بدست آورد.

در واقع، مساله تنها این نیست که با یک حرکت ناگهانی که درباره زمینه‌ها و انگیزه‌های آن بسیار سخن می‌توان گفت، سرتاسر نظام آموزش عالی کشور به تعطیل کشیده شده و فعالیت‌های فرهنگی در کلیه زمینه‌های رسمی در "خلا" رها مانده است. بلکه از آن مهم‌تر این است که در تدبیر و چاره‌جویی برای بزرگ کردن این "خلا" و دوباره به راه انداختن نظامی که گذشته از اهمیت اساسی آن برای تک تک افراد کشور، صدها هزار نفر را نیز مستقیم و غیر مستقیم بکار می‌گیرد، توجه چندانی به این مدعای عظیم نمی‌شود تا آنجا که مساله بصورت موقله‌ای صرفاً "تشریح" و خارج از زمینه صورت‌ها و نیازهای شدت عاجل و حیاتی کشور مطرح می‌شود. نظری به دو نکته، گفته ما را روشن‌تر می‌کند.

تعطیل فعالیت‌های رسمی در زمینه فرهنگ عالی، در سرنوشت اجتناب‌ناپذیر و برون‌گرددنی ایران درباره بوعلی سینا، سرشایان تهرین چهره علمی اسلامی تمام دوران‌ها - که اتفاقاً ایرانی نیز بوده است - جلوه کرد. در حالی که بشاخصت هزاره بوعلی سینا، محافل علمی جهان از این شخصیت بزرگ تحلیل

می‌کنند و سازمان یونسکو با اعلام سال جاری مسیحی بعنوان "سال ابن سینا" یک بار دیگر میراث علمی فرهنگی او را به بررسی می‌کشند، در ایران بکلی درباره او سکوت شده است. بویژه آنکه حتی اگر گرایش‌های بعضی محافل رسمی و نیمه رسمی را بپذیریم و از "ایرانی" بودن بوعلی سینا درگیریم، او بهرحال یک دانشمند مسلمان و نامرتب نمونه دوران شکوفایی فرهنگ اسلامی است و در نتیجه ظاهراً ضروری بنظر می‌رسد که "جمهوری اسلامی ایران" از این فرصت هم برای به کرسی نشاندن بسیاری از فعالیت‌های "عقد" نظامی سیرده شده فرهنگ اسلامی، و هم برای شانس‌اندن سهم عظیم ایرانی‌ها در بارور کردن آن استفاده کند. اما اینکه فیلسوف "عالمی" و "منطق‌گرایان" چون بوعلی با خط "کلی‌باف" و سطحی فلسفه رسمی کنونی نتوانی تدارک فقط تا اندازه بسیار مختصری این سکوت را توجیه می‌کند. علت اصلی را باید در آرام‌باشی نظام نسبتاً "جا افتاده فرهنگ عالی، تعطیل منطبق فعالیت‌های فرهنگی رسمی و نبود هیچگونه مرجعیت در این زمینه دانست که مستقیماً ناشی از تعطیل دانشگاه‌ها و فعالیت‌های علمی است.



اما نکته دیگر، که بویژه با توجه به پهنادهای جنگ اهمیت پیدا می‌کند، نیاز کشور به گروه‌های علمی از کارشناسان زمینه‌های مختلف است که هر روز تاخیر درباره انداختن نظام آموزش عالی، و آن را و حیم‌تر و چاره‌جویی برای آن را شکل‌تر می‌کند. ذکر یک مثال ساده برای نشان دادن عظمت این نیاز کشور کفایت: در حال حاضر، در سراسر ایران تنها ۱۶ هزار دویست پزشک داریم که اگر حداقل نسبت معقول میان جمعیت کشور و پزشکان آن را یک پزشک برای هزار نفر در نظر بگیریم، در حال حاضر نزدیک به ۳ هزار پزشک کم داریم. از سوی دیگر می‌دانیم که جمعیت کشور بطور متوسط سالی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر افزایش می‌یابد. نتیجه اینکه حتی اگر در حال حاضر دچار این کمبود و جشتناک پزشک نبودیم و برض تعداد پزشکان ما بر اساس همان نسبت حداقل، کافی بود، لازم می‌بود که سالی حداقل ۶۰۰ تا ۷۰۰ پزشک تربیت کنیم. اگر این محاسبه را نه بر اساس واقعیت‌های موجود، بلکه در رابطه با هدف نهایی تأمین حد نصاب پزشکان کشور، یعنی برقراری نسبت حداقل یک پزشک برای هر هزار نفر بعمل آوریم، چشم‌انداز بی‌سختی‌تری در برابر خواهیم داشت. چرا که در اینصورت لازم خواهد بود که تا ۲۰ سال دیگر حداقل بین دوهزار تا دوهزار و پانصد پزشک تربیت کنیم. باید دانست که حداکثر ظرفیت دانشگاه‌های پزشکی ایران بیش از تعطیل شدن آنها هزار پزشک در سال بوده است.

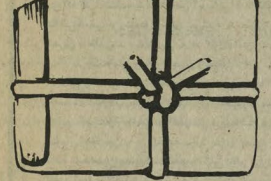
بدینی است که این تصویرنگارکننده را می‌توان برحومه زمینه‌های تخصصی مورد نیاز کشور تعمیم داد و بسیاری به نگرار ندارد که بویژه بازسازی ویا حتی تعمیر تاسیسات و تجهیزات اقتصادی آسیب دیده از جنگ مخرب کنونی وجود نیروی علمی از کارشناسان را ایجاد می‌کند که هر یک روز ائتلاف وقت در تربیت آنان، به بی‌سببی بی‌گرا، و به قیمت آسیب‌پذیری هرچه بیشتر در برابر وابستگی به بیگانه، تمام می‌شود.

ضرورت انقلاب فرهنگی

در بحث با واهنگار نظرهای پراکنده‌ای که درباره وضع دانشگاه‌های کشور و بطور کلی موقله "انقلاب فرهنگی" عنوان می‌شود، همواره این خط‌انحرافی حضور دارد که هنوز اظهار نگرانی درباره بسته ماندن دانشگاه‌ها و دعوت از رزودت‌گشودن آنها، خود بخود و از پیش به مدنی مخالفت با "انقلاب فرهنگی" و رد لزوم آن تلقی می‌شود. اگر بحث واهنگار نظر نه درباره یک "انقلاب فرهنگی" معنی عام، بلکه درباره وضع موجود دانشگاه‌های خودمان و "انقلاب فرهنگی" و ستاد آن "مطرح باشد، این پیشنهادی بسیار شدیدتر و هر نوع مومنگیری خارج از چهارچوب رسمی درباره دانشگاه‌ها، "توطئه" و تمایل به حفظ نظام مغفورشاهنشاهی در دانشگاه‌ها و از این قبیل... قلمداد می‌شود.

نادارستی این داوروی گاملاً آشکار است، اما در عین حال، همین داورویا بوعلی نشان می‌دهد که

سخت انقلاب فرهنگی و وضعیت کنونی دانشگاه‌ها تا چه اندازه دستخوش برخورد‌های غیرمنطقی و انگیزه‌های مایوس یا مغموم واقعی انقلاب فرهنگی شده است. واقعیت این است که بحرگروه بسیار کوچک و رویه روزانی که حفظ نظام آموزشی گذشته را می‌خواهد، تقریباً همه خواهان اعمال تحولی اساسی در نظام آموزش عالی کشور هستند. ضرورت چنین تحولی آن چنان مورد اتفاق نظر است که می‌تواند با "تعبیرات اساسی" یا "رفورم"... عاید، در درجه دوم اهمیت قرار تحول را می‌توان "انقلاب" یا "تعبیرات اساسی" یا "رفورم"... عاید، در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد. گروهی از صاحبان نظر و کارشناسان که آموزش عالی را اصولاً همه متوئن فرهنگی را در رابطه مستقیم و گراکنیک با ساخت وافت اقتصادی - سیاسی جامعه میدانند. براین اعتقادند که تنها زمانی می‌توان از یک "انقلاب فرهنگی" بمعنای واقعی آن سخن گفت که زیرساخت‌های اقتصادی جامعه دگرگونی یا "انقلاب بی‌آفتاب" اساسی را پشت سر گذاشته باشد که به تبع آن، متوئن فرهنگی نیز که رونق و تاج ساخت اقتصادی جامعه است، الیرا یا "چستی به تعبیری بطور خودکار تغییر یابد و دگرگون شود. گروه دیگری که با برآی ساخت اقتصادی جامعه این اهمیت بنیادی را قائل نیستند و یا در نهایت ارتعاش‌گراکنیک فرهنگ جامعه با ساختار حوری نمی‌دانند، "انقلاب بی فرهنگی را در خارج از محدوده جزئیات اقتصادی - اجتماعی و مستقل از تحولات آنها ممکن می‌دانند و معتقدند که با تدبیرها و برآمده‌هایی محدود به متوئن فرهنگی و مستقل از دیگر زمینه‌های فعالیت اجتماعی می‌توان تغییر اساسی - یعنی "انقلابی" - بر فعالیت‌های فرهنگی اعمال کرد.



اظهارات رسمی و نیمه رسمی که تاکنون درباره "انقلاب فرهنگی" کشورنا مطرح شده، مکتبی برآمیزی‌های از هر دو نظریه بالا بوده است. گروهی با قبول نظریه ارتباط تنگاتنگ متوئن فرهنگی و جزئیات‌های کلی اقتصادی - سیاسی جامعه برآنند که استقرار جمهوری اسلامی تحول آن چنان اساسی نیست به نظام پیشین محسوب می‌شود که می‌توان اکنون از امکان تحقق یک "انقلاب فرهنگی" به معنای واقعی آن سخن گفت و در نتیجه زمینه برای اعمال تغییراتی اساسی در زمینه آموزش عالی و تحول کلی ریکی آن فراهم است. گروه دیگری که متوئن فرهنگی جامعه را کلیتی مستقل از ساخت اقتصادی - سیاسی جامعه میدانند برآن است که این متوئن می‌تواند بی‌رابطه مستقیم با زیرساخت‌های اقتصادی جامعه تحول یابد یا دستخوش "انقلاب" شود.

گذشته از آنکه هدف ما در این مقاله این نیست که درستی این یا آن نظریه برسردهد، بالا را توضیح دهیم. هماکنون که بیشتر گفته شد، لزوم انجام تغییراتی تا حد امکان اساسی در نظام آموزش عالی کشور آچنان مورد اتفاق نظر است که موقلاتی از این قبیل را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد. در واقع، تنها یک لحظه توجه به ماهیت کلی نظام آموزش عالی بدانگونه که از گذشته باقی مانده است - با بود استکالیست تا هر انسان نصف و سلیمی - و نه فقط کارشناسان دانشجو - را - به لزوم تغییر و تحولی گسترده در این



نظام متفاد کند. در تعریف گویبا و گاستیهای این نظام آموزشی سخنها می توان گفت. در نظام آموزشی بخوان نایبی از نظام بدست و راسته شانتهایی و بنشابه آیمای در برابر بگریه "جامه" "نایزه" "ایران" می توان نشاندهایی از تکنیک انحرافات و نایبگیهای رژیم گذشته را مشاهده کرد. اما نایزی به جستجو برای یافتن و بر شردن این نشانها نیست چرا که همه مشخصات و خصوصیات نظام آموزش عالی برخاسته از رژیم شاهی را می توان تنها در یک کلمه "واستگنی" خلاصه کرد که خود پنهانی، از چگونگی همه آن مشخصات و خصوصیات خبر میدهد. فعالیتها و فرهنگی بطور کلی حتی در جهت تأمین خواستهایی اصیل و حقانی جامعه ایرانی نبود تا چه رسد به اینکه تدارک کننده روند استکلال و بی نایزی کشور است. یا "کن" و "ارادتی" باشد. وااستگنی و بی خوینی نظام دانشگاهی، چه در زمینه علوم نظری و چه در زمینه فنون علمی و صنعتی، بدست گذشت داشت. علوم نظری و بطور کلی فرهنگ رسمی دانشگاهی پیرو روند کلی فرهنگ سرمایه داری غربی و ویژه خوار سفر رنگین اما بوج و سطحی آن بود. فرهنگی که می توان آن را در یک کلمه "ترجمه" فرهنگ غربی، و طبعا سطحی ترین و بی استفاده ترین جنبه های این فرهنگ دانست. این فرهنگ رسمی در زمینه فلسفی خود بکلی از میراث عظیم فرهنگ ایرانی - اسلامی عاری و نسبت به نیازها و ضرورت های جامعه، بکلی ستر، بی استفاده و حتی انحراف آمیز بود. در بسیاری رشته ها، نظریه های مبتذل و بی ارزش بسیاری از محیط های دانشگاهی امریکایی که تنها رسالت و مأموریت آنها تئوریزه کردن و علمی و نامردن عملکردها و جنایتهای محافل سرمایه داری امریکایی است، بعنوان "نظریاتی علمی که در زمینه های علمی نیز تجربه شده است" (۱) بخورد دانست داده میشد. و شاید همین دلیل بود که اگر دانشگاهی را دانشگاهی امریکایی (دانشگاه پهلوی شیراز) در خود ایران بصورت مرحله نهایی و تکاملی بعضی از رشته ها تأسیس نمی شد، تحصیل در دانشگاه های آمریکا و دریافت مدرک از آنها بمنزله آخرین مرحله روند دست یابی به حد کمال دانش و معرفت امروزی بشمار می آمد.

در زمینه فنی و علوم تجربی وااستگنی از این نیز بیشتر و آشکارتر بود. اگر این "علوم" تنها در شکل ابتدایی و "کتابی" آن آموخته نمی شد، در نهایت آنچه آن بود که دانشجو را به حداقل شناخت لازم برای "خدمت" در تأسیسات و "نگهداری" تجهیزات صنایع وابسته کشور مجبور می کرد. بدلیل وااستگنی شدید صنایع "موتور" داخلی، کاربرد فنی تربیت شده در دانشگاه های تجربی ما تنها با توانایی دشواری کار - شباهن خارجی و در اغلب موارد برای خدمت اداری در این صنایع وارد بازار کار میشد. در یک عبارت ساده باید بتوان چنین گفت که هدف کلی نظام آموزش عالی نه تربیت و تدارک کارگزاران کارآمد برای بکار گرفتن آنها در شئون مختلف فرهنگی، اقتصادی و صنعتی، بلکه ارائه ماخصی صنایع با عنوانها و درجهاتی مختلف بود که در سیستم طبقه بندی و سلسله مراتب اداری متحد و این سلسله مراتب را متنوع و گامی کامل کنند و نایزی به گفتن تدارک که این گرایش نهایی به خدمت در زمینه های اداری وسط ما شین عظیم بوروکراتیک از اصلی ترین خصوصیات نظام های دانشگاهی وابسته و منگی به تکنولوژی و دانش بیگانه است.

فرهنگ، بیکر زنده

توصیف چنین چشم اندازی از نظام آموزشی بارزانه از رژیم گذشته و برشردن خصلت وااستگنی گل آن ممکن است نگاه کنده که از سوی بسیار کسان عنوان میشود، توضیحی از سوی ما سرمایه ستانندگان دانشگاهها تا زمان انجام "تجربیه ای" در آنها، نلفقد شود.

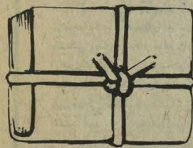
مکن است بدانسته شود که خصوصیات منفی از آنگونه که برشردیم می توانند تعقیب نظام دانشگاهی را تا زمان تغییر این خصوصیات و تحول مثبت آنها توجیه کنند و در این دوران فترت، تدبیرهایی اعمال شده از خارج از این نظام می توانند آن را منزه و برای فعالیت این بار سستل، سازنده و عاری از عیبهای پیشین آماده کنند. نایزی به گفتن تدارک که چنین استدلالی اگر مکنی بر اکثریتها می بکلی مغایر با شئون فرهنگی و مبتنی بر انحرافی خارج از چهارچوب فائزیهایی صرف فرهنگی نباشد، دستکم ساده انگاری و نادیده گرفتن

بدیهی ترین اصول حاکم بر جریانها و تحولات فرهنگی است. بدیهی است که در این استدلال اصل اساسی بویائی فرهنگ جامعه کلی نادیده انگاشته میشود و این فرهنگ نه بصورت یک بیکر زنده و تکامل پذیر بلکه به شکل مجموعه ای تکلیفی تصور میشود که در نتیجه، برای اعمال هر گونه تغییر و اصلاحی در این مجموعه تکلیفی، می توان آن را متوقف کرد، و پس از انجام اصلاحات لازم، آن را دوباره بکار انداخت. حال آنکه اگر بویائی فرهنگ بعنوان اصلی بنیادین شناخته شود، هر نوع تغییر و تحولی در آن مستلزم ادامه حرکت اندامهای آن، حفظ تمامیت زنده و پیوستگی آن، و استفاده از این "زندگی" و "بویائی" برای تسهیل و تشریح جریانهای است که تکامل و ماندگاری آن را تأمین میکند. همین تفاوت میان دو پیش از فرهنگ اجتهادی است که تکلیف هر نوع حرکت در جهت تحول و تکامل آن را تعیین میکند. در صورت اول، اعمال تجربیاتی در یک مجموعه تکلیفی میتواند به تنهایی از نیروی در خارج از این مجموعه برآید که چرا، آن را بر طبق خواست و توقع خود از مجموعه تکلیفی جرح و تعدیل می کند و آن را برای جواب دادن به نیازهای خود متحول می سازد.

در صورت دوم یک بیکر زنده زمانی تحول می یابد که نیازهای درونی و شرایط محیط زیست آن، چنین تحولی را ایجاد کند. در صورت وجود این آمادگی و ماندگاری درونی و مساعدت شرایط بیرونی، یک نیروی خارجی که از نیز تحول و تکامل این بیکر را خواهد. تنها بیخود بعنوان عنصری محرک، تسهیل کننده یا سرعت دهنده این تحول عمل کند و نه بیش از آن. بدیهی است که عملکرد این نیرو، تنها زمانی محرک و تشریح کننده خواهد بود که جهت آن همسوی جهت تکاملی بیکر زنده باشد و مشخصات و ویژگیهای درونی این بیکر را به حساب آورد.

بالندگی بر بدرین "محیط زیست"

نظری به عملکرد دانشگاه های ما، با همه وااستگنی نظام حاکم بر آنها، بویائی و تکامل پذیری آنها در همین "محیط زیست" ننگ و ناساعدت را بخوشی نشان میدهد که چنین عملکردی، از خصوصیات "طبیعی" و جبری یک بیکر بویاست. در نتیجه طبیعی است که همین دانشگاهها بیشترین و مقاومترین سگرهای مبارزه با همان وااستگنی بوده باشند. دانشگاه های ما در عین حال که یکی از نخستین و میسرترین هدفهای اعمال



نفوذ و سلطه استعمار و امپریالیسم بودند، بدلیل آگاهی و بهداری هزاران استاد و دانشجو مبارز و آزادخواه، جوانان پر و پیکرترین مراکز مبارزه با استعمار و امپریالیسم نیز بودند. در حالیکه خود - گیوان، دانشگاه های ما را یکی از عوامل مهم انتقال بسیاری از "ویروس" های جوامع سرمایه داری غربی به درون جامعه ایرانی میدانند - که این، ادعای بویچی نیست - همین دانشگاهها اصلی ترین مراکز شناخت و معرفت اجتماعی و چاروباسی مسائل اجتماعی بوده است. از همین دانشگاه های ما چندین نسل از متفکران و مبارزان ایرانی برخاستند. در همین دانشگاهها هزاران نفر از جوانان ما علم آموختند تجربه



اندوخته اند. و آیا تصادفی است که دانشگاه های ما همواره پرخوشترین گانوبهای مبارزات سیاسی و سگر مقاومت در برابر نفوذ استعمار و امپریالیسم و مقابله با آنها بوده اند؟

یکی از محسوس ترین دلایل بویائی و تکامل پذیری دانشگاه های ما را میتوان در این واقعیت جستجو کرد که این دانشگاهها حتی در ادای وااستگنی نظام حاکم بر آنها و در سخت ترین شرایط و تبعیض و انحصار گرایی شترهای تسلط بر آنها، بر روی توده عظیمی از جوانان بویا، همچین پرست و سازز با بوده است. گروه های عظیمی از فرزندان قشرهای محروم و تهیدست، هر ساله فراغتم مشکلات و سدهائی که بر سر راه آنان قرار داده میشد، به دانشگاهها رهنه میگردند. این گروهها با بهره جویی از امکانات نسبتاً گسترده دانشگاهها با تهیه خود به ابزارهای نظری و عملی دانش امروز، و با شناخت دقیق و نزدیک وااستگنی و استعمار فرهنگی، بیشتر از هر گروه اجتماع دیگری صلاحیت و آمادگی مبارزه با همین وااستگنی و استعمار فرهنگی را داشته و این را در عمل نیز ثابت کردند. و باز تصادفی نیست که سرشاسترین چهره های "ملی" و "سازز" و "مستکان" و "اصطفا" ایرانی فارغ التحصیل همین دانشگاهها هستند. رجالت اینکه تقریباً همه "حاجب نظریاتی" که این روزها برای توجیه بسته ماندن دانشگاهها در جهت "انقلاب فرهنگی"، به کلی منکر عملکرد و خدمات دانشگاه های کشور میشوند خود فارغ التحصیل این دانشگاهها هستند. همانگونه که اصغری "ستاد انقلاب فرهنگی" نیز که از شخصیت های تحصیل کرده سطح طعا در دانشگاه های خودیان درس خوانده اند.

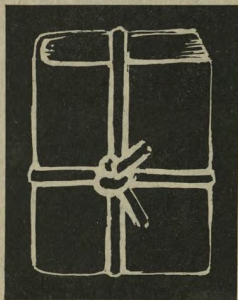
توجیه اینکه چگونه در داخل نظامی که به اعتقاد همگان وابسته و بیخوار فرهنگ سرمایه داری غربی بوده است، مهمترین سندهای مقابله با وااستگنی و کوشش برای اعتلای فرهنگ ملی تکوین می یابد، بسیار ساده است.

اگر اصل بویائی فرهنگ و تکامل پذیری جریانهای اجتماعی پذیرفته شود، درک این نکته که این جریانها میتوانند در بین شرایط ناساعدت حاکم نشو و نما کنند و حتی از این عدم مساعدت بعنوان محرکی برای بالندگی بهره جویند، بسیار آسان است. بویژه آنکه در صورت پذیرفتن آن اصل، مجموعه فعل و انفعالات اجتماعی - از جمله در زمینه فرهنگی - بصورت مجموعه ای از میدالات و تاثیر گذارهای متقابل محسوس شود که در آن، نیروهای درگیر هر یک بمیزان توان و قوه خود، بردگری اثرگذارده یکدیگر را تعدیل می کنند. در چنین رابطهای، نظام حاکم بر دانشگاه های ما، حتی در سخت ترین و مودر و نامعزین حالت های خود، همواره محکوم بدینا تجربیاتی از نیروهای مردمی رخنه کرد در این نظام و بصورتی تعدیلی و تعارف خود در برابر خواسته ها و هدف های این نیروهای مردمی بود است. از این گذشته فرهنگ و دانش، حتی در بدترین شرایط وااستگنی و سترونی نظام حاکم بر آن، همواره حاوی آن خصلت زنده و بویائی است که پرورش و رشد عامر زنده و آزادی را که از منابع زندگی بخش و تکامل پذیر فرهنگی تغذیه میکنند، مساعدت می کند. به تجربه دیده شد که در بسیاری موارد و مراحل تاریخی، عدم مساعدت نظام حاکم بر شئون فرهنگی، بدلیل تحریک خصلت مقاومت و مبارزه جوی فعالیت های فرهنگی، موجب بالندگی و بویائی این فعالیتها شده است. فعالیت های که بنا به خصلت خود، از شرایط ناساعدت توان میگرد و به پیش میروند.

بیکری این چنین زنده و بویا طبعاً تکلیف هر نوع حرکت و "تدبیر" در خارج از خود را که، تغییر یا تحول این بیکر را خواهد و در جهت آن کوشش کند، روشن می کند. و تنها زمانی به این حرکات و تدبیرها پاسخ مساعد میدهد که گذشتار آمادگی و مساعدت شرایط درونی و بیرونی، عملکرد این حرکت تا اصل و مساعد، و منگی بر بالندگی بیکر زنده باشد. هر تدبیریکه بدون در نظر گرفتن این شرایط و مشخصات و بویا جهت خواستهایی خارج از جهت و اراده بیکر زنده، و بی اعتنا به خصلت ها و خصوصیات های آن اعمال شود، نه تنها آن تحول و تکامل ادعایی را بدینال نخواهد داشت، بلکه ممکن است با عکس العمل معمولی از سوی بیکر زنده روبه روبرو شود.

از این گذشته، نظام دانشگاهی ما نه یک ماهیت ساده ایست، بلکه یک مجموعه بسیار پیچیده و فعال و

دانشگاهها کی باز می شود؟



از زمان سقوط رژیم پهلوی تا کنون، رویدادها و جریانهای عدهای بر دانشگاهها - و بطور کلی نظام آموزشی عالی کشور - گذشته، که بدست رنگ و بسوی "سیاسی" داشته است. این ویژگی سیاسی، در مورد دانشگاهها و رویدادها مربوط به آن، بسیار بیشتر از خصلتی سیاسی است که بهر حال هر نهاد "بزرگ" اجتماعی داراست. تا آنجا که به دانشگاهها و مسائل مربوط به آن، وزنه سیاسی قابل ملاحظه ای داده که آن را مستقیماً در کنشهای های مربوط به قدرت نزد خالت میدهد. از این رو، چاروبوسی درباره مسائل دانشگاهها، که پس از ستمت در آنها نهادگاری شده است، بصورت یک مسئله بزرگ کشور درآمده است، مستقیماً و بطور کامل یک مسئله سیاسی شده است. هر چند که ممکن است

در اظهارات مقامات رسمی، خلاف این عنوان شود. بررسی روند رویدادهای دانشگاهی، پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای بازگشتی آنها عنوان می‌شود، همه و همه از این بار عمده سیاسی حکایت می‌کند.

بدینال بازگشتی دانشجویان در دانشگاهها در ۲۳ دی ۵۷ فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در دانشگاهها بطور گسترده آغاز شد.

این فعالیتها در اغلب دانشگاهها پدیدار شد. برای شروع کلاسها نیز تمام بود، در آغاز تبدیل بهجریانی برای بازگشتی و بازسازی دانشگاهها شد. دانشجویان به همراه اعضای هیئت علمی، کارکنان و کارگران دانشگاهها، شوراها برای اداره، بازسازی و تصمیمگیری های مختلف بوجود آوردند.

اداره دانشگاهها به شوهرتواری موفقیت‌های بسیاری در بر داشت. در این حال بازگشتی دانشگاهها از عناصر سرسپرد رژیم گذشته، اعضای ساواک و... فاعله صورت گرفت.

اما این وضع با توجه به اینکه فعالیت‌های آزاد گروههای سیاسی را نیز شامل می‌شد، با مخالفت‌های شدید و درگیریهای روبرو شد. و مسئله طغیانی از این فعالیت‌ها پیش آمد. در هفته آخر فروردین ۵۹ بعد از دختری حجاب‌آلزام رفسنجانی در دانشگاه تبریز، دانشجویان انجمن اسلامی ساختمان مرکزی را اشغال و اعلام کردند که تا تکمیل انقلاب فرهنگی و بازسازی در همه سطوح، این مرکز را ترک نخواهند کرد. روزنامه صبح آزادگان در ۲۸/۱/۵۹ نوشت:

دانشجویان مسلمان اخلاکگران را از دانشگاهها خارج کردند...

حجاب‌آلزام خامنه‌ای، امام جمعه تهران نیز ۲۵ فروردین گفته بود: " برای تبدیل فرهنگنا به یک فرهنگ مستقل و قراردادن دانشگاهها در مسیر انقلاب، به نظر من کمالا لازم است دانشگاهها به وسیله خود دانشجویان مدیریت شود. کنگست به تصفیه و تنهید و ترکبناش پدیدهی اندیشه شود" حجاب‌آلزام با هنر در روز ۲۳/۱/۵۹ در مصاحبه‌ای با جمهوری اسلامی اظهار داشت:

دانشگاهها ما هنوز نتوانستند در برابر مریضی و سرسوزی دگرگونی مناسب با انقلاب و فرهنگ انقلاب اسلامی انجام دهند و ضرورت دارد که یک دگرگونی اساسی در دانشگاهها ما بوجود آید. ولی به عقیده من اینکه مدتی این دانشگاهها منطبق باشند.

"انقلاب فرهنگی که روزمهای آن بدینگونه آغاز شده بومیان از تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز، به سرعت و بطور یکدست به مدرسه عالی ارگ، دانشگاه مشهد، دانشگاه علم و صنعت تهران، دانشگاه اهواز، تربیت معلم، مدرسه عالی ترجمه کشیدند و در جریان برخورد های شدید که صورت گرفت ۱۲ شهریور

گرفت چند نفر کشته شدند.

در همین روزها شورای انقلاب، طی بیانیه‌ای دستور تعطیل دفاتر صفتی - سیاسی گروههای دانشجویی را صادر کرد. در این بیانیه که هنوز در آن زمان انقلاب فرهنگی به طور واضح نامی برده نشده بود به گروههای سیاسی جعلی برای بستن دفاترناشان داده شده بود. پس از یک رفته درگیریهای خونین که به بستن دفاتر گروههای سیاسی منتهی شد، فعالیت دانشگاهها آغاز و اعلام شد که دانشگاهها ناپایان ترم، برای سوری کردن دوره درسی باز خواهند بود و از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ به مدت نامعلومی بسته خواهند ماند.

سیمناز قم

قبل از تعطیل دانشگاهها سیمناز سه روزهای درم به نام "حوزه، دانشگاه، انقلاب فرهنگی" تشکیل شد. در فطنامه این سیمناز که در مطبوعات روز ۵۹/۳/۲۴ نچاب رسیده‌اند: "... باسد در دانشگاههای کشور انقلاب اسلامی ایجاد شود و فرهنگ سرا با طوقی روایسته به عرب کمالا از بین برود و تغییرات بنیادی در نظام و کیفیت آموزشی چه به لحاظ شیوه تعلیم و چه لحاظ محتوای دروس و چه به لحاظ گزینش استاد و دانشجو انجام گیرد"

تا پیاده شدن ازشرایق فرهنگی اسلامی در رابطه با نظام آموزشی دانشگاهی لازم است که دانشگاهها تعطیل بوده و هرگونه زمینه‌سازی و برقراری کنکور قبل از تهیه شدن طرح آموزشی اسلامی از نظر ما نامحقق آریمان‌های فوق می‌باشد.

پس از بستن دانشگاهها در تاریخ ۱۵ خرداد فرغان امام خمینی ۷ تن به عنوان اعضای ستاد انقلاب فرهنگی برگزیده شدند که عبارتند از: دکتر محمد حواد باهنر، مهدی پاریانی ملتی، حسن حبیبی عبدالرحمن سروش، شمس‌الاحمد، جلال‌الدین فارسی و علی نوریتمداری. در فرمان امام مناسبت اینست انتصاب اعداست:

"... به این افراد مسوولیت داده میشود تا سادگی تشکیل دهند و از افراد صاحب نظر معتمدان بین انانند مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر فزهای تحصیل کرده و مومن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامی ریزی رشتههای مختلف حطیستی فرهنگی آینده دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب اساتید شایسته و معتمدو آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند..."

ستاد انقلاب فرهنگی در کنار دانشگاههای بسته آغاز کار کرد. در حالیکه بنظر مریسد که درباره مابوریت خود و حینه های متعدد و پیچیده آن،



حقی برای اسلامی کردن دانشگاهها نقطه نظر و برنامه شخصی ندارد. این ایمان نظری، که طیها در زمینه عملی نیز به چشم می‌خورد، از همان آغاز کار ما امکان باعبارت و علم از امارات مطبقه شود. ... اردبیهست خود در دانشگاه، چند ساعتی پس از گروههای سیاسی خونین مرکز آموزشی تهران، باکارتی حاکمیت استادی از بسته شدن آن نتیجه‌آورد کرده بود. اظهارات رئیس جمیوری در آن روز، بهترین مثال بر این واقعیت بود که مهم ترین جنبه ساله دانشگاه، بعد سیاسی آن است که دیگر مسائل دانشگاه را تحت الشعاع قرار میدهد. ادامه همین برداشت است که صوبیسیست، روزنامه جمهوری اسلامی در شهریور در تاریخ ۱۵/۱۰/۵۹، فعالیت سیاسی دانشجویان را یکی از عمده ترین دلایل تعطیلی دانشگاهها ذکر کرد.

تکلیفات سازمان انقلاب فرهنگی

شورای انقلاب فرهنگی پس از انتصاب کار خود را با تصمیم وظایف آغاز کرد.

در آغاز کار "ستاد صحت نیروی دانشگاهها" بوجود آمد. وظیفه این جلب نبرهای فریادانسانها بود. مدتی بعد "جبهه دانشگاهی" ایجاد شد که ابتدا ستاد مرکزی جبهه دانشگاهی و سپس کشته های خود را در هر دانشگاه تشکیل داد. این کشتهها در هر دانشگاه از یک استاد، یک دانشجو و یک کارمند تشکیل شد.

در اغلب دانشگاهها، استاد عضو "جبهه دانشگاهی" ریاست دانشگاه را نیز به عهده دارد.

علاوه بر "جبهه" شورای انقلاب فرهنگی کمیتهای نیز به عنوان کمیته تالیف و ترجمه کتاب دارد که در وزارت فرهنگ مستقر است.

تصمیمات نهایی "ستاد انقلاب فرهنگی" بامدر ابتدا به دولت و سپس به مجلس داده شود تا در صورت تصدیق توسط اجرائی پیدا کند.

جبهه دانشگاهی برای نگارگرفتن تخصص دانشگاهی در رابطه با نیازهای جامعه تشکیل کردید. گفته میشود که طراح آن جلال‌الدین فارسی اعضای ستاد انقلاب فرهنگی است. به گفته مسوولان از جمله تالیف این کتابها با فعالیت آن مراکز در طول انتخابات است. در آن ملی بیرونی مشخص و بارز است که به شخصی آنان نیاز دارند. تا اینجانبان سازماندهی در زمینه های مختلف استفاده و از زبان شای انزبطنی دانشگاهها کشته شود.

جبهه دانشگاهی که در هر دانشگاه مستقر است، زیر نظر ستقیم جبهه مرکزی دانشگاهها کار می‌کند.

به کارهای روزانه به علت حجم فراوان رسیدن به چنین هدفی مشکل و شاید غیرممکن بود.

اما در حال حاضر وقت کار اغلب دانشگاهها از ۸ صبح تا دو بعد از ظهر به ۷ تا تبدیل شده و تعطیل بجمعهها نیز برای حکمتی با باقی وزارتخانه ها، از این رفته است که این خود یکی از نشانههای تمرکز کار جبهه در زمینههای "اداری" است.

از دانشجویان نیز استفاده چندانی نمی‌شود. مثلا چندین پیش‌گروهی از دانشجویان کار و احسانها طی نامهای که در روزنامه انقلاب اسلامی نچاب ارسال گزاشش دادند که همراه با قبول سوولیت انجام آن، تهیه شده بود. اما این طرح بطلنکسود

در حال حاضر علاوه بر کارهای شب معتمر ادارات حکتی (دانشگاه علم و صنعت)، ساختن و ساتی برای صنایع (دانشگاه صنعتی) ساختن بعضی از داروهای اولیه مثل اسپرین، رسیده است و دامپا و رفته‌ها کناوری و غیره، فعالیت عمده جبهه به داخل دانشگاهها محدود می‌شود که نتیجه آن تضعیفات متعدد، اقدام بکار آموزشی، صدور احکام مابوریت برای اساتدان و دیگر فعالیت‌های اداری آریانگونه است.

بکنه سیمناز از اساتدان جبهه دانشگاهها تنها بخش کوچکی از نیروی فعال دانشگاهها را نگار می‌کردند از باقی نیروهای موجود در دانشگاهها استفاده نمی‌کنند. چنانکه در اغلب رشته ها کار چندانی صورت نگرفته و تا آنجا که از گزارشهای مطبوعات بر می‌آید هنوز حتی یک تحقیق و یا یک کتاب تازه در مورد دانشگاهها تهیه نشده است مگر در بعضی رشتههای فنی و یا در بعضی های مثل دارو سازی و شیمی که نتایج آن صرفا ناشی از فعالیت خود گروههای دانشگاهی است و در واقع نیازمندی و فعالیت این گروهها از سابق این نناج را به بار آورده است.

دکتر عباس انوری، رئیس دانشگاه صنعتی تبریز و مسوول جبهه دانشگاهی این دانشگاه میگوید: "جبهه دانشگاهی برای حاکمیت در دانشگاهها به وجود نیامده بلکه هدفش یک بل صناع ملکت و دانشگاه، از دانشگاه است و می بر آن بوده تا نیازهای جامعه را به دانشگاه برده و در مقابل تخصص و بتاسیل آموزشی دانشگاه را به مردم آریاندهد." وی در مورد فعالیت گروههای دانشجویی در دانشگاهها می‌گوید: "... این امر موجب شد تا دانشجویان متعهد و مومن به سراسر کشور و در دسترس دانشگاهها و کارخانجات گسیل شوند و در نهادهای انقلابی خدمت کنند و معظور اساتید در کنار آنها مشغول شوند و از این راه در حقیقت باید انقلاب را در صناع پیاده کرد."

به گفته او "... تعطیل دانشگاهها باعث شد که دانشگاهیان برای برابری آزادی باشند و سوا مطالعه و تحقیق دست به تهیه هرچه برابری طرحهای ضروری و لازم برزند چون در صورت انتقال

در آغاز کار ستاد انقلاب فرهنگی، برنشنامه های بین اعضای هیئت علمی دانشگاهها بحث تشکیل و از آن خواسته شده بود علاوه بر دیگر نویسندگان، در تهران و خمسات خود، نوع همکاری خود با ستاد انقلاب فرهنگی را مشخص کنند. اغلب اساتدان برای همکاری در زمینه ترجمه و تالیف کتاب اعلام آمادگی کرده بودند. همچنین عده‌ای به تحقیق و گروهی نیز به انتظال به آموزشی و بورش اظهار علاقه کرده بودند. گفته میشود که اغلب احکام صادره برای اساتدان بر طبق این برنشنامه ها صادر شده.

مخالله بود جوادی، سرپرست کشته ترجمه و تالیف کتاب در این مورد گفت (۵۹/۷/۲۷) - روزنامه کیهان) : " تاکنون حدود ۹۲۰۰ نفر از اساتدان دانشگاهی با ارسال برنشنامه اعلام همکاری کرده‌اند که از این تعداد حدود ۸ هزار نفر مایل به ترجمه و تالیف کتاب هستند که با توجه به احتیاجات نایف کتابداری غیر از این عده را می‌توان جذب کرد."

البته در حال حاضر هیچ‌کسانی برای دانشگاهها رایج نمی‌شود و به گفته بود جوادی (۵۹/۸/۱۴) - روزنامه کیهان) :

" از همه جایخانه های دانشگاهها خواسته شده تا برای چاپ کتابهای جدید هیچگونه فرآزادی منعقد نکنند و از چاپ کتاب فلا خوداری نمایند."

یکی از بخشهای مهم کار ستاد انقلاب فرهنگی تهیه کتاب جدید، با تجدید نظر در برخی کتابها است. با توجه به اینکه چگونگی اعمال تصمیمات در محتوای کتابهای علمی، بخصوص در رشته های گروه پزشکی با فنی چندان روش بنظر نرسید. محمد رجایی نخست وزیر در این باره گفته است (۵۹/۹/۱۳) - کیهان) : "... بهترین قسمت کار این ستاد بخش تالیف و ترجمه است که در عمل خواهد آمد و در آینده نزدیک منجاوز از هزار جلد کتاب بمرت ترجمه و تالیف تحویل جامعه علمی و احتیاجی ما خواهد شد."

این کمیته برای ترجمه و تالیف کتاب ۲۰ صفحه ترجمه با نوشته‌های کتاب پیشنهادی را بررسی می‌کند و در صورت تایید شخص تهیه کننده، و مجاز به آماده کار خواهد بود. اما هیچ فعالیت برای کنترل بعدی یا تعیین اصالت علمی کتاب موجود نیست.

بیماری دانشجویان

یکی از نکات بارز این بیماری در ستاد انقلاب فرهنگی همواره بدست مطرح خواهد بود مسئله

بیماری وساردگی بر خود اعظم دانشجویان کشور است که درموردش هیچگونه خبری ۲۰۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این دانشجویان، در حدود ۱۴ هزار دانشجو در خارج از کشور داریم. ... گروهی از آنان بدینال خود به خارج رفته‌اند و بغیر از صابط محدودیت رشته های قبول قبول تابع دیگری برقرار نمانده‌اند. یک کشور مهم فریاده این گروه است که آنان سلسله مشول ضابطه که بوسله آنان در کشورهای خارجی در داخل کشور تعیین می‌شود، نتوانند بود. با توجه به اینکه اغلب آنان در کشورهای غربی و زیر سلطه نظام آموزشی آنها تحصیل می‌کنند.

اما سلسله دانشجویان داخل کشور، از این نیز بترجیح است. تعیین ضابطه برای دانشجویی که حداقل دیوال از درسی خود را گذرانده برای انقلاب فرهنگی کار چندانی آسانی نخواهد بود. با توجه به اینکه هر بیانی که تهیه شود طبعا برای آینده است و نوع تطابق آن در مورد دانشجویان موجود شخصی نیست.

در ضرورت ده‌ها هزار نیروی جوان اکنون بیکارند که سرشود آنان یکی از بهترین سئوال‌های مربوط به وضع موجود دانشگاههاست. در کنار سئوال های دیگری از این قیل کتاب می‌توان با باز بودن دانشگاهها نواض موجود را برطرف کرد؟ آیا ضرورت دارد بسته بودن دانشگاهها بیرونی علمی خود را از دست بدهد داد؟ آیا هزاران باریون دانشگاهی می‌توان حیطان آن را اصلاحی کرد؟ آیا هنگامی که دانشگاهها بار خود مشکلات از بین خواهد رفت؟ و بالاخره این سئوال اساسی که دانشگاهها یکی باز می‌شود؟

یکی دیگر از سائلی که از قبل نیز مطرح بوده و اکنون بعد نازمی بافته است، کمبود کادر آموزشی دانشگاههاست. اساتدان رسمی دانشگاهها تا قبل از بهمن ۵۷ شش‌هزار نفر بودند که از این عده تعدادی تصفیه و یا باز شسته و بازرخبره نشده‌اند. عده‌ای قابل ملاحظه نیز بود تصفیه عقیدتی قرار گرفتند. عده‌ای نیز تا قبل از جنگ به خارج از کشور رفته‌اند که رقم آنان با حداقلی در حدود ۷۵۰ نفر برسد. با توجه به تعداد ۳۰۰ هزار نفری دانشجویان تعداد اساتدان باقی‌مانده بسیار کم است که در نتیجه تربیت اساتاد را یکی از بزرگترین مسائل نظام آموزشی عالی می‌کند. در حالیکه هنوز هیچ برنامه و ضابطی برای حل این مشکل از سوی ستاد انقلاب فرهنگی آرایه نشده است.

پاکسازی

پاکسازی دانشگاه از عناصر فاسد و بسته انسانی، کارآمدی و کارگری انجام شد. این مصحفی که در آغاز بر روی مکتوب و بسته افراد انجام می‌گرفت بعدها به صورت عملی نیز درآمد. پاکسازی که تا تاریخ ۶ شهریور طبق مصوبه شورای انقلاب قانونی بود، هنوز ادامه دارد. درحالی‌که لایحه پاکسازی هنوز به تصویب مجلس نرسیده است و بسته دکتر سروش یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (۵۹/۶/۲۴)؛ لایحه پاکسازی مصوبه شورای انقلاب تا تاریخ ۶ شهریور اعتبار داشته و پاکسازی های بعد از این تاریخ فاقد اعتبار قانونی است. اما تعداد ایگورنه پاکسازی ها بسیار بوده که نامه های اعتراضی استادان نسبت به آن را هر چند بیکار در روزنامه ها می خوانیم.

دکتر باهر درصاحبهای (آذر ۵۹ - انقلاب اسلامی) گفت: مسئله پاکسازی معضلی مسئله روز است. برابری انصاف انسانیه که افراد صالح بودند و مورد پاکسازی قرار گرفتند و با لکنش دریافتند امید دارم جریان منصفی باشد.

دکتر سروش (۵۹/۴/۲۳) گفت: ما تصمیم براین روال نیستیم که کسی چه اندیشه ای دارد بلکه چه کسی با این اندیشه دارد خوشی می کند و دارد یک اهداف دیگری نگاه می‌گردد. تصمیمان براین منوال است که کسی صد انقلاب است یا نه؟ تصمیم دراین جهت است که سوابق گذشته اینجا چه نشان می دهد.

عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی

ستاد انقلاب فرهنگی هنوز گزارش مستندی از کار خود را ارائه نکرده است. مسافه یکی از نمایندگان مجلس در روز ۳۳ دیماه، در مجلس خواستار ارائه گزارشی کار ستاد شد. از مصوبه گزارشی ستاد انتشار چند طرح درباره آموزش پزشکی، فنی و کشاورزی و ادغام چند دانشگاه و توسعه آموزش عالی است. گفته میشود که پس از تعیین تکلیف دانشگاهها نظر ادغام و مدیریت و کتاب و دیگر ضوابط، دانشگاه ها بصورت تک تک گشوده میشوند.

به گفته نخستوزیر (۵۹/۹/۱۳ - کیهان) : هر یک از رشته های تحصیلی دانشگاهی که برنامه درسی جدید آنها مشخص شود شروع کار کرده و احتمالاً دانشگاه پزشکی روزی از سه ماه آینده آغاز کار می کند. و همچنین " هر یک از

بخشهای تحصیلی دانشگاهی که تکلیف آنها روشن شود دانشکده آن شروع کار خواهد کرد."

به گفته دکتر با هنر (جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲۵) : "شورای ستاد در چند رشته نوسانه برنامه ریزی گسترده ای را به منظور دگرگون ساختن نظام آینده دانشگاهی انجام دهد. یکی در زمینه پزشکی - دیگری در زمینه امور فنی سوم در مورد کشاورزی چهارم درباره تربیت معلم و پنجم کمیته های علوم انسانی " . وی اضافه کرد " تا زمانی که نظام فعال و پرمحتوا و متناسب با جمهوری اسلامی در دانشگاهها پیاده نشود وجود شورای فرهنگی ضرورت دارد و زمانی که دانشگاههای پرمحتوا و متناسب با نظام موجود بوجود آید . وظیفه این ستاد به یک شورای عالی که در درون دانشگاهها بوجود خواهد آمد تحول میشود تا برای همیشه حافظ آن نظام و تصمیم گیرنده در مسائل اسلامی باشد . انتظاری که از ستاد انقلاب فرهنگی وجود داشته تاکنون برآورده نشده که علاوه بر مشکلات مسئولیت های متعدد اعضای شورا ، کار رفتن دوعضو آن (آل احمد و حبیبی بطور غیررسمی) و همچنین ناهماهنگی موسسات کنتر درآن نیز بوده است . البته طبق مصوبه شورا ، وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی یعنی دکتر عارفی نیز با تصویب مجلس مینواید عضو ای شورا باشد .

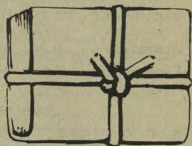
از جمله کارهای انجام شده انقلاب فرهنگی اقدام ۵۵ نوسه و دانشکده در شی گروزه است . این طرح که از جانب دکتر بریمنداری داده شده ، مراحل اجرایی را می‌گذراند . طبق این برنامه ۱۱ مدرسه عالی در گروه علوم اداری و بازرگانی انجام شده اند که از بین آنها مدرسه عالی جهانداری منحل شده است .

دکتر الهی سربست این گروه می‌گوید (۵۹/۹/۲۹ - کیهان) : ... اقدام این مدارس فقط در عرض ۵ تا ۶ هفته با فعالیت و همکاری فوالتاده جهاد دانشگاهی انجام گرفت و در حال حاضر لوازم و امکانات برآورد نیز با نظارت جهاد در اختیار نصاب های انقلابی مانند جهاد سازندگی و سپاه پاسداران قرار داده شده است .

درواج سؤالات بسیاری که در زمینه های کار انقلاب فرهنگی برای بعضی از اعضای آن مطرح کردیم . دکتر بریمنداری معتقد بود که کار شورا یک روزه ، دوازده سبت ، خبریاری نیست و جز آنچه در روزنامه ها چاپ میشود مطالب دیگری نمیتوان عنوان کرد .

دکتر عبدالکریم سروش که زمانی سخنگوی ستاد انقلاب فرهنگی بود با اظهار دانشکده فلا جنس مقامی ندارد .

اما استادان دانشگاه های مختلف ، نظریات مختلفی درباره انقلاب فرهنگی ابراز دانشند که می‌توان بدین شرح خلاصه کرد :
- بازرگانی دانشگاهها در جهت ازین بردن خطرات تسلط فرهنگی و ایجاد فرصت بحث و بررسی های علمی .
- تعیین ضوابط علمی و تربیت در مورد پاکسازی .
- پاکسازی وابستگان رژیم گذشته و نه پاکسازی عقیدتی .
- تأسیس شغلی .
- ادغام ستاد با کار و تفریح و کار علمی مخصوصا در رشته های فنی .



طرح هایی برای تحول نظام دانشگاهی

در حالی که تعطیل دانشگاههای کشور ادامه دارد ، بحث درباره جگویی بازرگانی هر چه سریع تر آنها ، و راههای اعمال تحولی در آنها بصورت برآورد نیاز های کشور ادامه دارد . در کار بعضی طرحهای " ستاد انقلاب فرهنگی " ، طرحهای متعددی نیز از سوی دانشگاهیان ارائه شده که هدف همه آنها انجام تغییراتی اساسی در نظام دانشگاهی است ، هر چند که دیدگاهها و شیوه های پیشنهادی آنها گاه بدست متفاوت است . آنچه در زیر می‌آید ، چکیده ای از چند نمونه برگزیده از این طرحهاست .

رئوس کلی چند طرح پیشنهادی

- محورها = عد امپریالیستی - صد استثنای (وحدت)
- الف - شورایی کردن اداره مدارس عالی و دانشگاهها - شورای دانشگاه - شورای دانشکده ها - شورای مدارس عالی ب - وظایف : (استقلال دانشگاهها - عدم دخالت قضائی انتظامی)
- استقلال سکر انقلاب است :
- ۱ - رعایت آزادیهای دکتراکت - ۲ - لزوم آموزش سیاسی - ایدئولوژیک - نظمی ۳ - تلاش جهت بالابردن فعالیت های جمعی (فوق برنامه) - ۴ - برگزاری بحث ها - سمینارها - کلاسهای آزاد برای مردم - ۵ - تصفیه عناصر ضد انقلابی (وابسته به رژیم گذشته - ساواک ...)
- دانشگاه به سمت مدرسی شدن بشی رود :
- الف - راهبانی فرزندان زحمتکشان به دانشگاهها . ب - ناسین هرینه زندگی و مسکن دانشجویان

طرح تربیت مدرسین متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی برای دانشگاهها و مدارس عالی

این طرح که گویا از طرف جهاد مرکزی دانشگاهها ارائه شده برای تربیت افراد لیسانس و بالاتر است . مقدمه : ... اکنون اکثریت قریب به اتفاق کار علمی دانشگاهها به لحاظ اخلاقی و ضوابط شرع مقدس اسلام صالح و جامع شرایط نیستند که مغزهای جوانان مملکت به دستشان سپرده شود تا هر دسته بنا به ذوق و سلیقه خود گروهی را به مسیر خود بکشاند و آن شونده امام فرد " دانشگاههای بحای سازندگی و تهدیب افکار در تخریب آن کوشیده اند ...

- این طرح بطور همزمان دو هدف کوتاه و بلند مدت را دنبال می کند .
الف : تربیت علمی و ایدئولوژیک گروهی سلمان متعهد به انقلاب که توانایی و کشت لازم را جهت ادامه کار داشته باشند برای تدریس در دروس پایه در نظام جدید دانشگاهها .
ب : تدویم و بگیری برای بستمگیری از از یاد فاضله علمی و تکنیکی که از براکز طراز اول دنیا داریم . این طرح می‌تواند در دراز مدت ایمان ، تقوا و ایثار را با علم و تخصص بجا جمع آورد .
- این طرح در مرحله اجرا می‌تواند ۲۰۰ نفر در ۱۵ رشته را دربرگیرد . عده کم برای بالا رفتن کیفیت و کنترل خطر حرکتی آنها که آسانتر از کنترل دانشگاههاست .

- متخصص طرح :
- این طرح فعلا برای رشته های فنی و علوم نظری است :
- استفاده از افراد بوجود در دانشگاهها (مناسبترین استادان از لحاظ اسلامی ، ایمان و تعهد) .
- به تعداد ۷ نفر برای هر رشته .
- انتخاب دانشجویان با ایمان و متعهد که بتواند زودرود کیفیت کار آموزش تسل آتی دانشگاهی خواب نمود . این افراد باید بدور از هرگونه انحراف فر مکتب باشند .
- نحوه آموزش :
- سعی در تربیت دانشجویانی که به همراه مطالب علمی در سطح قابل قبول ، اسلامی نیز باشند تا علم و دانش فرآیند با تعهد و ایمان ترکیب شود .
- آموزش علوم جدید و فرکار آن علوم اسلامی .
- استفاده از اساتید علوم اسلامی (در رشته های فلسفه ، کلام ، اصول ، حدیث) در کار دروس مختلف نظری .
- بکار بردن یک استاد دائم علوم اسلامی در هر رشته .
- جگویی کار گروه :
- تشکیل هسته های بنفست استاد و دانشجو خارج از ضوابط اداری و رسمی مانند حوزه های علمیه . در کنار آنها یک استاد علوم اسلامی هم باید باشد .
- ایجاد ارتباط با هسته ها و حوزه های علمیه .
- تدریس علوم نظری در حوزه های علمیه

- امکانات مورد نیاز
- استفاده از آریاستگاهها و کارگاههای دانشگاهها و در کنار آن واحد های صنایع نظامی ، دواب آهن ، ماشین سازی نیرو و اراک .
- استادان اغلب از کادر علمی دانشگاهها هستند .

- واحد شرایط : خ - ورزش رایگان .
- برانگه شدن دانشگاهها در نقاط مختلف کشور بر حسب احتیاج :
- امکان استفاده نوده مردم از دانشگاه - تعیین کلاسهای نیم وقت - کار دانشجویان در میان مردم
- باید با توجه به ویژگی های کشور باشد و نیازهای مردمی را بطرف کند .
- برنامه دانشگاهها باید متناسب با نیاز های اجتماعی کشور باشد :

کوتاه کردن دوران تحصیل (پزشکی) - حذف رشته های زائد - حل تضاد بین تحصیل و کار - رابطه میان دانشجویان با محیط های فنی و بهداشتی و دارویی - کارآموزی ضمن تحصیل - تعیین محتوای دروس - ادغام واحد های آموزشی غیر لازم و برانگه - حذف روابط بوروکراتیک در دانشگاهها - تغییر سیستم آموزشی - انتصاب اساتید توسط دانشجو - حذف امتحانات تنگنای و اداری و تکیه بر صلاحیت .

طرحی برای رشته راه و ساختمان

این طرح توسط یکی از استادان دانشگاه پلی تکنیک تهران ارائه شده است . (این طرح با توجه به احتیاج مردم به مسکن با حداقل امکانات اولیه ، با بهره گیری از کسانیک است که حداقل بتوانند مسوئیت خانه های ساخته شده خصوصا در نقاط زلزله خیز را تا اندازه ای محاسبه کنند . و بتوان از تخصص آنان برای ساختن کانال - آبریزها نیز به های کوشی برای کشاورزی استفاده کرد)
نابسند مدرسی فنی : برای ازین بردن فاضله کار فکری ویدی - برای ازین بردن فاضله میان مهندسی و کارگر ساختمانی - برای تربیت تکنیسین برای کارآموزی نمایان ، معماران ، آهنگران و ... که با کار ساختمانی در ارتباطند . و دوری کارآفرینان از ساز و بگری .
با توجه به تمام مسائل ، چهار نوع آموزش در این رشته مورد نیاز است .
الف : دوره های کوتاه مدت برای تکنیسینها . این دوره ها با توجه به سواد عمومی افراد مورد نیاز ۶ ماه تا یکسال خواهد بود و محتوای آن عمدتا " فقه خوانی و نقش برداری ، اصول کلی انسانی و شناخت ملاتپها و ترکیب آنهاست .
ب : دوره هایی برای تربیت تکنیسین درجه ۲ . این افراد باید از سواد عمومی بیشتری نسبت به گروه بالا برخوردار باشند . از بین افراد کلی که ۹ سال اول تحصیل را تمام کرده اند انتخاب میشوند . مدت دوره دیوال است که شامل موارد زیر می‌تود :

- ۶ - ماه تحصیل علوم ابتدایی (مختصری از اسانیک - مقاومت مصالح - نقش برداری ...)
- ۶ - ماه کار در کارگاه در سطح پایین .
- ۶ - ماه تحصیل علوم تخصصی (نظری - بنومی - راه سازی) .
- ۳ - ماه کار در کارگاه در سطح بالاتر .
- ۳ - ماه تحصیل و فراآموزی علوم تخصصی (پروژه ها)
- ج : مدارس حرفه ای تکنیسین درجه ۱ . این افراد ۱۲ سال تحصیل ابتدایی را باید تمام کرده باشند و در مدارس منطقه ای به همان شکل که در بند ب داده شده (کار و تحصیل بطور متناوب) ولی در سطح بالاتر کار کنند .
- د : دانشگاه های مهندسی راه و ساختمان . این دوره چهارساله خواهد بود ، معاین تربیت : یک سال تحصیل عمومی - نشانه کار درواحد های تولیدی در سطح ابتدایی - یکسال تحصیل در دانشگاه برای دروس سنسنا تخصصی - نشانه کار مجدد در واحد های تولیدی یا محیط مربوط به راه و ساختمان - یکسال آخر تحصیل در دانشگاه برای آخرین دروس تخصصی و پروژه ها .

— کنگ هزینه برای دانشجویان به مبلغ ۲/۵ تا ۳ هزار تومان . البته در مقابل این کنگ می‌توانند در دبیرستانها درس بدهند .
 — یک یا دو نفر کادر اداری .
 زبان لازم :
 برای فوق لیسانس ۱/۵ سال که با این احتساب هنگام بازگشتی دانشگاه حاصل کار این گروهها به ندر خواهد نشست .

طرحی برای مجموعه آموزشی سراسری

در این طرح کشور به چند منطقه (استان) تقسیم شده که در مرکز آنها یک مجموعه دانشگاهی سفر می‌نود . هر کدام از این مجموعه ها با یک سلسله ایستگاه در شهرها — شهرستانها یا در سطح واحدی از چند دهکده در ارتباط خواهند بود .

دانشگاه مرکز استان

ایستگاه در مجموعه چند دهکده

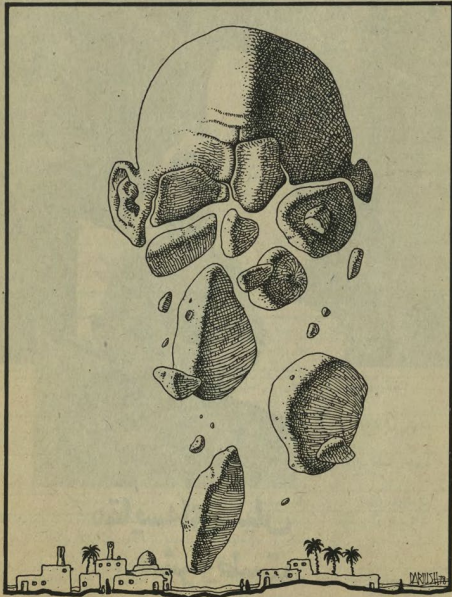
توده مردم — توده روسایی و تولید ، تولید کشاورزی است . این ایستگاه مشکل است از :
 ۱ — بحث فنی — کشاورزی و دامپروزی
 ۲ — بحث پزشکی ، درمانی و بهداشتی
 ۳ — بحث فرهنگی ، اجتماعی
 عملکرد این ایستگاه در سه بخش خلاصه میشود :
 ۱ — رفع احتیاجات روستائیان (فنی — کشاورزی — دامپروزی — پزشکی و بهداشت — فرهنگی و اجتماعی)
 ۲ — آموزش : استفاده از روستائیان و دادن ۱ تا ۳ سال آموزش به آنان که از مهاجرت آنان جلوگیری خواهد کرد .
 ۳ — جمع آوری اطلاعات : بهترین آمار در مورد شناخت فرهنگی و امکانات تولید منطقه بدست خواهد آمد .

نماهای ایستگاه روسایی

الف : تأمین کادر علمی (استفاده از دانشجویان سال آخر برای تدریس و دبیران) که اگر محلی باشند بهتر است .
 ب — کادر اداری از محل تأمین خواهد شد .
 ج — تأمین ناسمات : در یک دهکده یا شهرک که در مرکز دهکده های دیگری قرار دارد .
 درگزینش دانشجویان :
 این دانشجویان باید از مراکز تولیدی یا تعاونیهای روستایی انتخاب شوند .

۱ — این دانشگاه برای پرورش کادر مورد لزوم برای ایستگاهها ، دبیرستانها ، کارخانه ها و

دبیرستانها کار می‌کند .
 ۲ — این دانشگاه دارای مرکز اطلاعات و آمار است .
 — برنامه نالا محتاج یک سوادآموزی اجباری است .
 — در برنامه نالا اسناد (درگروانه مدت) ایستگاهها تأسیس شده و سپس گسترش کامل می‌یابند .
 حتی می‌توانند قبل از دانشگاه مرکز ایجاد شوند .



ارائه دهم) . اما مهمترین وجه اشتراک دو نهضت : دخالت مستقیم توده ها ، نقش زنان ، شعارهای مخالفان ، سرخوش مستبدان دو انقلاب ، شعارها و ...
 و همین ها باعث شده که به ۷۰ سال قبل بازگردیم و دو نهضت را در کنار یکدیگر مقایسه کنیم .
 این را نیز بگوئیم که متأسفانه درباره تاریخ مشروطه تحقیقات درخوری شده است و هنوز نقاط کنگ و انبساط بسیاری درباره آن وجود دارد .
 اگر چه دانشمندان شوروی در رسه تاریخ ایران و بویژه تاریخ مشروطه کارهای بسیاری کرده اند که البته انحرافات نیز دارد سوجه دردناک است برای ملتی که تاریخش را ملتی دیگر بنویسند ، تواریخ که در بسیاری از جاها ، مانده داده های آن را با احتیاط خواند . و این حداقل هشدار می‌تواند باشد برای ملت عزیز ما ، با این امید که کسانی چون زین العابدین برافعی ، باظلالام کرمانی و کسروی باشند که بدون تعصب طرفدار ، گروهی و سازشی به تاریخ همین ماه بپردازند .
 در این بررسی مختصر از دو کتاب تاریخ بیداری ایرانیان و تاریخ مشروطه کسروی بیشتر سود جستیم (علیرغم بعضی اشتباهات که تاریخ — آنها را تصحیح کرده است) و گذشته از منابع مکتوب ، شاید بتوان گفت که بزرگترین منبع ما ، بویژه درباره همین ماه خود توده ها بوده است .

سازخان در تبریز در کنار هزاران تن از کنگام و با تکیه توده ها را مجبور می‌کند تا لوله تفنگها را به سوی سربازان اعزامی عبداللوه نشانه روند دوسل بعد ، مردم کوچک و بزرگ به یادگانی می‌رویند ، خود را سازمان می‌دهند ، به سوی کلاشتری ها ، زامبو و تلوپوین و نقاط دیگر پویش می‌روند و با کونکل بولونف ناک ها را از کار می‌اندازند .

بدران با دست از کار می‌توانند ، بجای کار روزانه ، به بست نشینی و حصص می‌پردازند . به ساجد و نگار بایره برافه — بویژه ناهاراد عبدالعظیم — می‌روند .

... و سالها پس از آن ، ۷۰ سال بعد ، کارگران نفت ، کارخانه ها ، بخاربات ، بازار ، مطبوعات و ... در کنار تمامی ملت به اعتصابی یکپارچه و مستمر می‌پردازند . همه نام "خمینی" را فریاد می‌کنند .

تبریزیان کار قام را به پیش می‌برند و در راس آنها سازخان ، دلاور محله امیرخیز ... و پس از پیروزی کمان دیگر و واسنه ، میوه " انقلاب " را می‌چینند و سالها بعد که ...

براستی که دو نهضت مردمی مشروطه و همین وجه اشتراک و نیز افتراق بسیاری دارند (بی آن که بخواهیم تحلیلی از این دو انقلاب

رویدادها و مراحل نهضت	مشروطیت (۱۲۸۵)	بهمن ۱۳۵۷
دشمن اصلی خارجی انقلابیون	روسیه سزاری	امریکا
زمینه انقلاب	فقر و ناسامانی — واقعه زری	فقر و ناسامانی — سلطه امپریالیسم
عامل انفجار توده ها	(استعمار) — دیکتاتوری	(کودتای ۲۸ مرداد) — دیکتاتوری
چگونگی روابط تولیدی	شلاق زدن دین از سادات و وقت	چاپ عقابهای متدلل علیه امام خمینی
شهرهای عمده در انقلاب	تهران — تبریز — رشت	در ۱۷ ماه ۱۳۵۶
چگونگی پیروزی	تفنگهای موروزوری ملی	سرمایه‌داری واسنه
انواع دیگر مبارزه غیراز مبارزه مسلحانه	تهران — تبریز — رشت	قم — تهران — تبریز — مشهد — اصفهان و کمابیش همه شهرهای کشور
موضع روحانیون مخالفان انقلاب	تفنگداران مشروطه را با سی	تفنگداران مشروطه را با سی
دخالت مردم شهر و روستا	بست نشینی و حصص در ساجد و برافه و سفارخانه انگلیسی — اعتصاب بازار	سواکی و از آبادی شاه بودند — قانون اساسی رژیم را قبول داشتند
	تهنری — ایلسانی	عقدتای "تهنری"



مقایسه‌ای میان
 مشروطیت
 و بهمن ۵۷

شود . سال گذشته امام خمینی در پیام ۲۶ آبان گفت : " اسلام بزگرم نام تعیینی ما را محکوم نموده و برای هیبتگرایی و یزگی خاصی قرار داده و تقوا و تعهد اسلام تنها گزانت استمان است و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی منطبق به نام قهرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد است تا آن دراز وقت میباید و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انشاءالله تعالی تدوین میشود " نقل از پیام امام - کیهان ۵۸/۸/۲۷

سال گذشته " به دنبال اعلام پیام امام خمینی مردم سرزدند به خیابانهای خیر هجوم آوردند و به تظاهرات و تظاهرات پرداختند و شعار درود بر امام برگ برابری کردیم با راه افتادند . مردم در جریان تظاهرات تادمانه فریاد میزدند : مردم کردستان همانطوریکه در انقلاب سهم بزرگی داشتند همواره در راه نابودی دشمنان اسلام و ایران آماده و هستند و جریانی که در کردستان کشت در اثر کتمان حقیقت و سلب مسئولیت امر بود که وفاداری و آمادگی خواست ملت کرد را به عرض امام وامت نمی رساندند " کیهان ۵۸/۸/۲۷

کتابان همایون درجانی دیگر می نویسد : " اعلام پیام امام خمینی در مهیاد در خیابانهای پهنتر داشت کشته افتاد ملت به خیابانها ریختند و به باکوئی و شادی پرداختند . هزاران گلرزه به عنوان نمادی نسبت از طرف مردم شلیک شد . از کار از این پیام و غلبت امام خمینی سراز با شتابند و با رونق خاصی به شادی پرداختند . صبح امروز به شانه هفتسنگی با امام و تمام مردم مردم پیاده شکیل شد جوانان امام یگانه دیگر همه مردم ایران را در یک شکر و یک مومج مردم امیرالمؤمنین امیرکا قرار داد " کیهان ۵۸/۸/۲۷

اما به نسبت اقداماتی در جهت اجرای این پیام تاریخی به عمل می آمد بلکه آتش گشای که تیرها از او ارباب ملت کشته آغاز شده است منتشر رها شده و هرروز حوادث تاریخی اتفاق می افتد که دیگر کمتر کسی است که از آن مطلع نباشد . نامه اندرشتانی که گزار فاجعه قاربا و لانات در ایران و نظیر حوادث "یلاق" و "دمیراسین" را باوررفته کرده که می رود به یک فاجعه همگرم تبدیل شود و در گمرکهای منطقه را تبدیل به یک کوره و یک کند و این همان چیزی است که امیرالمؤمنین امریکا درجانی از مدتها پیش به انتظار آن

نشسته و روزشمار می کنند . ابعاد جنگ و کشتار روز به روز وسعت میگیرد و دولت همچنان در مورد یک راه حل واقعی برای پایان دادن به آن ساکت مانده است جریانات کردستان مورد اعتراض گروهی از شخصیتهای مبارز ایران قرار گرفته است . ۲۵ تن از آیت الله طالقانی و مرحوم دکتر علی شریعتی در رابطه با مسائل موجود کشور و مسئله کردستان نامه سرگشاده ای به رئیس جمهور نوشته اند که در قسمتی از آن در مورد کردستان آمده است :

" جنگ و کشتار در منطقه کردستان در مجموعی تجاوز نظامی عراق ، و در حالی که نیروهای عراق نتوانستند از مرزهای استان های کردستان و آذربایجان غربی به ایران نفوذ کنند ، همچنان ادامه دارد . روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۵۹/۸/۲۴ از قول خبرنگار اعزامی خود گزارش می دهد که در جریان پاکسازی روستا های اطراف

سنجد و " مهیادونفده" که بوسله گروهی از داوطلبان بسیج اعزامی از آذربایجان غربی ، سه سرپرستی تحت اسلام لاسی ، و سرنگ فتح - الهی انجام شد ۳۰ نفر از افراد مسلح گروهک غیر قانونی کومله کشته شدند ، در حالی که کشته های گروه اعزامی فقط چهار نفر (یعنی به نسبت یک به پنجاه) گزارش شده است . آیادعای مسلح بودن ۳۰۰ نفر متولد از اعضای یک گروه کوه حرفه ای در برابر چهار نفر بدینرفتی است ؟ آیا این ادعا خود پوششی برای یک فاجعه بوده و تائیدی بر گزارشهای غیر رسمی مربوط به یک قتل عام جمع در روستای شام اندرشتانی از نواحی مهیاد که در سیمه آن صورت گرفته و در مورد شامه بهمنار می رود ؟ آیا تا کنی باید شاهد کتار جابع " قاربا " و " لانات " بدون اینکه هیچ اقدامی در جهت تعقیب و مجازات اعلان آن صورت گیرد باشیم ؟ آیا از دید اولتزمندان جمهوری اسلامی ، روشنائی بی پایه کرد از حق حیات نیز محروم و سیمان آنها را تحت عنوان افراد مسلح طلاق گروه سیاسی از دم بیع گرداند و خیر آن را نیز با انتظار در روزنامه منتشر کرد ؟ و با این که کشتن گروه گروه مردم زن و کودک کرد از بیرون کیمین خلخال از پای یک زن بیهوده که دل علی (ع) را به درد آورد کم اهمیت تر است ؟ (نقل از مجاهد نشریه مجاهدین خلق ایران ، شماره ۱۰۰)

پارسلان قاربا ، اعمال ایندرفاش

به نظر می رسد ، فاجعه ایندرفاش که سومین قتل عام بزرگی است که در منطقه مهیاد صورت گرفته

آخرین حرکت فاجعه آزاران نبوده و نخواهد بود . تاکنون نظایر آن در نقاط کوچکتری (اگر کمیت قربانیان فاجعه را در نظر بگیریم و کمیت آزار آن نظر نداشته باشیم) بعد از ۱۳ آبان در بسیاری از روستاهای دیگر مهیاد تکرار شده است . هفته نامه است شماره ۹۱ در این مورد می نویسد :

" فاجعه ده نالیس در استویه و سریشیهای ناحویانرمانده به سایر دهات این منطقه و تهاجمات چنگیزوار به ده سراوکی و روستای کلنج در منطقه بیانشهر و خوندشیر بیانشهر و از همه دردناکتر به ده صوفیان در این منطقه ، هم چنین در منطقه نفده ، به دهات نالودو و بالاخره در مهیاد ، به روستاهای قوقلاقی ، ایندرفاش ، تادخانه ، قم قلعه و . . . و بسیاری روستاها که نام برده شد . نوبت این عناصر صورت گرفته است و همگی آنها بنام پاکسازی ! او در جهت انقلاب! ! و سه پشتیبانی و حمایت و مشارکت حسی صورت گرفته است ."

سال گذشته همزمان با آغاز نخستین جنگ سراسری کردستان و بعد از درگیری نوبت نفده که تعدادی از بامداران کیمینه نفده و افراد حزب دموکرات کشته شدند ، در ۱۱ تیرمهرماه بامداران تلاحسی و صمودی با حیات ارتش و زاهداری روستای قاربا حمله کرده و دست به قتل عام مردم زدند . گزارش می دهد بامداران تلاحسی و آیت الله سنقری سپهرماه ۵۹ در این حادثه ابتدا روستای دهکده قاربا را به استمال آنان رفت و درحالت کرد که از ادامه کشتار مردم بفریزند ، ولی به محال به روستای روستا میزرم نگردند و او را کشته و قزان را هم زاره میکنند ، به دنبال این حادثه که جان ۴۶ یا ۶۸ نفر را گرفت این حیات میسر نمیگردد . جمعت کردهای مقیم مرکز طی تلگرافی به آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب این حیات را افتا کرد و خواهان رسیدگی به فاجعه شد . (نامه ۱۹ تیرمهر ۵۸) یک ماه بعد از این حیات در هشت سپهرماه ۵۸ ، مهدی بامداران نامه ای و آیت الله سنقری گزارشی در مورد فاجعه قاربا منتشر و بلا حسی و صمودی و . . . و بعنوان قاتلان این معرفی کرد .

در سپهر گذشته نیز تقریبا سه هفته قبل از آغاز جنگ دوم کردستان ۱۸ نفر از مردم یک روستای مهیاد با وضعی شبیه قاربا قتل عام شدند به طر سیرسد عدم بگردن این جنایات موجب استعزاز آن مردم و خواهد شد .

در هفدهم آبان چهار روز پس از فاجعه ایندر

فاتی و بعد از این حیات افراد بسیج اورمیبه و نفده و تحت رهبری جندالاسلام تلاحسی و صمودی میباید به ضد پاکسازی روستاهای منطقه عازم میباشند . انوشه شدند . در صوفیان بامداران صمودی و امام حمزه اورمیبه بدون مقدمه شروع به تیراندازی میکنند ، گروهی از مردم روستا قزان کرده ولی بامداران بدون توجه همچنان شلیک می کنند که در نتیجه ۱۲ نفر از اهالی روستای حمله روستای ده که میخواست تنها اسلحه نگاری خود را تحویل ندود نیز کشته شدند در دهه گلرزه سته و میکنند . پس از کشتن ۱۳ نفر و رخصی کردن ۲۰ نفر از اهالی سگاه و بیدفاح ، صوفیان هم " پاکسازی " شد و افراد بسیج برای ادامه " پاکسازی " ها عازم روستاهای دیگر شدند .

هنوز معلوم نیست این افراد چرا دست به این اعمال می زنند ؟ روزنامه ات در این زمینه می نویسد : در جریان بزرگی انقلاب پس از آن که علت بزرگی خاصی ارضایی و تشکلاتی حتمش چه با سایر اتفاقات افتاد که عناصری سرسپرده و خود فرخته و مرتجع و وابسگرا به نام انقلاب و اسلام و امام محور سازمان داده شده و در سایر امور اجتماعی قرار گرفتند . اما از ما سدهد : بسیاری از عملکردهای اجرائی و عملیاتی که در نهایت به نفع دشمن اصلی امیرالمؤمنین تمام شد و از جانب این عناصر صورت گرفته است و از یک سو مبارزه اصلی مردم و بسیج آنان در جهت این مبارزه و از سوی دیگر به نفع ملت است که این اعمال ضد انسانی و ضد اسلامی به نام امام و اسلام و انقلاب صورت گرفته است پیش از این و بر اساسی مردم افزوده . (امت ۲۲ دیماه شماره ۹۱)

به نوشته امت : " از جمله عناصری که در جریان و پس از انقلاب با عنوان نماینده و جری اصول انقلاب حاکم بر امور اجرائی و تصمیم گیری شد و ملاحظه شود که امام حمزه و سرپرست کیمینه های آذربایجان غربی و نماینده مجلس میباید . این سخن در راس کارگزاران اجرائی انقلاب و تمام انقلاب و اسلام از انتخابی خود صمودی و براد نظاری علیه دارای سوابق درخشان ! ! شاراکی بوده و اکثره های زیاد برهمنه کرد گرد دارند حیات میکند . افراد امیرالمؤمنین در کشتن آذربایجان غربی نماینده بسیار زیاد امیرالمؤمنین که براسی مسئولان کت : لزوی خلدان را سفید گردانند ."

چرا این عوامل مستگیر و مجازات نمیشوند ؟

هنوز مقامات دولتی و اجرائی کشور رسا عمل

و این امر را تا جایی دامن زد که فاجعه لخرایش نفده را در سپهر ۵۸ موجب شد و سابقه خود را با پشتیبان نشان دامن ترکیه اب تطهیر ریخته و پاک نمود . کشتار دسه جمعی قاربا که دهکده های بین نفده و خلدیان است نیز از جمله اعمال شنيع این فرد است درهانش هنگام رفت نفده آقای مهدی بامداران این واقع را بعرض امام رسانده و از طرف آقای خلخال حکم دستگیری وی صادر شده است که مناسطه با پشتیبانی حسی و باند برمیوز صمودی که خود را نماینده شریعتمداری نیز میدانند این جنایتکار آزاد شوند .

براد نظاری نیز یکی از اعلان این جماعت میباید عامل ساواک در بیانشهر بوده و به پشتیبانی این سازمان جیشینی زمینهای زیادی را از مردم غصب کرده است و با تالیف صمودی پس از انقلاب سراز کیمینه در آوردند . براد نظاری آمارگی نفده در سپهر ۵۸ میباید در سپهر ۵۹ بعلت سوابق ضد انقلابی و رابطه با ساواک توسط قزاقدار نفده و سپاه بامداران دستگیر و جهت محاکمه به تبریز اعزام می شود که با ضمانت جندالاسلام تلاحسی آزاد گردیده و سرپرستی افراد بسیج حسی و صمودی در بیانشهر انتصاب صمودی ، تلاحسی و صمودی هستند این اعمال را بنام اسلام و دفاع از انقلاب و پاکسازی انجام سدهدند . (امت شماره ۹۲ - ۲۲ دیماه ۵۸)

مجموع این اعمال موجب ترخوردگی مردم و بدین نشان آنها نسبت به انقلاب شده و در اثر این اعمال شنيع و نیز حاضره اقتصادی منطقه کسود خواران و ناامیدان عمومی اوضاع باسایان اقتصادی و دستگیرهای بی رویه ، اعدای حسی و حساب و عوایل ضد انقلابی میزرد .

تسلیم فزودالهی میزود در سوادت برادوست و خلدیان و نفده و اورمیبه روز به روز به روزگونی فزودالهی افزوده همگرم کنوز در بعضی نقاط مانند : سوادت برادوست ، اتان که از جانب دولت تسلیم شده اند ، یک نام منطقه شده و نیز همانا را میکنند .

" بویف زاده سوادت سوادت عمومی سپاه بامداران اورمیبه در این مورد کتم از حنان اوایل انقلاب تا بحال مسلح است . دولت صمودی معتقد بوده که چون پارکیخته است ، صورت بپوشش میباید ، با سوادت و خلدیان و ایران عثمانی کردستان خصوصاً کرد نشینان در منطقه نفده قرار دارند آنها را باید مسلح میکنند تا دوباره حاکمیت نظامی خود را بر اعمال کنند " کیهان ۵۹/۵/۱۳

عدم مجازات این افراد را اعلام نگردانند و گویند های که از طرف بعضی نهادها برای دستگیری آنان صورت گرفته در سیمه راز موفق شده است . همزمان با آغاز جنگ جابوزکرانه عراق به خاک کشور ، با جندالاسلام تلاحسی که مدتی در امور مجلس سرگرم بود و کشتار درگاهای نظامی دخالت داشت طی اطلاعهای از همه جوانان مردم آذربایجان غربی خواست : برای پاکسازی روستاهای آذربایجان غربی " در بسیج اورمیبه نام کنند . او در این اطلاعیه خود را فریاده پاکسازی منطقه معرفی کرد .

جنگ ایران و عراق و تجاوز عراق بکشور ما موجب شد که مجدداً آقایان براد نظاری ، صمودی و وزهانی و دیگر افرادی که به علت عملکردهای گذشته از طرف سپاه بامداران نفده و اورمیبه دست آنان کرده اند و تحت تعقیب قرار گرفته بودند در راه کیمینه ها و بسیج اورمیبه و نفده قرار گیرند . " صمودی از کسانیکه که از جانب برکنش صامدان رئیس ساواک اورمیبه میبایدگی تراکوبرازی در نفده ایجاد کرده بود و طاق باشکوهی ؛ هنگام رفتن فرج به نفده تیرش نبوده بود و در جریان انقلاب نیز با جاهدانان به انظارموم بپوشش برده و مانع از طرح حرکتی انقلابی مردم شده است . این فرد از طریق انقلاب در راه کیمینه نفده قرار گرفته و با طرح مشابهی نظیر کرد و کوز و شمع و سیمه و با استفاده از بیانه هایی که از جانب حاکمیت نظامی خود صادر می نماید ، اعدای عمومی را از دشمن اصلی منحرف

چرا تلاحسی از اورمیبه رفت و چگونه برگشت ؟

بندمال حوادث ایندرفاش و روستاهای دیگر و گزارش جریانات و ارگانهای دولتی در مهیاد جندالاسلام حسی برای پاکسازی در مورد اعمالی چون جنگ افزوری ، کشتار مردم بیکانه ، روستاهای منطقه نفده ، استویه ، بیانشهر (" تاروان " که پای او نیز میمان آمده و مدارک آن قلا از طرف سپاه بامداران تهیه و فرستاده شده بود ، به نیزان فرخوانده شد ، بندمال فرخوانده این نیزان تعدادی از روستاییان اورمیبه که در عواری تحت ریاست تلاحسی در اورمیبه عمو میباشند ؛ حیوانات مراحت و ادایه " خدمت " جندالاسلام حسی امام حمزه اورمیبه ، و نماینده مجلس شدند ؛ تورا در تلگرافی به امام حسی نوشتند " وجود استیاز لحاظ ادایه پاکسازی و قطع ریشه اجزای تیرلانی در منطقه ضرورت است ، وضعیت است تمام باندن " ضمانت های طائف فرمای مطهره " (تلاحسی در این امر اسب و اسلحه و قدرت دولت در منطقه موجب تقویت ضد انقلاب گفاتی اسباق خواهد بود . لذا میباید نفاذا داریم که با تقویت نوعیت ایشان هرچه زودتر دستور مراجعت و ادایه خدمت مطهره را صادر فرمایند و صفا " گزارشات موصوله بزرگه آقای حسی از روی غرض میباشند " (کیهان ۵۹/۸/۲۵)

به سپاه بامداران مهیاد اورمیبه داده شده بود تلاحسی پس از ۳ هفته دوری از اورمیبه به این نیزان بازگشت و مدعی شد : " به دستور امام حسی و واجب ضروری میگردی کوز نیزان را کتمت تن به اورمیبه (کیهان ۱۰/۶/۵۸)

همانگون جندالاسلام حسی همچنان مسئول سبغ ، کیمینه اورمیبه ، امام حمزه و نماینده این نیزان در مجلس عواری اسلامی میباشند . بندمال جریانات اشرفیاتی ، صوفیان ، بویفکند ، درگمرکهای نظامی در منطقه کردستان آذربایجان غربی کشتار یافته است و این منطقه تقریبا هر روز شاهد درگیری های میباید .

امید جگد و کشتار روز به روز ، وسعت واوج بشتری میگیرد و دامنه آن کشتار میباید . بیاید جنگ تنها کشتار ، خراسی ، ویرانی ، آوارگی و فریب زبست . اخراج وسیع کارمندان ادارات و معلمان ، بطف حقوق کارمندان درجند شیر آذربایجان غربی خصوصاً بویگان ، مهیاد ، از اوایل تیرمهر ، ادامه محاصره اقتصادی شهرها و روستاها ، کرامی و حشمتاک کلاهما میزود در روستاها و تعطیل با

نیمه تعطیل مابتن بعضی ادارات و مدارس منطقه از اوایل تیر ماه عوالات جنگ بوده که خود بنام مشکلاتی است که فقط زیر قیاسی میباید ، امیرالمؤمنین و جوانان آنان همچون " شیخ خلخال " ، " شیخ عثمان ها " ، " کزویرها " آنان سود صمودی و با نگاههای خود را تقویت میکنند ، آمدن این سپهرها به بعد در کردستان (آنجا که مهیاد ۲۳ دیماه نیز نوشته است) درجند کیمینه بامداران درگیری چه در شهرها و روستاها و چه در جاهای سگاه و باشکوهای اتفاق افتاده است . کشتار مردم سگاه و روستاها و شهرها از یک سو و حمله به مراکز استقرار نیروها از سوی دیگر هر کدام میباید علت بپوچود آمدن این درگیریها باشد . در طول درگیریهای با نیزان گذشته و بنا به نوشته روزنامه کیهان دستکم ۱۲۴ نفر از بروهایی دولتی کشته و بیش از یکصد نفر کشته شدند . در این درگیریها ، جلات مقابل نیروهای نظامی و گروههای مسلح ، سیم کدارفیمیا ، کیمین و کارگزاران بسیج ، ۲۴۰ نفر از مردم غیرنظامی کشته و سمداد بسیار زیادی مجروح شده اند . به گفته مقامات دولتی و رسمی گروههای مسلح در طول با نیزان گذشته ۴۴۲ نفر کشته داده اند ، و بیش از یکصد نفر از آنها خود را تسلیم بروهایی نظامی گردانند ولی این گروهها با استفاده از اسلحه رادپوشی و " حیرانه " های خود همیشه آن را تکبید و تلفات خود را برابرت کیمین از این معاد گزارش گردانند .

در آغاز با نیزان حوادث سمدج در مهیاد نیز تکرار شد و نزدیک بود که " مهیاد به صورت بزرگه سبب زمینی دراید " ! امندا به نفر از افراد زاهداری و با ارتش در مهیاد بوسله گروههای سیاسی دستگیر میباشند . سبب مهیاد ۳ ساعت تلفات داد که دستگیر شدگان آزاد شوند ، ولی قبل از پایان این مدت نیز با نوب و حیرانه از طرف یادگان مهیاد بزرگه سبب حفر گرفت . علت جنگ و عامل آن حرکتی که باعث درگیریها موجب تحریک بسیاری از خانه ها میباشند ، و نیزان پس از ۵۰ نفر برزاسان بعضی سابع ۲۰۸ نفر از اهالی گردید . این جنگ در شرایطی روی داد که زیر قیاسی تحت عواری قسیمی از خاک میباید و را انزال کرده بود . جنگ شدید شد و با فاجعه " ایندرفاش " ، " بویفکندی " و " صوفیان " رها شده ، گزود درگیریها منطقه در هفت نقاط ادامه یافت ولی جنگ در شهرهای مهیاد و میندوآب ، بیانشهر ، سرست اورمیبه و اطراف سنجد از نقاط دیگر شدیدتر شد . بعد از درگیری های مهیاد ، حمله به اورمیبه که ۹ ساعت طول کشید ، شندیدترین نبردها را در پی داشت . خشکسوزی سپاه بامداران مرکز اعلام کرد : " پس از حمله روز

با بازگشت گروههای سیاسی به کردستان مفتی زاده از سندج بیرون آمد زیرا بقول خود به کرمانشاه هجرت کرد.

از اسفند ۵۸ آغاز شد، زمانی که او در نامه‌های به رئیس جمهور به تشکیل این سازمان اعتراضی کرد و آن را یک سازمان بی اعتدال و بی‌مصلحتی ملت‌گردد اعلام داشت. با این نامه اختلافات مفتی زاده و این گروه که خود را از پیروان "کاک احمد" می‌دانستند علمی شده ولی در داخل پیشترگان مسلمان کرد هنوز تعداد زیادی و به ویژه فرامانده سابق آن "مامور حیم" همچنان خود را از پیروان مفتی زاده به عنوان رهبر اهل سنت می‌دانستند. کشف گروه ترور اختلاف داخلی را که می‌رساند جمهوری اسلامی ۱۳ شهریور به آن اشاره می‌کند علنی نمود.

دشمن دست به کار شده و آخرین حمله‌های خود را در جهت ایجاد تقای و جدایی بین نیروهای متحد و هم سو به کار بسته، به کمک عوامل و آبادی خود شروع به ساختن جو شامه نموده سعی داشته و دارد تا چنین وانمود کند که سپاه پاسداران رفیق و دشمن پیشترگان مسلمان است و حتی در مواردی نقشه ترور بعضی از سران سازمان را کشیده است و با اینکه ظاهری را تحت فشارهای گوناگون مجبور به استعفا

کرده‌اند و دامن زدن به این شایعات تا آنجا پیش رفته که برای بعضی از ساده‌دلان این سازمان این سو تفاهم هم شکل گرفته که شهید " فرید تهرانی" مشاور امور کردستان در دفتر ریاست جمهوری به دست سپاه به قتل رسیده و از این قبیل مسائل که به راحتی استقامت می‌نمود از سوی چکشی‌های دامن زده می‌شود (جمهوری اسلامی - ویژه نامه کردستان ۵۹/۶/۱۳) اکنون دامنه اختلافات بین هواداران مفتی زاده و نهادهای دولتی و انتظامی آنگنان بالا گرفته است که دیگر دستگیر شدگان تنها افراد وابسته به گروههای سیاسی نمی‌باشند بلکه در میان آنان هواداران مفتی زاده نیز وجود دارند که از گروه " خودسازان " می‌باشند.

حل مساله کردستان

واقعیت آن است که مساله کردستان از چنان ابعاد و پیچیدگی برخوردار است که هرگونه برخورد سطحی با آن می‌تواند عواقب خطرناکی را به بار آورد. تاکنون، از جانب مقامات دولتی، نهادهای و گروههای سیاسی طرحهای بسیاری برای حل این مساله عنوان شده است که هر یک از دیدگاه خاصی به مساله می‌نگرد. براساس کوشش خواهیم کرد تا تمامی این طرحها و پیشنهادها را در کنار هم و برای تقویت خوانندگان خود منتشر کنیم.

بارها گفته‌ام که فاش کنم
هر چه از آنجا زبانه، اسرار است
لیک از آن چه زخمی و بیم‌جنا
بر زبانه‌های من است اسرار!

مولوی



هماکنونکه در شماره پیشگیم تکلیف برای مردم با نامی تلخ و آشفتار، چرا که هنوز میری نیست که رژیم ددشتر آریامهری بر سرکون شده و خواهان خواهد خاطرهای تلخ، بیروها هنوز باقی است. اما دانستن این مسله ضروری است که چرا رژیم گذشته و اصولا " هر رژیم مستبدی برای مقابله با مخالفین خود از تکلیف بعنوان حربه‌ای گاری - به منظور خود - استفاده می‌کند؟ از آنجا که تکلیف خود معلول روابط اجتماعی است علت وجودی آریامهری باستانی در این گونه روابط چیست کرد.

هنگامیکه رژیم در خلاف جهت منافع تودهها حرکت کند و محافظت منافع قشری خاص از جامعه باند و در نتیجه منافع کل جامعه را در نظر نگردد، طعمای پایگاه برده می‌خواهد داشت. رژیم‌هایی که نافذترین پایگاهی باشند برای حفظ خود و منافعشان تا جایی باید به استفاده از وسایل و روشهایی چنین خلاقیتی را بپردازند - اگر چه به اعتقاد ما هرگز نمی‌توانند - و از

همین جاست که اعمال ضد انسانی نظمی می‌بندد و بعنوان ترسان شدن اینگونه رژیم‌ها از مردم، گسترش یافته و سرانجام کل نظام را بر مبرم مردم قرار میدهد و این لحظه‌ای است که دیگر می‌ماند چنین رژیم‌ها یا مردم جز نیروی قهرآمیز هیچ چیز دیگری حاکم نخواهد بود.

بهرحال از وراثتی که در اینگونه موارد استفاده میشود میتوان گفت که همه‌جانبه اعمال سانسور دروسایل ارتباط جمعی و نیز تکلیف‌گسترش را نامبرد. از آنجا که بررسی سانسور و کنترل وسایل ارتباط جمعی خارج از بحث است آن را بوسیله دیگر واگذار کرد و در اینجا به بررسی تکلیف می‌پردازیم. بررسی سانسور تاریخی تکلیف نشان داد که در ابتدای امر، هدف از اعمال تکلیف در اشکال مختلف آن ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و جلوگیری از قیام‌طلبی بود و به همین دلیل تکلیف عموما " در ملا عام صورت می‌گرفته است. اما از رند روزافزون آگاهی‌بخشی و گسترش سازمان‌یافتگی مبارزان

انقلابی و روحی بخش دوسطه را برای اینگونه تروریسم بیرون آورد.

اول جلوه‌گری از آگاهی مردم و بی‌پایان بودن هر چه بیشتر اهتزاز رژیم برده آنها، از آنجا که تکلیف در ملا عام خود به عاقلی در جهت آشنایی چنین رژیم‌هایی مدخل میشود، بجای تکلیف در حضور مردم از تکلیف - آگاهی محف و دور از چشم مردم، استفاده میشود.

دوم کوشش برای آگاهی‌بخشی با این روشها و گروههای انقلابی (جلوه‌گری اکثریتها را تا انقلابی) - برای اینگونه تروریسم از ابزار اطلاعات از مردم در جهت تکلیف کارها و ارتباطات سازمانی و از هم پاشیدن آنها یعنی مشخصی را بیرون کشید.

با این همه باید فراموش کرد که ایجاد ترس و وحشت بطور غیر مستقیم، و تاکنون در اختیار در جامعه همچنان یکی از اهداف مهم در اعمال تکلیف است.

در جوامع منسحق و ضمر مردمی اگرچه تکلیف‌های افراد عادی و بحرین غیر سیاسی و فرمانی می‌گردد، روابط اجتماعی ناسد، چون در زمان و عهدان است، هر یک از مردم را بار عظیم تحمل تکلیف برده‌شان می‌نهد و زنده‌انسانهای آزاده‌ای را که اکثریت رژیم‌ها به هزاران مرتبه وجودشان را می‌کشند، در ضمن جوامع چون آریامهری در واقع بنیان دردها و مایه‌های برده و مبارزات سیاسی - انقلابی برای مگرگونی روابط اجتماعی ناسد و واگرمی زنده‌انسانها و روشنگری است. تکلیف بعنوان یکی از ابزار تروریسم هر چه مطرح میشود، تکلیف‌ها که اشکال مختلفی دارد اما بطوریکه بدو دسته تقسیم میشود - ۱- تکلیف روحی - ۲- تکلیف بدنی.

تکلیف روحی - تکلیف بدنی

تکلیف روحی گذشته از تکلیف‌های مکتوبی که میتوانند بخود نگردد، " اصولا " به تنهایی در رابطه با کسانی اعمال میشود که به تصور تکلیف‌گران در تشکیلات سیاسی و انقلابی شرکت ندارند. در این مورد هدف از تکلیف در وهله اول ایجاد ترس و وحشت و درهم کشیدن روحیه شهروند نظر است. اما هدفی مهمتر نیز دنبال میشود و آنکه در صورت موفق بودن تکلیف فرقی، پس از آزادی می‌توانند بعنوان عنصری بارز در اداس و در یادمانی خود را به محیط بیرونی انتقال دهند.

التمه گفته‌اند که در این موارد گاهی تکلیف "جسا" نیز باز گرفته میشود که شدت جدایی خواهد داشت. عموما " تکلیف بدنی در مورد زندانیان سیاسی بی‌بکار گرفته میشود که ترسناک در تشکیلات انقلابی برای تشکیک محرز است. در اینگونه موارد،

زندانی را اندر تکلیف میدهند تا هرگونه اطلاعات مورد استفاده جهت از میان بردن مشکلات ویا تفرقه کاری رند زان را بدست آورند.

اگر چه استفاده از چنین شیوه‌ای در کوتاه مدت منافع رژیم‌ها منگی بر تکلیف را تا اندازه‌ای تا این کرده اما با نگرانی حاکم بر هستی چنین منافی با بنیان نخواهد ماند. و همچنین آن انقلابی بزرگ - با بررسی تکلیف، مبارزه هم هست و تا مبارزه است، شکست می‌برد و هم هست. اما سازمان بیرونی از خلفیات است.

چنین تائیدی را بطور عینی درباره " رژیم منسحق بهلوی مشاهده کردیم. بوجدن بسیاری از زندانیان سیاسی که در زیر وحشیانه‌ترین تکلیف‌ها لب به سخن نداشتند و به تعبیر شهید شریعی " خیرت نشینان یک آخ " را هم بر دل تکلیف‌گران گذاشتند. بسیار بودند زندانیانی که در زیر تکلیف به شهادت رسیدند اما اسرار انقلاب را در گنجینه سینه سیر خود محفوظ داشتند. بهر حال تکلیف خود را در اینگونه موارد عموما " با تکلیف روحی باز گرفته شده است. چرا که تحمل تکلیف‌های وحشیانه توسط فرزندان خلق، نه از قدرت بدنی آنها که از بزرگی روح و بلندی ایمانشان نشأت می‌گرفتند و این بزرگی روح و بلندی ایمان را با تکلیف جسمانی نمی‌توان شکست و اینجاست که تکلیف‌گران تمام کوشش خود را در زمینه تکلیف روحی بکار می‌گیرند تا آتزا بسکند. برای چنین کاری دست به هر حمله و وحشیانه‌ای می‌زنند که جنایت می‌بینند آنها تکلیف‌گران نزدیکان زندانی پیش چشم او، و نیز تکلیف آمیزترین آنها آنها اختلاف در میان زندانیان سیاسی است که رژیم گذشته در این زمینه منافع مهمی در جهت منافع خود - و "ولتا " یعنی در جهت منافع مردم و انقلاب - دست یافت. برای چنین کاری و روشهای مختلفی بکار رفته است که استفاده از اجناس خود فروخته مدیوب و کج اندیش در زندان یکی از آنهاست. اما همچنین آنها تلاش در جهت تشدید وعده‌های مختلف عقیدتی میان زندانیان سیاسی است. تا آنکه تائیدکنانیکه در گذشته به حمله‌های رژیم در زندان بی برده و در راه حشیر کردن آنها روحیه بخشیدن به زندانیان تلاش می‌کردند یا بهانه‌هایی چون ایجاد تشنج در زندان، توپله و... به تکلیف‌گراها فرستاده می‌شدند.

اگر چه بطور نسبی تکلیف در اغلب جوامع اعمال میشود اما اسرار نادانمیزمی را که وجود تکلیف افراز کرده باشد و از آنجا که کنترل مسائل را تحت منظمی عموما " در دست رژیم‌ها حاکم است، هنگامیکه رژیم‌ها وجود تکلیف‌های اجتماعی اوج می‌گیرد، مورد تسلطت علیه زندانیان سیاسی و برای انکار وجود تکلیف، کار گرفته میشود، بدون اینکه به زندانیان سیاسی امکان داده

خوب تسلطت کرده‌اند و خود را پشت سر مسئولین سطح بالا پنهان کرده‌اند و مطالب خود را می‌گویند... مساله تکلیف صدمه‌زا تکلیف می‌گردد... آنها (افراد گروههای سیاسی) را در حین ارتکاب جنوم می‌گیرند و حتی به آنها می‌گویند تشریف بیاورید به کینه استیجاب می‌کنند و سرپیچی... خوب آن‌ها بسیار از دیدار مبارزات تکلیف‌گرددند و خود را می‌گیرند و (اطلاعات) وحتما با دشمنان هم می‌بندند. " (مطبوعات)

۸- در عده‌ای از زندانیان تکلیف برای گرفتن اعتراف و تکلیف‌ها و در بند ویژه وارد بخود کرد تکلیف فرارگرفتند و با تامله تصاب یکی از تکلیف‌گران معروف این بند است. (انقلاب اسلامی)

- شورای سرپرستی زندانیان: " عنوان کردن موضوع تکلیف زندانیان کار ضد انقلاب است کسی نمی‌تواند تائیدات داخلی را تکلیف کند. " (مطبوعات)



وجود تکلیف در زندانها چگونه مطرح شد؟

که بعضی از گروههای سیاسی اعلام کردند که افرادی از آنها توسط عده‌ای ریوده و در خانه‌های " اسن " تکلیف شده‌اند. به تدریج پیام‌های مختلفی نیز میان زندانیان گسترش یافت. دفاعیات محدودی ساندی و اعلام اینکه توسط فردی سنام آنا، با تامله " صاب " تکلیف شده‌اند و عدم توجه به جزئیات راضحت بیشتری بخشید تا اینکه رئیس جمهوری در محضر روزنامه "روزنامه آسمان" " وجود تکلیف " را بطور عینی در جامعه مطرح ساخت. و بدینگونه بود که بحث در باره تکلیف به محافل رسمی کشیده شد. آنچه در زیر می‌آید خلاصه‌ای از این بحثها است:

۱- در جهت اطلاع ناظران زاده " تا آنجا که بن خبر دارم هیچ کس تکلیف ای در زندانهای ما نمی‌شود اگر منظور طلاق زند است که باید بگویم تلقی رند اجرای حدود الهی است. " (جمهوری - اسلامی)

۲- در همین باره رئیس زندان اوسن: " ... مساله تکلیف ساله ای بود که همیشه از طرف گروههای مخالف رژیم براساس موضعگیری‌هایی که دارند عنوان میشد و ما هم جواب آنها را می‌دادیم. لیکن حالا می‌بینیم که آنها

در اینجا هم گفتگو گرم است. دربارهٔ جنگ حرف می‌زنند. از خانواده‌ها و مشکلاتی که دارند. از سببه و اینکه باید بر گردند.

- ما نمیم شاید سفری جا بماند و نوبت می‌آید که بی‌پایان بماند.
- آمدن و نماندن کسی جا نمی‌ماند. تازه این همه آدم که بی‌پایان بماند امید جا ماندن یکی دوسافر دلخوش کند...
- صندلی هم نوبت می‌آید بماند، مهم نیست. اگر قبول کنند سربازی می‌رویم.
- شاید برای هفته آینده بلیت گرم باید.
- بالاخره وسیله پیدا بشود. این همه تا بکر کاپون می‌آیند و بی‌روند...

همه می‌خواهند برگردند خورستان. اهواز، آبادان و اگر شاهر شهر یک جوان آبادانی می‌گوید: "خواست یکی از اینهایی که می‌گویند آبادانی‌ها فرار کرده‌اند، نباید ببیند مردم چطور صبح به این زودی و در این هوای سرد، برای رفتن به آبادان و اهواز صاف می‌روند...".
- راستی جنگ‌زده‌ها کجا هستند؟
- نوبت خوابگاه‌ها دانشجویی نوبت بعضی از مدارس. بکنده راهم برده‌اند به بروشت و گارون و جیرفت و ارداب. و یک عده هم در دهات دوروبر هستند.

نوبتی آسان رنگ باخته. نوبت شیرکتستان. روز در راه است. شهر دارد می‌چند.
با خوانی که در شمال خانواده‌ای می‌گردد. راه می‌آیند به طرف خوابگاه‌هایی که نشانی‌شان را گرفته‌اند. حلال‌بکر باران حساسی می‌بارد. زمین شیره‌اش شال.

بدنمان هجوم عراق و میساران مناطق سکونی. سل آوارگان جنگ از شهرهای مقدم جبهه نسوی شهرهای دور و نزدیک به جبهه سرازیر شد. اکثریت این مهاجران جنگ‌زده را کودکان، زنان و پسران از کار افتاده تشکیل می‌دهند. ایمان درست ترکیبی خانواده‌های برده و سرایبیداران، تنها هنگامی خانه و زندگی‌شان را ترک کردند که در دستهای حالی زیر آتش یونان‌ها و میساران دشمن مانده بودند.

همه اکنون شهرهای نزدیک به مناطق جنگی، از آوارگان جنگ پر شده است. می‌گویند جمعیت نوبت‌زده ۱ برابر شده است و ۳۵ هزار نفری، جمعیتی به ۱۱۰ هزار نفر رسیده است. نهبیان با جمعیت ۵۰ هزار نفری، ۵ هزار نفر را در خود جا داده. سربازان، آتاجاری، کارگران، حیرت، بیم، نرازان، بوجوش، شکرزد، امضا و... و دیگر شهرها و روستاهای دور و نزدیک مناطق جنگی، امروز از آوارگان مهاجر شده است. و حالا خطر بی‌ناهی، گرسنگی، بیماری و صدها مشکل دیگر. صدها هزار تن از رنج‌گهان جنوب و غرب کشور را تهدید می‌کند. و در کنار این خطر، مهاجرت ناخواسته و اجباری آوارگان جنگ، موجب بروز مشکلات فراوانی از نظر ارایه عمومی، بهداشت، آموزش و پرورش و امور فرهنگی و اجتماعی شده است.

همچنانکه باید تمام وسایل و امکانات دولت و شهرهای برده‌ای در خدمت بیرون راندن مهاجران قرار گیرد. اکنون کمبود جبهه‌ای حکمکن در پشت جبهه و زمین‌زدن جنگی حساس و حیاتی علیه خطر بیماری‌های همگرا، گرسنگی، بی‌بناهی و صدها مشکل دیگر در میان جنگ‌زده‌ها و اسکان آنها ضرورت مرم باشد.

خوابگاههای دانشجویی، پناهگاه آوارگان جنگ

می‌رسم به یکی از خوابگاهها. ساختمان طبقاتی است. در ناز است. "فلا" خوابگاه دانشجویی بوده. در دوره‌های این را گواهی می‌دهد. پرازنشمار است. شمار "ترک برابری‌ها" جبهه‌ای به سرکردگی امیرالسلیم "ترک". بیشتر از همه به چشم می‌خورد. آنها را می‌گردد. همسرند. در بعضی از آنها حتی دو خانواده زندگی می‌کنند. آنها را با پارچه‌ای دو



نیمه کرده‌اند. و در هر نیمه خانواده‌ای سربازی بافته است. آنها را نخواست. فقط گلبی که اتاق پهن است و اتاقه مختصر جنگ‌زده‌ها. در گوشه اتاق خایگی را اشغال کرده. بچه‌ها و گاو میزگرها هم، کتب هم خوانده‌اند.

زنها اغلب بیدارند. بعضی‌ها چراغ علاءالدین کوچکی دارند. اما در همه اتاق‌ها یک چراغ گاز سوخته به شیشه اجاق است و نه شیشه بخاری. می‌سوزد. هم گرم می‌کند و هم بگاز بخت می‌زند. روی چراغ‌های آبی گذاشته‌اند. زیرا که اغلب بیدارند. در تلاش برای گرم کردن صحنه‌ها. همه آنها را گذاشته‌اند. کسی جنگجو یا نشده است. خانواده‌ها جوان همراه نوبی این خوابگاه نسبت ساعت نزدیک هفت صبح است. به خوابگاه می‌رویم. دم در ورودی نالوی مطوای "مسئول خوابگاه" را روی در اتاقی می‌بینیم. در می‌زنیم. جوانی بیرون می‌آید. لباس کت‌پوشی را به تن دارد. جوان همراه فراغ خانواده‌اش را می‌گوید. مسئول خوابگاه فهرست جنگ‌زده‌ها را نگاه می‌کند. خانواده‌ها جوان اینها هم نیست. مسئول خوابگاه از سرووضعمان می‌پرسد که مسافری و میخواب. متعارف می‌کند. بی‌رویم نوبی اتاق. اتاق گرم است. مسئول خوابگاه همکار دیگرش را که خوابیده، بیدار می‌کند. جایشان را می‌دهند. تا ساعت ۹ صبح می‌خوانیم. بعد سر حال خوابگاه را ترک می‌کنیم. به خوابگاه‌های دیگر می‌رویم. خوابگاه‌ها در شهر خف‌برگه‌اند. تعدادشان را نمی‌دانیم. چقدر است. شاید بیشتر از دهها خوابگاه، ساختمان‌های سرپا بعد از آن که معادله شده و در اختیار دانشجویان قرار گرفته بود و حالا که دانشجویان نیستند، بناگاه جنگ‌زده‌ها است. می‌رسم به خوابگاه‌های میهنی.

غذا کم است

چند پیروید که چه‌رسان رنج کار و رحمت سالمان دراز را نشان می‌دهد. دم در نشسته‌اند. لباس اندکی به تن دارند. جوان خورسای در جستجوی خانواده‌های نوبی خوابگاه می‌روند. و من با پیرویدها گفتگو می‌کنم:

- پدرخان وضع چطور است؟
- همینطور که همیشه!
- چطور؟ پیروید دیگری که بجای را نقل گرفته. می‌گوید: "باز خدا را شکر که جایان گرم است. آن سبزه‌ها که نوبی این سرا و باران‌های زیر جاذب زندگی‌شان، بچار می‌کند؟"
- یا غذا چکار می‌کند؟
- همین والله! آنها را که بول دارند. خودشان از بازار می‌گیرند و می‌پزند و می‌خورند. به ما چیزی می‌دهند. غذا می‌دهند. بچه‌ها می‌مانند چشم انتظار مانند نای غذا را می‌آورند.
- غذا را از کجا می‌آورند؟
- معلوم نیست. یک وقت بیسبی پادشاهای گیتها می‌آورند. یک وقت سبجی‌ها می‌آورند. بکوفت اسناداری می‌دهد...
- چیزی که هست غذا را همیشه بوفع نمی‌آورند. و بچه‌ها همان جورند گرسنه به مدرسه می‌روند.
- بچه‌ها مدرسه هم می‌روند؟
- آره! تا زنگها درست شده، مدرسه‌ها هر کدام کار می‌کنند. ما بچه‌ها را نوبت‌ها در مدارس دارند و در آنجا می‌خوانند

پیروید دیگر خندان و با آندک تسخر می‌گوید: "درس خواندن بچه‌ها هم شیشه درس خواندن نیست. بعضی روزها، نوبی مدرسه جنگ و دعوا می‌کنند و برمی‌گردند خانه!"

- چه جنگ و دعوا می‌کنند؟
- از خودشان برپایی!
- و انا خودشان بکنند به چند پسر بچه ۱۰، ۱۲ ساله که از نوبی خوابگاه بیرون آمده‌اند. از پسر بچه‌ای که بکتا بپراهن به تن دارد. می‌بوسم. "راسته کتو مدرسه دعوا می‌کنند؟"
- آره! بعضی موقعها دعوا می‌کنند.
- چرا؟

- بعضی بچه مدرسه‌های شروز در میان جمعیت می‌روند و شعار می‌دهند که آبادانیا تریو هستند، فرایند... ما را به بازی نمی‌گیرند... ما هم دعوا می‌کنیم... ما هم دعوا می‌کنیم..."

پسر بچه دیگر نوبی حرفش می‌داند: "اوائل که آمدیم شروز، بچه‌های شیرازی نوبی مدرسه با ما خیلی خوب بودند. بعد که بعضی بزرگ‌ها به ما گفتند: "فرای"، با بچه‌های شیرازی زیاد دعوا دادیم. الان دیگر خیلی کم دعوا می‌کنیم. داریم با هم دوست می‌شویم."
پیروید می‌گوید: "همینطور بود. اوائل شیرازی با ما خیلی خوب بودند. گیتها می‌کردند. ما ما می‌نهبان بودند. بعد که به ما گفتند "فرای"، بعضی افراد حرکت شده زیرمان آب بستند. نف نوبی مورمان انداختند. خوب سراسیمه‌ای بچه‌ها هم نوبی مدرسه جنگ و دعوا دادند. انا حالا مثل اینکمنوچه اشتهاهاش ندهاند. بی‌خواهد یکی جوری آن ناراحتی‌ها را از دلمان درآورند... جوانی که دنبال خانواده‌اش است، برمی‌گردد. خیرتان را در حیرت داده‌اند. می‌خواهد برود حیرت. با هم خدا حافظی می‌کنیم."

شیشه عمر دیو

پیروید می‌خواهد برویم نوبی خوابگاه و وضع زندگی‌شان را ببینیم. همراهش پیروید شیشه سوم. نوبی آنها. نوبی اهروها. داخل آشپزخانه بر از خانواده‌های جنگ زده است. بیشتر ساکنان خوابگاه زنها، پیرویدها و بچه‌ها هستند. گوشه یکی از آنها یک خانواده ۶ نفری دور هم نشسته‌اند. یک زن، یک دختر جوان و چهار بچه کم‌سن و سال. زن، به گوشه اتاق خیره شده است. دختر جوان، به بچه‌ها می‌رسد. انگار برایشان قسم می‌گوید. می‌شوم: "شیشه عمر دیو را بر ما روید... و لجنخندی بر لبهای بریده رنگ بچه‌ها می‌روید."

- مادر جان چه مشکلی دارید؟
زن با تردید می‌گوید: "بچه‌های ترا خوردند. سه تا پتو بیشتر نداریم. هوا سرد است. با غذائی که می‌دهند، بچه‌ها سیر نمی‌شوند. شوهرم مانده آبادان. از تنی‌خیرم."

زن نگران است. نگران پسرش. می‌گوید: "پسرم ۱۶ ساله است. گفته‌اند پسرهای ۱۵ ساله با بالا را نوبی خوابگاه‌ها راه ندهند. اگر بول داشتیم، در مسافرخانه جایی برایش می‌گرفتم. الان نمی‌دانم کجاست. شاید ماهیتر باشد... خدا دلیل کند کسی که مارا به این روز انداخت... می‌گویند تصویر آمریکا است. صدام نوکر آمریکا این بلا را بر ما آورد..."

دختر جوان حرف مادرش را قطع می‌کند: "درست است که تصویر آمریکا است. اما بی‌بناهی می‌هرج و مرج در کتب رسایی هم این مشکلات را بیشتر کرده. اگر دولت برپا می‌گرفت، برای جنگ زده‌ها داشته باشد و از خود بماند... سید، امان و امام، ساد اعداد اسناداری، هلال‌خبر، گیتنه ایت‌الله دستغیب، گیتنه ایت‌الله جلالی که هر سبج، انداد و امام، ساد اعداد اسناداری، هلال‌خبر، گیتنه ایت‌الله دستغیب، گیتنه ایت‌الله جلالی که هر کدام یک گوشه کار گرفته‌اند، هماهنگ نیستند. بعضی موقعها داخل در کار پیش می‌آید. بعضی موقعها برپا می‌ماند"



ضرورت برنامه ریزی و هماهنگی در کمک‌رسانی

مردم بطرف خوارگاه سندی، جلو خوارگاه یا یک جوان آبادانی آشنا میوم. دانشجوی دانشکده نفت آبادان بوده است. همانجائی که چندى پیش، خوارگاهش را عراضها با نهمایشان به‌ویزانه تبدیل کردند. برای دیدن خانواده‌اش به شورا آمده‌است. از آوارگان جنگی میگوید. از مشاهده‌اش آنچه برای رفع مشکلات آوارگان باید بشود: " مشکل غیرقابل حلّی وجود ندارد. البته وقتی خواهی از میهنت دفاع کنی، مشکلات هم دارد. آوارگی هم دارد و میشود به امید روزی بهتر تحمل کرد. من با بیشتر خانواده‌های جنگ رده، که همشان از رزمندگان جنوب و غرب هستند، برخورد داشته‌ام. همه از ناراحتی‌ها و غم و برنامهریزی کمک‌رسانی و مشکلات دیگر شکایت کرده‌اند. کمتر دیدم‌ام این خانواده‌ها از خودشان شانه‌های ناامیدی و حسنگی بروز دهند. اما روحیه خوب با وضع فعلی جنگ زدگان نمیتواند همچنان پایدار بماند. باید دولت هر چه زودتر برنامه همه‌جانبه و هماهنگی برای جنگ زدگان طرح بریزد و اجرا کند. امکانات دولت کم است. اما همین امکانات کم هم بدرستی توزیع نمیشود. به این دلیل که از امکانات موجود با برنامه درست و هماهنگ استفاده نمیشود. بعد هم کمک برود است. مردم نمیتوانند در اسکان و رفع مشکلات جنگ‌زدگان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. چه از نظر کمکهای نقدی و چه کمکهای جنسی و غذائی. الان بیش از یک میلیون نفر آواره جنگی داریم، خوب برای این تعداد حداقل به بیش از یک میلیون بنوا احتیاج است. دهها هزار جاذب لازم است. هزاران محل‌سکونی و خوارگاه لازم است. غذائی در مقیاس عظیم مطرح است. بهداشت جنگ‌زدگان، طرح است. جنگ زدگان به بیمارستان، برنگ، برسان و دارو احتیاج دارند. برای تحمیل بچه‌های جنگ‌زده، مدرسه و آژیرک لازم است. همه این مسائل و مشکلات در مقیاس عظیم مطرح است. طبیعی است که دولت به تنهایی نمیتواند کارهای بیش بریزد. دولت می‌تواند و باید کمکهای مردم و امکانات خود را با برنامهریزی دقیق و حساب شده و هماهنگ، در تمام مناطقی که بناگاه جنگ زدگان شده، در اختیار آنها بگذارد. . . .

با جوان خورشیدی حرف میزنم که در تقریبا ۳۵ ساله‌ای از خوارگاه بیرون می‌آید. وقتی می‌فهمم خبرگاریم، دعوت میکنم که همراهش برویم و اما چند جنگ‌زده که توی خانه اجاره‌ای و خانه فامیلشان اطراق کرده‌اند، گفتگو کنیم. او در آبادان معلم بوده است. همراهش میرویم. بوی آمیگه‌بوی، بوی میوه‌ها و آب و آبی در آنجا را توی روزه‌های اول که آوارگان جنگ به شورا آمدند، مردم، محبت از آنها به‌یاد می‌آورم. حتی مقداری از آنها را توی ناخانه‌هایشان گذاشته‌اند. کمکهای نقدی و جنسی و غذائی به جنگ‌زدگان می‌رسانند. اما سخنرانی بیکی از روحانیون، افراد ناگاه شورا را در برابر جنگ زدگان قرار داد و بدنیال آن تعدادی از رزمندگان آواره‌شورائی را که در حرم شاهچراغ پناه گرفته بودند، از آنها بیرون کردند. . . . جو شوهر در برابر جنگ‌زدگان تغییر کرد و زمینه نفوذ جریانهای لیبرال و "طاف‌باز" در میان جنگ‌زدگان آماده شد. . . . طوری که مردمی که بدنی را حلال و خونخوار خلق خورشان می‌دانستند، می‌گفتند اگر بدنی بود، اینها جرات نمیکردند اینطور با ما رفتار کنند. . . .

تبعیض در پرداخت حقوق، چرا؟

از حیایان لطفانی زند می‌گذریم و به محل سکونی معلم آبادانی می‌رسیم که دو اتاق دارد و او آن را هراه با معلم دیگری اجاره کرده است. او خانواده‌هایش در آن زندگی میکنند. جمعا هفت نفرند. خانه‌اش نسبتا گرم است و از وسایل زندگی، حداقلی را که بتواند حوالج اولیه زندگی را رفع کند، دارند. میگوید: "افراد برفه و سرمایه‌داران در نخستین روزه‌های جنگ، همه وسایل زندگی‌شان را باز تریلی‌ها کردند و خانه‌هایشان را بنگشان را بیرون کشیدند و با بغار گذاشتند. این برمی‌آید که آواره‌شورها شده‌اند رزمگنانی هستند که جرایم جزو جنگ و زندگی‌شان نداشتند. باز در میان جنگ‌زدگان آشنائی که شورها داشته‌اند، باکائی مثل ما که نان‌آزادای دشتیان بدهانشان می‌رسید و نواسه‌اند آشنائی را اجاره میکنند، وضشان خوب است. اما همه بار آوارگی و مشکلات روی دوش مردم فقیر و بی‌چیز افتاده است. . . ."

۵۰ سپهری

معلم دیگر آبادانی میگوید: "بعد از رفتن آوندهای بسیار فرارنده دولت دوسوم حقوق ثابت کارمندان شهرهای جنگ‌زده (آموزش و پرورش، بهداشت، دادگستری، شهرداری، گرگ و گاو...) را پرداخت کند. این حقوق برای معلی مثل من با ۱۲ تا سابقه کار، حدود ۲۸۰۰ تومان میشود، که چیزی حدود ۱۰۰۰ تومان آن پول اجاره این اتاق است. با بقیه پول که توی دستم میماند، چیزی میتوانم با این گزائی خرج؟ نفر دیگر را بدهم. حال آنکه دوسوم حقوق ثابت کارمندان عالی‌رتبه حدود ۶، ۷ هزار تومان میشود. بمخوام بگویم در این شرایط هم کارمندان عالی‌رتبه که حقوق بالائی داشتند، بیشتر میگردند، و نباید اینطور باشد. تازه تا حال فقط کارمندان معیاش و وزارتخانه این حقوق را گرفتند و هنوز از پرداخت دوسوم حقوق ثابت کارمندان بقیه از وزارتخانه‌ها خبر نشده است. در حالیکه کارمندان پزشکی و بالاشکاه ماهی ۵، ۶ هزار تومان ساعده میگردند، در کنار این صدها هزار آواره جنگی که کارمند دولت نموده‌اند، و الا آن تا تکستی و بی‌پولی دست به گریبانند، چکار کنند؟ یعنی کسائی که عمری زحمت کشیده‌اند، حالا هم بار آوارگی روی دوششان است. . . ."

بعد میگوید: "این سیاست دولت درست نیست. و برای جنگ زدگان ایجاد میکند و ناراحتی را دامن میدهد. مثلا در شهرهای دیگر که مستقما از جنگ خبری نیست، کارمندانی که زندگی‌شان سالم است و خوشخانه جبهه‌هایش بی‌دغدغه خاطر به مدرسه میروند، کارشان را دارند و زندگی‌شان نسبتا سالم است. تمام حقوق و مزایا را میگردند. در حالیکه ما که همه زندگی‌مان را از دست داده‌ایم، پول توی دستان ما نیست، محتاج ابتدائی‌ترین وسایل زندگی هستیم، فقط دو سوم حقوق را میگیریم. البته ما نمی‌توانیم چرا دیگران همه خوششان را میگردند. ما این را درک میکنیم که مبارزه با آمریکا و نوکری‌شمام و بدست آوردن استقلال و آزادی چیست که اکثریت نوددهای همشان در آن سهام هستند و آنرا به پیش میبرند. اما باز مشکلات آن نباید بر دوش یک خلق و انهم بر دوش سرتن‌ترین طبقات این خلق بیافتد. . . ."

ضرورت پاسخ به سوالات جنگ‌زدگان

بعد معلم آبادانی می‌خواهد به دین یک کارمند مگر خورشیدی برویم که همان نزدیک‌بائی‌خانه پرتور زندگی میکند. حرفهایش را بگوشان دارم، می‌رویم.

کارمند مگر گفتی زیاد دارد، گفتی از آن قیلا شنیده‌ام، اما بعضی حرفهایش را نمی‌توانم: "این مسائل قابل حل است. باکئی تحمل سختی‌ها و سازماندهی میشود آنها را زمین‌بردار. اما نکته‌اش نیازهای اولیه مردم جنگ‌زده به آن دست می‌خورند. مسائل دیگری هم هست که اهمیت دارد. اول این را بگویم که در اوایل جنگ آوارگی برخورد مردم شورا با ما خوب بود. بعد از حرفهایش که زده‌اند خبر خود را با ما درگوشی میدادند و با ما می‌جویدند. اما حالا مقامات روحانیون اسکان متوجه خطایان شده‌اند و قول می‌دهند که جبران می‌کنند. . . . چه از نظر برخورد انسانی و چه از نظر باری و کفری‌گویی. . . اما هنوز آن برخوردی‌ها به اول مردم جنگ‌زده بیرون نرفته است. برای نوددهای خورشیدی جنگ‌زده، و مورد آوارگی و کمک شلوائی مطرح است و ناراحتی‌های دولت پاسخ درستی به آن نداده است. کوشش برای جبران باقی نمانده است. نخواهد شد و آنگاه کم با مردم جنگ‌زده برخورد داشته‌اند آنها می‌خواهند بداند چقدر دیواه تفل از جنگ، موقوفی که تا کارگران و کارمندان مگر خورشیدی از بنحیرو مگر می‌دیدیم که بقیه‌ها در سمره سرنگری میکنند، به مزر هوایی‌ها کشتی می‌فرستند و با جمیع خودمان می‌دیدیم که در صومفل و انتقالات نظامی صورت می‌گیرد و می‌دیدیم که کامیونهای ارتشی برای درست در نقل جراحیاتی می‌آیند و نخستینیا از روسانتالیان خالی میکنند و مردم روسانتالین لب مزرگان می‌دهند، چرا کئی اعنائی نکرد؟ جراحیاتی که توی خانه‌های ارتش‌زده خلقی عراقی‌ها می‌روم را می‌گویند و سرانگشتن ویران می‌کند، در حالیکه اسلحه‌ها کمتر می‌میدانند. این کار نداده‌اند و نه‌جا و ویران و بچه‌ها و ویران می‌کنند. فقط موقوفی که کارمندان زیاد از مردم غیرنظامی در زیر بمباران و گلوله‌باران و ختانه‌ها بقیه‌ها هستند. اجازه دادند و شوراها را خوار کردند. . . . چرا آن برخوردها را در شورا واضع‌ان و چندشیر دیگر برای جنگ‌زدگان بخواهد آوردند. طوریکه حتی عناصر طرفدار ختانی‌توانستند

سپهری ۵۱



میان جنگ‌زدگان تبلیغ کنند. حتی باور می‌دهند که طرفداران بختیار به جنگ‌زدگان بنویسند، بدست‌بچه‌های جنگ‌زدگان را دیو برنامهریزی میدهند و می‌گفتند اینها را بختیار برایشان فرستاده است. من متعجبم باید از دولت حمایت کرد یا بگزارم را هم می‌توانم اما دولت هم باید به این سیوالات پاسخ درستی بدهد و از رنجی که‌دهش جنگ زدگان را آزار ببندد، باکاید، باید دولت برنامه همه‌جانبه و هماهنگ برای رفع مشکلات جنگ‌زدگان، کمیساریاس قابل حل است. دانشمندان که وجود این الان وضع به منتهی می‌رود که رزمگنانشان آبادان، خورشیدی‌شورا دردم آمیختند و بیرون‌دشک‌شکلات خود را، مثل زمان نادیده‌اش فست کنند. . . ."

ارخانه کارمند مگر خورشیدی بیرون می‌آیم. هوا دارد تاریک میشود. شب‌باز راه است. باران یک‌ریزی می‌بارد. با وجود این در خیابانهای شهر ازدحام زیاد است. ده‌ها هزار پنهان‌کننده قلمبه و پرچم‌بوجوشی به شهر داده است باید به فکر جایی برای خوابیدن باشیم. به بیشتر مسافرخانه‌های شهر سر می‌زنیم. جایی ندارند. همه‌یروز، بالاخره در خیابان‌زیند در مسافرخانه‌ای قرار میشود جایی که ما می‌مانیم. تقریبا ۲۰ تومان برای یک شب خوابیدن در آنجا عمومی. . . . بگزان است. اما جاره نداریم. گویا قرار بود مسافرخانه‌های شهر برای جنگ‌زدگان نصف‌ب حساب کنند. اما کسی میداند این تصمیم درست و بجا چگونه باید اجرا شود. کنترل درکار نیست. فکر می‌آئی داریم، همه‌خوستانی هستند برای نیازهایم تقریبا ۲۰ تومان حساب کرده‌اند. محیط مسافرخانه‌ها که نیمی از آن، اما بلافاصله انگار ماهاست که رنگ آب را ندیده‌اند. از مسافرخانه‌ها در دستنویس‌های خبری نیست. آب گرم وجود ندارد. . . . مسافرخانه بمسافرها فقط رختخواب میدهد و جانی به وسعت رختخواب. همین برای بقیه مسافران رنج‌جویان، مسافرها باید خودشان کارهایندیشی کنند.

هرچو هست شب را صبح میکنیم. بی‌خواهیم برویم به شهرهای نزدیک جیبه‌ای میدی نداریم که بتوانیم بلیت انبوس بگیریم. وضع از دیروز صبح بدیده‌ایم. بی‌رویم به دروازه بوشهر (لنگه فرودگاه) تا از آنجا به پهنیهای ماهشیر برویم. ازدحام عجیبی در دروازه بوشهر است. همه بی‌خواهند بروند ماهشیر، پهنیهای، بوشهر، . . . انبوسها، نمی‌بوسیا وحشی و انت‌بارها هم بریند بالاخره راننده انبوس که بنگارون بی‌روند قبول میکند با سر یا تائی تا دروازه جازهاجهان برسانند. طرفداران جاده را پوشانده‌است. ودانهای برف‌پوش‌گان بر زمین می‌نشینند. نزدیک چنار شاهجان دیگر باران می‌بارد، و چه بارانی انگار آسمان دهان باز کرده است و فست دارد هرچه آب دارد بر زمین بریزد. دریاهاک بلسا راه چنار شاهجان پیاده می‌شوم و بارانگویی که فست دارد به بندر امام خمینی برود، می‌زنم. تاکنگر از ضایع شیمیائی بنام آرم خمینی مواد شیمیائی به کارخانه کبلی‌کبلی امضیان می‌رساند.

آوارگان جنگ در پهنیها

به پهنیهای بی‌رسم پیاده می‌شوم. راننده ازپول نمی‌گیرد. باوجود اینکه ساعت از گذشته هورا تاریک است. در خیابانهای شهر رفت و آمد ازدحام زیاد است. پیداست که پهنیها تعداد زیادی از جنگ‌زدگان را در خود جا داده است. بعد می‌فهمم این شهر با جمعیت ۵۰ هزار نفری، از ۱۰ هزار جنگ‌زده‌بیر برای میکند. هوامثل شیراز خیلی سرد نیست.

سپهری ۵۲

ماگرم هم بیست‌دو این‌ها هم مسافرخانه‌ها برین‌روز بعد می‌فهمم که کمیتها و سرنگ‌تعداد اقدام انقلابی تعدادی از مسافر-خانه‌های شهر را در اختیار گرفته و تعدادی از جنگ‌زدگان را در آنها مجانی اسکان داده‌اند. اما تقریبا "همه مسافرخانه‌های دیگر هم هنوز در دست صاحبانشان است. آوارگان جنگی هستند. اما ذخیره مالی همین آوارگان هم محدود است. آنها معتقد بودند که همه مسافرخانه‌ها باید مجانی در اختیار جنگ‌زدگان قرار گیرد. بعد از سرزدن به همه‌مسافر-خانه‌ها، دست‌خالی‌رگشتن، بالاخره در یک مسافرخانه با اسرا زیاد، موقوفی که شومینگ رختخواب بگیریم و شب را به صبح برسانیم. . . ."

صبح فردا، رفت‌وآمد ازدحام در شهر زیاد است. جلوی ناوهای، صف‌های طولانی کشیده‌است. گرفتن نان شایه‌ها و ناه‌ها طول‌بکشد. دستفروش‌ها هم می‌آید و در اختیار دارند. بیشتر آن آوارگان جنگی هستند که برای نیازهایش در دستفروشی روی آورده‌اند. همه چیزهایی را که بشود راحت جا بگذاریم می‌فروشند. از سنگار گرفته تا خودنویس‌بایخته و تا ناقل و آداس و کبریت و نخمه و لیپو و کدو حلوائی. . . . بیشترشان جای می‌فروشند. در یک ساعت ۲۰۰۰۰ تری پیاده‌رو حدود ۱۵ نفر جانی می‌فروشند.

سراغ جنگ‌زده‌ها را می‌گیریم. آدرس مسافرخانه‌ها و مدارس و سرشهری نیم‌تمام در نزدیک‌شتر را می‌دهند. حالا می‌فهمم که چرا با اینکه ساعت از ۸/۵ هم گذشته در خیابانهای شهر حتی یک بخت هم در راه ندیده‌ایم. همه مدارس شهر تعطیل‌شد و در اختیار جنگ‌زدگان قرار گرفتند. بی‌رویم به یکی از مدارس. خودی باالیا بی‌عربی جلوی در بساده‌است برده نونمندی‌است. در سوپرمارکت آهنگر بوده‌است. واگتون. . . در فکر است. گاه دست‌بازش را نگاه میکند و می‌گوید. شاید در این اندیشه است که کی آهن سرخند در دست‌بازش نرم خواهد شد و او آترا نرم خواهد دید. . . . به گفته "نیا" دست‌بازش که باید کلید جهان را داشته باشد، بنگار افتاده است.

از وضع مشکلاتشان می‌پرسم: "بگویم داریم. شبها از سرما خوابان نمی‌برد. غذا هم مشکلی است. بچه‌ها سیر نمیشوند. پول ندارم. غذای آگاهی برایشان از بازار بگیرم. تعدادشان زیاد است. ۱۰۰ نفریم."

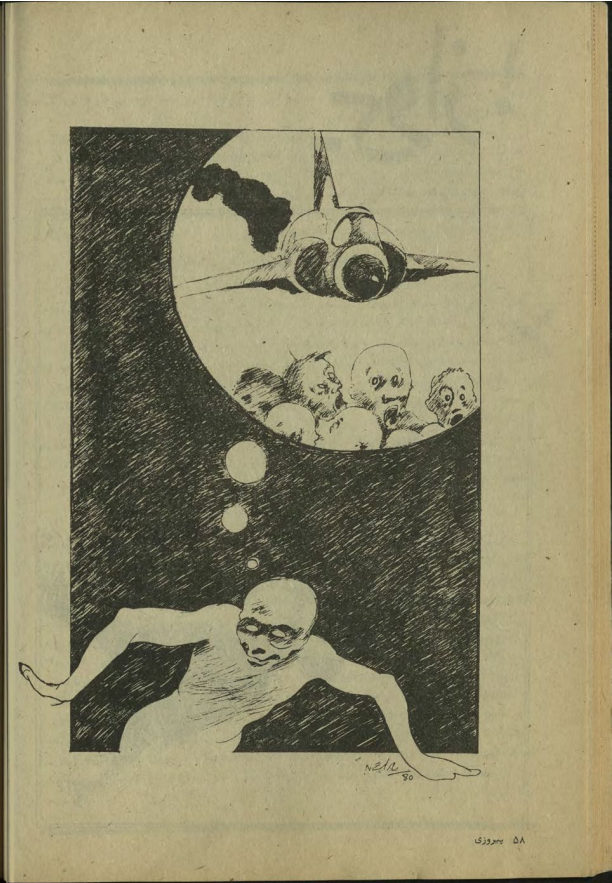
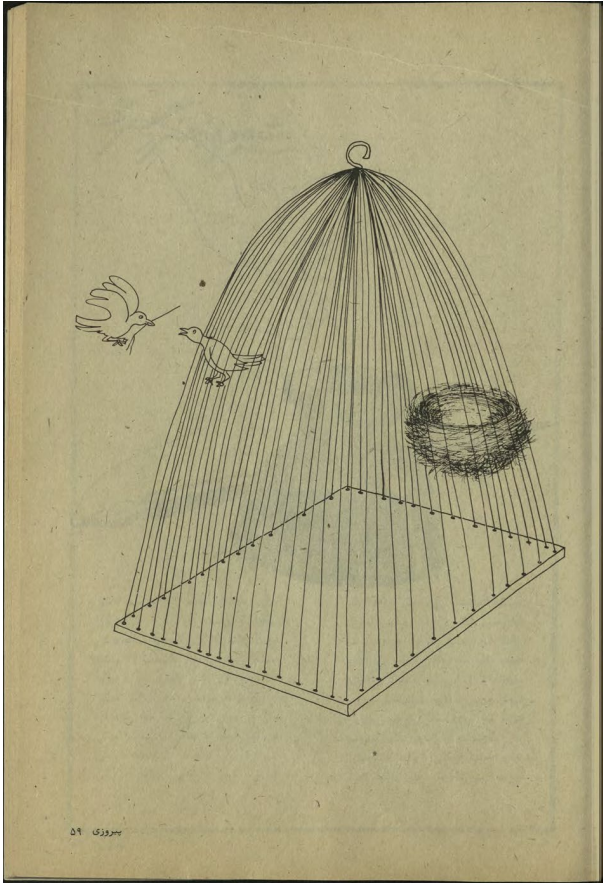
دیگر چه مشکلاتی دارید؟

کمی مکت می‌کنم. بی‌خواهیم چیزی بگویم، اما برداست. انگار حرفش را سبک و سنگین میکند. بعد ناگهان رسا دردم می‌گوید: "بنگاری! وانگاز که سته، دامه می‌دهد: "حالا دست روی دست گذاشتن و پیاده‌رو نشستن دیوانه‌ام میکند. کاش‌تاری به من رجوع می‌کردند. دستم هم نمی‌خواهم. همینقدر که کار می‌کنم. جارو می‌دهند دستم بگویند اینجا را جارو کن. اما. . . چیزی که هست در این شهر، جنگ‌زده‌ها نیست. منی‌توانم به مسائل جنگ‌زده‌ها برسد. طوریکه بعضی موقعها آدم خیال میکند. هیچکس به هیچکس نیست. الا آن روز است که آدم‌های اینجائی نیامده برسد. حالشان چطور است. گویا ندیدم. بارانی که این چند روز باریده همه را بدحال کرده‌است. آفتاب‌زده توی چاره‌ها. . . . جنگ‌زدگان بهتر زیاده‌اند حتی توی جیاط درمهم جادر زده‌اند. بی‌رویم طرف‌دارها. توی چاره‌ها شور و آه است. جنگ‌زدگان مختصر اانشان را جمع کرده‌اند و توی ایوان مدرسه گذاشته‌اند. بی‌سراسر جلوی ایوان مدرسه را با لیلون کشیده‌اند و ایوان‌شده یک سالن سرساز و بعضی برای اطراق ۷، ۸ خانوار داده. آهنگر. می‌گویند: "باز جراحیاتی می‌فروخت. اما تعدادی از سنگام توی خانه‌های نیمه‌تمام شکرکاران پهنیهای می‌نشینند. خانه‌ها فست ندارند. فقط چهارده یوازند. سقف را با نایلون و پلاستیک پوشانده‌اند. اما در باران چند روزگشته‌اند. آب توی بچه‌ها می‌نشیند و رنگ‌هایشان کثیف کرده‌اند. استخوان درگرفته‌اند. . . ."

از دسرده بیرونی‌اش می‌پرسم: "بی‌رویم توی مدرسه زویروئی. اینجامم. همه بر همان سنوالات و جورجی‌ها تکراری: "خا نکاست. هوا سرد است. غذا کم است. پول نداریم. باید رسیدگی کند. . . ."

در همان خیابان بیک مسافرخانه می‌رویم که از طرف کمیتها وسیع، مجانی در اختیار جنگ‌زدگان قرار گرفته است. ساختمان دو طبقه‌ای است. هم طبقه اول و هم طبقه دوم پر از جنگ‌زدگان است. تعدادی از آنها همان خلق مسافرخانه بساط دستفروشی پهن‌گردانند. تمام اتاقها و شیرخواب وحشی سالن براست. بچه‌ها کوچک توی مسافرخانه همه جایشان

سپهری ۵۳



شعر از فرید کورچی

قبل از اعدام

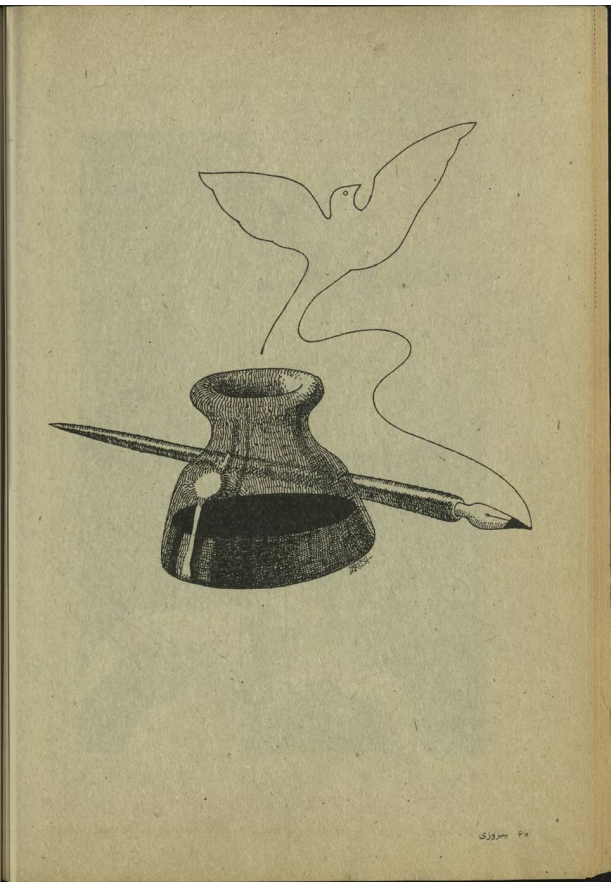
خون ما نیشکند بر برف استدی
 خون ما نیشکند بر لاله
 خون ما - بیرهن کارگران
 خون ما - بیرهن دهقانان
 خون ما بیرهن سربازان
 خون ما - بیرهن خاک ماست

نم نم باران ما خون ما
 شهر آزادی را می سازد
 نم نم باران ما خون ما
 شهر فوداها را می سازد
 خون ما بیرهن کارگران
 خون ما - بیرهن دهقانان
 خون ما - بیرهن سربازان

کجاست سرخی فریادهای بابک خرم

زسانه خادشه روئیدما نشانه دیگر
 هزار خنجر کاری به انحنای دلم آه
 بهانه بود سرا ترکت قیام گذشته
 همیشه قلب برا زخم ، زخم کهنه کاری
 سکوت در دل این آشیانه مبتد و ای وای
 خروش جوشش دریاچه در کرانه * من بین
 جوانه سبز نبوده است در گذشته * این باغ
 زبان خادنه خوش آمدی سلام بنسویت
 بجان دوست از این نازیانه باک ندارم
 کجاست سرخی فریاد های بابک خرم

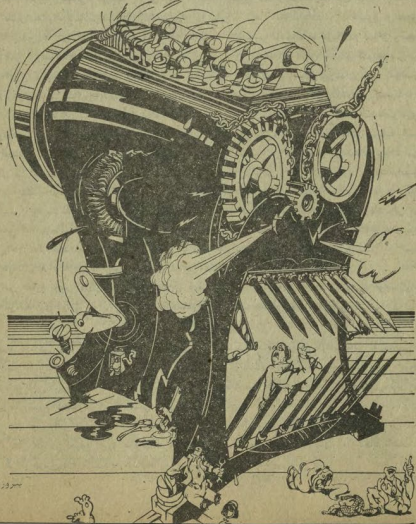
چنین زمانه چه سخت است در زمانه دیگر
 سخنان توانه سخنان ، باشنا ترانه دیگر
 عطش عطش تو بیان گرم تا بهانه دیگر
 همیشه دست ترا بیع فاحسانه دیگر
 کجاست منزل امنی ، کجاست خانه دیگر
 که این ترانه نبوده است در کرانه* دیگر
 بجان تو سبزی این باغ نسا جوانه* دیگر
 که شب شسته به خنجر در آستانه* دیگر
 که زخم جان بر اهست نازیانه* دیگر
 کجاست کاوه* آزادهای زمانه * دیگر



شعر بی نام

بر سیمناخت
زخم عمیق کاری دشمن
اما ،
ای سروآیستاده بیافشاید
این رسم نوست که ایستاده بگیری
در تو پرندگهای خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرود فتح
اینگونه چشمهای تو روشن
هرگز نبوده است
با خون تو ،
میدان نوبخانه
در خشم خلق
بمدار میشود
مردم
زان سوی نوبخانه ، بدن سوی
پلوریز میکنند
نان و کونستی
به ساری تقسیم میشود
ای سروایستاده
این برگ نوست که میسازد
دشمن دیوار میکند
این عابریان خوب و ستم بر
نام ترا ، این عابریان زنده نمیدانند
و این دروغ هست ، اما
روزی که خلق بداند
هر قطره خون تو محراب میشود
این خلق ،
نام بزرگ ترا
در هر سرود میهنی اش
آواز میدهد
نام تو پرچم ایران
تجزی به نام تو زنده است

دولتی کردن سرمایه
چاره وابستگی است؟



سرمایه داری دولتی و در کشور های وابسته محصول سرمایه ایست که در آن برای واسطه های سرمایه داری جهانی امکان مستقیم ایجاد یک رژیم کاملاً وابسته وجود ندارد .
سرمایه داری دولتی و بجای حمله به سرمایه داری ، به توسعه آن در سطحی بالاتر و ارتقاء سطح رفاهت در بازار جهانی می پردازد .
دولت عراق بر رژیمین کارفرمای این کشور که کمتر از ۹۰ درصد بازار گاتی خارجی را در دست دارد ، برای سرمایه داری بزرگ داخلی ، به نیابت از جنگ پرور رژیم ری ، پاسر کوب نوبه ها که زخم کشیدن ادامه می دهد .
الجزایر بخواهد موفق ترین و الکتوری سرمایه داری دولتی ، امروز شاهد رقابت های چشمگیر شرکت های بین المللی برای بستن قرارداد با این کشور است .

اقتصاد ایران "دولتی" می شود . این روند ، بعد از بهمن ۱۳۵۷ سرعت بیشتری گرفت . ابتدا " دولت موقت " تلاش بسیار کرد تا سرمایه داری وابسته ایران را بدون " تاه " نجات دهد . اما کوشش و تعمیق انقلاب ناپاکی " لبرالها " را در تحقیر بحران آشکار ساخت . با تخریب جاسوخانه امریکا در تهران و سقوط دولت موقت انتظار می رفت خط اقتصادی دیگری نیز دنبال شود . ولی مناسبات ایران با سایر کشورها و روابط دوری اقتصادی ایران ، ادایه راه اقتصادی گذشته را نشان داد . راه اقتصادی ایران چون بیوسازی است که مبارزات و مبارزه مبرودولت با تاجران کمپوری رتسبیم وابستگی نه است . این راه از رژیم گذشته امروز ادامه دارد و بصورت شورای انقلاب ، مجلس خبرگان و برنامه های دولت آن را کام به کام " منسوخ " کرد . بخش عمده بازسازی اقتصاد ایران در نهایت به دولت جمهوری اسلامی مجول شد . دولت برای مدتی نامعین وظیفه یافت سرمایه وابسته ایران را " به امانت " نگاه دارد . " سرمایه داری دولتی " محوریتی شدیدتر از رژیم گذشته در صحنه اقتصاد ایران ظاهر شد و حال می بايست بار سنگین حل بحران اقتصادی و (سنگاری ، گران و) را بویژه با چند برابر شدن فقر و طاقت " جنگ " بردوش نگردد . در این حال شناخت راهی که دولت برای " سرمایه " و " سرمایه داری دولتی " بخور کنی در پیش دارد به شناخت تحولات ایران کمک خواهد کرد . برای رسیدن به این منظور در حد توان خویش و با کمک منابعی که بپرخالی می نوانند جامع و مانع باشند بررسی مختصری را درباره " سرمایه داری دولتی " آغاز می کنیم و به ذکر چند نمونه مشخص (عراق ، سوریه ، تانزانیا و الجزایر) می پردازیم و سپس به " سرمایه داری دولتی " در ایران و راه ناپاکی که دولت جمهوری اسلامی آغاز کرده است ، اشاره می کنیم .
در این شماره بخش اول گزارش " سرمایه داری دولتی " را با نمونه هایی از چند کشور می خوانید و در شماره آینده به سرمایه داری دولتی در ایران و نمونه های مشخص آن در زمینه صنایع و بویژه بازرگانی می پردازیم .



حدود نیم قرن پیش ، در کشورهای سرمایه داری پیشرفته ، درنده ترین مخالف سرمایه مالی به بنیادش بدیدهای تمام فاشیسم با دادند . این بدیده با ظاهر " سوسیالیسم " و با تکیه بر حرکت " خرده بورژوازی " در واقع برای نجات سرمایه مالی ظهور کرد . به این ترتیب فاشیسم در کشورهای سرمایه داری انحصاری ، محصول بحران در سرمایه مالی و فرزند شروع انحصارات امپریالیستی و بار و بار آنهاست . هرچند که مثلا در آلمان ، سردمدار فاشیستیا شخصی بود " چون هیتلر که خود مظهر یک خرده بورژوازی عقده های و سرخورده ، و طرفدارانش بپراهن قبیله های ، از پس خوانان خرده بورژوا بودند ، با اینحال فاشیسم در هر ایلی جدیدی ، از لحاظ ماهیت و محتوای طبقاتی یکی از جریان های وابسته به سرمایه داری جهانی است و به خرده بورژوازی .

ظاهر " خرده بورژوازی " این حکومت ها معمولاً بخشی از نیروهای اطمالی را به اشتباه می اندازد . این حکومت ها علاوه بر اینکه در حرکات اولیه خود تا پیش از نسبت در قدرت ، از خرده بولده و خواستای و شعارهای خرده بورژوازی حائنداری می کنند ، غالباً نمایندگان سیاسی و نظامی خویش را سر از میان رزتشفکران و سانسنداران خرده بورژوازی کشف می کنند ، ولی ماهیت این حرکات به هیچوجه خرده بورژوازی نیست .
در کشورهای عقب افتاده ، یعنی ممالکی که سرمایه داری رشد دیوکراسیک و آزادانهای ندارند ، فاشیسم رنگ برده های با ستمی خرده بورژوازی ظاهر می شود ولی در واقع مدافع سرمایه داری ، رزمنداری بزرگ و امپریالیسم است .
در این کشورها معمولاً قوی ترین بخش سرمایه ، بخش دولتی است . فاشیسم عملاً در جریان نقدی و دفاع و نفوذت این سرمایه دولتی است که رشد می کند و با استفاده از صف نسبی بورژوازی و " بورژوازی ملی " (به کمک سازشکاری سبورژوازی لیبرال و از راه افشای آن) استغفار می یابد .
این جریان در کشورهای عربی بصورت بوج " ملی " و دژلیسم به شکل حکومت دفاعی مطرح شد ، چابست برحسب این حرکت مخالفت اولیه آن هم با سرمایه داری و هم با کونسیسم است که در نهایت عطفی بصورت ضدیت با سرمایه بزرگ و سیر ضدیت با طبقه کارگر تحلی می کند . ولی بمجرد اینکه شکل تشکیل شود ، با تمام نیروهای ارجحانی و طبقات ممتاز جامعه که قبلاً اظهار ضدیت می کرد ، از رو بنحی می شود ، ولی دشمنی هبات حاکمه با طبقه کارگر شدت بیشتری می گیرد . در کشورهای مصر ، عراق و سوریه این وضعیت تکرار شد و این شکل از سرمایه داری در آفریقا (لیبی و نامریابا) ، عملگره های دولت که برای شناخت راهی که دولت جمهوری اسلامی در پیش گرفته ، آورنده است . نکته برتری سرمایه دیواسالاردولتی و استفاده کامل و گسترده از دیواسالاران و بی بالاران و بطور کلی " تخصص " از ویژگی های بارز اینگونه حکومت هاست که در عرصه سیاست با شکل " انحصارطلبانه " ظاهر می شود .
درواقع اینگونه حکومت ها محصول شرایطی هستند که در آن امکان اقدام مستقیم امپریالیستیا و دالانیا برای ایجاد یک رژیم کابلا " وابسته منکی نسبت و سرمایه داران لیبرال نیز قادر به فروتن شدن بارهانی برده مستند و نیروهای اطمالی و بویژه طبقه کارگر آبادمی استفاده از شرایط و کسب قدرت را ندارند . البته تنها جابست ظاهری این حکومت ها از برده محروم و تعارض داری های جد سرمایه داری آنها نیست که باعث سردگمی نیروهای اطمالی است ، بلکه تبلیغات نامریابیا و اجرایی که بخاطر نشودن شرایط مساعد بخویش شناخته شده اند ، در مورد این حکومتها ، در این کجی نیروهای اطمالی سر تأثیر دارند .
تکیهگاه اجتماعی اینگونه حکومتها برای کسب قدرت ، بومی های خرده بورژوا هستند . اما برخلاف کشورهای امپریالیستی ، در این جوامع ، رزمنداران و بومیی از منصف سزم معمولاً به کمک این حکومت ها می نمایند . لفاظی های بسیاری از این حکومت ها - از جمله منشی هاب - علیه سرمایه بزرگ و نیز بر ضد طبقه کارگر در بسیاری موارد مشابه لفاظی های فاشیست های آلمانی ، ایتالیایی و اسپانیولی است ، ولی تبلیغات اینها از غلظت و بدت بیشتری برخوردار است . اگر هیتلر و موسولینی با شعار های " سوسیالیسم ملی " (نازیسم) به قدرت رسیدند ، یعنی های عراق " سوسیالیسم عربی " را برای رسیدن به قدرت پیش کشیدند .
پس از ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) سیر " سوسیالیسم " مصری ، بومیی بود برای اجماع های عمده روند تولید از سوی سرمایه داری مصر در ایالات دولتی ، و سربویتی بود برای کنار زدن سطلم بوده های راستگن از هرنوع سولیتیت مستقیم در این روند . دولت ، برای توجیه دیکتاتوری سرمایه ، برسندترین بحث های ایدئولوژیک را نیز بر راه انداخت . در چنین رزمیاتی ، شرایط زندگی و کار طبقات رزمکن مصری دچار تغییرات اساسی شد . بوده های ستمنده و انتشار شده باقی مانده ، تغییرات ناشی از این سرمایه داری نسبی و در حال کنار دو جنبه داشت : در یک سو ، بهبودهایی در وضعیت اقتصادی طبقات رزمکن بوجود آمد ، و در سوی دیگر تغییرات ایدئولوژیک ناشی از تکامل سرمایه داری دولتی و منصف تاندها ، عادات و ارزش های پیش از سرمایه داری بویژه بیوسیت .
بعضی در شرایط استعمار طبقات رزمکن ، در وهله اول ، از سیاست توسعه مداوم اشتغال ناشی می شد . این توسعه در دو باسه " اول لال با تکامل نیروهای بولده " (مابخر کارخانجات جدید و گسترش خدمات) تطابق داشت و ولی از آن پس از شرایط خود را با رشد اقتصادی واقعی سرمایه داری نیز از دست داد .

« سرمایه‌داری دولتی »

سرمایه‌داری دولتی عبارتست از اداره واحدهای اقتصادی بدست قدرت دولتی و درجارجوب نظام سرمایه‌داری . این بدیده با "سوسیالیسم" و حتی "ملی‌گردن" (صرف واحد های اقتصادی از طرف دولت "ملی" و خلق بد از استعمارگران) فرق دارد . تفاوت عمده "دولتی‌گردن" در زمانی که طبقه کارگر قدرت را در دست دارد ، با "دولتی‌گردن" با حفظ درجارجوب نظام سرمایه‌داری جدا از ساله رهبری طبقه کارگر . در این است که با فرار گرفتن قدرت در دست طبقه کارگر ، دولتی‌گردن روز به روز محدودتر می‌شود . اما در سرمایه‌داری دولتی شاهد گسترش و نیرو گرفتن دوباره ، با بیشتر بروزآوری (صورت دولتی و خصوصی) نیز بوده‌ایم . منظور از ملی‌گردن در ارتباط با سرمایه‌های خارجی ایجاد چنان شرایطی است که دست انحصارگران بین‌المللی و سرمایه‌داران دلال آنها بهیچوجه نتواند جان و مال ما را تحت کنترل خود بگیرد . مثلاً در ملی‌گردن بانکها بایستی نه فقط اداره آن را از دست مدیران قبلی بانک های بزرگ بین‌المللی خارج کرد ، و به دست مردم سپرد ، نه فقط بایستی سرمایه‌های آنها را صادره کرد ، بلکه همچنین بایستی در کنار این اقدام نام رشته های دیگر اقتصادی را نیز ملی کرد .

همچنین منظور از ملی‌گردن صنایع و کارخانجات ، اینستکه صنایع واسطی که صنایع ما را به سرمایه‌داران خارجی وابسته می‌کنند ، قطع و کارها از دست مهندسی و مستشاران خارجی به ایرانیها سپرده شود ، قطعات مواد اولیه کارخانه تا حد امکان در داخل کشور تهیه شده ، سرمایه‌های سرمایه‌داران بزرگ و ایرانیانمان (که از جاوایل دسترنج کارگران و رخصتکاران بدست آمده) صادره نشود . و اداره کارخانه بدست خود کارگران باشد (و در این جهت کام برداشته شود .)

این برای کشوریم که دولتی‌گردن سرمایه ، با "ملی‌گردن" فرق دارد . ملی‌گردن انقلابی و بیگانه‌نشنا با چگونگی برخورد به سرمایه‌های خارجی و وابسته داخلی در پیوندست . بلکه با مفهوم دیوکراسی نیز عین است . دیوکراسی نه تنها نه منافع متداول آن‌که فقط به ظاهر آزادیهای رومانی بسته می‌کند ، بلکه به منافع اراده اکثریت در عمل و در تصمیم گیری . بنابراین آن ملی‌گردنی‌را "واقعا" ملی است که در ارتباط با نیروهای داخلی منبذ از ملت و بدست نمایندگان واقعی اکثریت ملت یعنی رخصتکاران انجام پذیرد و اداره امور و نظارت بر موسسات ملی شده را واقعا "به نمایندگان اقشار و طبقات خلقی نیرومیز بدست کارگران سپارد .

اما پرسش اساسی ، یکی دانستن مفهوم اساسی "دولتی" یا "سوسیالیستی" کردن "سرمایه" است . با دولتی‌کردن سرمایه ، در کشورهایی که "رهبری سوسیالیستی" فراهم نیست معمولاً باید ادامه و تشدید استعمار را انتظار داشت درحالی‌که در مورد دوم چنین نیست .

در سرمایه‌داری دولتی ، بویژه در کشورهای وابسته و عقب‌مانده ، برائت نسبی که دولت بورژوازی اضافی پیدا می‌کند ، و یا تکیه بر قدرتی که دارد ، برکوب طبقات تحت ستم را تا دم می‌بخشد . این سرکوب ، با عنوان کردن "استقلال سیاسی" شکی "شروع" بخود می‌گیرد درحالی‌که در عمل ، وابستگی از طریق حلقه‌های اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی "ادامه می‌یابد . در جریان گسترش "سرمایه‌داری دولتی" با "راه‌رشد غیرسرمایه‌داری" یک رشته اصلاحات ضروری‌اند که از آن جمله باید از اصلاحات ارضی ، اقدامات دیوکراسی ، تقویت بخش دولتی و ایجاد و گسترش پهنای‌های تولید و مصرف ، بهبود شرایط زندگی کارگران و لغو فواید ضد کارگری نام برد . این اصلاحات ماهیت سوسیالیستی "دولت" "بردمد را نیز در خود منکس می‌کند . معانی ترمیم با توجه به ماهیت شانسات بیان شده های خلق و رهبران نیز می‌توان مصلحت اساسی "سرمایه‌داری دولتی" را دریافت . در یک دولت سرمایه‌داری ، این رابطه ، رابطه سرکوب منظم بوده‌ای وسیع ، یعنی احتیاج ایدئولوژیک ، نظامی ، پلیسی ، اداری و قانونی برای تمام استکرات مستقل آنهاست و هدف آن جدایی ، ضعف و جهالت بوده‌ها .

۶۶ سپهری

آنها ، تا آخرین حد ممکن ، بصورت حامیلین انقلابی نیروی کار است . نمایران ، نمایان است این سن دو طبقه آشتی‌ناپذیر است .

پسین دلیل است که در نظر کارگران ، استعمار سرمایه‌داری دولتی و سرمایه‌داری سنی تنها از جهت شکل با یکدیگر تفاوت دارند . کارگران در هر دو صورت بطور موثری از وسایل تولید ، جدا افتاده‌اند و وسایل عمده تولید در کنترل طبقه‌های غریز طبقه تولید کننده مستقیم (بطور کلی) قرار دارد . ضمن آنکه در شرایطی که جایبه در جنگل طلاک های بی‌شماری همچون میگاری و بزم گرفتار آمده ، "سرمایه‌داری دولتی" آهنگ استعمار را شتاب افزون‌تری می‌بخشد . چرا که در نهایت باز همه این صفات از جمله یک دیوانسالاری بچیده و انکل بودوش کارگران است .

یک دولت سوسیالیستی ، بطور منظم استعمار بوده‌های وسیع را حمایت می‌کند . در جارجوب این مناسبات ، رهبری انقلابی بورژوازیایی از کارگران بدی نیز تشکیل می‌شود که تحت کنترل موثر تمام کارگران بدی هستند و به آنان کمک می‌کنند تا اقی سیاسی و دانش فنی و علمی خود را از طریق عمل خود در مبارزه طبقاتی ، تولید و تجربه ، بطور مداوم ، وسعت بخشدند . نمایران ، عملکرد رهبری عبارتست از تکلیف دادن نوان کارگر برای اندیشیدن ، انعقاد کردن و خلاق بودن در تمام زمینه‌های فعالیت و بسن از همه در ضمرو سات .

به این ترتیب ، تفاوت یک دولت سوسیالیستی با یک دولت سرمایه‌داری ، در ماهیت مناسبات بین بوده‌های وسیع و رهبری آنها ، در حصلت های طبقاتی که قدرت را بدست دارد و در پیوند سیاسی نمایندگان این طبقه بسا اکثریت خلق است (نه در حرف که در عمل) .



ویژگی‌های سرمایه‌داری دولتی

"سرمایه‌داری دولتی" از نظر کلی جنبه‌های از یک روند توسعه در جهت خروج از دوران سلطه استعماری و در مسیر ورود به سرمایه‌داری صنعتی‌مدن است که البته بهیچوجه دارای حصلتی نسبی و حلی نیست . در درون چنین روندی تنش‌ها و تضادهای نیز وجود دارد که هم باعث تقویق و هم سبب سبب‌تفت و تکامل این روند می‌شود .

یکی از ویژگی‌های "سرمایه‌داری دولتی" این است که وسایل عمده تولید در مالکیت و مدیریت دولت قرار می‌گیرد . هدف اصلی سرمایه‌داری دولتی ، رشد اقتصادی سریع از راه صنعی شدن شایمالود و با استفاده از مدیران ترین و تامل فنی است که معمولاً بول مورد نیازان با کنترس بخش صادرات نامین می‌شود .

در "سرمایه‌داری دولتی" شاهد یک بخش سرمایه‌داری داخلی خصوصی در نازاریکی ، صنعت و کشاورزی همیم که البته در آغاز کوچک و ضعیف است . سرمایه خصوصی خارجی که تریک مهمی در صنعی شدن به حساب می‌آید ، از طریق بانک‌های بین‌المللی ، سرمایه‌گذارهای مشترک و قراردادهای بیرونی به ساختن کارخانه‌ها و ایجاد امور زیرساختی و آموزش‌های فنی در این روند تریک می‌کند .

بانک‌های بین‌المللی (عمومی و خصوصی) اعتبارات لازم برای اجرای طرح‌های توسعه مورد نظر برنامه‌های سرمایه‌داری دولتی را فراهم می‌سازند .

سرمایه‌گذارهای مشترک در بخش صادرات برای فراهم آوردن بول مورد نیاز اجرای طرح‌ها ، اهمیت زیادی دارد و اهمیت آن در مورد صادرات و بویژه در مورد یک محصولی چون نفت ، شایان توجه است .

در این زمینه ، دولت منکس است ۵۱ درصد سهام گیده تریک‌های استخراج مواد معدنی و نفتی را در دست خود نگاه دارد و تریک‌های بین‌المللی برای تصاحب ۴۹ درصد نفت با یکدیگر توافق کرده ، در تمام این موارد سود "عادلانه" ای نیز برای سرمایه خارجی در نظر گرفته می‌شود .

سپهری ۶۷

در تمام این موارد سود "عادلانه" ای نیز برای سرمایه خارجی در نظر گرفته می‌شود ، موسسات اقتصادی بر منافع سود می‌تواند در گذشته می‌توانند از وجود سرمایه‌گذاری بانک‌های دولتی استفاده کنند و برنامه‌ریزان مرکزی موفقیت اینگونه موسسات را بر حسب نرخ سود آنها که در بازار تعیین می‌شود ، ارزیابی می‌کنند .

با وجودی که دولت حق مداخله در تعیین قیمت‌ها و سهمیه‌ها را برای خود محفوظ نگاه می‌دارد ، اما به خاطر کنترل انحصار بین‌المللی سرمایه‌داری بر قیمت‌ها و همچنین در عرضه آموزش و تکنولوژی به کشورهای عقب‌مانده قیمت‌های انحصاری را به این کشورها تحویل می‌کند و "مجموع" واردات را نیز تاثیر شدید قرار می‌دهند . این واردات بخش عمده ای از سنگینی بار نام بحران کشورهای صنعتی بزرگ را با خود به داخل کشورهای عقب مانده می‌آورد .

از سوی دیگر ، صادرات - و صادرات مواد نفتی - نیز با نظام پیچیده بازار جهانی و موانعی که از سوی کشورهای صنعتی بر سر راه این کشورها قرار داده‌شده و نیز ضعف نیروهای داخلی ، نابرابری‌ها را میان کشورهای بزرگ و عقب مانده و نیز درون این کشورها تا دم می‌بخشد . بطور کلی کالاهای مبادله شده میان این دو گروه از کشورها ، در هر یک گنیده قیمت‌های مختلف "کار" و در نتیجه ارزش افزوده هستند و این خود نشان می‌دهد که نابرابری در مبادلات جقدر بینایی است .

در مورد کالاهای دیگر نیز شرایط به زبان کشورهای عقب‌مانده است . بخش عمده ای از کالاهای کشاورزی و صنعتی از طریق بازارهای تنظیم شده ، توزیع می‌شود ، بخش عمده ای از تولیدات به خارج صادر می‌شود و به این ترتیب قیمت‌های داخلی و ساخت بازار (تعداد فروشندگان برآیند) در بازار جهانی سرمایه‌داری ادغام می‌شود . همزه با گسترش صنعت و ناتوانی روستائیان فقیر و سایر تولید کنندگان کوچک ، نیروی کار بدیگر افزایش می‌یابد و در چنین حالتی نرخ میگاری بالا می‌رود و منکس است به ۵۰ درصد نیروی کار نیز برسد .

این مناسبات اقتصادی نابرابری به کمک رهبری و ایدئولوژی ناتوان طبقات نابینگر با پوشش‌های غیرعلمی تشدید می‌شود و بحران گسترش می‌یابد . دیوانسالاران (مدیران) ، افسران ارض و کارکنان اداری که کنترل دولت را در دست دارند ، نمایندگی طبقه متوسط ملی‌گرا و برانگیزه (خرده بورژوازی) مدفوف به بخش خدمات در شهرها و دهستانان مرفه در روستاها) را برعهده می‌گیرند و اداره کشور توسط یک نظام فئودال (منکس از کارشامان) صورت می‌گیرد . اما با وجود یک درآمد ملی درحال افزایش ، راه اجتماعی فترهای باشن جامعه (بهداشت ، آموزش ، منکس) بهبود پیدا نمی‌کند .

ایدئولوژی حاکم بر چنین جوامعی عبارتست از ملی‌گرایی رادیکال و "سوسیالیسم" "ضروط" (عربی" یا "انقلابی") و باخطر مخالفت و کنارزدن رفاه داخلی شکل‌های تعمیراتی‌های از این برداشت‌ها . طبقه کارگر نماینده‌ای در دولت ندارد و مجاز به تشکیل سازمان‌هایی خارج از جارجوب سازمان‌های "حزب واحد دولتی" نیست . و بطور خلاصه نمایان ظاهر مبارزه طبقاتی سرکوب می‌شوند .

موانع « سرمایه‌داری دولتی »

روند توسعه "سرمایه‌داری دولتی" هموار بودن مانع نیست و مانند یک سرمایه‌داری فاقد شرایط لازم ، پیوسته در برابر موانع داخلی و خارجی قرار می‌گیرد که عمده‌ترین موانع را بطور کلی می‌تواند در شمار به ارزان تمام شدن کالا ، کشاورزی عقب‌مانده ، نیروی‌کار درحال گسترش و نیاز به آموزش یک طبقه کارگر مدرن خلاصه کرد .

توسعه صنعت در "سرمایه‌داری دولتی" نه تنها نیاز به فراهم بودن یک نیروی کار بدیگر و قابل گسترش دارد ، بلکه بخاطر باشن نگاه داشتن دستمزد آنها به ارزان تمام کردن کالاهای صرفی همین کارگران نیازمند است از طرف دیگر ارزان تمام کردن اینگونه کالاهای خودسپلریم این است که اینگونه کالاهای با اجای که ارزان تر تمام می‌شود وارد شوند و با درکنتر یا شوه‌هایی کارزار تولید کنند . در صورت اول موازنه پرداخت تا شدت نابرابری و غالباً مجرب به نوبت می‌شود . صورت دوم نیز بخاطر ناتوانی بخش‌های مامل سرمایه‌داری و وابستگی شدید فنی منکس نیست . نمایران افزایش بهره‌وری در صنایع داخلی نیازمند نابودی اشکال مامل سرمایه‌داری و بسط هرچه

سپهری ۶۸

بیشتر صنعت در "سرمایه‌داری دولتی" است که این نیز با ساختگاه و حامیان رهبران جدید در تصاف قرار می‌گیرد . مانع دوم در راه صنعی شدن به این‌گونه ، بخش‌کشوری عقب‌مانده است : رشد کند بهره‌وری در تولید مواد غذایی در روستاها ، ارزش حداقل باججاج معیشتی کارگران بدیگر را ، نسبت به ارزش محصولات تولیدی آنان ، در سطحی بالاتر نگاه می‌دارد و به این ترتیب باعث باشن نگاه‌داشته شدن سود می‌شود . یک نرخ رشد صنعی بالاتر در کشوریک از نظر کشاورزی عقب‌مانده است . در واقع سبستم که سطح زندگی باشن‌تر برای کارگران و کشاورزان است .

مانع سوم در روند "سرمایه‌داری دولتی" ، نیازمند گسترش کمی ، تجمع آموزش یک طبقه کارگر جدید همزه با توسعه صنایع بزرگ و رشد کشاورزی است . وقتی طبقه کارگر از نقش مرکزی و اساسی خود در روند تولیدگاه شود و بانک برقراری "سوسیالیسم" را با یک رهبری متفکرت درک کند ، می‌تواند یک تهدید عظیم در راه ادامه حاکمیت طبقه و دولت سرمایه‌دار بحساب آید ، بدین‌ها که درست در نقطه مقابل ایدئولوژی "ملی‌گرایی" ، با "تمام خلقی" ، "سرمایه‌داری دولتی" قرار دارد . برای مثال در ترکیه ، درواختر دهه ۱۹۴۵ و درطول دهه ۱۹۵۰ ، از بدیلهای که سرمایه‌داری دولتی در یک دوره ۲۵ ساله نتواند طبقه سرمایه‌داری ظاهر شود و بدین‌حال آن در مدت ۱۰ سال بشقه‌کارگر این کشور شروع به اعلام استقلال سیاسی کرد و مبارزه آشکارا سرمایه‌ترک برخاست .



در گذشته ، بسیاری از ویژگی‌های "سرمایه‌داری دولتی" در کشورهای پیشرفته امروز قابل مشاهده بوده‌اند و امروز نیز در کشورهای عقب‌مانده ، در مرحله‌ای مین از تاریخ اینگونه کشورها قابل مشاهده‌اند . تریک‌های سالهای ۳۰ - ۱۹۲۵ ، مصر دوران ناصر ، هند دهه‌های ۶۰ - ۱۹۵۰ ، الجزایر ۱۵ سال اخیر ، یرو ۱۹۴۵ به بعد ، و تعداد دیگری از کشورهای چون عراق ، سوریه ، لیبی ، تانزانیا ، سومالی و غنا نمونه‌اند .

علاوه بر اینها ، عامل دیگری که دستم بطور غیرمستقیم عملکرد نظام‌های "سرمایه‌داری دولتی" را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد ، نزاع‌های منطقه‌ای است که در بسیاری موارد همگاری بروزآوری دولتی را با سرمایه‌داری جهانی در زمینه‌های مختلف نظامی ، سیاسی ، اقتصادی تسریع می‌کند و بعنوان یک عامل خارجی علاوه بر دیناسیم درونی باعث می‌شود که به اصطلاح "دنکرات‌های انقلابی" حتی از دادن پایگاه نظامی نیز به امپریالیسم آمریکا برودید در خود راه‌دهند (سومالی و مصر) .

"سرمایه‌داری دولتی" و گذار به سوسیالیسم در مرحله سرمایه‌انحصاری ، طبقات سرمایه‌دار ، بشکل فزاینده‌ای ناجاری می‌شوند اختیارات بخشی از سرمایه خود را به دولت مرکزی واگذارند و براین روال ، اشکال کامل‌تر مالکیت دولتی سرمایه‌دار و دخالت بیشتر دولت در امور اقتصادی را بوجود آورند .

توسیع اشکال سرمایه‌داری دولتی ، بعنوان یک بدیده جهانی ، در کشورهای عقب‌مانده وابسته ویژگی‌هایی دارد که از سوی برخی برآرک‌سازی با تکامل سوسیالیسم همسان نامند می‌شود و از سوی مابین‌های تبلیغاتی سرمایه‌داری نیز همزمان ، با تغییراتی ویژه بروزآوری نسبی می‌شود . این درگیری بویژه هنگامی صورت می‌گیرد که بحران ، ادامه حیات طبقه حاکمه را بخاطر می‌اندازد . در این حالت دولت سعی می‌کند کنترل بخش‌های مختلف اقتصادی را خود را بسا "برعهده بگیرد و از این طریق از گسترش بحران جلوگیری کند .

اما این راه‌نیز پس از مدتی باعث تشدید بحران می‌شود ، زیرا اقتصاد این کشورها در سرمایه‌داری جهانی

سپهری ۶۹

ادغام شده و با یکی از برآمده‌های امپریالیستی است و در نتیجه تحت تأثیر تمام ناسیونالیسم‌ها و بحران‌های این نظام قرار می‌گیرد. در این مرحله، دولت برای نجات از بحران‌های داخلی و برای تعالیب سرمایه‌های داخلی و خارجی یارسی می‌کند تا از طریق وام و سرمایه‌آمان و با استفاده از مدیریت "کارآمدتر" سرمایه خصوصی بتواند حرکت تازه‌ای در اقتصاد کشور بوجود آورد. از این راه، دولت دست در دست سرمایه‌های خارجی و صنعتی، برای چند صاحب دیکتر، حاکمیت خود را نداده می‌بخشد.

الجزایر شاید یکی از بهترین نمونه‌های جرییده سرمایه‌داری دولتی است. امکان اجرای فراغ‌البال این تجربه عمدتاً ناشی از سطح برخورداری از درآمد‌های عظیم نفت و گاز طی ۱۰ سال اخیر بوده است.

نظریه‌پردازان راه رشد غیرسرمایه‌داری می‌گویند که رژیم‌های سیاسی اینگونه کشورها از طریق تقویت بخش دولتی و افزایش میزان مشارکت ربحگشا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی باعث رشد گرانبات دیوگرانک، تصدایرالیستی و ضدسرمایه‌داری در این کشورها شده‌اند. علاوه بر استفاده از برنامهریزی، سطح رفاه اجتماعی و ربحگشا را بالا برده‌اند. اما نتواند بوجود بستی بر وجود طبقات مختلف در بخش کشاورزی و صنعت اقتصادی و سیاسی کارگران بردمیکر روسایی و سیری شان می‌دهد که اوضاع این کشورها در حال حاضر با تصویر فوق مطابقت ندارد و این کشورها با وجودی که تا معرفت "راه‌رشد غیرسرمایه‌داری" انشاق دارند. در مسیر سوسیالیستی حرکت می‌کنند. برسی اوضاع مصر، عراق و پرویز شرح مسایلی بدست می‌دهد.

اس کارسیانان عمده دارند که علت اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی برده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بهره‌کشی استعماری است که در عرض آن قرار داشته‌اند. در این شرایط نبردهای دیوگرانک انقلابی تنها بازگوکننده منافع مالکین کوچک بوده، بلکه آنال کارگران، کشاورزان و روستاگران انقلابی و کارکنان دولتی را نیز درگیر کرده‌اند.

نظریه "راه‌رشد غیرسرمایه‌داری" می‌گوید رژیم دیوگرانک انقلابی، "جامع جهان سوم" را به سوی "سوسیالیسم" هدایت می‌کند. براساس این نظریه تولید مواد خام و اجرای کامل اصلاحات ارضی، صنعت شدن از طریق "بخش دولتی ضد سرمایه‌داری" و با برنامهریزی مرکزی جزئی از برنامه‌های این گونه دولت‌هاست. علاوه بر همین رژیم باید نتایج سیاسی ربحگشا را ترویج نموده و نگران امورهای آنها باشد. براساس این نظریه، با فراهم آمدن شرایط "اجتمالی‌نجه در بالا ذکر شد، اینگونه جامع عقب‌مانده کنار به سوسیالیسم" را آغاز می‌کنند. نظریه کلی نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری، جهت‌گیری سوسیالیستی را منضم قطع تدریجی رابطه بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای عقب‌مانده می‌داند. این نظریه هیچ تناقضی میان راهگشایی سوی سوسیالیسم از یک طرف و مبارکات برکت‌های خارجی در نا صحت امتصار و سرمایه‌گذاری، از طرف دیگر، نمی‌بیند. در این مورد نمونه الجزایر نشان دهنده نشی سرمایه‌های خارجی، اولاً "در جهت پیشبرد امپرسیونیسم سرمایه‌داری، و ثانیاً "بازرسی‌ماندن به توسعه سرمایه‌داری داخلی کشور عقب مانده است.

همچنین این نظریه حفظ تولید خردکالایی در کشاورزی را نیاز اصلاحات ارضی مجاز نموده و "سوسیالیسم" را در کشاورزی محدود به تعاونی‌های تولید می‌کند، بدون آنکه بوسیله‌ای در مورد امکان دستخوشی آن داشته باشد. و به این ترتیب این مساله را که مالکیت خصوصی - تعاونی، خود نتواند توسعه سرمایه‌داری در کشاورزی است و بخش آزار که از طریق رفاهت میان تولیدکنندگان بوج کسرت سرمایه‌داری در کشاورزی است، نادیده می‌گیرد. در این زمینه الجزایر و مصر نمونه‌های قابل بررسی هستند.

نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری با عنوان کردن خردسرمایه‌داری بعنوان طبقه انقلابی کشورهای عقب‌مانده، در حقیقت رابطه طبقاتی را به شاه عاقلی تعیین‌کننده نمی‌کند. شواهد تاریخی در مورد انتخاب "سرمایه‌داری دولتی" در الجزایر با نظریه "راه‌رشد غیرسرمایه‌داری" هیچ‌جایی ندارد و تادر به نتیجه اختلاف منافع دولت و کارگران، نسبت، این نظریه، با نتواند وجود در مورد تقویت بورژوازی روسایی مصر که در نتیجه اصلاحات ارضی زبان ناصر بدیده آید تری نمی‌خواند.

نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری که در سازماندهی و تنظیم نه‌ترین شکل خود و در این‌نشان و انبساط ۷۵ پیروزی

به نحوی "انقلاب پروولتری" و "دیکتاتوری پروولتاریا" را از شروط لازم برای برقراری سوسیالیسم می‌داند، هرگز درباره‌ی چگونگی بدین‌سوسیالیسم تحت رهبری نیروهای "دیوگرانک انقلابی" توضیح نمی‌دهد. شواهد موجود در الجزایر، نشان می‌دهد که طبقه کارگر مجاز به داشتن اتحادیه‌های کارگری با احزاب سیاسی مستقل از تنها حزب قانونی حاکم نیست و هیچ راه "صلح آمیزی" بسوی سوسیالیسم وجود ندارد. در چنین حالتی با طبقه‌کارگر دنیاگورو خردسرمایه‌داری باقی می‌ماند، و با یاریجوی خشونت‌آمیزی نیروی تاسیر ساخت قدرت فسروری خواهد بود.

نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری به این ترتیب جاً و ادعای نقش پروولتاریا در انقلابات امتصار برانداخت. رسالت این طبقه را نیز به حداقل می‌رساند، و بجای انقلاب قهری، گذار سلامت‌آمیز، و بجای رهبری طبقه کارگر، رهبری دیوگرانک‌های خردسرمایه‌داری و حتی بورژوا قرار می‌دهد. به این ترتیب با دادن قدرت بدست طبقه ناپایگیر در مبارزه با سرمایه‌داری جهانی که نمی‌تواند برخوردی جدی با جریان ادغام کشور در بازار جهانی داشته باشد، مانند گذشته سرمایه‌داری خصوصی، "اساساً" حملهت "واسته" خود را حفظ می‌کند و صرفاً "منعکسگر راه‌های جدید توسعه سرمایه‌داری در این کشور، خواهد بود.

در این‌حالت رشد سریع بخش خدمات وهزمان با آن تضعیف صنایع ملی موجب بدین‌سوی "طبقه‌متوسط‌مدرن" (خردسرمایه‌داری) از درون میزرا بنویسرها، پیشه‌وران، رهبران مذهبی واعیان روستاها درگشته می‌شود، که بعنوان اصرار ارتش، دیوئاسالان‌دولتی فرد صاحب تخصص بخدمت‌گرفته می‌شوند.

در این حالت "سرمایه‌داری دولتی" بعنوان "ابزار تمام حلقی" این خردسرمایه‌داری، تنها طبقه نیرومند و پندیده‌کننده سیاست سرمایه‌داری وابسته است. خردسرمایه‌داری، به عنوان حامل سرمایه‌داری دولتی، وظیفه انتقال سلطه امپریالیستی را برعهده می‌گیرد و به این ترتیب جانشین سرمایه‌داری وابسته و زمیندار می‌شود. حال‌باید پرسید اگر این سیستم ادامه یابد، می‌تواند به جایی برسد که خود را از دست وابستگی برهاند و یک حملهت کالاً "مستقل بهبود یابد؟

باید در نمونه‌های موجود جهان - تاکنون - صفتی بوده است، صنعت یا صنعتی و سطح برابری توسعه داخلی نسبت کشاورزی به صادرات توسعه دارد، درحالی‌که کالاهای سرمایه‌داری (منابع خود را تولیدکننده‌های مستقل تولید) و محصولات غذایی وارد می‌شوند، نتواند کالاهای مصرفی ساخته‌ده.



"سرمایه‌داری دولتی" که در ابتدا بنظر می‌رسید مبارزه با سرکودگی سرمایه بین‌المللی برحاسته‌تسارچوب اصول سرمایه‌داری را مورد حمله قرار نمی‌دهد. برای مثال ماحان ماسینا اموال ملی شده‌تسلیغرات‌های ساخت‌وسازندانه‌ی سرمایه‌داری می‌کند و این در حقیقت باجی است که به "مالکیت خصوصی" در ابزار تولید پرداخت می‌شود. همین‌اینکه کنترل دست‌نبردن وتوزیع (بسیاری کالاهای بزرگ مواد انرژی‌ز) در بلند مدت در دست‌کارکنان باقی می‌ماند.

سرمایه‌داری دولتی جایی حمله به سرمایه‌داری در دستورات سابق، به توسعه "اندر" سطحی "اندر" می‌آورد و هدف موجب افزایش وابسته سطح رفاهت درباراز جهانی می‌شود. ضمن این‌که مانند نوع توسعه سرمایه‌داری اروپایی (سویژه آلمان) وژان بعداز جنگ دوم وهیوادوجهی مبارزه آن با سادات سرمایه آمریکا، به‌تساری می‌توان انتظار داشت که چنین روندی در کشورهای عقب‌مانده، هموار و پیروز از برخورد منافع باشد. چراکه توسعه سرمایه‌داری نیزمیزر از برخوردواست.

"سرمایه‌داری دولتی" در دستورات سابق، از طریق صنعتی کردن و تجدید سازمان کشاورزی رشد واقعی را پیروزی ۷۱

تقویت می‌کند و از آنجا که در خدمت ساخت نیروهای تولید در کشورهای مستعمراتی سابق عمل می‌کند، از نظر "عینی" بدین‌سوی متوجه است و هرچند نظیر سایر اشکال سرمایه‌داری، این کار را بدون بهبود رفاه نسبی اکثریت ربحگشا انجام می‌دهد. این بدیده به واقع مکل جدیدی است از انقلاب بورژوازی که تحت تأثیر نیروهای ناشی از تاریخ استعمارگری به وجود نمی‌آید. در این کشورها، استعمار مانع از پدیده آسمند یک دیوگرانک‌بومی بزرگ از نوع کلاسیک شده و "بورژوازی کوچک بومی" نیز تادر به رفاهت با سرمایه‌داری بین‌المللی نیست. در این‌حالت خردسرمایه‌داری در صورت توانایی بصورت "سرمایه‌داری دولتی" نقش سرمایه‌داری وابسته را نتاومی بخشد. این بدیده هرچند در کشورهای نیمه فودال - نیمه مستعمره "مترقی" بحساب می‌آید، در سرمایه‌داری وابسته، بویژه هنگامی که "دولتی" شدن را نیز تقریباً "بخشی تجربه کرده است، گرگشای راه رشد و ادامه توسعه نیست.

به این ترتیب "سرمایه‌داری دولتی"، بدیده‌ای که بطور فزاینده بخش مهمی از روند گسترش سرمایه‌داری جهانی را در دوران بعداز جنگ دوم به خود اختصاص داده، و بطور عمده از سوی برخی "راه‌رشد غیرسرمایه‌داری" نیز خوانده می‌شود، بگمان نظریه‌پردازان "مستگیری سوسیالیستی" را در پی دارد، اما حتی برای نمونه همین نتوانسته است، گذاری سلامت آمیز به سوسیالیسم را پیشتر گذارد و نتیجه نهایی در همه موارد سرمایه‌داری بوده است.

چند نمونه مشخص

با بررسی کلی درباره سرمایه‌داری دولتی در اینجا به چهار نمونه مشخص اشاره می‌کنیم که از سوی برخی مراکز سیاسی منطقه‌ای امیدی برای گذار سلامت آمیز به "سوسیالیسم" بحساب می‌آیند. عراق در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷)، انقلابی را تجربه کرد که "بورژوازی حلقی" ناتوانی خود را از انجام آن به ثبوت رسانده بود. در این حال، اقتدار خردسرمایه‌داری و گروه‌های متوسط جامعه، بواسطه قدرت کمی میبوندنهای تاریخی‌شان با دولت، رهبری انقلاب را، تقریباً "بطور غیایی"، بدست آوردند و وظایف تاریخی بورژوازی را با استفاده از دولت - دیوئاسالاری اداره کشور ارتش و درآید نفت - برعهده گرفتند تا اقتصاد سیاسی کشور را دگرگون کنند و در طی این روند خود به طبقه‌ای که عملکرد بورژوازی دارد، تبدیل شوند.

سیم بخش دولتی در واحدهای بزرگ در فاصله سالهای ۴۴-۱۹۶۴ (۵۲-۱۳۴۲) از ۲۲ درصد به ۲۷ درصد، نسبت کارگران از ۶۴ درصد به ۶۶ درصد افزایش یافت. ارزش سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی از ۵۵ درصد به ۷۴ درصد و ارزش بهره‌وری از ۶۵ درصد به ۷۴ درصد مجموع تولید رسید. در سال ۱۹۶۲ الگوی کنترل دولتی بر مدرن‌ترین و مولدترین اجزاء اقتصاد داخلی به اجرا درآمد. واحدهای صنعتی مشمول بصورت سوسات وابسته به سازمان‌های دولتی در آمدند و توسط هیات‌های مدیره‌ای اداره می‌شدند که غالباً "باید در مورد مصوبات تدارکات و برنامهریزی‌های خود، به چند روزانه‌ن حساب بس دهند.

بخش اعظم صنایع عراق را صنایع سنگ تولیدکننده کالاهای جایگزین صادرات تشکیل می‌دهد که متکی بر مواد خام محلی هستند و از حمایت زیاد تعرفه‌های بازرگانی برخوردارند. در این صنایع، ارزش افزوده حاصل از کار هر کارگر بخش خصوصی، در مقایسه با بخش دولتی بیشتر است، اما بخاطر تسلط بخش دولتی بر تولید مواد شیمیایی و نفتی و سایر صنایع مشابه، بخش دولتی بطور متوسط از ارزش افزوده بیشتری برحسب هر واحد تولیدی، و هر کارگر برخوردار می‌شود.

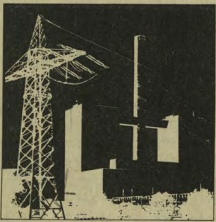
در سال‌های اخیر با توجه به افزایش کارخانه‌های بزرگ و افزایش کارگران، نوع رشد بخش خصوصی در کلیه موارد کمی بیشتر از بخش دولتی بوده است. در صورتی که واحدهای صنعتی یا کمتر از ۱۰ کارگر را نیز که همگی خصوصی هستند بحساب آوریم به این نتیجه می‌رسیم که بخش دولتی حدود ۴۴ درصد کارگران، ۵۱ درصد سرمایه‌های ۵۰ درصد ارزش بدیده است در صنایع را در دست دارد. از میان کارگران تولیدی، ۶۰ درصد کارگران غیر ماهر، ۷۸ درصد کارگران ماهر، ۹۴ درصد تکنیسین‌ها و کارشناسان دارای مهارت بالا در بخش دولتی اشتغال دارند و سه این ترتیب دولت‌عراق خود بصورت بزرگترین کارفرمای کشور درآمده است.

بخش ساختمان، در چند سال گذشته گسترش خیره‌کننده‌ای یافته‌است و بورژوازی در تولید ناخالص داخلی (۷/۷) پیروزی ۷۲

درصد)، بیشتر از کشاورزی و صنایع است. بخش بانکداری و تجارت جزو نفت، بسیار بزرگتر از هر بخش دیگر (۱۲/۷) است و "سایر خدمات" سهم زیادی (۱۰/۴) درصد) از تولید ناخالص داخلی را بدست می‌دهد. وابستگی اقتصاد عراق به نفت بدین‌حال افزایش قیمت‌ها در سال‌های ۲۴-۱۹۳۳ (۱۳۵۲)، شدت افزایش یافت. نفت عراق ۴۸ درصد صادرات کشور را سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) تشکیل می‌داد و سهم آن در مجموع درآمدها ۵۲ از درصد در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) به ۸۷ درصد در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) رسید. همچنین سهم نفت در تولید ملی از ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، به ۶۰ درصد در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) افزایش یافت.

کشاورزی و بخش روستایی

اصلاحات کشاورزی در راس دستور کار انقلاب ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) قرار داشت که نه تنها شامل مصادره و تقسیم مجدد اراضی می‌شد بلکه نوسازی کامل نبروها و روابط تولیدی را نیز دربر می‌گرفت. رژیم قاسم بصورت در جهت تقسیم مالکیت‌های بزرگ که در مناطق روستایی جنبه سلطه داشتند اقدام کرد و هدف سیاسی درهم‌گشتن قلمی کمر طبقه زمیندار را تحقق بخشید. این اقدام نشانه پیروزی قاطع نیروهای اوپوگرنده خردسرمایه‌داری بشمار می‌رفت، که بیش از هر چیز ناشی از نفوذ نیروهای کمونیست در "وزارت اصلاحات ارضی" و این‌ج‌های دهقانی بود. بدین‌حال تصفیه "کمونیست‌ها" پس از ۱۹۶۰ (۱۳۳۹)، و سرکوب بدی آنها در رژیم‌های بعث، آسنگ اجرای اصلاحات ارضی بدست‌گند شد.



با وجود بهبود الگوهای مالکیت، هنوز نابرابری‌های قابل توجهی در میزان مالکیت و توزیع درآمد در روستاها بحشم می‌خورد. آخرین آمار کشاورزی (۱۳۵۰) نشان می‌دهد که یک درصد از بزرگترین زمینداران هنوز بیش از ۲۲ درصد مجموع اراضی را در اختیار دارند، درحالی که این رقم در زمان انقلاب ۵۵ درصد بود. همچنین ۶۰ درصد فقیرترین خانوارهای روستایی فقط ۱۴ درصد اراضی را در دست دارند. بخش کشاورزی درحالی که هنوز بیش از ۵۰ درصد نیروی کار فعال (دو میلیون نفر کارگر کشاورزی در ۱۳۵۰) را در اختیار دارد، در سال ۱۳۵۵، تنها ۷/۶ درصد از تولید ملی را بدست داد.

بازرگانی خارجی

رژیم بعث تا کنترل کامل دولتی بر تجارت خارجی برخوردار است و بخش دولتی مسئولیت مستقیم ۹۰ درصد واردات را برعهده دارد. در حالی که حملهت خصوصی معاملات خردسرمایه‌داری داخلی احتمالاً حفظ خواهد شد. با این وجود نقش دولت از طریق کنترل قیمت‌ها، عرضه کمدیهای نقدی جهت بائین نگا داشتن قیمت‌ها (کمدیهای دولتی) و ایجاد بازار بزرگ عمده‌فروشی و خردفروشی، بخصوص برای محصولات کشاورزی، افزایش خواهد یافت.

پیروزی ۷۲

در اوایل سال ۱۹۷۸ "سازمان مرکزی تعیین قیمت‌ها" که زیر نظر وزارت بازرگانی اداره می‌شود، پیشنهادی طرح یک سیاست قیمت‌گذاری را که مورد تولید، توزیع و صادرات را در سراسر کشور دربر می‌گیرد تهیه کرد. این طرح منکسر - کتنده نقش سیاست قیمت‌گذاری در تصمیم‌های سرمایه‌داری بود. به این ترتیب، مالکیت دولتی، امکان تعاحب سهم عمده‌ای از ارزش اضافی را در سطح تولید و مبادله برای دولت به وجود آورد. با اینحال چند رشته تضاد مهم و قابل توجه به نظر می‌رسند که آینده اقتصاد این کشور را با بحران‌هایی سخت روبرو ساخته است که اقدام به جنگ با همسایگان - ایران - سرپوشی وقت برای مشکلات است:

نقش دولت عراق در همپیک از زمینهای تولید و گردش کالا کامل نبوده است. بیشتر تولید کشاورزی و صنعتی هنوز در اختیار بخش خصوصی است. البته در عراق انحصارگران منفرد وجود ندارند، لیکن وجود بخش خصوصی در صنعت همراه با نقش بزرگان در معاملات خرده‌فروشی، باعث می‌شود کنترل دولتی تا حد زیادی بطور غیر مستقیم و بصورت وضع مقررات و صدور فرمان‌ها عملی شود. بطور مثال، از آنجا که میزان سود مجاز بر پایه برآورد خود تولیدکنندگان از هزینه‌های تولیدی است، لذا آنها می‌توانند راه فراری از مقررات کنترل قیمت‌ها پیدا کنند.

دومین گروه از نهادها رزیم بعث عراق در گسترش دستگاه دولتی ریشه دارد. منابع ضمیمه حزب بعث، دولت باید به استخدام کلیه کسانی که کار دیگری پیدا نکرده‌اند بپردازد. دیوان‌سالاری عراق، از نظر عدم کارایی، قابلیت، حی اینکار و تمایل به قبول مسئولیت معروف است. نقش حزب بعث نیز در این دستگاه دولتی و در فشار به افراد برای بیوستن به حزب، بی‌تجربگی این دیوان‌سالاری را برجسته‌تر کرده است. این پیچیدگی و عدم کارایی بر اقتصاد عراق و از جمله بخش‌های خدمات و کالایی تاثیر زیادی گذاشته است. سهم دولت در اقتصاد به بهترین وجه در نقش این دستگاه به عنوان کارفرما منکسر می‌شود. خانسگاهای "غیرپولنری" و راستگرای حزب بعث با ادعاهای این "میکانوری خرده‌بورژوازی" در مورد طرفداری از کارگر و کارگرزگرمی این حزب تعارض شدید دارد. زرق و برق کارگر گزایی که از دور جلوه‌بخش مانیفست‌های ایدئولوژیک حزب بعث به حساب می‌آید، با بررسی دقیقتر

از بین می‌رود. در گزارش سیاسی به هشتمین کنگره منطقه‌ای در سال ۱۹۷۳، حمله‌پردازان رزیم به نحوی ظاهر "بی‌طرفانه" خود بر اقتصاد عراق و از جمله بخش‌های خدمات و کالایی تاثیر زیادی گذاشته است. سهم دولت در اقتصاد دولتی بوده است تا سوسیالیسم... تولید صنعتی تحت سلطه نظامی قرار دارد که نسبت اعضای حزب سوسیالیسم کنترل شده است. به اندازه کافی بالا نیست... سوسیالیسم مستلزم این است که طبقه کارگر "مقامات موثر و مهم را در رهبری" اشغال کند. با اینحال طبقه کارگر به عنوان طبقه‌ای "فاقد آگاهی سیاسی، اقتصادی و فنی" توصیف می‌شود که مشارکت آن "مستلزم آموزش قبلی کافی در امور سیاسی، اداری و فنی" است. و خود اصطلاح طبقه کارگر باید از خود تعریف فرار گیرد تا ضمن دربر گرفتن بخش‌های جدید اجتماعی، کیفیت اصلی طبقاتی و خلعت انقلابی آن با هوشاری تمام حفظ شود.

حزب بعث بارها به صراحت ریشه‌ها و چشم‌اندازهای خود را در باره نظام اقتصادی عراق مشخص کرده است. برای مثال در "مشور اقدام ملی" سال (۱۹۷۱) آمده است "درحالی که انقلاب قریبا" مواب حفظ منابع نودهای زمختگی است خود را در حفظ منابع تجار کوچک و متوسط نیز شدیدا" مسؤول می‌داند."

سیاست‌های دولت عراق در مورد طبقه‌کارگر از سال ۱۹۶۸ به این طرف، تفاوت قابل توجهی با سیاست‌های رزیم‌های آن کشور در خدمت توسعه سرمایه‌داری هستند. بدانشناخت، اتحادیه‌های کارگری توسط دولت ایجاد می‌شوند و زیر کنترل مستقیم کارگران حزب حاکم قرار می‌دهند و تشکیل اتحادیه‌های آزادکارگری نیز ممنوع است. برای برطرف کردن اختلاف‌ها و تضادهای کارگران دولت که رزیم بعث نیز اعترا می‌کند، بین کارگران و مدیران (خصوصی دولتی)، طرحی در مورد مشارکت کارگران در هیات‌های مدیره واحدهای تولیدی و سهم‌شدن آنها در بخش معینی از سود این واحدها، به اجرا درآمده است. البته نمایندگی کارگران در هیات‌های مدیره حقیقتا "ظلمه‌کار" دارد، زیرا این حزب است که جای کارگران، نمایندگان مورد نظر را بر می‌گزیند.

تمام این نهادها در حوزه تعیین دستمزدها نقش بر خود هم درگیر می‌شود. سیاست‌های ارزش اضافی است، به یکدیگر می‌پیوندند. افزایش دستمزدها در سالهای بالا رفتن قیمت نفت (۴-۱۹۷۳)، متعادل‌لام را در قدرت خرید ۷۴ سپهروی

کارگران بوجود می‌آورند، بلکه در مرحله بعد خود به عامل تشدید بحران تبدیل شد. به این ترتیب ضمن توجه به تاثیر صنعت نفت در گسترش روابط سرمایه‌داری در این کشور، وابستگی اقتصادی اینگونه کشورها به کشورهای سرمایه‌داری صنعتی را نباید فرما "در چارچوب یک سطح عالی وابستگی دست، چراکه این ترتیب بر تغییرات کیفی نیروهای تولیدی و روابط طبقاتی در این کشورها بی‌تاثیر نبوده است.

نهادهایی را که هیات حاکمه عراق بعنوان نمایندگان طبقه با آن بی‌روست می‌نوان با پول حل‌کرد، ضرورت رشد نیروهای مولد داخلی و تلاش کارگران برای رسیدن به سهم واقعی‌شان از درآمد ملی، پوشش "سوسیالیستی" رزیم بعث را کما می‌زند و خلعت سرمایه‌داری آنرا آشکار می‌سازد.

حزب بعث عراق که در آغاز از نظر ترکیب اعضاء و تحول ایدئولوژیک محدود خود، نماینده قشرهای پایین خرده‌بورژوازی شمار می‌رفت، امروز عملکردی جز "سرمایه‌داری" ندارد. فعالیت توسعه طلبانه این سرمایه‌داری است که سهمی از جنگ شدیدگرمی با ایران را برعهده دارد. این سرمایه‌داری گرفتار با گسترش موج بزرگ و فشار حفران، با تشدید جنگ تلاش می‌کند مبارزه طبقاتی در عراق را به انحراف بکشد.

صنعت نفت در عراق، به یک فراهم آوردن درآمد‌های عظیم نفت برای دولت این کشور، در درجه اول و غیر- مستقیم نیروی عمده را جهت نفوذ و گسترش روابط سرمایه‌داری - و تبدیل آن به تجدید ساخت نیروهای طبقاتی - تشکیل می‌دهد است. درآمد‌های کلان نفتی که در اختیار رزیم حاکم قرار داشته است به سروش گذاشتن بر خلعت طبقاتی آن و تحریف مبارزه طبقاتی در داخل کشور کمک کرده است. بدون وجود این درآمد‌های کلان، تصاحب ارزش اضافی در صنعت کشاورزی، به نهاد طبقاتی شکل حادتری می‌بخشید، باعث ارتقاء سطح مبارزه می‌شود.

نگاهی به سوریه

در سوریه، یعنی ها، از همان سال رسیدن به قدرت (۱۳۴۲) با سرعت برنامه خود را بعمل گذارند و از این طریق توانستند نمودار زیادی از برآمد (وحنی سیاسی از انقلابیون) را بدستال خود بکشند. ملی‌گرمی بانکها در سوریه و سپس ادغام بانکها انجام گرفت. صنایع سنجی حلب ملی‌گرمی شد و تولید "خودگرا" برای صنایع کشاورزی به تصویر رسید.

طی کردن بانکها، سوسات صنعتی و سایر اشغال زمین به دهقانان باعث مخالفت‌های شدید زمینداران و تجار سوریه شد. رزیم یعنی "اساس" بر آرتش که عمدا "از خرده بورژوازی تشکیل می‌شد، تکیه داشت.



نهادهای طبقاتی ناشی از تغییرات در این مرحله، تمام آرزوهای بی‌همت ۱۳۴۲ را بدستال داشت که توسط دولت یعنی بنفد ترسید. بداین اساسی مؤقت بعد از سرکوب این قیام، سوریه را جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی نامگذاری کرده و بزیرال امین الحافظ معولان ریش جمهوری و شورای انقلاب تعیین شد. در دی ماه ۱۳۴۳ تمام منابع نفتی و معدنی و بدستال آن صنایع سیمان، رنگ، نساجی، فند، مواد غذایی، شیمیایی و صنایع ساری را ملی اعلام کرد. این اقدامات اختصای و نظارت‌ها برآزاداران دسق را بدستال داشت که نشان می‌داد گروه‌های متوسطی که در آغاز حزب بعث را میسازد خود می‌دانستند. بعد از تبدیل این حزب به نمایندگان سرمایه‌داری دولتی، از خرده بورژوازی جدا شده و در مقابل آن طبقه قرار گرفتند.

در فرهای بعدی، دولت کالاها و مایملک تجاری را که مسئول "بی‌نظمی‌ها" شناخته می‌شود به دستاورد. در سمت ۴۰ شرکت واردکننده دارو و کالاهای دیگر ملی اعلام شدند. سازمان رسمی واردات و صادرات همه کالاها را در دست گرفت. سپهروی ۷۵

جای، سرب، گوشت، ماهی، لاستیک آهن، چوب، منسوجات، تراکتور، اتوموبیل، دارو، کوب، سنگ، گوجه فرنگی، کافه و بسیاری محصولات دیگر همگی تحت کنترل دولت درآمدند. سرمایه‌داری دولتی به تمام معنی بوجود آمد و ارگان سیاسی متناسب با آن یعنی شورای رهبری جمهوری با پنج عضو منتخب کنترل لاملاز قدرت تشکیل شد.

نشیتم سرمایه‌داری دولتی در سوریه، عوارضی دوگانه‌اش را نیز بدستال داشت. از سویی گهنگدازان حزب بعث با تبدیل شدن به دیوانسالاران طراز اول دولت، جناح محافظکار را تشکیل دادند. اینسها دیگر دستال اهداف "سوسیالیستی" و "انحاف اعراش" و "امثالهم نبوده. از طرف دیگر جناح "رادیکال" حزب که بیشتر از اعضای ساده حزب تشکیل می‌شود نیز هواداران آنها را کاشتن داد. در عیوی، نیروی برانحنی می‌توانست در سوریه سرمایه‌گذاری کند، چراکه سرمایه‌گذاری‌های جزوی از طریق دولت این کشور انجام می‌شود و حضور یک جناح طرفدار نیروی در سوریه این امر را تسهیل می‌کرد.

گودهای بین ۱۳۴۴ تا سناکر دور شدن بیشتر حکومت از برآمد خود، بخش دولتی در زمین نظامی نشانی‌های نواست عزز آفرین ساخت. سرمایه‌گذاران بزرگ غریبی بخاطر احساس نا امنی حرات سرمایه‌گذاری نداشتند. علاوه از آنجا که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌داران غرب عیویا" از طریق بخش خصوصی انجام می‌گیرد، دولتی کردن بسیاری از بخش‌ها نیز حجم سرمایه‌گذاری‌های آنها را کاهش داد. در عیوی، نیروی برانحنی می‌توانست در سوریه سرمایه‌گذاری کند، چراکه سرمایه‌گذاری‌های جزوی از طریق دولت این کشور انجام می‌شود و حضور یک جناح طرفدار نیروی در سوریه این امر را تسهیل می‌کرد.

بزرگترین در سالهای مورد بررسی (۱۳۵۰)، بیشترین واردات سوریه از آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، آمریکا بوده و بیشترین ارقام صادرات راهی کشورهای ایتالیا، آلمان غربی و شوروی می‌شده است.

ساخت طبقاتی سوریه در دهه (۴۹ - ۱۳۳۹) - آمار جمعیت فعال

دوره	۱۳۳۹	دوره	۱۳۴۹	دوره	۱۳۴۹
بورژوازی تجاری و صنعتی	۱۹,۷۵۰	۲/۲	۱۰,۸۵۰	۰/۷	۱۳۳۹
بورژوازی ده	۴۶۴۰	۴/۵	۸۴۶۰	۰/۶	۱۳۳۹
طبقه کارگر	۱۵,۹۷۲	۱۷/۹	۲۵,۷۳۰	۱۷/۶	۱۳۳۹
برولناریا ده	۱۸,۷۲۰	۲۰/۵	۱۳,۰۴۰	۸/۹	۱۳۳۹
خرده بورژوازی سنتی: بولند	۵,۱۳۰	۵/۸	۱۰,۳۳۵	۷	۱۳۳۹
غیربولند	۵,۹۶۰	۶/۷	۱۱,۲۲۰	۷/۷	۱۳۳۹
حقوق بکیر متوسط	۱۳,۳۳۰	۱۵	۲۳,۴۴۰	۱۶	۱۳۳۹
دهقان خرده یا	۲۴,۴۴۰	۲۷/۴	۶۰,۸۵۴	۴۱/۵	۱۳۳۹
جمع	۸۸,۸۷۰	۱۰۰	۱۴۶,۶۵۰	۱۰۰	۱۳۳۹

در آغاز دهه جاری (۱۳۵۰) تغییراتی در ترکیب طبقاتی سوریه بوجود آمده که بررسی مختصر آن می‌تواند آموخته‌ها باشد.

درصد بورژوازی تجاری و صنعتی در مجموعه جمعیت بعد از ۱۰ سال کاهش یافته اما این تغییراتی افزایش آنها را در دیوانسالاری بدستال داشته است. در عیوی خرده بورژوازی شهری، کارمندان دولت و بین‌رشته دهقانان خرده یا، رشد کرده‌اند.

درصد دهقانان خرده یا از ۲۷/۴ درصد به ۴۱/۵ درصد افزایش یافته است. با توجه به تلاش دولت‌ها برای تحریف نهادهای طبقاتی از راه افزایش گروه‌های متوسط، می‌توان به اهمیت این تغییرات در ترکیب‌های طبقاتی پی‌برد. درصد طبقه کارگر نیز کاهش یافته و این در شرایطی است که درصد کارگران روستایی به کمک از رشد سرمایه‌داری است. لازم به یادآوری است که در سوریه تنها به کنت سیمه و تولید نفت توجه می‌شود و به بقده رشته‌های دیگر کمتر توجه می‌شود، که این امر با منابع دیوانسالاری دولتی رابطه نزدیک دارد.

تعیین حافظ اند معولان ریاست جمهوری سوریه، در تحفیت با مان خجستین به معدد بزرگ قدرت در درون حزب بعث بود. از این پس، دیگر دیوانسالاران سوریه مجاز نبودند حداکثر با سرمایه‌داران مخلت وارد مبادله شوند، بلکه این طبقه در انحصار دولت قرار می‌گرفت. این سبکر، معادری که وقف گویاه در آغاز کار (۱۳۵۰)، گسترش روابط اقتصادی - سیاسی ما شوروی را بدستال داشت.

دیوانسالاران سوریه سنن فراراد ما ترکیب‌های غریبی را بین از بین شوی می‌کنند. این امر باعث همکاری سرمایه‌داران غریبی سا سوریه در طی جنگ ۱۳۵۵ سپهروی در لبنان شد. برنامه پنج ساله چهارم سوریه (۵۹ - ۱۳۵۵) با نساژ به نو سلبارد دلار کتک خارجی ممنوعیت رسید. که بخش عمده آن را منابع مالی غرب تأمین می‌کنند.

سوریه امروز کشور است که در زمین گرایش سوی بلوک شرق، وابستگی زیادی به امپریالیسم دارد. نهاد عمده برآمد ما دولت است که از طریق آن وابستگی‌های کارگران شکل می‌گیرد.



تاریخ آنیا

ناترواسا، کنوری که با ۱۶ میلیون و ۳۶۰ هزار نفر جمعیت، بیشتر به درآمد کشاورزی تکیه دارد. نمونه دیگری از "راه‌رشد غیر سرمایه‌داری" یا "سرمایه‌داری دولتی" است.

این کشور که بخلاف به میونه دیگری در این بررسی آمده است از درآمد سرباز نفت بی‌بهره می‌برد، در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۰ رشد اقتصادی چشمگیر ۴/۳ درصد را نشان داد. تولید ناخالص داخلی ناترواسا در ۱۹۶۸، ۸۲۲ میلیون دلار بود که به هر نفر ۶۷ دلار می‌رسد. از این میان ۵۲ درصد سیم کشاورزی، ۱۲ درصد سیم صنعت و ۴۶ درصد آرد آن حدیاب بوده است. با این حال ناترواسا می‌توانست در صورت حفظ حاشه رشد اقتصادی، خود را از میان "کشورهای بسیار فقیر" بالاتر بکشد. ناترواسا یک دهه بعد (۱۹۷۷) تولید ناخالص ملی را به ۳/۴۴ رساند و درآمد سرانه را به ۲۱۰ دلار در سال افزایش داد. اما نرخ رشد اقتصادی به نصف (۲/۱ درصد) کاهش یافت. درحالی‌که تورم سالانه ۱۲ درصد درحال بود.

با تگاهی به مناسبات اقتصادی و روابط این کشور با سرمایه‌های خارجی و داخلی، علت این امر اندکی روشن‌تر می‌شود. در دوران قبل از استقلال، سرمایه‌گذاران در مالکیت مستقیم ترکیب‌های چند طبقی بود ولی پس از اعلامیه "اوتو" که دولت کلیه سرمایه‌های خارجی را "ملی" اعلام کرد عملا با آنها به مشارکت پرداخت. پس از استقلال، دولت شرکت ملی توسعه "ان-دی-سی" را تأسیس و اکثر کارخانجات کشور را "ملی" اعلام کرد. لکن این حرکت نتوانست عملا "رشد و توسعه" ترکیب‌های چند طبقی را تسهیل کند چرا که خود دولت بیرونی درگیر واردات‌های کوناگون با این شرکتها شد. به این ترتیب وابستگی به بازارهای جهانی و ترکیب‌های چند طبقی با مان محدودیت بلکه اشکال جدید وابستگی جاکتین اشکال کینه آن کردند. یعنی عملا با ک سرمایه‌داری دولتی از نوع وابسته آن مواجهیم. این وابستگی، سرعت خود را در مساللات بازرگانی خارجی این کشور نیز منعکس کرد.

در سال ۱۹۷۷ کسری یوازانه بازرگانی شدید شد (یک میلیارد و ۶۶۲ میلیون شلینگ ناترواسایی - هر شلینگ ۱/۱۴ دلار - در مقابل یک میلیارد و ۳۰۶ میلیون ۱۹۶۶) که این افزایش کسری با وجود افزایش صادرات ناترواسا نیز بود. واردات نفت فقط ۵/۳ درصد مجموع واردات در سال ۱۹۷۷ را تشکیل می‌دهد ولی نسبت به سال ۱۹۶۶ افزایش پیدا کرده‌اند. این مسئله صیف این بخش را نشان می‌سازد. بخشگری در معادلات خارجی نشان می‌دهد که فرجه انکلیسین دیگر کار معادلات بازرگانی با ناترواسا از دست داده اما ناترواسا هنوز روابط مناسباتی جهان سرمایه‌داری و خصوصاً با بازار صنعتگر اروپا را حفظ کرده است.

اروپا در راس مبادلات بازرگانی (میلیون شلینگ)	
صادرات	واردات
جمهوری فدرال آلمان ۸۰۹	جمهوری فدرال آلمان ۷۰۹/۷
انگلسان ۶۸۷/۸	انگلسان ۹۲۱/۲
ایالات متحده ۶۱۰/۲	ایالات متحده ۲۸۱/۱
ایتالیا ۳۲۲/۵	ایتالیا ۳۵۹/۷
هلند ۱۸۷/۶	ژاپن ۶۹۱/۳
هندوستان ۱۶۲/۱	بلژیک ۲۸۹/۱
چین ۱۲۲/۸	ایران ۳۵۱/۹

ناظران در سال ۱۹۹۷ کنونی فوق‌العاده وابسته مافی مانده است. کف خارجی به ۳۳۰ میلیارد شلینگ در سال بالغ میشود یعنی حدوداً ۲۶۰ شلینگ سرانه درسال بودجه ۷۹-۱۹۷۸ تا حد این واقعیت است. از کل ۵ میلیارد و ۸۳۳ میلیون شلینگ سرمایه‌گذاری برای توسعه ۳ میلیارد و ۵۸۲ میلیون یعنی ۶۰ درصد آن باید از خارج سرمایه‌گذاری شود یعنی ۶۰/۹ درصد بیش از بودجه سال ۷۸-۱۹۷۷ که ۱۶ میلیارد و ۲۹۹ میلیون شلینگ از هدایا و یک میلیارد و ۸۳۳ میلیون از طریق وامهای کشورهای بسیار گوناگون و سازمانهای بین‌المللی بدست خواهند آمد.

- دریایان سال ۱۹۷۶ کل بدهی عمومی با ۱۲/۱۶ میلیارد شلینگ بالغ میشد که برتریب زیر بین طلبکاران تقسیم میشد:
- چین: ۲ میلیارد و ۵۹۶ میلیون شلینگ
 - گروه بانک جهانی: یک میلیارد و ۹۰۴ میلیون شلینگ
 - ایالات متحده: ۶۴۷/۷ میلیون شلینگ
 - دانمارک: ۵۹۳ میلیون شلینگ
 - کانادا: ۵۶۱ میلیون شلینگ
 - هلند: ۴۵۵ میلیون شلینگ
 - جمهوری فدرال آلمان: ۴۴۰ میلیون شلینگ
 - سوئد: ۴۰۲ میلیون شلینگ
 - رومانی: ۴۰ میلیون شلینگ

گشت های اصلی تجاری

بشبه (توب)	۱۹۷۶-۷۷	۱۹۷۷-۷۸
چای (تن)	۲۳۸۹۵	۳۵۸۳۷
قهوه (تن)	۱۴۰۲۴	۱۶۶۶۵
سواول (تن)	۵۳۳۵۹	۲۴۶۸۲
توتون (تن)	۱۱۳۶۹۸	۱۰۴۸۳۱
	۱۹۱۲۶	۱۸۲۶۵

همچنانکه در جدول دیده میشود بجز تولید چای، تولید بقیه کالاها صادرات اصلی ناظران در سال ۱۹۷۸ کمتر از سال ۱۹۷۷ بوده است.

رشد صنعتی این کشور بسیار ضعیف است. هیچگونه تجهیزاتی در زمان کسب استقلال موجود نبود و سیاستی که از سال ۱۹۶۷ دنبال میشد سرمایه‌گذاری در این بخش را محدود ساخت.

فقط ۹/۶ درصد تولید ناخالص ملی به صنعت اختصاص دارد. در سال ۱۹۷۷ رشد صنعت کندتر شد:

رشد صنایع

درصد ۸/۲ + ۱۹۷۱ - ۱۹۶۷

درصد ۴/۲ + ۱۹۷۶ - ۱۹۷۲

درصد ۶/۲ + ۱۹۷۶

درصد ۵/۴ + ۱۹۷۷

این کاهش ناشی از نتایج منفی صنایع وابسته به کشاورزی بود. در مجموع صنایع ناظران چندین پیشرفت نسبت بازرگاری مویست ضعیف است. ظرفیت انبار داری و حمل و نقل کالی و مجیز به فطانت بدکی و کارشناس مطمئن و آب و برق کافی نیست.

هانگونگ که در آغاز یادآوری شد، تشدید بحران در این کشور که با رونق اقتصادی در یکی دو دهه گذشته می‌رفت تا بعنوان الگوی موفق راه رشد غیرسرمایه‌داری مهر ثبت نگردد، بکار دیگر شکست راهبانی را که حفظ سرمایه‌داری محور اصلی فعالیت آنهاست نشان داد. زورا سرمایه‌داری دولتی در ناظران نیز نلانی کرد با حفظ وابستگی به سرمایه‌داری جهانی مضمون طبقاتی دولت سرمایه‌داری را پنهان نگاه دارد.

الجزایر، «موفق ترین الگو»

الجزایر را شاید بتوان یکی از موفق‌ترین تجارت سرمایه‌داری دولتی دانست. با اینحال، تحولات الجزایر در دوران پس از استقلال عمدتاً نتیجه برخورداری از درآمد های عظیم نفت و گاز طی دهساله اخیر بوده است. مابین ترتیب نمی‌توان آنطور که درمشور طی سال ۱۹۷۶ آمده است گزار صلح‌آمیز به سوی یک «سوسیالیسم مشارکتی» را انتظار داشت.



بررسی مختصر سرمایه‌داری دولتی در الجزایر را با اوضاع بازرگانی این کشور آغاز می‌کنیم. از مجموع ۱۵ میلیارد دلار ارزش بازرگانی خارجی الجزایر در سال ۱۹۷۲ ۷۰ درصد آن با بازار مشترک و تنها ۱۰/۶ درصد با اروپای شرقی و آسیا بود. در سال ۱۹۷۲ تجارت الجزایر با «لوگ» شرق ۱۴ درصد مجموع تجارت خارجی این کشور را تشکیل میدهد که این رقم در سال ۱۹۷۴ به ۳۰ درصد افزایش یافت. برای بدست آوردن چیزی که گروه بومدین آنرا تکنولوژی مفید بشترفته میدانند الجزایر غالباً «ناچار است که کل سیستمهای یک کارخانه را از ترکیبهای بین‌المللی خریداری کند. نظیر کارخانه الکترولیک «صدی بل عباس» که توسط شرکت «جی. سی. ای» ای «ا هرسنای معادل ۲۱۴ میلیون دلار ساخته میشود و با مثل بالا شگاه «آرزو» که توسط یک کمپانی ژاپنی ایجاد گردیده است.

در سال ۱۹۷۴ الجزایر شروع به درخواست وام از سایر کشورهای عرب تولیدکننده نفت مثل (کویت) نموده است تا به توسعه از وابستگی خود به بازارهای بولی بحت کنترل غرب بکاهد.

روابط الجزایر با ایالات متحده آمریکا بخصوص از این جنبه حالب توجه میباشد چرا که حجم معاملات مالی میان الجزایر و بانکهای آمریکایی رقم قابل ملاحظاتی را تشکیل میدهد: در سال ۱۹۷۱ ارزش وامهای «بانک صادرات و واردات آمریکا» به الجزایر بالغ بر ۷۰ میلیون دلار بود و در سالهای ۱۹۷۲ مجموع وامهای آمریکا به یک پیوستی ۷۹

خانواده های خود در الجزایر ارسال میدارند. مبلغی که به غیر از کمک به زندگی این خانواده ها، در موازات تجاری نشئت الجزایر نیز موثر میباشد. همینطور مهاجرت این کارگران موجب خروج بخش عظیمی از پولناریای کشور گردیده و به این ترتیب کمیت و قدرت سیاسی این طبقه را هاندان دولت پیش از استقلال محدود مینماید.



سال	تعداد کارگران مهاجر الجزایری در فرانسه
۱۹۶۲	۲۲۵۰۰۰
۱۹۶۸	۵۶۴۰۰۰
۱۹۷۱	۷۵۴۴۲
۱۹۷۳	۷۸۰۰۰۰

فرانسویان نیز نمونه خود، چنین مهاجرتی را که در بعضی دوره ها به نیاز های سرمایه‌داران فرانسه خدمت میکند تشویق می‌نمایند. بهینگار رونق دورتجاری زمانیکه میزان عرضه کار از طرف خود فرانسویان نا کافی است، کارگران الجزایری در فرانسه، یک منبع قابل گسترش کار ارزان جهت اشتغال در پائین‌ترین رده های سلسله مراتب نقلی بشمار میروند...

امروزه که نرخ بیکاری در میان کارگران فرانسوی بالا رفته است، این کارگران الجزایری هستند که دوباره قربانی این وضع شده‌اند و حتی بصورت پنهانی برای خالی کردن عقده های ناشی از سرخوردگی کارگران فرانسوی درآمده‌اند. در سال ۱۹۷۳ حلات خشونت‌آمیزی علیه الجزایری ها در فرانسه بوقوع پیوست که چند کشته جا گذاشت و صخر به این شد که دولت الجزایر از مهاجرت اتباع خود تا تضمین امنیت آنها توسط دولت فرانسه جلوگیری نماید.

کارگران مهاجر الجزایری وضعیت قانونی، مزدهای پایین، شرایط زندگی و کار خطرناک و خفت‌باری را که کارگران اروپایی با آن رها کرده و با علمه آن اعتراض و اعتصاب براه میاندازند، می‌پذیرند. آنها همینطور بدون اینکه بتوانند از حق دریافت حقوق بازنشستگی فرانسوی برخوردار شوند، هریماه مبلغی به حساب صندوق تأمین اجتماعی این کشور واریز نمایند. بالاخره از آنجا که کارگران مهاجر از نظر فرهنگ و زبان - اگر نگوییم از نظر فیهافه - از اروپائیان متمایزند لذا تعمیم قابل شدن علیه آنها و استفاده از خصومت‌های نژادی جهت تفرقه انداختن میان طبقه کارگر آسان میگردد.

گروه های ممتاز

گرایشی که در دوران بربلا بر حسب مقتضیات زمان در جهت ایجاد افتخار جدیدی از گروههای صاحب امتیاز و قدرتمند بوجود آمده بود، در طی هشت سال اول حکومت بومدین به نحوی منظم دنبال گردید و تحکیم یافت.

«در آلمان جدید» ۱۹۶۵	
تعداد افراد	۶۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰
نوع شغل	مقامات دولتی و بوروکراتها
	۸۰۰۰۰ - ۷۰۰۰۰
	ارتش و بروس های امنیتی
	۵۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰
	صاحبان تخصص و سایر افراد طبقه متوسط
	۱۵۰۰۰۰
	کارگران کشاورزی و بازرگان سوسیالیستی
	۱۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰
	کارگران صنعتی صنایع سوسیالیستی
حداکثر	۳۵۵۰۰۰ - حداقل ۳۱۰۰۰۰

بیکاری

در سال ۱۹۷۲، بر اساس آمار «سازمان اطلاعات اقتصادی و برنامه‌ریزی» الجزایر نزدیک به ۵۰ درصد از ۴/۵ میلیون نفر نیروی کار بالقوه فعال این کشور دچار بیکاری و اشتغال ناقص بودند که در مناطق روستایی چشمگیر بود. با چنین نرخ بیکاری، الجزایر نیاز به ایجاد سالانه ۱۰۰ هزار شغل جدید جهت رسیدن به اشتغال کامل تا سال ۱۹۹۰ و با بین سالانه ۱۵۰ هزار تا ۱۷۵ هزار شغل جدید برای تحقق اشتغال کامل سالانه ۱۹۸۰ خواهد داشت.

کارگران مهاجر

مشکل دیگری که الجزایر با آن روبرو است، مشکل مهاجرت کارگران الجزایری به اروپا و بخصوص فرانسه است. پدیدهای که در دوران پس از استقلال بتدریج بر ایجاد آن افزوده شده است. در حال حاضر کارگران مغرب ۲۰ درصد مجموع شاغلین تمام وقت الجزایر را تشکیل میدهند و سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار برای

سرمایه‌داری دولتی در الجزایر بعنوان یک نظام اقتصادی ، به ایجاد و حفظ این گروه "سرمایه‌داری جدید" کمک نموده است . همبستر سرمایه‌داری دولتی در این کشور ، ارزش زیادی برای کنترل متفرک کل اقتصادی در دست مقامات آنها به اداره یوسات اقتصادی ملی مرکزی را بعهده داشتند ، تمرکز یافت ، علاوه بر این ، در دوران سویدین (بخصوص نوبل شخص او) گرایشین بوجود آمده که برپسای کارآیی فنی و بهره‌وری مادی - بعنوان هدفهای اولیه برپایه توسعه - وهمینطور سخنیدن موفقتن طرحها برحسب سوددهی آنها ، قرار داشت . بنابراین کارآمدترین و با صلاحیت‌ترین و مودجورترین افراد ، در بوروکراسی دولتی چیزی نبودند و بعنوان حاکمین جدید جامعه به مقامات بالا ارتقا یافتند . این گروه بدل به سرمایه‌داران دولتی الجزایر گردیدند .

بودین و اعضای اولیه گروه عقده ناسیونالیستهای پرشوری بودند که اعتقاد داشتند راه رسیدن به توسعه واقعا " ملی و استقلال کشور را باید در سرمایه‌داری دولتی و بخصوص در ایجاد صنایع سنگین جستجو نمود . باین ترتیب آنها به تکنوکراتها و بوروکراتها آزادی عمل دادند تا از قدرت دولتی خود در جهت تحقق این امر استفاده کنند . صاحبان تخصص ، مخاطر صاحب انحصار بودن در "امور تخصصی" مورد استفاده ارتش و بوروکراسی قرار میگرفتند و از مهارت‌هایشان در راه هدف فوق استفاده میشد . فلانکن بزرگ که بسیاری از آنان خود در دستگاه بوروکراسی دولتی مشغول کار بودند و با اینکه با بوروکراتها سمنهای خانوادگی داشتند ، بخاطر اینکه با اجرای انقلاب ارضی تسلطشان در مناطق روستایی مورد تهدید قرار میگرفت ، به انجام آن علاقه‌ای نداشتند و ترجیح میدادند که ضمنی شدن را بعنوان راه توسعه کشور ترویج نمایند . باین ترتیب ، آنان از بوروکراتها و سرمایه‌داری دولتی که دارالبیاد و قدرت ایشان را دست نخورده باقی میگذاشتند ، حمایت میکردند .

درعین حال ، کلبه این گروهها از جهت تحکیم مواقع قدرت و امتیازات به نفعشان بود که کار بورژوازی همبستگی و ناسیونالیستی بفرسایران - که نظام خودگردانی در مزاج و کارخانه‌ها ممانگر آن بود - جلوگیری نمایند . نظام خودگردانی الفا کسندیده این بود که مالکان بزرگ ، صاحبان کارخانه‌ها ، بوروکراتها ، تکنوکراتها و با انواع کارشامان دیگر ، در اصل وجودشان ضرورتی برای تولید ندارد و باین ترتیب نظام مزبور تهدیدی جدی برای مشروعیت حق حکومت حاکمان جدید بشمار میرفت . این تهدید باین اثر نمودن نظام خودگردانی از طریق داخله عمومی و "سود مدیریت مشغول کار بودند و با اینکه با بوروکراتها سمنهای خانوادگی داشتند ، بخاطر اینکه با اجرای انقلاب ارضی تسلطشان در مناطق روستایی مورد تهدید قرار میگرفت ، به انجام آن علاقه‌ای نداشتند و ترجیح میدادند که ضمنی شدن را بعنوان راه توسعه کشور ترویج نمایند . باین ترتیب ، آنان از بوروکراتها و سرمایه‌داری دولتی که دارالبیاد و قدرت ایشان را دست نخورده باقی میگذاشتند ، حمایت میکردند .

در واقع همان مبارزه‌ای که در میان حکومت بیلا جریان داشت ، باینکه در شکل جدید در دوران بودین چیزی خود را بیان داده است . باید گوئیم که هنوز هم بوروکراتهای دولتی و نهادشان یعنی صاحبان تخصصی و مالکین بزرگ هستند که بحای کارگران ضمنی و کشاورزی ، کنترل و مابیل تولید را در دست دارند . لیکن در پی آسانهای شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی ، یک عنصر ، یعنی ارتش و گارتیان ناسیونالیستی آن ، در تغییر شده است و عنصر دیگری بحد " سطح شده " که همان تولید های روستائیان فقیر و خرده برونلاریا می‌باشد . در این موقبت حساب از تاریخ الجزایر ، عناصر مزبور بخاطر طبیعت سرمایه‌داری دولتی - به بنایه نظام اقتصادی یک کشور جهان سومی - اهمیت بزرگی بخود گرفتند . بخاطر تاکید سرمایه‌داری دولتی بر اعمال کنترل مرکزی و ایجاد صنایع سرمایه بر که ناشی از ساخت آن می‌باشد ، توانایی چنین نظامی در مقابله با مشکلات سرمایای یک جمعیت روستایی بزرگشده و یک کشاورزی شدیدا " عقب‌مانده " محدود می‌شود . امروزه شدت این مشکلات علیرغم تمام تروت و بهره‌وری حاصل از صنایع الجزایر ، بیهان اندازه دوران استقلال است .

افزایش وابستگی

ارفاق بر زمینتر از آنکهستان‌دهنده استقلال الجزایر باشد ، نمایانگر وابستگی درحال افزایش اقتصاد این کشور به سرمایه‌داری جهانی می‌باشد . در ژانویه ۱۹۷۶ وزیر بازرگانی الجزایر اعلام داشت که :

۸۲ سپریز

" در مطالعه‌های زانویستنا نوامبر سال ۱۹۷۵ ، واردات الجزایر افراسه بالغ بر ۷/۲ میلیارد فرانک بوده است . ارزش صادرات با بفراسه در پی صیدت ۲/۸ میلیارد فرانک بوده است که در نتیجه ۷/۶ میلیارد فرانک کسری موازنه نشان میدهد . بر طبق تخمین ما ، این کسری برای تمام سال به حدود ۵ میلیارد فرانک خواهد رسید . چنین وضعی برای ما غیرقابل قبول است . کسری موجود در مبادلات ما با فرانسه بقا " با کم‌تری موازنه برادختنیست خساری را برای ما برساند ."

در سال ۱۹۷۶ میزان " فروش خارجی " الجزایر بالغ بر ۲۲ میلیارد دینار الجزایری میگردد که رقمی معادل ۳۵ درصد کل تولید ناخالصی ملی این کشور را تشکیل میداد . بهره این وام در این سال حداقل معادل ۱۵ درصد کشور - در فریاسه با ۸ درصد بوجه در سال ۱۹۷۵ - بود .

خصوصیات برجسته زیر ، مشخص کننده تمام اقتصادهای وابسته جهان سوم می‌باشند : انکا به صادرات تعداد کمی مواد خام اولیه (نفت و گاز طبیعی) ۹۰ درصد صادرات الجزایر را تشکیل میدهد (وارد نمودن تکنولوژیهای کرافتیت و سایر محصولات و تجهیزات صنعتی مکمل آن ، ازجمله تمامهای برجسته سرمایه‌داریهای بیرونی چه دولتی و چه خصوصی می‌باشند . همینطور بدیده بونی اقتصادهای وابسته ، بی توجهی کامل به " بخش روستایی سنتی " بطور اخص و همینطور کاهش بهره‌وری در اراضی ملی شده کشاورزی بطور اعم ، می‌باشد - بدینمال افزایش ندادخلات دولت در سیستم‌های خودگردانی کارگری در اراضی تحت استعمار سابق ، تولید محصولات درواخرده‌ده ۶ و اوائل دهه ۷۰ تا میزان ۵۰ درصد کاهش یافته بود . در نتیجه این وضع ، الجزایر شروع به وارد ساختن مقادیر فزاینده‌ای مواد غذایی نمود که شامل ۲۰ درصد مصرف غلات و قسمت اعظم مواد لبنی و شکر مزبور مصرف میگردد .

ارزش مواد غذایی مزبور در سال ۱۹۷۱ که " انقلاب ارضی " آغاز گردید ، معادل ۳۰ درصد ارزش کل واردات این کشور بود . میزان سرمایه‌گذاری سالانه بورژوازی الجزایر حداقل بالغ بر ۵۰۰ میلیون دینار میگردد . در سال ۱۹۷۰ ، مجموع سرمایه‌گذاریهای خصوصی بالغ بر ۳/۵ میلیارد دینار میگردد . حتی یک نرخ سود بسیار ناچیز ، سود خالص این سرمایه‌گذاریها بیش از ۱۰۰ میلیون دینار در سال می‌باشند . در سال ۱۹۷۰ سهم تولید ناخالصی ملی بالغ بر ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دینار بوده است که ۹۰ درصد این مبلغ مربوط به بخش خصوصی بوده است . در امپورت برونلاریا که صرف سرمایه‌گذاری محدود گردیده یعنی بالغ بر حدود ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد دینار باشد . بالاخره ، میزان اجاره ای که مالکین اراضی بزرگ خصوصی دریافت نمودند ، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دینار در سال برآورد شده است .

یادآوری می‌شود که منازعات میان امپریالیست‌های مختلف تغییراتی در دوره‌های فوق و شکل " طرف قرارداتشان بوجود می‌آورد که این دگرگونی را نمایه نمودن " سطح وابستگی " می‌باشد . برای مثال زمانی شرکت‌های فرانسوی انحصار تجارت و فعالیت اقتصادی را در الجزایر در دست خود داشتند و از بید نمودن زمین این بروردار بودند ، ولی امروز میان شرکت‌های بین‌المللی برای تجارت با الجزایر در فروش کالاهای سرمایه‌ساز ، سرمایه‌گذاریهای مشترک و سایر طرح‌های ساختنی و رفاهت جستجو می‌جوردد . در حال حاضر بزرگترین سودآورترین و روتنه‌های تولید (و معمولا حدود نژین و کارآترین شیوه) هم سود شرکت‌های بین‌المللی است هم به نفع " سرمایه‌داری دولتی " الجزایر . همینجور در جریان این " همکاری " است که مواج ناشی از استعمار که در سزراه توسعه دوطرفه‌افزایند ، درهم شکسته می‌شود .



۸۲ سپریز

روز به روز

(۱) - اطلاعات
(۱ ، ۱) - انقلاب اسلامی
(۱) - جمهوری اسلامی
(۱) - خبرگزاری فارس
(۱) - مسجد آراگان
(۱) - کچهان
(۱) - میزان

دوشنبه اول دی

- سرتیپ تلاخی : " نسبت به روزه‌های اولیه جنگ در زمینه جنگ‌افزار و مابیل و تجهیزات آموزشی بنی‌فنا ۱۰ برابر افزایش یافته است . در وقت دهات متین زمین‌گر شدت است . در گلابوربخطر از شهر دور شده و بیرونی مدام ، بدون تعطیل ادامه دارد (۱ ، ۱)

- در جبهه آمان و دارخوین چند سکر نیروهای عراق نابود شد ، نوحخانه و هوانیروز ایران راه کنگ رسانی به نیروهای عراقی را در بمشتر قطع کردند . مناطق مسکونی آمان طی طی روز کشته شد - گاه و بنگاه - هدف نوحخانه عراق قرار داشت (۱ ، ۱)

- در سر بل دهاب نیروهای ایران چند کیلومتر پیشروی کردند . (۱)

- در جبهه های قرضشیرین و دهاب میالده آتش نوحخانه و سلاحهای سنگین بطور بزرگانه در جریان دارد . (۱ ، ۱)

- با کشف یک معدن مین عراق در جبهه اهواز بین

۸۲ سپریز

رسیده است . در بروجرد دو هزار نفر در یک مدرسه و در هر اتاق ۲۰ نفر الی ۳۰ نفر زندگی میکنند ... هر خانواده ۱ تا ۱۳ نفری یک گلوله سبب زمینی ، نیم کیلو خرمای و بعضی اوقات زردن یا چای و قند همند ... در سر بندر در کب " حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت ساکن بودند که ۱۰ روز به آنها غذا ندادند ... ماهشهر هم عین طلب را ناکند کردند ، به صرف اینکه " اینها را میخواستیم حاجا کنیم به اینها غذا ندادند " ام ... مسکولین گفتند از فردا بدیدهیم ، ولی طبق گزارشاتی که به من میرسد تا حالا عین همان وضع با بر جاست . (۱)

- مرسلیم : " ما در وزارت کشور پیش‌بینی نمی‌کردیم که جنگ چنین روزی بخودش بگذرد و مسالعی بعنوان جنگزده برای ما بدید نباید ، چنانچه در عراق ساله جنگزده وجود ندارد . (۱)

- رئیس سازمان برنامه و بودجه : " در بوجه حال ۶۰ درصد حاصل از واحدهای تولیدی جاگیرین منابع ارزی حاصل از فروش نفت میشود . سعی میشود از منابع راگد اعم از نیروی انسانی و واحدهای کشاورزی در جهت تعمیر این به نظام عرفی و بافتن راههای صرفه‌جویی استفاده کنیم . (۱)

- سخنگوی دولت : " گندم وارداتی داریم ، و میسران فروش گندم کشاورزان به دولت از سال پیش کسری است . " (مطبوعات)

- نماینده بروجرد در مجلس : " آموزش و پرورش یک نام و دو هوای ملکت با از طرفی بخشنامه‌های ریگند که برای جلوگیری از عقب‌افتادگی محصلین مناطق جنگی تمام واحدهای آموزشی بوقف به بدینش آنها هستند و مدرک تحصیلی جهت ارتقاء اشتغال آنها ... اما در مقابل مدارس لرسان را که از هر جهت آمادگی داشته و استعدادهای بجهت بوسگفته آن برای شروع فعالیت تحصیلی روزشمار می‌کنند تعطیل کرده‌اند " (۱)

- ۵۰۰ دانشجوی معتزلی در مشهد : " چهارماه است در بلاکتلی و بزرگراهی سمر میریم از ۶۰۰ دانشجوی راهمانی ۲۲۲ نفر را اخراج کرده‌اند هات‌تصفیه ای که دست به این بکار می‌زند خود عدم صلاحیت حرات است . (۱)

- آیت‌الله منتظری : " کسی گفته سازمان مجاهدین خلق کاروند ... ولی امتیازات در تعیاید آنها هست ... به ملت نوصیه می‌کنم که با اعتوش باز آنها را بپذیرند و حرفهای که موجب کوشه زدن و نیش زدن آنهاست نمانند . " (مطبوعات)

- دختر یک محکوم در جامعه به روزنامه‌نگار فلابا سلامی .

- پدرم - همین شگوری - در عمر چهارشده در اوین

اعدام کرده‌اند ، او در گذشته از مبارزین شد رژیم طاغوت بوده ... پدرم رانگشده کرده بودند ، وقتی به بزرگی ثانوی برای گرفتن جسد پدرم رفتم منوجه گندم که به غیر از پدرم ۹ نفر دیگر را هم اعدام کرده‌اند . (۱ ، ۱)

- وزیر دادگستری : " آمان کوشه جدید از تجارب رژیم گذشته استفاده کنید ، اجازه بدیده ماوران اجرائی بزرگتر برده را اسیر اختیارات تسجیده کنید . " (مطبوعات)

- به دستور دادستان کل انقلاب دایره مبارزه با سکرانت منحل شد . (مطبوعات)

- سخنگوی دولت : " در مورد زندانها و اعتصاب غذا من اطلاع ندارم . " (مطبوعات)

- رئیس دانشگاه ملی کینک : " چه کینه شنای‌گذار ساوک و ساوک شنای‌گذار چه نبود است (۱)

- بنی‌صدر در کارنامه رئیس‌جمهور : " گفتند که آقای رحمانی در مجلس عنوان کرده است که آیا اگر دفتر ریاست جمهوری برونده‌ای را خواست باید داد یا نباید داد ؟ ... این ترتیب برخورد با قانون اساسی و رئیس‌جمهور برای مردم روشن می‌کنند که در کجاست . " (۱ ، ۱)

- بانک ایران و روس ملی شد . (مطبوعات)

- وزیر راه : " طی دوسال ۲۰ هزار کیلومتر راهسازی شده است . " (۱ ، ۱)

- سخنگوی دولت : " نه درخواست رسمی برای دریافت اسلحه از روسیه شده و نه روسیه اسلحه‌های ما داده است ... اگر آمریکا کلبه صوابت مجلس شورای اسلامی را به اجرا در نیاورد ، دولت گروگانها را در اختیار نوب قضائیه می‌گذارد . " (مطبوعات)

- وزیر خارجه آمریکا : " اجزای درخواستهای ایران خارج از قدرت رئیس‌جمهور آمریکا است . " (مطبوعات)

- وزیر دفاع آمریکا : " آمریکا با هزینه‌های انسانی که قوانین این کشور را زیر پا بگذارد موافقت نخواهد کرد . " (مطبوعات)

- رئیس جمهور الجزایر : " موافقتنامه الجزایر چهار جوب ماسی جهت حل اختلافات ایران و عراق است . " (۱ ، ۱)

- بوزنت : " برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بهترین راه اینست که اکنون با روسیه تفاهم آنچه را که بمیان کل کرد و اگر اختلافات را نمی‌بوانند امروز حل کنند ، آنها را برای فردا بگذارند تا راه حل‌های مالدتری پیدا شود . " ایران ، و ایران هر دو وارد و دستاوری هستند . " (۱ ، ۱)

- بنیام و الجزایر طی اعلامیه مشترکی از ایران و عراق خواستند راه حل مسلحی برای اختلافاتشان پیدا کنند . (۱ ، ۱)

۸۵ سپریز

روز به ۵/۳ میلیون افزایش یافت. (ک. ک.)
- مولوی محمدنور رهبر حرکت اسلامی افغانستان :
"اگر آمریکا از روی ستردوسی و بدون نیت و شرط
به ما کمک کند، می‌پذیریم (۱.۱)."
- تا پایان سال ۱۹۸۱ تعداد بنگاران در کشورهای
صنعتی به ۲۵/۵ میلیون نفر خواهد رسید. (ج. پ.)

شبهه ششم دی

- نیروهای عراق به تلافی شکستهای بی‌دینی
مناطق مسکونی آبادان را به بمبک بستند. (ج. پ.)
- ۶۸ سکر، ۵ اسیار مهمات و یک تانک مبارزاتی
نیروهای عراق منهدم شد. (ج. پ.)
- حملات وسیع چریکهای عراقی در آبادان و ایلام
با شکست مواجه شد (مطبوعات)
- عراق هتک زاندامریه اعلام : "راکتن های
آبزیکی دتس را در جریان محل مواضع روزان
روزی هلیکوپترهای ایران فرار میدهند. (ک. ک.)
- مناطق جمع و مواضع نیروهای عراق در شمال
"قلعه دیوه" بمباران شد. (مطبوعات)
- نیروهای عراق بار دیگر با توجیهانه سنگین و دورزن
خود مناطق مسکونی آبادان را هدف قراردادی
(ک. ک.)
- بنی‌صدر : "امیدواریم که در آینده نزدیک چریکهای
خونی به موقطنان خودمان بدهیم. (۱.۱)."
- مدام حسین مناطق سرخسده توسط عراق را
معاون مهربان جدید ایران و عراق اعلام کرد.
او گفت : "بدون به رسمیت شناختن حاکمیت مطلق
عراق به شالغرب از سوی ایران به هیچوجه این
مناطق را ترک نخواهد کرد. (۱.۱)."
- بنی‌صدر در گزاریه رئیس جمهور : "به محل سیاه
پاداران رزم ... دوفر آمدند و یکی از آنها
میگفت اگر نخواهد بولی را که بابت انتشار روزنامه
برده است پس بگیرد چه باید کند و دیگری به من
گفت که "ما این همه نگرانی به امام نکنند"
... شما مردم ببینید چه تبلیغات سوئی در سیاه
پاداران انقلاب بر ضد رئیس جمهور می‌نویسد.
عراق کار را بدانجا رسانده‌اند که یک نماینده مجلس
گفت که از آن یک سیه شنیده‌است که "محل نگهبانان
را رئیس جمهور به عزائی‌ها گفته و آنها آندفاندن او
را گرفته‌اند. (۱.۱)."
- در دهم روزنامه جمهوری اسلامی : "این هیاهوها
برای آزادی از آن قبیله که لیبیرالها برده‌اند جز
لای بی‌بروی اهداف نوم جهانخواران جزو دیگری
۹۰ بهروز

روزبه روز

نست. (ک. ک.)
- حتی‌کرماتی در نامه‌ای به امام خمینی : "من
آینده را بدینگونه تصویر میکنم : مردم در یک
جزیره خطرناک بدینصورت در برابر هم قرار میگیرند:
سیاه وارتن، روحانیت دو دسه در برابر هم ؛
جهاد و کینه ها و ... در برابر گروهها ... و
اتحاد درگیری خصمانه‌ای بین این دو دسته که
هر دو مجبور به سلاحه بین این دو دسته کنترل
نماند و انقلاب با یک جنگ داخلی از بین برود..."
(۱.۱).
- امام خمینی : "آنهايي که در این موقعی که جنگ
برقرار است ... فکر این باشند که گروه خودشان
قدرت بدست بیارند، اینها خرواسانها نیستند،
اینها حیواناتی هستند بصورت انسان
(مطبوعات)
- رئیس جمهور در نامه‌ای حکم انتصاب بدرعیال
بانک ملی را بی‌اعتبار خواند و گفت : "باقتاری
در ارتکاب اعمال خلاف قانون در تانک یک نخست‌وزیر
نست. (۱.۱)."
- سرعاله "انقلاب اسلامی" : "هرجا ایگنت
سوزنی و خرابی‌ها را نشان‌دهی فریاد برمی‌دانی
که وزیر خواریم، حال آنکه برخلاف قانون افراد
مورد نظر خود را در منصب وزارت ملی بدون ذکر
نام آن گذارده‌اند."
- آیت‌الله منتظری : "علم بدون ایمان، و تخصص
بدون بکتب برای جامعه فاجعه بیار می‌ورد."
(ج. پ.)
- کانون اسلامی بانک مرکزی خواستار مجازات "عناصر
ضد انقلاب" در این بانک شد. (مطبوعات)
- جلال‌الدین فارسی : "خقیان، حق نگارن،
آزادی مطبوعات به کمانی معلق میگرد که وظایفی
را انجام داده باشند ... روزنامه نویس ها
نی‌توانند به عنوان یک حرفه، کار مطبوعات را
برگزینند. (ک. ک.)
- در جریان درگیریهای مدارس خرم‌آباد یک دانش-
آموز کشته و چندین نفر زخمی شدند. (۱.۱).
- با تحویل ساختمان احمن کارکنان مسلمان به
دادستانی، درگیریهای خیابان مبارزان پایان
یافت. (مطبوعات)
- ظاهر احمدزاده در نامه‌ای به آیت‌الله منتظری :
"ابر فرامیاید جلساتی برای بحث درجانبه بین شخص
شما رسانیده مجاهدین خلق تشکیل تمام این بحث
از طریق رادیو تلویزیون و جراید منتشر کرد. (م. م.)

- سیاه پاداران سنخ : "عوامل ضد انقلاب را در
هر کجا که هستند شناسایی و به ستولان امر معرفی
کنند. (ج. پ.)
- یک‌تاکر کارخانه ساکا : "این کارخانه تا ۳۰۰
میلیون تومان سرمایه، ۱۸ میلیون تومان دریا
صیر میدهند. (ج. پ.)
- هفت نفر و سردهک ظاهرا از طرفداران سازمان
دانشجویان پیشگام هستند به اتهام حمل تعداد
زیادتی اسلحه غیرقانونی در آبادان دستگیر شدند.
(ج. پ.)
- سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) ضمن
تکذیب هربوع وابستگی دستگیرندگان آبادان بیان
سازمان، خواستار مجازات انسان از سوی مقامات
سازمان شد. (۱.۱).
- قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی : "رابطه
مسئله بین مالکیت خصوصی و ملی شدن تجارت
خارجی وجود ندارد. (۱.۱)."
- امام جمعه تهران : "امکان حمله مستقیم امریکا
به ایران وجود دارد. (مطبوعات)
- رحانی : اگر آمریکا نخواهد که به خواسته‌های
ایران در مورد گروگانها عمل کند، در حقیقت
تغییرات مجلس را اعمال کرده، و تصمیم مبدی با
مجلس خواهد بود. (ج. پ.)
- شورای بازگانی کانون فروش مستقیم ۸ منور
کشی حکمی به عراق را به عنوان بخشی از معامله
۲۲ میلیارد دلاری اسلحه با این کشور ناپدید کرد.
(ج. پ.)
- "بذات طی بیایم به رنگان از وی خواست :
"فرضی جنبش و فعال در خوار و میانه ایگنت."
(ج. پ.)
- نیروی هوایی نجره منطقه سلمان مخالف رژیم
این کشور را بمباران کرد. (۱.۱).
- رژیم السالوادور یک منطقه سکونی را بمباران کرد.
(مطبوعات)
- دو هزار کشاورز در هند پس از شرکت در یک
راهپیمایی که توسط م حزب مخالف دولت ترتیب
داده شده بود، دستگیر شدند. (مطبوعات)
- دهیای نیز از اتباع ترکیه در آلمان عربی اعتراضی
به دولت تلویز کرده و تنگنه‌هایی که در زندانهای
این کشور اعمال میشود، دست به اعتراض گذا
زنده. (ج. پ.)
- وزیر دفاع افغانستان توسط یک افسر ارتش شوروی
بمباران شد. (ج. پ.)
- بمباران اعتراضی طبقه متوسط نظامی شوروی در
افغانستان، سفارت افغانستان در ایران اشغال شد.
(ک. ک.)

- برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، مراسم
کریسمس از رادیو تلویزیون لهستان پخش شد.
(مطبوعات)

دوشنبه هفتم دی

- چند اسیار مهمات نیروهای عراق در جبهه گیلان-
غرب، محور آبادان - ماهشهر، و محور اهواز - خرمشهر
به آتش کشیده شد. (مطبوعات)
- چریکهای ایران حدود ۳۰ کیلومتر در خاک عراق
رخه کردند و ضمن سرگردانی راهپایه‌های نفوذ نیروهای
عراق، خسارات سنگینی به ایشان وارد آوردند (ک. ک.)
- مواضع و استحکامات نیروهای عراق در قصرشیرین
زیر آتش شدید نیروهای ایران قرار گرفت. (۱.۱).
- ارتفاعات "دالاسی" در منطقه مروان از کنترل
نیروهای عراق خارج شد. از همین منطقه یک پادگان
در خاک عراق به آتش کشیده شد. (ج. پ.)
- سوئد و هواپیمای ارتش برانگه سلاحهای سنگین
عراق فرار گرفت. (مطبوعات)
- در پیرو، مناطق عراقی تا ۲۴ ساعت گذشته با توجیهانه
گرفتند. (مطبوعات)
- رحانی : "بخار عراق متجاوز از ۲۰ هزار کشته در
هر دو کشور داشت. (ج. پ.)
- بنی‌صدر : "چطور میشود به کسی که زیر شلاق و زیر
جیاج است بگویم دادین، و جدت ازین میروم."
این حرفی است که به سرتیرو ده‌است. (۱.۱).
- اطلاعیه دفتر نخست‌وزیری : "در نظر است که از
وجود افرادی که مشمول لایحه قانونی مربوط به پاک-
سازی گردیده و به احاطه مختلف از کار سرکسار
گردیده‌اند استفاده شود و زمینه مناسب برای بروز
استعداد و خلاقیت آنان در بهر صورتی از نیروی
فعاله این قیبل مطبوعات در جهت مبارزات اجتماعی
فراهم گردد. (مطبوعات)
- امام خمینی : روسا و دولتمردان بیدار شوند،
خاصه‌ها برنگردند. "ارزوی خون شهیدی ما نگذردید
بدون نظر و برای تمام دعا شنیده‌بامهم. (مطبوعات)
- جلال‌الدین فارسی در سخنرانی مراسم اربعین :
"تایید سلاحی بدست‌بیاوریم تا باوگان امریکا را که
ضد نابودی ما را کرده‌است به فقر دریا بفرستیم ...
باید از همین فردا فریادهای کل قوا، نخست‌وزیر و وزیر
خارجی، که خود معلوم نیست چرا نابود شده، باید
یک چنین سلاحی را برای ما تهیه کنند ... بیاپس
اکرم هم در جنگهای خود گاه از شترگان اسلحه-
بهروز ۹۱

مخبردی گوئی هم که پول در بیت‌المال نبود صلاح
از کار اجاره میکرد. (مطبوعات)
- روزنامه انقلاب اسلامی : "بعضی کارها و بعضی
کنهها جز هدف‌اندن ایران به اغوش مسلمانهای
چشمی‌داره"
- سرپرست آموزش و پرورش ناحیه ۶ : "نقش امور
ترتیبی در مدارس شکل‌دادن اجتناب‌ناپذیر است."
(ج. پ.)
- امام خمینی : "اگر چنانچه به دانشگاهها جهت
داده نشود، همان دانشگاه می‌شود که در بین شهر
و از میان دانشگاه کاری میکند که مسلط‌بنا
نی‌توانند بکنند. (مطبوعات)
- وزارت کار از کارگران نیروهای اسلامی، کارکنان،
مدیران، صاحبان و دست‌اندرکاران مسائل کار و
کارگری برای تدوین قانون جدید کار دعوت به
شرکت کرد. (ک. ک.)
- مادر حمیدرضا رحانی : "مجاهدین خلق را مسؤل
قتل فرزندم میدانم ... اگر او را به دکتر می‌رساندند
(مطبوعات)
- همسر حمیدرضا رحانی گفت که شوهرش را عوامل
حزب جمهوری اسلامی به قتل رسانده‌اند، از شوهر
خود را یکی از اعضای فعال سازمان مجاهدین خلق
معرفی کرد. (ک. ک.)
- اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق : "مجاهدین خلق
ایران از مسؤلین نظامی و سیاسی کشور می‌پرسد که
این جایت‌ها و تهاجم‌ها تا کی ادامه خواهد یافت؟
تا کی قاتلین و مهایمین جنایتکار از تعقیب و مجازات
در امان خواهند بود؟ و تا کی دعای وضک و
ارتجاعی منی بر مضمونودن مجاهدین تنها واکنش
مسؤلین مملکت در قبال آن واقع خواهد بود؟ (ک. ک.)
- در حمله راهپیمایان افغانی به سفارت شوروی در
ایران، برجم شوروی به آتش کشیده شد، و خسارات
زیادی به سفارت وارد آمد. (مطبوعات)
- وزارت خارجه شوروی طی یادداشتی ضمن اعتراضی
به نفس صوبتند دولت سوسیالیست سفارت خود، او مسؤلان
ایرانی خواست فوراً اقدامهای موقری برای جلوگیری
از احتمال ایگروسه حوادث در آینده به عمل
آوردند. (مطبوعات)
- روسنجانی : "کاشتمین‌ها گریه‌ن مارا به یاد
اعتزائی میگردند که چرا افغانیا در ایران جان‌گرفتند
... جواب این اعتراضی را خود شما باید بدهید ...
شما موقع دارید می‌توانست انسان را آواره کنید و این
مردم ستمدیده در مقابل شما، اعتراضی ما بکنند پس
شما ابردرت‌تاریک را با چه می‌خواهید محسوم
کنید، این چه تقاضائی است بین شما و آنها. (ک. ک.)
- رنگان ملی ایران را "وحشی" خواند و گفت خیال
۹۲ بهروز

روزبه روز

نی‌کند آمریکا در مورد گروگانها "تاج" بدهد. (ک. ک.)
- برزیلشنکی : "شوروی بیوسه از جنبه‌های تاریخی و
سننی تهدیدی برای حاکمیت ایران بود است. (۱.۱).
- ولیمهد عریسان : "آواکشیای عریسان در جهت
بپیگری جنگ ایران و عراق هستند. (ج. پ.)
- وزیر اطلاعات بحرین از کشورهای عربی خواست به
کلیه بدگویی‌ها علیه وزیران در رنگان پایان‌دهند (ص. ۲).
- چیگرایان السالوادور با محاصره یک شهر، آنتنسی
زمان کریسمس را شکستند. (۱.۱).
- وزیر کشور نیکاراگوه از مردم این کشور خواست خود
را برای سختی و ریاضت در سال ۱۹۸۱ آماده‌سازند.
(ج. پ.)
- پروادا : "توقف کار در لهستان بدست عوامل ضد-
سوسیالیست صورت گرفت است. (ص. ۲)."
- بیوه مانو طی دفاع به سامعه خود، رهبری چنین
را تجدیدنظرطلب خواند که به اصول مانو خیانت
کرده‌اند. بیوه مانو گفت : اینکه شما سر مرا قطع
کنند با شکرتر است تا به شما تسلیم نوم ... اگر
جرات دارید مرا در برابر یک میلیون نفر در مرکز
شهر اقدام کنید. (ص. ۲)."

سه‌شنبه نهم دی

- مواضع عراق در آبادان و خرمشهر بمباران شد.
(ج. پ.)
- ارتفاعات استراتژیک جبهه غرب - درزی و دارانی-
بصرف ایران درآمد. (مطبوعات)
- با شلیک نیروخانه و موشکهای عراق به اهواز و
آبادان، دهها نفر خاک و خون کشیده شدند.
(ج. پ.)
- نیروهای عراق درجهبه سوار محمل تلفات و
خساراتی کردند. (۱.۱).
- رفسنجانی : "با اسلحه در حد نیاز و برای
استقلالان تهیه می‌کنیم. (مطبوعات)
- رحانی : "جنگ بین ایران و صدام نیست،
این جنگ بین ایران و فرانسه، انگلیس، آمریکا و
شوروی است. (۱.۱)."
- معاون سیاسی وزارت کشور : "انتخابات میان-
دوره‌ای پس از برقراری شرایط مساعد برگزار میشود."
(ک. ک.)
- ۳۰۰ تا ۴۰۰ از کارکنان چکرده صنعت نفت

آبادان و خرمشهر، رئیس دفتر وزیر نفت را ۲۴ ساعت
به گروگان گرفتند. (ک. ک.)
- رئیس سازمان اوقاف : "در بودجه سال جاری ۳۴
میلیون تومان برای برادران امرح اول سنت در نظر
گرفته شده است."
- وزیر مشاور در امور اجرائی : "آمریکا درصدد
یک تهاجم نظامی به منطقه است ... جمهوری
ایرانی برای مقابله با این حملات آماده است ...
اگر احساس کنیم آمریکا از پاسخ دادن طفره میبرد
با پاسخ آمریکا را منفی تلقی کنیم بوظایف قانونی
خود عمل خواهیم کرد و گروگانها حاکمه خواهند
شد. (مطبوعات)
- بنی‌صدر : "قانون اساسی می‌گوید که وزرا باید
با تصویب رئیس جمهور باشند ... در مجلس هم
حقین قانونه است که در رئیس جمهور بپرسد که چرا
تصویب کردی و چرا تصویب نکردی ... پس رفتن
در مجلس برای اینکار معنی ندارد ... در این مورد
توانسته است وزیری را پیدا کند که هم رئیس جمهور
نخست وزیر است و مجلس باید از او بپرسد که چرا
توانسته است وزیری را پیدا کند که هم رئیس جمهور
بپذیرد وهم مجلس ... (۱.۱)."
- طرح اصلاح شده اداره "صدا و سیم" به تصویب
مجلس رسید. براساس این طرح، نماینده قوه
مجریه در "صدا و سیم" توسط هیات دولت تعیین
و به اطلاع رئیس جمهور میرسد. (مطبوعات)
- رحانی : "اگر گه وجود داشته باشد از نخست‌وزیر
شروع میشود که بالاترین مقام اجرائی است."
(۱.۱).
- وزیر مشاور : "ساله انتخابات رئیس بانک ملی را
شورای نگهبان باید حل کند. (۱.۱)."
- امام خمینی در دیدار دادستان کل کشور : "باید
با حدیث این ساله (کنشعه) تعقیب شود."
(مطبوعات)
- مسئول روابط عمومی سیاه پاداران : "طرح
اجداد دانشگاه سیاه در دست تهیه است."
(ج. پ.)
- روزنامه انقلاب اسلامی : "پاسخ ستاد تسبیح
اتفاقی به گزاره رئیس جمهور، بدون اطلاع و
رضایت و اجازه تمامی اعضای این کمیسیون بوده
است. (۱.۱)."
- روزنامه کیهان در مورد شایعه اعلام جمهوری
واکسیدختن کردستان توسط گروههای مسلح هشدار
داد.
- نخست‌نشینای علیخ فارس به آمریکا اطلاع دادند
که با هرگونه اربال جبهه‌های نظامی به ایران تا
زمانی که جنگ با عراق ادامه دارد، "ندیداً" مخالفتند
(۱.۱).

چهارشنبه ۱۰ دی

- نقاط سکونی اهواز بطرز وحشیانه‌ای هدف تیرپایه
دورن عراق قرارگرفت. (مطبوعات)
- درگیری دوروز در جبهه آبادان همچنان ادامه
دارد. هیهاتانک و خودرو نیروهای عراق در جبهه
های آبادان و اهواز نابود شد. (مطبوعات)
- در قتل زیر حملات شدید توجیهانه عراق قهرمانانه
قاومت میکنم. (ج. پ.)
- با کتف ۱۸۰ تن صد تانک و صد نفر، عراق پوشش
دفاعی خود را در غرب کرخه از دست داد. (۱.۱).
- یک اسیار مهمات و یک موضع خیاره انداز نیروهای
عراق در جبهه کلانغرب نابود شد. (ج. پ.)
- نیروهای ایران محققان ناگهای عراق را در دست
میزان مخفی کردند. (ک. ک.)
- تد، یک مهمات عراقی در غرب ماهشهر سرگون
شد. (ج. پ.)
- کلیه ارتفاعات استراتژیک در منطقه مروان به
کنترل نیروهای ایران درآمد. (۱.۱).
- وزیر مشاور و معاون دولت : "اسلحه زهر سمعی
که با راستگی ایجاد کند تا مینم شده و خواهد
شد. (مطبوعات)
- روزنامه انقلاب اسلامی : "آقای فارسی آیا امکان دارد
در نامه‌های قبلی که ابر قدرت حاضر بدون بدون اینکه
هیچ تضمینی برای حفظ منافع خود در منطقه بگیرد
حکامی فوق بشری را در اختیار یک کشور جهان سوم
بهروز ۹۲

روزبه روز

دارند و مسرتان را میدانند، اینها توجه کنند، گناها را مطالعه میکنند قبل از انتشار، حلقه را قبل از انتشار درست مطالعه کنند که صدا یک نفر یک جایش خلاف دریا بداند. (مطبوعات)

– امام جمعه تراز : " جمهوری اسلامی همه قانونهاش باید از طرف ولایت فقیه باشد. " (۱۰۱)

– حاکم زمانه : " مقداری کتب عالی از آقای... بدست دادرسی انقلاب افتاد. دادرسی انقلاب اسلامی مانده حکم اعدام آنها را صادر کرد و از بین برد. " (۱۰۱)

– درائر تراز یک سه راهی، انفجاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی طالت روی داد. (م . پ)

– دادیار دادسرا، بخندار بخش بزرگی و مسئول ستاد سوخت برچند به جرم احتکار نفت جریمه شدند. دو نفر از ضام این تریز در همین رابطه به تورمالی فضای اخبار شدند. (ج . پ . ب)

– رئیس جدید دانشگاه خدیجه نامبور یک لیسانسه است. او معاون است و رئیس مشاوران دانشگاه را از بین دانشجویان انتخاب کرده است. (م . پ)

– وزیر دادگستری : " استفساری من بخاطر اعتراضی به تقصیر شورای نگهبان بود... شورای نگهبان باید در یک منظره تلویزیونی علت قبی اصول قانون اساسی در رابطه با اختیارات وزیر دادگستری را بیان کند. " (مطبوعات)

– نامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به رئیس جمهور : " مخالفت شما چه در عمل و چه در گفتار با دولت و در نتیجه با مجلس، علمی و مشخص است. ولی ما میسریم آیا اینجین برخورد و درگیری و مخالفت به سود آمریکا نیست ؟ ... این سیر که شما در پیش گرفته اید و اینگونه که شما به مخالفت ما حجاج امام برخاسته اید، دنیا آمریکا را خشنود می کند. " (مطبوعات)

– مدیر کل بانک مرکزی : " ما احتیاجی بطرحش طلا نداریم. زیرا ذخیره ارزی ما اندازه کافیست. " (۱۰۱)

– وزیر آموزش و پرورش : " مصیبت است که سالانه ۱۲ تا ۱۴ میلیارد تومان از برای دانشجویان به خارج مفرستیم. (ک . پ)

– کارگری به جرم کتب به توزیع روزنامه انقلاب اسلامی در کارخانه سیمان آبک، بازداشت شد. (۱۰۱)

– مدیریت زندان امین خواستار بخش حیران محاکمه های محضرا ساداتی نئی شپام، سعد منحدین و احمدرضا کرسی از تلویزیون شد. (ک . پ)

– روزنامه انقلاب اسلامی ضمن اعتراضی به تصویب ۹۸ شهری

به روزی نهایی را بخواست خداوند تعالی بزرگی دریافت دارم. (مطبوعات)

– طرح اداره " صدا و سیما " : " جلوس است که برای نماینده درجه دوم و غیرستقیم مردم حق انتخاب قائل میشوند و به نماینده عام وستقیم مردم حق " اطلاع ؟!، مگر بنیوان حق " اطلاع " را از کسی سلب کرد ؟

– استاندار آذربایجان شرقی : " نقل وانتقال نظامی نگران کننده در مرز ایران و شوروی وجود ندارد. " (گ . پ)

– شوروی ۱۵۰ تانک " تی - ۷۲ " به عراق داد. (مطبوعات)

– یک زنیال عراقی به علت عدم موفقیت در بهشروی به خاک ایران " اعدام شد. (مطبوعات)

– دولت فرانسه به فراریان ایرانی نظم نظامی میدهد. (۱۰۱)

– دولت افغانستان حاکمیت خود را فقط در مرکز استانها حفظ کرده است. (ج . پ . ب)

– رئیس ستاد ارتش آمریکا در دیدار با شاه اردن، پیرامون افزایش قدرت نیروهای جنگنده ارتش اردن گفتگو کرد. (ص . ت . پ)

– کنسیخردن را به بیستون به فرارده کمب بودید دعوت کرد. (گ . پ)

– یک مقام عالی رتبه اداره آگاهی سازمان آزادیبخش فلسطین بدست عوامل رژیم صهیونیستی نقل رسید. (۱۰۱)

– در ۴۸ ساعت گذشته ۸۸ تانک زورپوش ۱۲۲ جودی، ۹ استار سنگین، ۶ هلیکوپتر و ۵ اسلحه میهات نیروهای عراق نابود شد. (۱۰۱)

– رهایی : " آوارگان جنگ برای دولت درهراه ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان هزینه دارند. " (مطبوعات)

– بی صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " ما هزراه که حی کریم انگارانی کافی شده، هلیکوپتر که به مردم گفته ایم، در آن موقع حمله خواهیم کرد. از روزنامه آمده بودند و میگفتند که سوار " انقلاب اسلامی " فرسجانی. " در زمینه سات خارجی تاکنون کاری صورت گرفته است. " (مطبوعات)

– رهایی : " از قول من به منحصرا، به انتقاد کننده ها، به دانشمندان، به آگاهی که معتقدند فایده کسور را بهتر آید کرده، پیام دهده که نشا حر جن زدن و حر روزنامه برون و حوزاری کردن. کار دیگری در این انقلاب نگرداید. " (مطبوعات)

– " وقایع کار " روزنامه انقلاب اسلامی : " کسند

شنبه ۱۶ دی

– رئیس جمهور فریادند کل قوا طی بیامی به امام خمینی : " نیروهای بیروز جمهوری اسلامی ایران حمله خود را آغاز و برمه اول را با موفقیت منبظر بیان کردند. " (مطبوعات)

– امام جمعه اهواز در بیامی به امام خمینی : " جهان موفقیت حاصل شده تاکنون سابقه نداشته است. " (مطبوعات)

– خاندنهای سخگوری نورمالی داع : " غشام قابل تماشای نیست... حدود دوهزار تن از نیروهای عراق اسیر شده اند. " (مطبوعات)

– امام خمینی به فریاده کل قوا : " امدوارم خبر

چهارشنبه ۱۷ دی

– حور اهواز - حیدره - سوگرود - و دبجران زگره کسور و هوزده آزاد شد. (مطبوعات)

– یک اسرار جنیاب بزرگ عراق در منطقه کلانترت مفرجید. (ج . پ . ب)

– بی ساری رئیس کرسی تصویب از زمین و هوا وارد عمل شد. (گ . پ)

روزبه روز

– مناطق سکونی سوگرود و درفول ریزش شدید توبخانه عراق فرات گرفت. (ج . پ . ب)

– درگیری شدید بین نیروهای ایران و عراق در " دارخوس " همچنان ادامه دارد. (ج . پ . ب)

– اهواز هدف توبخانه دوروز عراق قرار دارد. (ج . پ . ب)

– گردان تاکت قادیسیه عراق در منطقه سوگرود منهدم شد. (مطبوعات)

– قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی : " اگر وضع فعلی ادامه پیدا کند، جبرمندی سیر ادامه خواهد یافت. " (ک . پ)

– پیام آیتالله منتظری به سیمان ولایت فقیه در تراز : " امروز حوزرات انقلاب از خطاطی از خطر حمله نظامی دشمن بیشتر است. " (مطبوعات)

– امام خمینی : " مردم کوشی ندهند به جرف اینهایی که می بیند دولت هیچ کاری کرده و نمی تواند هیچ کاری کند. " (مطبوعات)

– اندین اسلامی موسسه عالی علوم با یکی : " نمایان " تمکیل کابینه کسینی و منهدم برادر رهایی دست بردارند، در غیر این صورت با اشاق جناب و خیانت هایی که برانقتضای این کشور رو داشته اند ماهیت پرورد و انشا، ده آنان را هرچه بیشتر رسوا خواهیم ساخت. " (۱۰۱)

– بی صدر درگزارنامه رئیس جمهور : " از راه عقب نشینی های بی دردی در برابر فشار گروههای زورپوش و زورپوش بداندین میدان دادیم که کار کشورمان و انقلاب را به ایضا رسانند. " (۱۰۱)

– بازرسی دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر و سه تن از پاسداران گروه ضربت مبارزه با مواد مخدر (که از میان آن برادر مارالله قصاب نیز وجود دارد) به اتهام جف و سمل بیت المال و فروش تریاک دستگیر شدند. (۱۰۱)

– نماینده بروجرد در مجلس : " آوزنگاهای بروجرد همچنان تهرول است... خبر میدهند که پس از تصفیه کادر آوزنی جلا کرگم تصفیه دانشجویمان شده اند و عدوی را از تحصیل محروم و از دبیرستانها اخراج کرده اند. " (۱۰۱)

– برمهاله " انقلاب اسلامی " : " بی سندیاری در امر زمین جانی وضعی را بوجود آورده است که در استان خراسان محمول آسما سبب به سال گذشته به یک مرسد است. " (مطبوعات)

– وزیر کشاورزی خواهان ایجاد روستای حسن در زمینه کشاورزی باکو شد. (مطبوعات)

پنجشنبه ۱۸ دی

– برنسل لشکر ۷۷ خراسان بعنوان اعتراضی به سخنانی دیگر بهشتی محل سخنرانی را ترک کردند. (۱۰۱)

– ناطق نوری نماینده مجلس : " بیب بزرگی که اخیرا " در پارکینگ مجلس نصب شده بیشتر جنبه دختریاری دارد که در بوقاق ضروری مورد استفاده قرار گیرد... غشبتی سخگوریهای فدایی خلق را ما نمی توانیم با اطمینان تلقی کنیم و سگی است جنبه انگینی داشته باشد... اگر واقعاً از بواقع خود بزرگند و دیگر توطئه کنند از نظریا محرم خواهند بود. " (۱۰۱)

– امام خمینی : " اگر صدام درگفتراسی استلائی شرکت کند، ایران شرکت نخواهد کرد. " (مطبوعات)

– عراق از آفریقا تقاضای کتفه مالی کرد. (مطبوعات)

– امدون سانی : " سخنان رهایی در مورد گروگانها شتت به نظر میرسد. " (مطبوعات)

– تانگها و هلیکوپترهای نویدار شوروی یک دهده افغانی را با خاک یکسان کردند. (۱۰۱)

– یکی از وزرای رژیم ظاهرشاه (پادشاه سابق افغانستان) به ست مشاور بزرگ کارمل رئیس جمهور این کشور برگزیده شد. (۱۰۱)

– خبرگزاری ناس خبرفلات سزی آمریکا و شوروی برسر موضوع تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ را بدست گذتید کرد. (۱۰۱)

– ۱۸۰۰ تنگدار دریایی آمریکا به افغانوس هند اعزام شدند. (مطبوعات)

– جاد ولینی تصمیم به اعدام دوکتور و شتکل یک دولت واحد گرفتند. (مطبوعات)

– جنبه دینورانیگ السالوادور : " بزودی جنگ قطعی و نهایی برای سرگونی رژیم نظامی این کشور آغاز خواهد شد. " (۱۰۱)

– آلمان فدرال تصمیم به فروش تانک به عربستان سعودی گرفت. (مطبوعات)

– رگان یا تحریم اقتصادی شوروی مخالفت کرد. (۱۰۱)

– پش از ۹ میلیون تابلیا هندی به دولت اندینرا کاندی اعتراضی کردند. نامتابین گفتند : " ما تقاضای زبای نداریم، به ما تک کند که حداقل بکار غذا در روز داشته باشیم، ما را محبور می کند. " (ک . پ)

شنبه ۲۰ دی

– ۳ هزار سرباز عراقی در غرب به محاصره نیروهای ایران در آمدند. (۱۰۱)

– قوای ایران با تصرف چند منطقه اشاقلی غرب به بزر رسیدند. (ک . پ)

– بواقع نیروهای عراق در جنبه آمان زیر آتش توبخانه ایران فرات گرفت. (مطبوعات)

– مناطق سکونی آمان و اهواز هدف آتش توبخانه دوروز نیروهای عراق قرار دارد. نیروهای عراق گلوله های سلی و آتش را به اهواز شلیک کردند. (ج . پ . ب)

– سگها و جنیبات سنگین نیروهای عراق در جاده های آمان - اهواز و ماهشیر نابود شد. (مطبوعات)

– آیت الله منتظری : " لازم است جلانی در ارتش وسباه شتکل خود تا همه بویانند اعتقادات و نظریات خود را ارائه دهند. " (مطبوعات)

– مضمون سیاسی وزارت کسور : " انتخابات تهران، اصفهان و شیرهایی که بیم درگیری وجود دارد به بعدا خاتمه جنگ منکول میشود. " (م . پ)

– به علت قطع برق کرمانشاه، ابن شهر با کسود ناس و سایر باحجاج عمومی بواجده است. (م . پ)

– امام خمینی : " تمام اختلافاتی که پیدا میشود بابت که ما تربیت شده ایم و ما تزنگه شده ایم، است... ما اقتدر اندیشیم تصمیم که کسانیکه اسلحه دارند و اتاق جنگ دارند، آنها را هر وارند کنیم در سبب خودمان و به آنها شغل بدهم و با مطمئن کنیم و یادوار داشته باشیم، اسلحه دانتن شلی و توطئه و خیانت است، اسلام خیاکنار را نادب می کند و کسانیکه توطئه کردند از هینا بیرون می کند... هر کس اسلحه در دست او است مثل جین صدام حسابش می کنیم... اگر

روزبه روز

یک تازیانه برکنی زده بشود برخلاف مصالح من ارتها برهن هستم" (مطوعات)
- حجت‌الاسلام فلسفی : " درحکومت آقای بارزگان، شهروان وقت ... یک وقت آمد کشف شده را از میدان برداشتند ، از خیابان سیه برداشتند ، آقا چرا سیه را برداشتند ؟ ... خوب حالا که برداشتی ، بگذارید اسلام ، بگذارید حضرت مهدی ، چرا آوردید اسم امام را گذاشتند ؟ امام را چرا مقابله دادند با سیه ، این عزیز ما نیست جبر دیگری میباید باشد ؟ آقا این امام است ، یک خیابان درخردود ۳ فرسخ آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و مصرا با انجام این وحدت ایران گروانی کردند . (ج . پ)
- مصر و سوماتری یک فرماندهی مشترک نظامی تشکیل میدهند . (ج . ا)
- ۶ شاور آمریکایی حکومت السالوادور ، در این کشور کشته شدند . (ج . ا)
- پلیس هند ۶۰۰ تن از افراد یک حزب مخالف را دستگیر کرد . (مطوعات)
- رادومو روس : " کارگران ۱۸۵ کارخانه لیپسان کارت عضویت در حزب کمونیست را پس دادند و عده‌ای از آنها گفتند که حزب تاکنون کاری برای آنها انجام نداده است . (ج . ا)
- نام مائو از گروانیهای دادگاه گروه چهار نفری در چین بطور دقیق حذف شد . (ک . ک)

یکشنبه ۲۱ دی

- پیش از ۶۰ تن از شخصیتها طی اسامیهای به سخنرانی حجت‌الاسلام فلسفی درمیان جمعه اعتراض کردند . در این بابنامه آمده است : " شازگت امثال اشخاص دربرنامه های دوران انقلاب خیانت به انقلاب است . اختلاله امیکونه موریتانی به این عنصر ۲۸ برده‌ای را جزئی اعتبار کنر از آرمانیهای انقلابی واجد است . کتاف نین ملت بطهور ظرفهای سید شدید برای سرپوشش انقلاب و استقلال اسلام میدانم . (ا . ا)
- امام جمعه بود : " گروهی که به طرفداری از رئیس جمهور راهپیمایی میکنند ، ضد نامید و حمایت از تفسیر رادوبوهای بیگانه را دارند . (ک . ک)
- گروه ۶ عضو موثر ساواک مجبور به جریان افتاد . (ک . ک)
- ستاد مرکزی سپاه پاسداران : " حرکت های مشکوک را به سپاه اطلاع دهید . (مطوعات)
- جلسه افراز مسلح به رادوبو بطوربین میهاد خمتی شد . طی درگیریهای چند روز اخیر میهاد و جاده گذران . (سندج ۱۲ تن از افراد کشته شده . (م)
- ۶۵ تن از هواداران مجاهدین خلق در تبریز دستگیر شدند . (م)
- از سوی آیتالله منتظری ۱۹ دی روز "طلبه" اعلام شد . (مطوعات)
- کارتر : " امیدوارم که قبل از ترک کاخ سفید مساله گروگانها را حل کنم . (ج . پ)
- رگان : " هرچونایف در مورد گروگانها که من میبومم آذربایجان که قابل قبول است ، لیکن نباید انتظار داشت که در این مورد یک چک سفید امضاء کنم . (ک)
- اردن ۶۲ میلیون دلار از ۱۸۵ میلیون دلار کمکهای مالی عراق (دسرال جاری) را دریافت کرد . (ج . پ)
۱۰۲ شهریور

- بنی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور : " درجه‌بندی خودکنکر درخردمدار و سرباز یا گریه به من گفتند که آقای غازی زده ما حرفهای راجع به رئیس جمهور زده که برای ما قابل حجت نیست ... این کارها همه اسلامی هستند ، ضد روحیه هستند ، برای وجودیت کشور وحشی وجودیت دینی خود آنها خطرناک هستند . (ا . ا)
- هادی غازی : " در ایران دو خط بیشتر وجود ندارد ، خط امام و خط آمریکا ، خط سوسی نیز وجود ندارد ، با باید در آن خط بود و یا در این خط . (ا . ا)
- سیدمحمد باقر با منافع رئیس ستاد ارتش کودتای ۲۸ مرداد ، به جرم ترک در کودتای و همکاری مستور با رژیم منظر پهلوی " به حبس ابد محکوم شد . (مطوعات)
- ساری "ولمان" استاندار اسبق خراسان به جرم "شکاری با مالوک منحلّه و عامل موثر در تدوین آئین نامه‌های اجرائی حزب منحلّه ایران نوین و تدوین اسفاده از بیت‌المال" به ۵ سال زندان محکوم شد . (ک . ک)
- استاندار اسبق خراسان به جرم " همکاری با رژیم منحوس پهلوی " به ۵ سال حبس محکوم شد ، که سه سال آن با توجه به عفو امام ، به حالت تعلیقی درآمد . (ک . ک)
- شخصی درمیان به جرم " شایعه پراکنی و پخش اخبار دروغ در مورد شاهزاده‌های انقلابی " به دیوانه حبس ناموسی ۳۰ روز شلاق و پرداخت بکوت توبان حربه نقدی محکوم شد . (ا)

- نامه سرگشته ۱۱۹ تن از مجروحان و وکالی دادگستری به هيات برورسي تشکله : " اسناد و مدارک مربوط به کشف‌کردارهای سیاسی در کشور منحلّه هيات برورسي است و اشخاص آن هيات نمازی به مدارک اصنافی ندارند ... اگر در صحت اسناد و مدارک ارائه شده و صدها تشکله ، هنوز در مورد وجود کشته‌ها شکجه برده‌اند ، رسماً تریب یک نظاره زنده نظریوتی فراهم شود تا مردم موارد طویوس و منجی تشکله ها را به مردم گزارش و هيات را درحاجم وظایف خود باری دهند . (م . م)
- نماینده بروجرد در مجلس : " درمنطقه چهارمحال و بختیاری بجای قانون اساسی چیزی بود و کوبندتیر از مابای چینیور معمول رجاکم است . (ا . ا)
- سررماله انقلاب اسلامی : " وقتی به کاشی باورازتک که برای اینکه در این باقی ماند میشود دروغ گفت ، نهمت زد ، تشکله کرد ، اعلام کرد ، روغن خونی را آغاز کردند . (ا)
- وزیر فرهنگ و آموزش عالی : " دانشگاه بوغی باز

بود . (ج . ا)
- قطنامه سیدالایالات فقیه : " ما سیاست را مابای از سبب افراط فقه میدانم ... ما اعتقاد به ولایت فقیه از میزان بررسی حقایق گروها ، جزاینها و شخصیت های سیاسی - اجتماعی میدانم . (مطوعات)
- اطلاعیه دادامای مبارزه با مواد مخدر : " از کشف مشتملین ... خواسته‌میدم چنانچه افرادی را که کارت شناسایی دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر در ابراه شمشاد ، مشاهده کرده و وسیله نظفیه آتاریا توفیق ایشان را با کارت شناسایی‌شان مابای دادامای مبارزه دهید . (مطوعات)
- سربوت شهرداری تهران : " برای مترو تهران حدود ۴۰ میلیارد تومان اعتبار بیش بینی شده است ، درحالی که بسیاری از روستاهای ما جاده asphaltه ندارند و آب و برق چیزی نیست ، اگر فراتر از تهران صاحب بوم شود ، باید هزینه سنگین آن را مابان تهران بپردازند ... ساداتهای بسیج مناطق اگر دربراج از مساجد تشکیل شوند مورد حمایت ما میبومد نخواهد بود . (مطوعات)
- دبیرستانهای سندج پس از ماهها تعطیل فعالیت دوباره روغن را آغاز کردند . (ا)
- وزیر فرهنگ و آموزش عالی : " دانشگاه بوغی باز

شهریور ۱۰۲

روزبه روز

خواهد شد که روابط اسلامی بودن را برای بارگشایی دارا یابند . (ج . ا)
- آخرین صاحب دولت ایران در مورد گروگانها با دو روز دیگر به آمریکا داده خواهد شد . دولت مستبدان الحزبیر مینی بر تضمین های بین‌المللی آمریکا بجای پرداخت وثیقه دربارک الحزبیر را پذیرفته است . (ا . ا)
- بنی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور : " ما دولت افغان تفریاتی جانور یافتند و ترفه‌تیم ... در وقت کفک به افغانیا برای جنگ سرپوشش باید بطور جدی افغانیا برای جنگ سرپوشش باید بطور جدی کوشا . (ا . ا)
- وزیر گرونیست رایب از مذاخله شوروی در افغانستان بنشد انتقاد و این کشور را میبومد که بر یک کاربل را به ملت افغانستان حمل کرده است . (مطوعات)
- وزیر خارجه دولت رگان : " خانه جنگ عراق با ایران در آینده نزدیک بین بینی نمی نوبم . (مطوعات)
- یک نماینده کتوره آمریکا به خاطر "رتوشگری ، بوظئه جنینی و قتل با دانه‌ای تفریاتیونی" مجرم شناخته شد . (ج . پ)
- سازمان نفو بین‌المللی : " روتوشگرمیستند جمعیت بالا ترین تعداد زندانیان سیاسی در جهان دارند ... در نتیجه تشکله زندانیان سیاسی ، از سال ۱۹۷۳ یک چهارم جمعیت روتوشگرمیستند را تشکیل دادند . (ا)
- زندانیان سیاسی زندانیهای سخت نشلی ، به عنوان اعتراض به دستگیری ۵۰ تن از اعضای کتبه حمایت از زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند . (ک)
- صدها دانشجوی صری به ملت مبارزه ... آن‌کسی که بمقای بیستی تبدیلترین تشکله فرار دارند . (ج . پ)
- وزیر خارجه دولت رگان : " عادی‌تشن روابط چین و آمریکا بیعطف بالاتر হচ্ছে است . آمریکا اگر افراتدن که شوروی راه ختم آورده و در منجسب برهم چورچون روابط شرق و غرب کرد ، اجابت خواهد کرد . (ک)
- کوبت نه‌ای نفت خود را از تشکله ۲ دلار افزایش داد و به تشکله‌ای ۳۵٫۷ دلار رساند . (ج . پ)

دوشنبه ۲۲ دی

- "تنگ خمسان" در ایلام به تصرف ایران درآید ، و در جریان این در میر فرار دادی ۱۹۷۵ سرفراز شده شد . (ج . پ)
- راهبهای تدارکاتی عراق بسوی لاد و کتلا عرب مسعود شد ، بشوروی ایران در مناطق تفرسورین و ایلام ادامه

شهریور ۱۰۲

حتی بعضاً تعمیم نده بودند ، بطور تدابیر حضرات بزم قایان خان بود ؟ (ج . ا)
- بنی‌صدر در کارنامه رئیس‌جمهور : " آموزشگانی مابای شنیده که مظاهر بر ضد آمریکا سلنغ می‌کنند ، اما با واقع طرح دو فوریتی حل مساله گروگانها امروز بصورت مجلس رسید ، نوبح این طرح اولاً با مقدمه ۵۳ نفر از تدرکمان طی طی اعلام میشود بصورتت آچاره داده شدند و در مورد آن بوزد اختلالات مالی و حقوقی با آمریکا از طریق برخی افران اقدام و اختلالات مزبور را حل فصل نماید . (مطوعات)
- وزیر مشاور و سخنگوی دولت : " اگر تا روز ۲۷ دی ما به یک نسخه رسم دیگر دولت ففلی آمریکا معذی نداد و از اینرو از روز بیستم رانویه (اول بهین) که دولت خود در روزگار می‌اند ، معلوم نیست مذاکرات به طرح چه اقدام بیدار کند ، به این دلیل بود که ما فکر کردیم از طریق باده واحده مساله را حل کنیم . (مطوعات)
- روزنامه نیویورک تایمز : " آمریکا به ایران پیشنهاد کرده است که نزدیک ۷۰ درصد دارایی مسدود شده ایران را در دو نوبت برداخت کند . (ا)
- منابع نزدیک به مقامات الحزبیر در تهران : " در مساله گروگانها " کاشی " نزدیک است . (ک)
- مانیوروی در ایران روزگار آینه : (ک)
- مقام دستور بازداشت اوسمی و نایب‌وزیر راسا در کرد . (ا)
- نیویورک تایمز : " عراق را کند بکرد . (ا)
- کراسکی در صداره مطهر اریش : " دخالت یک اثر قدرت در خلق فارس به جنگ جهانی سوم منجر خواهد شد . (ا . ا)
- معاون سازمان سیا از سوی رگان به معاونت وزارت دفاع آمریکا منصوب شد . (مطوعات)
- زندانیان سیاسی در کرمانجی بعنوان اعتراض به رفتار تحقیر آمیز زندانیان دست به اعتصاب غذا زدند . (ک)
- چین خواستار خروج نیروهای آمریکا از کرمانجی شد . (ج . ا)
- دنگ شیائو پینگ رهبر چین خواستار تعلیق حکم اعدام بوهو مانو ته . مابون او سز نیک گفته بود که بوهو مانو نماینده اعلام شود ، زما درمیونست محورت شهید در خواهد شد . (ا)
- مصر یک کاروان بارگشایی شوروی را به اتهام جاسوسی از این کشور اخراج کرد . (ک)
- رژیم نظامی ترکیه ۲۴ تن از جنگجویان این کشور را دستگیر کرد . (ک)

حقی بزم قایان خان بود ؟ (ج . ا)
- بنی‌صدر در کارنامه رئیس‌جمهور : " آموزشگانی مابای شنیده که مظاهر بر ضد آمریکا سلنغ می‌کنند ، اما با واقع طرح دو فوریتی حل مساله گروگانها امروز بصورت مجلس رسید ، نوبح این طرح اولاً با مقدمه ۵۳ نفر از تدرکمان طی طی اعلام میشود بصورتت آچاره داده شدند و در مورد آن بوزد اختلالات مالی و حقوقی با آمریکا از طریق برخی افران اقدام و اختلالات مزبور را حل فصل نماید . (مطوعات)
- وزیر مشاور و سخنگوی دولت : " اگر تا روز ۲۷ دی ما به یک نسخه رسم دیگر دولت ففلی آمریکا معذی نداد و از اینرو از روز بیستم رانویه (اول بهین) که دولت خود در روزگار می‌اند ، معلوم نیست مذاکرات به طرح چه اقدام بیدار کند ، به این دلیل بود که ما فکر کردیم از طریق باده واحده مساله را حل کنیم . (مطوعات)
- روزنامه نیویورک تایمز : " آمریکا به ایران پیشنهاد کرده است که نزدیک ۷۰ درصد دارایی مسدود شده ایران را در دو نوبت برداخت کند . (ا)
- منابع نزدیک به مقامات الحزبیر در تهران : " در مساله گروگانها " کاشی " نزدیک است . (ک)
- مانیوروی در ایران روزگار آینه : (ک)
- مقام دستور بازداشت اوسمی و نایب‌وزیر راسا در کرد . (ا)
- نیویورک تایمز : " عراق را کند بکرد . (ا)
- کراسکی در صداره مطهر اریش : " دخالت یک اثر قدرت در خلق فارس به جنگ جهانی سوم منجر خواهد شد . (ا . ا)
- معاون سازمان سیا از سوی رگان به معاونت وزارت دفاع آمریکا منصوب شد . (مطوعات)
- زندانیان سیاسی در کرمانجی بعنوان اعتراض به رفتار تحقیر آمیز زندانیان دست به اعتصاب غذا زدند . (ک)
- چین خواستار خروج نیروهای آمریکا از کرمانجی شد . (ج . ا)
- دنگ شیائو پینگ رهبر چین خواستار تعلیق حکم اعدام بوهو مانو ته . مابون او سز نیک گفته بود که بوهو مانو نماینده اعلام شود ، زما درمیونست محورت شهید در خواهد شد . (ا)
- مصر یک کاروان بارگشایی شوروی را به اتهام جاسوسی از این کشور اخراج کرد . (ک)
- رژیم نظامی ترکیه ۲۴ تن از جنگجویان این کشور را دستگیر کرد . (ک)

حقی بعضاً تعمیم نده بودند ، بطور تدابیر حضرات بزم قایان خان بود ؟ (ج . ا)
- بنی‌صدر در کارنامه رئیس‌جمهور : " آموزشگانی مابای شنیده که مظاهر بر ضد آمریکا سلنغ می‌کنند ، اما با واقع طرح دو فوریتی حل مساله گروگانها امروز بصورت مجلس رسید ، نوبح این طرح اولاً با مقدمه ۵۳ نفر از تدرکمان طی طی اعلام میشود بصورتت آچاره داده شدند و در مورد آن بوزد اختلالات مالی و حقوقی با آمریکا از طریق برخی افران اقدام و اختلالات مزبور را حل فصل نماید . (مطوعات)
- وزیر مشاور و سخنگوی دولت : " اگر تا روز ۲۷ دی ما به یک نسخه رسم دیگر دولت ففلی آمریکا معذی نداد و از اینرو از روز بیستم رانویه (اول بهین) که دولت خود در روزگار می‌اند ، معلوم نیست مذاکرات به طرح چه اقدام بیدار کند ، به این دلیل بود که ما فکر کردیم از طریق باده واحده مساله را حل کنیم . (مطوعات)
- روزنامه نیویورک تایمز : " آمریکا به ایران پیشنهاد کرده است که نزدیک ۷۰ درصد دارایی مسدود شده ایران را در دو نوبت برداخت کند . (ا)
- منابع نزدیک به مقامات الحزبیر در تهران : " در مساله گروگانها " کاشی " نزدیک است . (ک)
- مانیوروی در ایران روزگار آینه : (ک)
- مقام دستور بازداشت اوسمی و نایب‌وزیر راسا در کرد . (ا)
- نیویورک تایمز : " عراق را کند بکرد . (ا)
- کراسکی در صداره مطهر اریش : " دخالت یک اثر قدرت در خلق فارس به جنگ جهانی سوم منجر خواهد شد . (ا . ا)
- معاون سازمان سیا از سوی رگان به معاونت وزارت دفاع آمریکا منصوب شد . (مطوعات)
- زندانیان سیاسی در کرمانجی بعنوان اعتراض به رفتار تحقیر آمیز زندانیان دست به اعتصاب غذا زدند . (ک)
- چین خواستار خروج نیروهای آمریکا از کرمانجی شد . (ج . ا)
- دنگ شیائو پینگ رهبر چین خواستار تعلیق حکم اعدام بوهو مانو ته . مابون او سز نیک گفته بود که بوهو مانو نماینده اعلام شود ، زما درمیونست محورت شهید در خواهد شد . (ا)
- مصر یک کاروان بارگشایی شوروی را به اتهام جاسوسی از این کشور اخراج کرد . (ک)
- رژیم نظامی ترکیه ۲۴ تن از جنگجویان این کشور را دستگیر کرد . (ک)

شهریور ۱۰۲

چهارشنبه ۲۴ دی

– مناطق بیک ، سزنی ، هلاله ، نی خضر ، انجریک ، کمانچم ، کلهقندی و ارتفاعات مهران آزاد شد . (مطبوعات)
 – عراق با هراکتته ، مجروح و اسیر از ۸ منطقه انسانی عرب عقب نشست . (ک .)
 – یک تیب کوهستانی عراق در گلنازب نابود شد . (ج . پ)
 – ۴۰ تانک عراق در ایلام به غنیمت گرفته شد . (ج . پ)
 – مواضع نیروهای عراق درحوالی ماره ، و جاده های آبادان – اهواز ، آبادان ، ماهشیز ، واسوی اردوبند زیر آتش یونخانه ایران قرار دارد . (ج . پ)
 – جاده هویزه – سوسنگرد و مناطق سکونی آبادان دروز هدف یونخانه عراق بود . (ج . پ)
 – مردم هویزه خراساز جلوتکیزی قوری از هجوم نیروهای عراق به این شهر نداشتند . (ج . پ)
 – جنگ درحوض به حالت فریادنی درآمد . (ک .)
 – نماینده مجلس در بوشهر : ۱۳۰ هزار حاکمکرد در زیر آتشبارانگن یافتند . (ج . پ)
 – راهبانی گروهای مختلف در مقابل دانشگاه راهبانی راهبانی سیاسی چپ برگزار شد . (مطبوعات)
 – روزنامه « میزان » : دعوت به بازگشتی دانشگاهها از سوی گروههای عمدتا چپ و کمونیستی از جمله بنگر ، چریکهای فدایی خلق (اقلید) ، راه کارگر ، رزمنگان آزادی طبقاتگر ، نواف انجام گرفته بود .
 – روزنامه « انقلاب اسلامی » : « اعمالی تحت عنوان بازگشتی دانشگاهها از طریق اعمال زور و اجبار برخورد و شنج درجاعده و بگر زور و اجبار فاشیستی آتمه از طرف گروههایی که خود را طرفدار روشها و پیش های علمی میدانند ، به هیچ طریق قابل توصیه نیست .
 – روزنامه « جمهوری اسلامی » : اگر تریف بودی دانشگاه را بپذیریم ، روحانیون دانشگاهانی واقعی گلبانی می مانند .
 – بازگشتی دانشگاهها نیست ، بلکه مقصود آنها فقط

بازگشتی دانشگاهها زمینه درگیری و شنج را که خواست دشمن انقلاب ایران است فراهم کند (۱)
 – دکتر پهنی : امید ما نیست که اینها های اصلی حفظ باقی بماند برده انقلاب در ارزشهای حاکم بود مدیریت کشور ما باشد . (مطبوعات)
 – شهرداری تهران چندین خانه را در تهران باری به علت داشتن بویله غراب کرد . (۱)
 – در حمله افراد مسلح به مقر نمایندگان سازمان مهاباد ، ۶ تن از افراد مسلح کشته شدند . (ک .)
 – روزنامه « انقلاب اسلامی » : بالاخره باید روشن شود که پیش از فریست میلیون تومانی که (معلولان دفتر تبلیغات تهیهت مطبوعی) از کشته شدت مستصفت ایران و از بویله وکتور گرفته اند ، به کدام خرج و تحت کدام فایده وکتوری رسیده است ؟
 – معلولان وزارت نفت : سازمان بیکار و چریکهای فدایی ضمن وزارت نفت را سازماندهی می کنند . (۱)
 – جشنی انقلابی مردم سلیمان ایران (جانا) : تشکیل دهنگان سازمان انقلاب اسلامی چه کاشی هستند ؟ این سازمان علمی است یا حقی ؟ اگر علمی است در کجاست ؟ و اگر بعضی است علت مبارزه بعضی در نظام جمهوری اسلامی چیست ؟ (م .)
 – نماینده اردبیل در مجلس از سازمان جوانان خواست تا شیرستان اردبیل را به اسان تبدیل کنند . (مطبوعات)
 – تولد پنجم ایران از ۱۲۲ هزار تن در سال ۵۷ به حدود ۶۰ هزار تن در سال ۵۸ کاهش یافته است . (۱)
 – نماینده همدان در مجلس : آمریکا با استکبار داخلی او مواجهه کند در روز ۲۲ بهمن انقلاب را با حاکمان رژیم سازند . (ک .)
 – ماهی سفیدانی : ما همه را میانه را برای اینکه مسئله گروگانها حل شود باز کرده ایم . (مطبوعات)
 – وزیر خارجه دولت ریگان : جنگ عراق با ایران تا زمانی که اخبار وارد بوشهر از طرف درگیر غیرقابل تحمل نشود پایان خواهد یافت . (ج . پ)
 – کردهای عراق در ۲۵ منطقه علیه صدام می جنگند . (۱)
 – وزیر خارجه آلمان غربی : « آلمان اخبار را به عنوان یک تریک مهم در ارتباط با مسائل خاور و جنوب می شناسد . (ج . پ)
 – بومده نظامی آمریکا ۱۵ درصد افزایش یافت . (ج . پ)
 – دومین وزیر بزرگ السالوادور بدست چریکها افتاد . (مطبوعات)
 ۱۰۶ شهری

ایجاد جونی باشد . (مطبوعات)
 – نماینده ساری در مجلس : « هبات بازاریاری دانشگاهها در ارتفاعات درونته شسته و اقدانی کرده اند . این سرودهاها برای بازگشتی دانشگاههاست . (مطبوعات)
 – انجمن دانشجویان سلیمان : از نظریا ساعت نیروهایی که با حرکات چپروانه و کجاستی خود باعث تفریب ارتجاع شده و میانه سیاسی بدست نیروهای سرکوبگر و چاقفادار میدهند ، محکوم است . (۱)
 – روزنامه « انقلاب اسلامی » : اخیرا یکی از برادران نماینده در یک مجلس رسمی ! سخنرانی که برایشان ترتیب داده بودند ، مفرمانند ، به ما میگویند چاقفادار ، بله ما چاقفاداریم ! انضام هم میگویند چاقفادار هستیم ! تکبیر بفرستند .
 – استناد آذربایجان غربی : « تعداد دانیان بووان اخراجی وابسته به گروههای سیاسی خاص کم بوده ، این عده املاچندین نیستند ، برای سالم سازی محیط آتورنی و جلوتکیزی از انحلال ، صلاح درین بود که این دانیان بووان اخراج شوند . (۱)
 – وزیر آموزش و پرورش : در این وزارتخانه اکنون ۳۰ هزار نفر با کمتری و ۳۰ هزار نفر جدید استخدام شده اند . (مطبوعات)
 – دیوگر در همدان به جرم « قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی » اعدام شدند . (ج . پ)
 – احمد عزیزی ، مسئول رسمی به امور گروهبانی : « آزادی گروگانها نزدیک میشود . (مطبوعات)
 – دولت کارتر سرگرم تنظیم یک طرح قانونی برای آزادی گروگانهاست . به موجب این طرح ، ۵۲ گروگان آمریکایی همزمان با پرداخت نخستین قسط از اقساط سنگانه دارایی های سددود شده ایران ، آزاد میشوند . (۱)
 – ریگان : « پیمان سالت – ۳ مابین با سفیر آمریکا است . (۱)
 – سوری ، لیبی ، الجزایر ، چین جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین درگروگانهای اسلامی شرکت می کنند . (ج . پ)
 – سوری از اعراج خواست تا رژیم اردن را سرکوب کند . (م .)
 – دربی نظر و لیبی ، عراق نیز قیمت نفت خود را به بستگی ۴۶ دلار افزایش داد . (ج . پ)
 – ۸ شیر السالوادور به تصرف چریکهای چپگرای این کشور درآمد . (ج . پ)
 – باب جنبشهای آزادیبخش آمریکای لاتین را « تومی طیمان » خواند . (ج . پ)
 – نماینده پارلمان انگلیس سکر اشغال افغانستان

توسط نیروی شد . (ج . پ)
 – یک کارمند سفارت شوروی در مصر ، به این کشور پناهنده شد . (ج . پ)
 – اتحادیه کمونیستهای انقلابی فرانسه حضور فرانسه در چاد را محکوم کرد . (ج . پ)

پنجشنبه ۲۵ دی

– عراق آبادان را از زمین هوا زیر آتش گرفت . یک تیب عراقی در آبادان سقوط کرد . سکرهای عراق دربار ، با بویله به آتش کشیده شد . (ج . پ)
 – شهکاران ایرانی ایران مواضع عراق در غرب خرمشهر را زیر آتش گرفتند . مناطق سکونی غرب خرمشهر زیر آتش قرار دارد . (ج . پ)
 – نیروهای عراق در دوسوی هویزه موضع گرفتند . (ج . پ)
 – حملات پراکنده تیرخانه عراق برروی مناطق سکونی دروزل ادامه دارد ، به اینها اطلاع داده نمی شود ، بلکه استراتژیک حاکمان آزاد شد . (مطبوعات)
 – گروه کاندوینی عراق در میک محاصره و نابود شد . (ک .)
 – نبرد درجه های سوسنگرد و کوهخوهر همچنان ادامه دارد . (ج . پ)
 – ناطق زوری : « چرا وقتی دستور عقبنشینی داده میشود ، ما به اینها اطلاع داده نمی شود ، تا آنان دچار بحران ذهن نشوند و قتل عام نشوند . (مطبوعات)
 – نماینده دماوند در مجلس : « چرا دوباره سازمان فاکتور با در زیر آتش ، در سکرهای سنگ با امکانات محدود سربز داشتند ، بدون اینکه هیچگونه تحرکی وجود داشته باشد ، اصولا چه عاملی می تواند تا حاکم از محال جلوه دهد ، و در هنگام تاجم چه عواملی سبب رکود و نابسامانی هاست . (مطبوعات)
 – نیکو در تهران رئیس هیئت منجور : « یکی از برادرهایمان کتک دلاگاه انقلاب را داده که ۱۸ کاسین در درختان ما بوده بیگردد جنور مواجده همه چیز را از ما بگیرد و بعد بگیرد سرب می نیجند تنهم می کشند که اینها وقتش می کشند ، تاخیر می کشند ، چنین می کشند و جان می کشند . کسی هم که تا بحال نبوده است تا ما درهان را به او بگیرد . (۱)
 – نماینده خرمشهر در مجلس : « دادن دوسوم حقوق به کارکنان که در مناطق جنگی کار میگردانند

شنبه ۲۷ دی

– اسان میجات عراق در غرب خرمشهر به آتش کشیده شد . مواضع عراق در حقی تعالی خرمشهر به زیر آتش سنگین نیروهای ایران قرار گرفت . (ج . پ)
 – مناطق سکونی آبادان هدف یونخانه دور برد عراقی قرار گرفت ، بر اثر اصابت خمپاره و خمسه خمسه بختی از بالابستگاه آبادان دچار حریق شد . (ج . پ)
 – عراق بار دیگر مناطق سکونی دروزل و گلنازب را به نوبت بست . (ج . پ)
 – یک پادگان نظامی در خاک عراق زیر آتش یونخانه ایران قرار گرفت . (ج . پ)
 – امام خمینی : مردم عادی اطلاع از فنون جنگ ندارند ، فنون جنگ را از ازشن دارند و آن هم رده اول است ، نه همه ، اگر یک روز بپسروی شود ، یک روز عقب روی شود ، باید اشرار در مجلس با بازار نادر نظیبا طرح کشند که چرا استظور شد ، تا مطلع بسیند از کیفیت جنگ تا وین تخمین سمدمیکه در چهجه چه باید بنود چهجه را آتیهایی که محصص هستند ، تشخیص سمدمیکه باید چه جور باشد ، و چهجه را چه جور نگهداری کنند ، و چطور موازین جنگ را اجرا کنند . (مطبوعات)
 – رهائی : « دشمنان علم و تخصص ناگزیرند اعتراف کنند که نیروی ما در سایه ایمان بود . (ج . پ)
 – قانون انتخابات و آتش نامه داخلی مجلس حیران که مصوب امام خمینی نیز رسیده است ، منتشر شد ، بر اساس این قانون « آتشیی کامل به مثالی اجتهادها ایامه تحصیل در حوزههای علمیه بزرگ در حدیقه افراد صالح برای برجمعت و رهبری تشخیص داده شوند » از جمله شرایط انتخاب شوندگان است . (مطبوعات)
 – شهردار سابق تهران : « معیار انقلاب برخی ارستفدین با روزی ۲۰ میلیون تومان از امور روزمین خوری درآمد داشته اند . (م .)
 – رهائی : « همه الاملاطون عضو کابینه انقلاب اسلامی هستند . (مطبوعات)
 – نامه « یک برادر زندانی به دادستان کل کشور : « طومر نسبت هبات برسی مسائل زندانها و تکلیف به خود علمی از بند ۳ زندان اوین کفغدایی قابل توجه افراد تکمعه شده ، کنده و در زندان زندانی هستند ، باز آمدن عمل ناورده ، و بهر هر مدر زندان اوین مسائل سنگ – خاک عراق به نوبت بسیند . (ج . پ)
 – نوبت در خرمشهر گلنازب ، دها بوسومار همچنان

راکون بسیاری از آنها در مناطق دیگر مشغول کار هستند ، عادلانه نیست . (مطبوعات)
 – اعطای یک خانه به پنج نفری در « یازک هتل » که با خیرنگار « انقلاب اسلامی » صاحب کرده بودند ، از این محل اخراج شدند . این افراد خلیلی فر بود ، که کله بن حیدر بن از خامنه ای محرم بود ، فر فرساده اینجا با بویله چند سید کشید ، توتوت نشا روزی بر سر میز میگویند ، آتشیی می کشند . آتای کریمی به با نیست جاسوسی رده است تا با چه معارزی به چهجه برویم وقتی به من میگویند ملخ خور ، بنودزد و هیزور یک بازی سوما درنی آورند . (۱)
 – مسئول بنیاد شهید در « یازک هتل » : « ضاله حیات از بی ضرر نیست ، ضاله حیات است اینها بیخواهند بگیرند دروزل دروزلی ، دروزل بر لیبی ، دروزل بر استالین ، ولی چون اینها با یکدیگر بی ضرر ندارند میگویند دروزل بر سر میز صر ! (۱)
 – سرلشکر هوشنگ جالبانی به جرم « تریک فعال در کودنای ۲۸ براد ۲۲ ، حکم مانی رژیم منجور و لیبوقی و استیسی به تخن تاه مخلوع ، صاحب بمت المال از طریق استیسی و خوختسین به رژیم حافظ شده ، ۵ سال حبس و اسپرداد گیه ایوال محکوم شد . (مطبوعات)
 – سپید زما هادی به جرم « فعالیت به منظور تحکیم رژیم لیبوقی و سوزکوی برسل تریک ملی نفت در دوران انقلاب » ، با رعایت تخفیف و نظر به مفاد آتای کریمی به نایست بزرگ در حد و میل بمت المال ، به ۴/۵ سال حبس با احتضاب ایام بازداشت محکوم شد . (مطبوعات)
 – نخست وزیر : « آمریکا ضاله محصص را در ایران مطرح کرد . (مطبوعات)
 – دفتر رئیس منجور : « تاکنون ۴۳۳ برگ سند به هیراه ۳۰ تنه عکس از آثار شکجه بروروی بدن زندانان و با مددین نخول هبات مامور حقیق درامر شکجه گردیدم . (۱)
 – آیت الله منتظری : « اگر گروهها بخوانند تبلیغات علیه اسلام کنند ، هیچ صحت نیست آزاد باشند . (۱)
 – سمد : « در طرح اصلاحات امری خلاف نفع نبود ، ولی چیزی هست به عنوان ولایت قیام بود و سمد گفتند که نیز تکیرو است و مخالف هم زیاد دارد . (۱)
 – اعتراض دانیان بووان که در مقابل « خاک » و اعتراض به اخراج یکی از دمایان وارد چهارمین روز بودند ، رئیس آموزش و پرورش خاک : « در صورت ادامه اعتصاب این دبیرستان شغل

شنبه ۲۷ دی

– انتشارات شکر در تهران دوبار شمالی توسط افراد عثمایی به آتش کشیدند ، مامکنهای این انتشارات در آتش سوخت . (ک .)
 – در حمله افراد مسلح بکوهی از آبادان ، نظامیان و شهکاران سلیمان کرد ، ۲۰ تن از افراد مسلح کشته شدند . (مطبوعات)
 – امام جمعه تهران : « دروزل گروگانها اصولا اسلامی را داده و صلحتکاران هاست گیم . (مطبوعات)
 – محکومین کابینه دانیان با کوهکوه دوطرفه ای در شراپ مالی آزادی گروگانهای آمریکایی بنواقی آورده رسداند . (مطبوعات)
 – معاون رئیس منجور آمریکا : « هنوز به نواقعی برسد ایم ، اما نشانهای امیدبخشی وجود دارد . (مطبوعات)
 – وزارت آمریکایی : زان آزادی گروگانها بی نهایت نزدیک است . (ص . ا)
 – محکومین وزارت خارجه آمریکا با رخ ایران را به پیشینا ادهای آمریکایی بدینجست توصیف کرد . (مطبوعات)
 – مشاور نظامی آمریکاه السالوادور اعلام شد . (۱)
 – فرانسه حمل « هوزند سیمارزیه عراق را آغاز کرد . (ج . پ)
 – سه دیپلمات شوروی به اتهام جاسوسی از مزارع اخراج شدند . (ج . پ)
 – ۴۶ هزار کارگر کازخان محل و بیل هوایی در لیبسان منظر ناسیم « ۵۰ مامتکار در هغه دست از کار کشیدند . (ج . پ)
 – « دادنی » از مناطق حاتالی لیبی بشمار میرود . (۱)
 – آیت الله منتظری : « اتحاد دو تکور سلطان جاد و لیبی را نشانه می کشد . (مطبوعات)

یکشنبه ۲۸ دی

– نبرد در حیمه های سوسنگرد و کوهخوهر شدت گرفت ، در منطقه هویزه نفاق و کینه به نیروهای عراق وارد شد . (ج . پ)
 – مناطق سکونی دروزل بار دیگر به نوبت بسته شد . (ج . پ)
 – ۱۳۰۰۰ مهاجرت زرتوق خرمشهره تیب کشیدند . (۱)
 – منجور عراق برای تصرف دهنگند حاجیان در هم تکتک . (ج . پ)
 – مناطق البرونالی ، الغامر ، سبحان ، بوکوال لیب در خاک عراق به نوبت بسیند . (ج . پ)
 – نوبت در خرمشهر گلنازب ، دها بوسومار همچنان

ادامه دارد. (طبوعات)

— یون یکی از تیمهای ارتش؛ دشمن به هیچ عنوان نمی توانست به آبادان نفوذ کند. (ج. پ. ۱)

— یعنی صدره زاریانه رئیس جمهور؛ یعنی اشخاصی که پیوسته "اگر تکلف آیت الله منتظری نبود این پیروزی می بود" آیت الله مکارم می گفتند خاندان آن مطالب هیچ نمی دانند؟! همه چیز اصلاح دارند؟! آیا میشود حمله را یکی دوروزه سازمان داد؟! این هم نوعی تمسک کاس است! اگر کسب میباید، باید معیبه رئیس جمهور و فرمانده کل قواست و داد و دیال راه می اندازند و من این امضا می کند که او را باید چنین و چنان کرد. اما وقتی پیروزی پیش می آید، ایندفعه از خود ناشی آقای منتظری این پیروزی سه اشان خلق گرفت. (ا. ا. ۱)

— اطلاعیه روابط عمومی نخست وزیر؛ روزنامه انقلاب اصلاحی با اعمال سیاسی زیاده که در انعکاس مطالب، با نگاه مردمی دولت را... هدف قرار داده است و سعی دارد با ایجاد جوکتاب این فکر را به خواننده تلقین کند که دولت از پایگاه مردمی بی بهره است. (طبوعات)

— مدبر زندان اوین؛ اگر گفتیم (رئیس جمهور) باعث تشنج بدعنوانت اجزای فکر مردم از جگ بدخل شدند، انزوا بود؟! اگر گفتیم ایشان در جریان شکست کردن نیروی نوسپ افراط مجاهدین خلق در زندان قصر بودند، انزوا است؟! اگر گفتیم ایشان برای جلوگیری از اعزام فرزند و پسر و وزیر به اصلاح اجزای ویروسی رژیم پهلوی و ازادی تیمار باقری تلاش کرده اند، انزوا است؟! (ا. ا. ۱)

— یک محکم ۱۹ ساله؛ به حضور جنتی اطلاع داده شد و در همان ساعت بدون تاخیر و بدون تحقیق با بازجویی و روایت حداقل حقوق متهم سنی بر دفاع به ۱۵ سال زندان تمام با کمر مودت - مودت - مودت ۲۰۰۰ فریب شالی در ۳۰ نوبت محکوم شد. (ا. ا. ۱)

— کتبل "نوسپ" و چند روستای اطراف تبریز از دست افراد مسلح خارج شد. طی درگیریهایی که در همین رابطه پیش رفت، باضاربان و زندانیان بسیاری کشته شدند. این افراد مسلح در روز ۲۰۰۰ تن از افراد مسلح شدند. (طبوعات)

— یک مقام وزارت بازرگانی؛ خطی که ایست که از طریق بازرگانی خارج کشور خود کشید. (ج. پ. ۱)

— شیروازی تهران؛ خانههایی که در تهران پارس خراب شد، به مرخصی می فرستادند. (ا. ا. ۱)

— یک مقام مسؤول در نخست وزیری شایعه آزادی گروگانها را تکذیب کرد. (طبوعات)

— یک میم برینکی الجزایری برای معاینه قبل از خروج

روز به روز

گروگانها وارد ایران شد. (طبوعات)

— ۳۰ پروکنر دروغا روسی با بد

— نماینده ای از ارتش؛ دشمن به هیچ عنوان نمی توانست به آبادان نفوذ کند. (ج. پ. ۱)

— یعنی صدره زاریانه رئیس جمهور؛ یعنی اشخاصی که پیوسته "اگر تکلف آیت الله منتظری نبود این پیروزی می بود" آیت الله مکارم می گفتند خاندان آن مطالب هیچ نمی دانند؟! همه چیز اصلاح دارند؟! آیا میشود حمله را یکی دوروزه سازمان داد؟! این هم نوعی تمسک کاس است! اگر کسب میباید، باید معیبه رئیس جمهور و فرمانده کل قواست و داد و دیال راه می اندازند و من این امضا می کند که او را باید چنین و چنان کرد. اما وقتی پیروزی پیش می آید، ایندفعه از خود ناشی آقای منتظری این پیروزی سه اشان خلق گرفت. (ا. ا. ۱)

— اطلاعیه روابط عمومی نخست وزیر؛ روزنامه انقلاب اصلاحی با اعمال سیاسی زیاده که در انعکاس مطالب، با نگاه مردمی دولت را... هدف قرار داده است و سعی دارد با ایجاد جوکتاب این فکر را به خواننده تلقین کند که دولت از پایگاه مردمی بی بهره است. (طبوعات)

— مدبر زندان اوین؛ اگر گفتیم (رئیس جمهور) باعث تشنج بدعنوانت اجزای فکر مردم از جگ بدخل شدند، انزوا بود؟! اگر گفتیم ایشان در جریان شکست کردن نیروی نوسپ افراط مجاهدین خلق در زندان قصر بودند، انزوا است؟! اگر گفتیم ایشان برای جلوگیری از اعزام فرزند و پسر و وزیر به اصلاح اجزای ویروسی رژیم پهلوی و ازادی تیمار باقری تلاش کرده اند، انزوا است؟! (ا. ا. ۱)

— یک محکم ۱۹ ساله؛ به حضور جنتی اطلاع داده شد و در همان ساعت بدون تاخیر و بدون تحقیق با بازجویی و روایت حداقل حقوق متهم سنی بر دفاع به ۱۵ سال زندان تمام با کمر مودت - مودت - مودت ۲۰۰۰ فریب شالی در ۳۰ نوبت محکوم شد. (ا. ا. ۱)

— کتبل "نوسپ" و چند روستای اطراف تبریز از دست افراد مسلح خارج شد. طی درگیریهایی که در همین رابطه پیش رفت، باضاربان و زندانیان بسیاری کشته شدند. این افراد مسلح در روز ۲۰۰۰ تن از افراد مسلح شدند. (طبوعات)

— یک مقام وزارت بازرگانی؛ خطی که ایست که از طریق بازرگانی خارج کشور خود کشید. (ج. پ. ۱)

— شیروازی تهران؛ خانههایی که در تهران پارس خراب شد، به مرخصی می فرستادند. (ا. ا. ۱)

— یک مقام مسؤول در نخست وزیری شایعه آزادی گروگانها را تکذیب کرد. (طبوعات)

— یک میم برینکی الجزایری برای معاینه قبل از خروج

دوشنبه ۲۹ دی

— یک کتبل یک میدان بیست و یک کیلومتری تبریز ۱۳۰۰ تن خنثی شد. (ج. پ. ۱)

— نبرد در جبهه های اهواز، سوگند، کرخه خور و درون ادامه دارد. (ج. پ. ۱)

— مواج عراق در منطقه درونی تل دو روز گذشته هدف یونجهای ایران قرار داشت. عراق به تلاقی این اقدام با تقویت سنگینی درون ارتش نوجوان دوران خود قرارداد. (ج. پ. ۱)

— در جبهه اهواز، جنگ بدخل خاک عراق کشیده شد. (ج. پ. ۱)

— وزیر مشاور و سخنگوی عراق در جبهه غرب نهم شد (ک)

— آزادان ملی ۲۲ ساعت گذشته ریاضت نوجوان عراق قرار داشت. (ج. پ. ۱)

— شورای عالی دفاع تصمیم گرفت از دست مقدم جبهه اوین

روز به روز

— امام خمینی؛ تضعیف تکبید دولت را، تضعیف تکبید اشخاصی را که خدمتگزار هستند، ارتش را تقویت تکبید... اشخاصی که در راس دادگاهها هستند تقویت تکبید... اشخاصی که در راس ارتش و قوای مسلحه دیگر هستند باید تکبید... جنتی را که در راس همه امور است تقویت تکبید. (طبوعات)

— انده جمع کرمان خواستار تکمیل کابینه رجایی شدند. (ج. پ. ۱)

— نماینده همدان در مجلس؛ "ما در امور فرای جریه بطور مستقیم دخالت نداریم، بلکه بطور سیستماتیک و به عنوان نظارت از طرف مردم دخالت داریم". (ک)

— اعظمی نماینده لرستان در مجلس؛ "تشیای مدرسه صنعتی بروجرد را منحل کرده اند... جندی پیش با تعطیل کردن به مدرسه خنجرانه خرم آباد مجلس اخراج شده، راکه ۷۰ - ۶۰ نفر بودند به همراه والدینشان پیش دبیرکل آموزش و پرورش میروند ولی در تاجا بجای اینکه جواب بدهند به آنها حمله می کنند که در نتیجه دعای جرح می شوند و تک نفر کشته... پدر و مادر مقول را چنان تحت فشار قرار داده اند که جرات شکایت به دادگاه انقلاب را ندارند". (م)

— حسن آیت نماینده مجلس؛ "نخواستند که دو نواز را در اختیار صدا و سیما بگذارند تا مردم بدانند کتا یا بن نوظهور کدام و ما نوظهوران را رسوا ساختیم، اگر این کتا می که مدعی بحث آزاد هستند، حاضر باشند، من شخصا حاکم دربار را آن مساله با آنها بحث و مناظره کنم". (طبوعات)

— دادستان تهران؛ "از اعدام ۹ نفر در زندان اوین تلاشی ندارم". (ا. ا. ۱)

— وزیر مشاور و سخنگوی دولت درباره گروگانها؛ "دولت جری که مضموع بود که مجلس در اختیارش گذاشته بود و تلاش کرده بود موهو آن مضموع را به مورد اجرا بگرداند."

— یازدهم دست آوردن امتیاز بنودیم بلکه تشیای نظلی که برای ما مطرح بود و مجلس نیز خواسته بود این بنودیم چون پیش از افعال جاسوسی که سری تصفیقات ناروا علیه جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا برقرار شده بود این تصفیقات ناروا از بین بروند."

— در واقع برخی از اینها آنها متانسان سکنتر از جاسوسی بوده است تا آنها که ما بررسی کردیم، همه آنها تیم جاسوسی ندانسته اند."

— نتیجه همبزرگ گروگانگیری این بود که جناح

تا گند قرارداد. (ج. پ. ۱)

— یعنی صدر؛ "ما از نظر نظامی فشرده سختی به عراق زده ایم". (ج. پ. ۱)

— یعنی صدر؛ "گروگانها به رئیس جمهور؛ "تروهای مسلح ما بدانند که من همه مؤلفیت را می پذیرم تا آنها بحال راحت عمل کنند". (ا. ا. ۱)

— روحانی نماینده مجلس؛ "انتظرو تیمسار ارتش را یک نفر توصیه دادند ما". (طبوعات)

— در فرقه، تعدادی از آوارگان در کورسا شهر و کنار خیابان اسکان یافته اند. (م)

— زواله حاجی یافته اند؛ "از اینها برایم چون روز روش بود که این دولت قادر به اداره ساسه ملکت نمی باشد". (طبوعات)

— مجلسی؛ "چلی کوشن سهام خارجی در ترکیهای ایرانی را زدند". (طبوعات)

— طرح ادغام سازمانها در وسیع مسیعیان بموسب مجلسی رسید. (طبوعات)

— نخست وزیر از نمایندگانی مجلس خواست تا گزارشات را زیر سوال بکنند. (طبوعات)

— وزارت عموها؛ بررسی تکبید؛ "مطور تابع اساخ میدکده کتبه وجود ندارد، اساخ عربی حسنه وضعی جوده اسلام را نمی دانند". (ا. ا. ۱)

— هادی غفاری نماینده مجلس؛ "آنها با کاهور ما را جاسفادار می بیند، بدانند در داخل سکنگران جفا کینه شده است، ما برای مبارزه با آنها، حداقل از آن بی حقیقت استفاده خواهیم کرد". (ج. پ. ۱)

— نماینده مجلس در مجلس؛ "گروهی که حاضرند کما کرا را فرود بماند، در خط ارتش هستند". (ج. پ. ۱)

— در درگیریهای اطراف مهاباد پانزده سرتیپ ۱۶ س از افراد مسلح کشته شدند. (طبوعات)

— حون بهای نماینده مجلس؛ "حون بهای نہیں وقتد رتکر از جمله از فام بوجه است، از اینها آنها سار به مصوب مجلسی دارند". (طبوعات)

— گروهی از خانواده سید دربارک هتل غلبه روزنامه انقلاب اسلامی اعلام کردند. (ک)

— روزنامه انقلاب اسلامی؛ "بس از درج سرمنسج از آوارگان جنگ می خواهند بطور آمل آزاد شده اند را علیه روزنامه انقلاب اسلامی میماند... سوسولین هتل اعلام می نماید سرکش طیارها را امضا" تکند برای واگارت اناس محمد صادر می خواهند پیروزی اجرام خواهند شد."

— وزیر مشاور و سخنگوی دولت؛ "آمریکا آمادگی خود را برای اسامی ساسه دولت اعلام کرد، بدین ترتیب فکر می کند به ما با اینها بزرگ میسوم..."

— نماینده الجزایری را میخواند تمسک آمریکا فصل کریمه

(طبوعات)

— یک مقام کاخ سفید؛ "شما شکل باقیمانده براه، بی صبری است". (طبوعات)

— معاون کارتری؛ "آمریکاد بازاری از اموال خود را برای آزادی گروگانها پرداخت خواهد کرد". (طبوعات)

— روزنامه جمهوری اسلامی؛ "آمریکاسلم خواستههای ایران شد."

— روزنامه کیهان؛ "آزادی گروگانها به معنای عمیق مبارزه در ابعاد امنیتی می باشد."

— سمر زوروی در آمریکا؛ "خبر آزادی گروگانها راسه فال تنگ می گویم". (ک)

— وزیر امور خارجه در دانشگاه در نزدیکی کابل ۱۰۰ دانشجو کشته شدند. (ج. پ. ۱)

— رژیم السالوادور چند شهر و منطقه سکونی را سازمان کرد. (طبوعات)

— سادات خواستار حضور نظامی آمریکا در افغانستان شدند. (ک)

— یک باگه مری در منطقه اشغالی نوار قرمز به تصرف جریکهای فلسطینی درآمد. (ک)

— جمیده آزاد بخش پروو؛ "لغو حکومت نظامی فلسطین یک نادر سیاسی است". (طبوعات)

— حادثه روزنامه ایران؛ "سوم فوریه را روز اعتراض به سانسور نظامی طبوعات اعلام کرد". (ا. ا. ۱)

— حادثه است؛ پیروزی ایران علیه امپریالیسم پیروزی جمیده باقیار است. (ا. ا. ۱)

ساخته ۳۰ دی

— فخرترین آزاد شد. ۲ کیلومتر از فخرترین عقب نشینند. (ا. ا. ۱)

— آماجان و پیوسته ریاضت شماره اندازهای عراق قرار گرفت. (ج. پ. ۱)

— در جبهه جنوب مواج نوجوان عراق شدیداً کوبیده شد. (ک)

— کتبله های ایران مواج عراق را در غرب خوشتر مبارز کردند. (ج. پ. ۱)

— سمر در جبهه های اهواز، کلاکتوب، سوار، و سکنگران جمع ادامه دارد. (طبوعات)

— نماینده مجلس عراق در "فاو" به موکت بسند شد. (ج. پ. ۱)

— یعنی صدر؛ "ما به تشیای در برابر تجاوز نظامی کردیم و حساب جدی از هیچ کشوری ندیده ایم". (طبوعات)

— فرماندهان قم از مسئولان خواست از اجرام جنگ پیروزی ۱۱۱



تقویم بهمن

در ایران

سرباز قرار گرفتند و صفا تن به سختی مجروح و بسیاری از دانشجویان نیز دستگیر شدند. دانشه نظهارات به خیابانها کشیدند و دانشه مواج و پلیس درگیر شدند. در ادامه نظهارات دانشه آبیوزی تمام مهدی کلهر در سوم بهمن ماه به شهادت رسید. در چهارم بهمن بار دیگر دانشگاه مورد هجوم کاندوها و جزئیات مزدور قرار گرفت. مهاجمان برای اعتراض به ناس کارگران و دهقانان برآمده بودند.

۱ بهمن ۱۳۳۲

ترو ریگ مزدور

حسینی تصور نخست وزیر وقت و بنکر امپریالیسم، توسط محمد بخارانی و برخی سکنگران، فرزندانش خلق، کتله شد. تصور با کتلیگری علم در ۱۷ اسفند ۲۲ به سختی زوروی متعصب شده بود، از که از سران حزب شد ساسه ایران نوس بود. از ابتدای کار دست به اقدامات صامتبار و درجهت سکنگران، از چندین مورد هجوم جزیرات پلیس و هجوم نیروهای جزیرات پلیس به نظهارات دانشجویان دانشگاه تهران که علیه دیکتاتوری شاه بیا خانه بودند، دانشگاه را به خون کشید. تلیک گزله های گاز آشکار لطفاتی نطق تصفد، در حالیکه دانشجویان با چشمان سرخ شده از گاز اشکآور در محوطه برتری و شمالی دانشگاه جمع شده بودند، از چندین مورد هجوم جزیرات پلیس و

مزدوران، دانشگاه را بلخون کشیدند

۱ بهمن ۱۳۳۲

خاندانترین اقدام او دمان خو کابینولسون به مستازان و کرستان امریکای درباران بود . پس از کشته شدن مسعود ، نوکر دیگر امیرولاسم ، "هوردا" به نخست‌وزیری گماشته شد .

۱ بهمن ۱۳۵۷

آزادی ترقوی از زندانیان سیاسی

هیروان با اوج گیری قیام مردم ۱۶۲ زندانی سیاسی به نیروی شانابیدر پلک آزاد شدند . آزادی زندانیان سیاسی یکی از مقدم‌ترین شعارهای دوران انقلاب بود ، چراکه خلق فرزندان خویش را که برای راهی او از خون جگر کشته و هولوکاسترین سختی‌ها را در این راه تحمل کرده بودند در میان خود می‌خواست آنچه گردولانی بودند که آزادی اسلحه‌های طاقت و شکیه را عین ندانسته‌اند اما مردم تصمیم خویش را گرفته بودند و درهای زندانها را گشودند . از جمله آزاد شدگان ، مسعود رحوی و موسی خیابانی از رهبران سازمان مجاهدین خلق بودند .

۲ بهمن ۱۳۲۴

اعلام جمهوری خودمختار کردستان

قاسی محمد رهبر خلق کرد پس از کنفرانس نمایندگان مردم کردستان در دوم بهمن ۱۳۲۴ جمهوری خودمختار کردستان را اعلام داشت . برنامه جمهوری عبارت بود از : خودمختاری برای کردستان ، انتخاب زبان کردی به عنوان زبان رسمی مناطق کردنشین ، انتخاب قوری تک نواری محلی ، استخدام کارکنان محلی برای اداره امور منطقه ، بهبود وضعیت وضع اقتصادی و اجتماعی کردستان ، بهبود کشاورزی از طریق کفک به دهقانان ، توسعه بهداشت و تعلیم و تربیت و ...

اگر چه جمهوری خودمختار کردستان بیش از یازده ماه دوام نیابرد ، اما در این مدت‌گونه توانست مباحثه بعضی از جنبش دموکراتیک ، ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خلفای ایران ، دست‌وردهای ارتش و رژیم پهلوی را زخمی ، آوار و موز داخلی منقعه بدست مردم ... داشته باشد .

در ۲۷ آذرماه ۱۳۲۵ با بوش ارشد روزور شاهنشاهی مکزیک در کنار طراح اصلی آن "جرالین" سفر رفت آمریکا در ایران بود ، جنبش خودمختاری کردستان با نکتت روزبه شدت قاضی محمد صدر نافی و سفیر قاضی همرهان خلق کرد در دهم فروردین ۱۳۲۶ در میدان "چوارچاری" مهیاد اعلام شدند .

قاسی محمد در پاسخ ملاحظاتی بازایی که او را

۱۱۴ پیروزی

دعوت به ترک کردستان کرده بود گفت : " با این خلق زندگی کردام و از سان آنان برخاستم و نمی‌توانم آنها را در مقابل ارش من شاه نگذارم " او در روز اعلام خطاب به سران ارتش شاهنشاهی گفت : " مرا اعلام کنید تا بجای من صدها فرزند خلق کرد بر علیه شما اسلحه بردارم " .

۴ بهمن ۵۲ قبل از هجرت

میلاذ محمد(ص) ، طلوع آزادی در شب جهل

محمد (ص) ، پیام‌آور راهی از قید و بندهای مذهبگلی ، وظلوع آزادی در شب تیره جهل و شرک ، بدینا آمد . دوران کودکی را به جوانی گذراند . درجهل سالگی و درعراق "حرا" نخستین پیام را دریافت و از طرف خداوند برگزیده شد تا مردم را به بوجد بخواند و نافرمانی و ظلم و ستم را از میان بردارد تا جامعای عزیزی از طبقات و بهور از هرگونه ستمی ساخته شود . انقلاب محمدی که در دوران اوج انحطاط امپریالیستی عظیم ایران و مردم ، بشعور رسید ، در فاصله کنایه از مرزهای جزیره العرب قرارفت و تمدن تازه‌ای را با جذب و وسط ملت های تازه اسلام آورده ، پایه‌گذاری کرد .

۱۰ بهمن ۵۷

جماعت‌اران توسط مردم دستگیر شدند

دو نفر از کارگران افغانی در منطقه آریانه شهر باهام همکاری با گروههای آنتیگر و جماعت بدست ، توسط مردم بازداشت و به منزل آیت‌الله طالقانی برده شدند . این عده باهاجم عضویت در پانده گستردهای که در مناطق مختلف تهران به مردم حمله می‌کردند تحویل مقامات قضایی شدند .

۱۱ بهمن ۱۳۵۰

شهادت احمد رضایی

احمد رضایی از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق در ساعت هفت بعد از ظهر یازدهم بهمن درحالی که کساحمه مزدوران رژیم درآمده بود ، با انفجار تاریخی که در دست داشت ، چهار سائوکی را کشت و خود به شهادت رسید . احمد مظهر نسل بالنده و تسلیم ناپذیری است که ازاداش درگذره مبارزات مسلحانه صفتل خورده و با ننگه سمرپرات خوستاری از رنج و شکنجه و زندان مضمم است باگر راهی بخش خلق ما را تا به آخر ادامه دهد .

احمد مبارزات را از ۱۴ سالگی آغاز کرد . در سال های ۲۹ - ۳۸ به سازمان جوانان جنبه ملی پیوست

سمن وارد جمعیت نهضت آزادی شد و سرانجام نه سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست . پس از خیزه شهریور ۵۰ به مجاهدین در سرباطی که تمام عناصر برگزیده سازمان وحشی اکثریت کادرهای تدار و دستگیر شده بودند ، احمد تنها فرد باقیمانده سازمان در سرباط بالای سبکلاب بود . او در حالیکه بخش عظمی از سرباطی ساواک برای دستگیری سنج شده بود ، شانه روز در رمسه سازماندهی کادرهای باقیمانده مجاهدین و حفظ آنها در مقابل به مردم و کساحمه پلیس تلاش میکرد . اگرچه یعنی عمق می‌کشد ،

برای مبارزه با دشمن باید سرباط از کینه انقلابی بود . بدون این کینه مبارزه امکان ندارد" احمد دلیل آنکه نواسته بود در مورد با دشمن این سازمان می‌باشد این سخنگامال و پیوستر اسفاده‌کنند از جانب یکی از انقلابیون شهید "غیربان مبارزه حرکت شهیر" لقب گرفت .

۱۰ بهمن ۵۷

جماعت‌اران توسط مردم دستگیر شدند

دو نفر از کارگران افغانی در منطقه آریانه شهر باهام همکاری با گروههای آنتیگر و جماعت بدست ، توسط مردم بازداشت و به منزل آیت‌الله طالقانی برده شدند . این عده باهاجم عضویت در پانده گستردهای که در مناطق مختلف تهران به مردم حمله می‌کردند تحویل مقامات قضایی شدند .

۱۱ بهمن ۱۳۵۰

شهادت احمد رضایی

احمد رضایی از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق در ساعت هفت بعد از ظهر یازدهم بهمن درحالی که کساحمه مزدوران رژیم درآمده بود ، با انفجار تاریخی که در دست داشت ، چهار سائوکی را کشت و خود به شهادت رسید . احمد مظهر نسل بالنده و تسلیم ناپذیری است که ازاداش درگذره مبارزات مسلحانه صفتل خورده و با ننگه سمرپرات خوستاری از رنج و شکنجه و زندان مضمم است باگر راهی بخش خلق ما را تا به آخر ادامه دهد .

احمد مبارزات را از ۱۴ سالگی آغاز کرد . در سال های ۲۹ - ۳۸ به سازمان جوانان جنبه ملی پیوست

۱۲ بهمن ۵۷

بازگشت امام خمینی به ایران

در اوج مبارزات قیومانه مردم ، امام خمینی پی از بازگده سال دوری از چین ، به ایران بازگشت . فاصله این ۱۵ سال ، پس از تبعید امام سازمان مبارزات از خون و جهاشه و مقاومت مردم ایران بر نده بود و امام خمینی برالاولی قدم نهاد که سراسرن از خون غریبان خلق رنگین بود . جمعیت عظیمی که نایب هرگز در تاریخ معاصر این کشور سابقه نداشته است از پرونده‌گاه می‌برآید تا بیست‌هزارا از امام خمینی استقبال کرد .

۱۴ بهمن ۱۳۱۸

شهادت دکتر آرائی

دکتر آرائی بدست مزدوران رهاخان در تهران شهیدانی به شهادت رسید . آرائی در سال ۱۳۸۱ در



لحظه ورود امام در فرودگاه مهر آباد

پیروزی ۱۱۵

تیزتر بدینا آمد . در سال ۱۳۴۱ پس از اتمام تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به آلمان رفت . سپس وارد سازمانهای غیرعقلی برای مبارزه علیه استبداد رفاغیانی شد . در سال ۱۳۴۹ با مجهر شدن به جمعیت‌های مارکسیستی و اندوختن جابجایی در زمینه های سازمانی و تبلیغاتی به ایران بازگشت . در سال ۱۳۴۳ گروههای مختلفی از روشنفکران با تشکیل یک مرکز رهبری در تهران برای احیای حزب بازگشت ایران اقداماتی به عمل آوردند که دکتر آرائی یکی از اعضای سرانجام این مرکز رهبری بود . در اوایل سال ۱۳۴۶ آرائی نامی عده زیادی از ناراضگان و ستمگینان را گردآوردند و در آن دادگاه آرائی به شرح عقاید اجتماعی خود و پارتیزان برداشت واز جمله گفت : " تنها قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد .

دیگاتور سراجام وجود این مبارز را حتی در سلول تنگ و تاریک زندان نتوانست تحمل کند و او را به شهادت رساند .

۱۸ بهمن (۳۴۶) پیش از هجرت

شکنجه و مرگ مانی

مانی به دستور بهرام اول به وحشیانه‌ترین صورت اعدام شد . او را زنده زنده پوست کیندند و در پوستی کاه ریختند تا از رواج آندیشنه‌هایش در میان مردم جلوگیری کنند .

مانی در سال ۴۰۶ پیش از هجرت در خانواده‌ای از بزرگان مسوب به خاندان اشکانیان بدینا آمد . دوران جوانی را مطالعه علوم و حکمت و ادب‌پژوهی و روشنی و عسوی پرداخت و در ۲۴ سالگی ادعای ماسوری کرد و آئین خویش را آشکار ساخت . پیوسته اولی و اولی ساسانی بدین تبلیغ مذهب مانی را ، که به سرعت در پارس و میان ایرانیان رواج پیدا کرد ، بود . حمل کرد "ا" بعد او را از ایران تبعید کرد . پس از برگ ماسوری مانی به ایران بازگشت و در استقبال حرم جانشین ماسوری قرار گرفت ولی پس از هزم بهرام اول بر او خشم گرفت و وحشیانه اعدامش کرد .

مذهب مانی آموزه‌ای از آدیان زرتشتی و عسوی و بودایی بود . مانی اعتقاد داشت که "تعالیم او دو عنصر روشنی و تاریکی وجود آمده و بهین سب انسان را از هر خوبی و بدی استوار است ولی در پایان دنیا ، روشنی‌ای تاریکی جدا خواهد شد و صلاحیت‌های همچوا را فرا خواهد گرفت ."

پیروان مانی وظیفه داشتند که بگویند تا روشنی تاریکی را از یکدیگر دور سازند و وجود خویش را از بدی و فسادگی که مسوب به تاریکی است منزه گردانند .

۱۱۶ پیروزی

۱۸/ بهمن ۵۷

پایان مأموریت هویزر

مأموریت حربهانه "زوال هویزر" امریکایی که برای حفظ منافع امریکا به ایران آمده بود پایان یافت . تا بر گزارش خیزش‌های ، ماه بورت هویزر در مرحله اول سازمان دادن شطیان واسمه به امریکا بود تا در صورت لزوم بتوانند به نفع امریکا در ایران عمل کنند . گروهی در این مأموریت برای آنکه انتقال قدرت بگروهی در این مأموریت صورت گیرد و نیروهای ضد-امپریالیست حکومت را در دست بگیرند ، ملاقاتهای حربه‌اندازی نیز با برخی از شخصیت‌های معاصر مخالف رژیم و سازشکار برقرار کرد .

۱۹/ بهمن ۴۹

حماسه سیاهگل

در ششگانه ۱۹ بهمن گروهی از فرزندان دلبریخلق با حمله مسلحانه به باشگاه آریانه‌پروزی روزور تاه در ساهلک غربی تاره در آسمان میهنان بوجود آوردند و این نقطه بروعی بود برای نبردهای چریکی کسده باجغای ستم آریانه‌پرو را به لوز در انداخت . هسته اولیه گروه ساهلک را نسی چند از مبارزان جیسون صفائی گراهانی ، صفائی آشتیانی و حیدرشف‌تنگیل دادند اولین هدف استراتژیک گروه تعمیر جو ساسی کشور و طرح عملی مبارزه مسلحانه بمنابته تنه‌آزاده‌های خلق بود . همزمان با پیشروی گروه در کوهستان‌های جنگلی شمال ، منظور تبلیغ مسلحانه در شهر، میان گروه ساهلک و گروه شهید احمدزاده نامی برقرار شد . در نیمه اول دیناه ۴۹ دستگیری اتفاقی یکی از کادرهای گروه جنگل ، افسر وظیفه شهید غفور حمیدپور عوامی پیش‌بینی شده بهیراه داشت . بدینال این دستگیری چند تن دیگر از انقلابیون شهر به‌دام دشمن افتادند . در ۱۳ بهمن حمله سازمان با نفوذ ماسوری ماسوکه گروه آغاز شد که به دستگیری ۳ نفر در گلپای و ۵ نفر در نیران انجامید و تنگ شهری عملا "ملاشی" شد . تنگ کوهستان که تعدادشان به ۴ نفر رسیده بود در ارتفاعات جنوبی ساهلک مستقر و آماده عملیات شدند .

۱۹ بهمن فرانس ، شهید هادی بندخدا از گروه کوه دستگیر شد و در ششگانه روز حمله سازمان ساهلک با هدف تسخیر باشگاه آریانه‌پروزی و بست جنگل‌های منطقه کوه‌نورث عمیق‌الاهی روسای ناسیبه ساهلک و دیلمان بود از مواضع خود خارج شدند و در نخستین حمله تمام بودودی اسلحه باشگاه به‌صدا زدند و رئیس باشگاه بدست انقلابیون اعدام شد . رژیم نمای اشکانان خویش را برای بدام انداختن



۲۲/ بهمن ۵۷

قیام پیروزمند ۲۲ بهمن

خلق هیروان ایران سراجام پی از دادن شهیدان ششاد بوق شد تا یک قام مسلحانه طویار تکمیل رژیم خیزشوار پیروزی را درهم برود و فریادهای تاریخی سر بیکر امپریالیسم امریکا وارد کرد .

پس از تیزوب وحشیانه تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم در سائهای ۲۲ - ۲۱ و سه سیمت رسیدن مبارزات سیاسی ، فرزندان دلاور خلق ، مجاهدین و مبارزین سیمت مبارزه با رژیم دشمن را کیندند و سرود ششگانه را شنایه تنها راه راهی فراوری خلق کیندند و با اوج خویش روز راهی آزادیگماشتند . تظاهرات خویش ۱۹ آرمه ، ۵۶ نفر جرفدای در انبار باروت خشم مردم بود که با تظاهرات ۲۹ بهمن تیزتر متطورتر شد و در خیزشهای دیگر همین گسترش یافت .

سال ۵۷ ، سال اوجگیری تظاهرات و اعتراضات سراسری بود . دشمن تمام حمله‌های خود را بگراست و از تمامی مردم‌های اشکار و پنهان کنگ گرفت تا سیر خیزشوار رومه تسلیم کرد . علاوه بر این روسیا حسن قنقارت کسولوی (کابینولسون) را نیز برای اتباع خود بدست آوردند .

۱۱۷ پیروزی

ایرانی برای کارکنی در امر انقلاب ایران آمدند. در ۱۶ سپین هجران مرکز آموزش عالی نیروی هوایی با «دین خنجر امام بر صفحه طویلیون طوطا فرستادند و مدوران کار جادان که از ادبیات نقل آبی پوشتا را تحت نظر داشتند آنها را در مانی طویلیون غافلگیر کرده و غذای را کشند و بی حسند را زیر محروم کردند.

در روز ۲۰ سپین حمله خنجر کار جادان سه نیروی هوایی مردم را بسوی بادگان اعطال کشاند. بادگان به محاصره مانگیا درآمد. صدای نیراندازی از داخل بادگان گونگ می‌رسد. رژیم از طریق رادو اعلام کرد که حکومت نظامی از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع می‌شود.

اما مردم محکم سپاهی خویش را گرفتار نمودند. کرچه سارنگران فریاد زدند «مشرق سوید» ولی هر لحظه بر درهای سگوان مردم آهوه‌رودند. خدایانیا برای جلوگیری از کنگرسانی به کار جادان سگوان سدی شد. ساعت ۷/۵ صبح ۳۱ سپین مردم به درب بادگان هجوم بردند و به کمک برینس املاقی نیروی هوایی آنها را خاک کردند و آنها پوشتا «مردم ما صلح کردند»

مردم به نهای فرزندان جان پرگنی که از نالیها بیتر راه جیاد سلطنته را کنوده بودند و سرنگونی رژیم شاه و حکومت امپریالیسم را تنها با مسرد سلطنته‌های نیشی خنجر می‌دانستند، باح ضمت دادند. نیرو تا ساعت ۲/۵ ادامه پیدا کرد. در این ساعت آخرین طاوت مدوران رژیم مردم کنکسه و با نگان انقلاب آزاد شد. روز ۲۲ سپین، روز فتح نامی درهای استبداد و برپایی کاجهای ستم آریا - متیری به نیروی خلق دلاوری بود که فصل نویسی را در مبارزات مردم این مروز و بوم کنود.

۱۳۴۰/سپین/۲۵

مرگ مظلومانه کارگران

۳۰ تیل کیروز شماره ۷ حاده هزار در پناگلیکوی سوری آل که در دست صاحبان بود قور و رخت ۱۲۰ کارگر رختکنی زیر خورواها خاک مدفون شدند. کوربه گوید دیگر شرایط سخت کار و عدم مامن و سایر آسینی که از چندترین سختجات اشتغال کارگران در جوامع طبقاتی است. گروهی از کارگران زمینگن را ترمایی کرد.

۱۳۵۷/سپین/۲۵

اولین تلاش برای تصرف جاسو سگاه آمریکا

ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۲۵ سپین ۱۳۵۷. ۱۱۸ پیروزی

پس از تکلیت سرانداری. گروهی از مردم که بعضی از آنان مسلح بودند توانستند ضمن اشغال سفارت آمریکا. ویلیام نیولین سفیر آمریکا در ایران و یکی از طراحی اصلی سرکوب مردم را به همراه ۵۷ جاسوس دیگر دستگیر کنند.

ملافاصله ابراهیم بردی معاون نخست وزیر دولت یوسف در سفارت حاضر شد و ضمن آرام کردن مردم مسلح در جواب این پرسش غمخواری یارس که ما این گروه چه خواهیم کرد گفت: هیچ. سخواهم آنها را سرور برده و آزاد کنیم. و بدین ترتیب اولین تلاش برای تصرف سفارت آمریکا و دستگیری جاسوسان آمریکا با عکس‌روبروند.

۱۳۴۰/سپین/۲۹

شهادت گلرخ و دانشیان

خسرو گلرخ و کرمان‌الله دانشیان. فرزندان دلیر خلق محافظ دناغ از ایران مردم سندیده، پس از تحمل ماهیها تکلیف در یک دادگاه نرومانی محاکمه و بدست جلدان شاه به شهادت رسیدند. خروس دلاورانه خسرو در زندانگاه که سکت: «من به حق خودم ضحی ندارم نکیم، من نطفه نفع خلقم حرف می‌زنم... من برای خانم خانه نمی‌زنم چرا که فرزند خلقی سازم و دلاور هستم» برای همیشه در خاطر ملت قهرمان پیروز ایران خواهد ماند.

فریاد نوبتین کرمان‌الله در زندانگاه سپین‌سپین برگ استبداد بود: «من دایم، چرا دناغ از حقوق نوده‌های فقیر و محنت ستم و حمله به عدالتاب و دستمال نسج‌خورده مردم، جرم دیگری نیست. اگر وحشت از شیوهای انقلابی و مبارزات مردم نندارد و تاریخ به ترک طیفه حاکم بر ایران مومن سستند، دروغ این واقعت را نشان خواهد داد» - و دیدیم که تاریخ چگونه نشان داد.



۱۹/سپین/۵۶ قیام قهرمانانه مردم تبریز

در سوگ شهادت قم و چهلمین روز شهادتشان، مردم قهرمان تبریز علیه دیکتاتوری و حاکمیت پناخاستند و خود حماسه نابذای از مقاومت شدند. با اعلام عزای عمومی، ساعت ۱۰ صبح ۲۹ سپین میل جمیعت در خیابانهای که به بازار تبریز ختم میشد روان بود. شلنگ گلوهغای پلیس، آتش ختم مردم را شعلهورتر ساخت و جنگ و گریز آغاز شد و شعارها رنگ خوسن گرفت و برای اولین بار در تظاهرات مردم، شیوهای جنگ چریکی نگار گرفته شد. گوسکهای پلیسی، مانع‌های نظامی و پایگاههای امپریالیستی به آتش گرفته شد. انفجار دکل و دستگاه رله تلویزیون واعدام برخی از یاران جلال رژیم، نشانهای از حضور فعال نیروهای پیشاز خلق بود. نیروهای شهربانی که تاب مقاومت در برابر میل پیمان‌کن مردم را نداشتند در همان لحظات اول ضروب و فراری شدند. در ساعت ۱۱/۵ صبح نیروهای نظامی سوار بر کامیونها و تانکها و مسلح به ۳ - ۴ به میدان مردم با مردم آمدند. درگیری ۳ تا بعد از ظهر ادامه داشت و صدای تیر - اندازی‌های بارگنده تا ساعت ۱۲ شب بکوش می‌رسید مردم قهرمان سوزید در این روز با دهها شهید آتش انقلاب را شعلهورتر کردند.

۱۳۴۰/سپین/۵۸

کشتار ز رهبر ترکمن

فرزندان دلاور خلق ترکمن، شوخمد درخنده نوجاب، عدالتمکیم مخوم، طواق واحدی و حسن چرمجانی در سرکاه در جنگل برف‌گرفته گلستان تاج‌پورانانه هدف گلوهغای ۳ - ۴ قرار گرفته و به شهادت رسیدند. ساعت ۴ بعد از ۱۹ سپین و قبل از برگزاری مراسم بزرگداشت حماسه ساهگل، این چهار نفر که سه ماهه با هیئت ۵ نفری وزارت کشاورزی ماه مور خیارها و رسدگی به کار شوراها همکاری از یک جلسه مشترک با یکی کشند توسط پاسداران گندسنگیر و با اس اس خبر ۲۲ روزنامه جمهوری اسلامی به تیران اعزام و روانه زندان اوین شدند. در ۲۵ سپین هر چهار نفر از زندان اوین سه مرکز سیاه پاسداران سلطنت‌آباد تحویل داده شدند و سرانجام پیگر این شهید در حاده بین جنونزد و کتند پیدا شد.

اگر چه رئیس جمهور در کارنامه خویش گفته است که سرانجام عاملین این جنایت هولناک را مردم معرفی خواهد کرد، اما هنوز زان این کشتار از برده یرون منافیانه است.

فرزندان بیستاز خلق

ماروزه‌هایی بحق ملت ما برستی را از ۱۶ شهادت و عاشقانه‌ترین از چارگشتگیها جریان داشته است. هرروز ما، سالگرد شهادت چندین زن و مرد قهرمان این مین این سخته سپهرام آنها، تاریخ نوشته این کشور کین باقی می‌ماند. ما را این شهیدان، و گمشدهای بسیاری از آنان، ما را می‌دارد که علیرغم ارج غنیمت آنان، در هرماه تنیها به آوردن نبرست نام و تاریخ شهادت آنان بسنده کنیم.

۱ سپین: ابراهیم و پورهای خلیق (۱۳۵۲) -

۲ سپین: یوان بدالی - بهروز عبیدی (۱۳۵۱) -

۳ سپین: شیوه اشرف زاده گومانی - محمدطاهر رحیمی - محسن بختانی - نفععلی پناهان، تیرباران (۱۳۵۴) -

۴ سپین: محمدعلی لیلیان - نواد - مرتضی صمدیه لیک - سیدالرضا منیری جاوید - ساسان صمدی تیرباران (۱۳۵۴) -

۵ سپین: محمد پروانه جبریمی - سعید پرویش - فاطمه آفرینیا - جعفر محتشمی - مصطفی دقیق همدانی (۱۳۵۴) - انوشه فیلمتکلام (۱۳۵۵) -

۶ سپین: کیوگرت سنجری (۱۳۵۵) - حسن روشن سپاه (۱۳۵۷) -

۱۱ سپین: احمد رفایی دزبندی سلحانه (۱۳۵۰) - حسن فرجودی (۱۳۵۵) -

۱۲ سپین: محمدعلی باقری - محمود پهلوان تیرباران (۱۳۵۴) - حسین چوخاچی (۱۳۵۵) -

۱۶ سپین: مصطفی شاکریان دزبندی سلحانه احمد احمدی در زیر ششجه (۱۳۵۴) - محمد حسن خیابانی و همسرش همتا شهبازی - سرفا زنجیرفروش عباس زنجیره فروش - مقصد فرج‌زاده (۱۳۵۷) -

۱۷ سپین: یوسف زبیری (۱۳۵۲) - کوروس رهنگر (۱۳۵۴) -

۱۸ سپین: محبوبی متحدین (۱۳۵۵) -

۱۹ سپین: محمد رحیم سانی - مهدی اشرفی (۱۳۴۴) -

۲۰ سپین: محمد علی خسروی اردبیلی در رفتار (۱۳۵۴) -

۲۲ سپین: حمید یومنی در نبردی سلحانه (۱۳۵۴) - قاسم ساداتی - باکت سیلابی - خسرو پناهی - محمدعلی گلکوتیان - مهدی اقتدارکش - محمد جواد عرفانیا (۱۳۵۷) -

پیروزی ۱۱۹

۲۶ سپین: محسن نوربخش (۱۳۵۵) - محمد حسین کریمی (استاد صالح) (۱۳۵۷) -

۲۸ سپین: فردوسی (ابراهیمیان) (۱۳۵۵) -

۲۹ سپین: خسرو گلکوشی - کرمان‌الله دانشیان تیرباران (۱۳۵۲) -

۳۰ سپین: حسین منشا - روح‌الله سیف -

درجهان

اول سپین (۲۰ ژانویه ۱۹۴۴)

مرگ لنین

ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین) رهبر بزرگ انقلاب اکتبر زندگی را به‌رود گفت.

لنین در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ چشم به جهان گشود. مبارزات سیاسی را از دوران جوانی آغاز کرد و همچنین دلیل از دانشکده حقوق شهر کاران اخراج شد. در همین سال بود که برادر بزرگش "الکساندر" با تمام شرکت در سو قصد به تزار روسیه بازداشت و سپس اعدام شد. او در پاییز سال ۱۸۹۱ عنوان دواطلب در انجان دانشکده حقوق پترزبورگ شرکت کرد و گواهینامه درجه یک فارغ‌التحصیلی گرفت و در سامارا بولانت پرداخت و در همین شهر نخستین اثر خود "جنبشهای جدید کشاورزی و زندگی دهقانان" را نوشت.

در پاییز سال ۱۸۹۵ همه گروههای مارکسیستی پترزبورگ را بنام "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" متحد ساخت. در دسامبر همین سال بازداشت و زندانی شد. دوران زندان را با نوشتن کتابها و رساله‌های سیاسی پایان رساند. در سال ۱۸۹۷ برای مدت ۳ سال به سیبری شرقی تبعید شد.

لنین که با تمام وجود به طبقه کارگر عشق می‌ورزید و در راه راهبانی اش لحظه‌ای نمی‌آورد دوران تبعید را نیز با نوشتن بیش از سی اثر همراه با سازماندهی مبارزه‌های بخش گذراند. پس از پایان تبعید در سال ۱۹۰۰ به خارج رفت و با همکاری "بلخانت" روزنامه "اسکرا" را منتشر ساخت. در سالهای ۱۹۰۲ - ۱۹۰۱ اثر معروف خود "مابعد کرد" را پایان رساند. در سال ۱۹۰۳ با نوشتن کتاب "یک گام به پیش دوگام عقب" نظریات منشویکیها - گروه مخالف نظریات لنین در حزب سوسیال دموکرات روسیه - را سخت به انتقاد گرفت. پس از آغاز جنگ روس و ژاپن در سال ۱۹۰۴ لنین به روسیه برگشت و مردم را به تاسیس حکومت کارگران و دهقانان فراخواند. پس از شکست قیام ۱۹۰۵ ۱۲۰ پیروزی

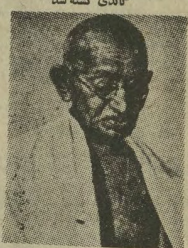
۱۲۵ ژانویه ۱۳۵۶ میلادی

واشین چاپ در خدمت آگاهی

به نیروی ابتکار گزینگر، دانشمند آلمانی، اولین کتاب جهان بوسیله "واشین چاپ" شد و بدینگونه تاریخ نوین در تاریخ علم و دانش واگاهی آغاز شد. این آغازی گشودند در جهت حفظ میراث فرهنگی و علمی روس و رسدگی به کار شوراها دهفاتی از یک جلسه مشترک با یکی کشند توسط پاسداران گندسنگیر و با اس اس خبر ۲۲ روزنامه جمهوری اسلامی به تیران اعزام و روانه زندان اوین شدند. در ۲۵ سپین هر چهار نفر از زندان اوین سه مرکز سیاه پاسداران سلطنت‌آباد تحویل داده شدند و سرانجام پیگر این شهید در حاده بین جنونزد و کتند پیدا شد.

۳۰ ژانویه ۱۹۴۸

آزادی کشته شد



مهانا گاندی پشواوی مردم هند و انسان بزرگ تاریخ در عهت نه و ستم صحنه‌هایی که از مادگاه "بولاهوا" خارج میشد، با شلنگ ۳ گلوله توسط جوانی بنام "ایمانت" از پای برد.

گاندی در سال ۱۸۶۹ (در خانواده‌های فرهدین) آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۸۸۸ برای تحصیل حقوق به لندن رفت و در ژوئن ۱۸۹۱ در همین بارگت. ابتدا به پیشی رفت تا بولانت بریزاردولی نوبتی نمانت و تا کوربه به پیشهاد یک کمیته‌ای هندی بافریقای جنوبی رفت تا برپوندن آن درگت و مورد مطالعه قرار دهد و در دادگاه آن دفاع کند. مقاومت های سختی با سالت‌آزمی گاشی در برابر قوانین ظالمانه دولت آفریقای جنوبی سبب شهرت او شد. در طول دولت آفریقای جنوبی چندین بار از سوی باورول دولتی او مجروده ضروب شد و به زندان افتاد. پس از سه سال اقامت در آفریقای جنوبی به هندوستان بازگشت و بر آن شد که گفت هند را از بی عدالتیهایی که نسبت به هویتشان در آفریقای

جنوبی میشد آگاه سازد. مبارزات او باعث شد که در فوریه ۱۹۰۹ برای اولین بار به زندان با کار محکوم شود. در طول زندان او لحاظ روضه‌های اخلاقی آند، تقویت شد که اعلام کرد: "بهترین محل برای ساختن و پرداختن روح زندانست" او آنچنان ساده و بی‌الایش می‌زیست که بغول تاگور "روحي بزرگ، ولی زنده بویوش" گاندی که انگلستان را همیشه به جنم یک دوست می‌نگریست پس از تصویب قانون "بولنت بل" توسط حکومت انگلیسی هند که بر اساس آن دولت میبوانست هر فرد هندی را که علیه او سخنی گوید و یا چیزی بنویسد زندانی و با اعدام کند، از خواب بیدار شد و در زندان او ۱۹۰۵ هنگامی با امپراتوری انگلیس را محکوم کرد و همه مدالها و نشانهای او را که دولت انگلیس در آفریقای جنوبی بوی اهدا کرده بود پس داد و بهیضت مردم هنگامی با انگلیسیها آغاز شد. نفل یکی از ماموران دولتی بدست مردم، بهانه‌ای ندیا گاندی بازداشت و به ۶ سال حبس محکوم شود. مبارزات بیگمرانه گاندی و دودانش مردم هند سرانجام در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ استقلال را به زلفان آورد. از این پس گاندی تمام کوشش خود را صرف رفع اختلافات بیرون ادیان مختلف جمجمی هند و مسلمان کرد تا سرانجام بدست یک "هندو" کشته شد.

۳۰ ژانویه ۱۹۵۶

استقلال کوریت به‌سبک انگلیسی

کویت بعد از یک دوره اشغال طولانی توسط انگلیس ظاهرا استقلال خود را بدست آورد. بارش روزافزون آگاهی خلقها و سر رسیدن دوران استقلال گمشده، امپریالیسم حمله گر انگلیس، تمام خود را در آن دید تا به کویت استقلال و آزادی اهدا کند. تا در واقع خود در پس پرده پنهان شود به کمک عوامل دست چان بعنوان پناگاهی علیه نهضت‌های چترقی منطقه نگاه دارد.

۳۰ ژانویه ۱۹۴۷

یکشنبه خونین در ایرلند

مدوران جنایات بیخه انگلیس آتش مسلطهای

پیروزی ۱۲۱

خوش را بر روی فردی که برای کسب حقوق انسانی
خوشی در " لندن بری" دست به تظاهرات زده
بودند کشیدند. پیش از این جوتهای بسیاری در پتیر
های ایرلند شالی جاری شده بود اما خاطره جنانات
کشیده خومین ۳۰ ژانویه ۱۹۳۲ هوارا بعنوان یکی از
نکتهدارترین و ساهتمین روزهای تاریخ ایرلند در
خاطره ها خواهد ماند. این جنایت هولناک توسط
" ژنرال فورد" فرمانده نیروی زمینی انگلیس و
سرگرم دوم " مگدونلور" فرمانده گردان اول هنگ
چهارم شادک دیده شده بود که به قتل دههاندلیل
ترک در این جنایت وحشیانه از "الیزابت دوم"
مدال افتخار گرفت.

ایرلند در ۱۱۷۱ به تصرف سیاهپان انگلیسی
درآمد. در اوایل قرن بیستم که مبارزاتهای بخش ملی
اوجی تازه گرفته بود، در روزهای قهرمانانه عبد باک
سال ۱۹۱۶ که بعدها عبد باک خومین نام گرفت رهبران
قیام مسلحانه ملی ایرلند استقلال جمهوری ایرلند را
اعلام کردند. این جنبش انقلابی برای آزادی ایرلند
با تکتک روبرو جمهوری ایرلند غرق در خون شد و
تازدهنفر از رهبران آزادخواهان ایرلند در مقابل
چوچه های اعدام قرار گرفتند. دولت انگلیس در
دسامبر ۱۹۲۰ دست به تجزیه ایرلند زد. ایرلند
جنوبی ظاهرا استقلال یافت و ایرلند شمالی تحت
قیومت انگلیس باقی ماند. اختلافات مذهبی میان
کاتولیک ها و پروتستان ها و سایر فرقه های مذهبی
گسترش داده شد. ایرلند با همسر و کشتن انگلیس همچنان
از پروتستانهای ایرلند حمایت می کند. پیش از نیم
میلیون نفر از کاتولیک های ایرلند شمالی در محله های
کارگرین اولستر زندگی میکنند و بنا آنها کار داده
نمشود و اکثر بی خانمان و فقیرند.

مزدوران انگلیسی روزی نیست که دست به جنایتی
تازه نزنند و فریادهای اعتراضی لودرا در گلو خفه
کنند. در سال ۱۹۲۲ در ایرلند شمالی قریب به
۵۰۰ نفر کشته و بیش از ۳۵۰ تن دچار نقص عضو
شدند.

اکنون نیروهای بیشتر از ایرلند، کلیه زمکنشان
ایرلند را برای تشدید مبارزه به منظور دست آوردن
حقوق انسانی خوش فرا میخوانند و طنین افتخار
بمهای " ارتش جمهوریخواه" آوای خوش بیداری
مردم ایرلند را بگوش میرساند و لانه استعمار و زاده
ایرانیان صمیمی را بلرزه درمی آورد. مسلحان ایرلند
نه یک بحران مذهبی که مبارزات مسلحانه میان
صاحبان اصلی ایرلند با انگلیس و مزدوران محلی آن.

۲۱ ژانویه ۳۷ میلادی

تروین ، منتظر دیکتاتوری ، متولد شد

تروین یکی از ستارگترین مردان تاریخ پرآشوب
بدنیان است. کلودیوس نپوترون، رم او را مغرورند قبول
کرد چون روز اول فوریه ۵۴ میلادی به تحریک تروین
کلودیوس مسوم شد. تروین مایا ترویر رسید. وی علاوه
بر پدر خوانده اش، مادر و برادر خوانده و نیز زین خود
را کتف. در زمان امپراتوری او در ۱۳ ژوئیه ۶۴
حرفی سینهکن در رم اتفاق افتاد که تروین با تمام
اجداد این حرفی بیش از ۱۰۰ هزار مسیحی را نابود
کرد.

در ۹ سپتامبر ۶۵ به سبب حمایتهای تروین، مردم
به قیام خومین دست زدند که با تکتک روبرو شد و
به دستور تروین در عرض یک روز دو هزار نفر از سران
شورشی را اعدام کردند. اما سرانجام با قیام بکارچه
مردم ۶۸ خردگشتی کرد. در ۸ اوت

۹ فوریه ۱۵۶۴ میلادی

مهاجره قرون وسطایی

آندروئیلوس طبیب و جراح معروف بلژیکی بی از
اجرای حکم کلیسا زندگی را بدرود گفت. ویلیوس که
پدر علم شرح لقب گرفته است بجرم تشریح جسد
آدمی از طرف کلیسا به یک محکوم شد ولی بعد با یک
درجه تخفیف او را محکوم کردند با پادشاه به زیارت
بیت المقدس بیرون و در باکت از این سفر بود که در
۵۰ سالگی مرد.

ویلیوس روز ۳۱ دسامبر ۱۵۱۴ میلادی در بروکسل
بدنیان شد. کتاب مشهور او " کارخانه بدن انسان"
اولین اثر جامع در باره وظائف اعضای بدن است. او
اولین کسی بود که جایگاه اصلی شخصیت بشری را در
دستگاه عصبی و مغز مبادست.

۱۰ فوریه ۱۸۹۸ میلادی

تولد پرست

برنولت پرست نماینده ناموس بزرگ و انسان آگاه
قرن بیستم در آلمانی آلمان بدنیان آمد. در ۲۱
سالگی نخستین نمایشنامه خود بنام "بعل" را نوشت
در سال ۱۹۳۳ همزمان با بقدرت رسیدن نازی ها
مجبور به ترک وطن شد.

پرست در آثار خود با زبانی گزنده از فساد جامع
و علل آن برده پریمگرد و موضوع اصلی کار خود را
وقف نمایانند دردهای اساسی مردم قرار میدهد.
او که جهان و همه بدیده های آن از جمله انسان را در

حال " حرکت" و " شدن" می بیند، هجر را چونان
وسلهای برای این تعمیر نگار می کند.

ارگفته است: من خواسته ام این جمله را در تاریخ
وارد کنم که مهم توصیف جهان نیست بلکه تغییر
دادن آن است. بخش مهمی از آثار پرست در
فاصله دو جنگ جهانی خلق شده است. در دورانی
که تب جنگ سراسر اروپا را فراگرفته بود و سوداگران
آلمانی در آرزوی ایجاد نظم جدیدی که حداکثر در
آمد منکر را برپا سازد به هیلن پروبال
میدادند. دورانی که جنگ تقدیمی می شد و اقله
ها امانتت می گشت و میلیونها مردم به خاک و خون
می افتادند و دستگاههای تبلیغاتی به هزاران افسانه
و افسون انگار مردم را تخدیر می کردند. در این
دوران بود که پرست در برنومش اجتماعی عمیق و
وحشی از هجر بعنوان وسله ای برای مبارزه بر ضد
جنگ استفاده می کرد و میکوشید تا نشان دهد که این
جنگها مبالغه نبوده ها را در نظر ندارد.

مرگ پرست در ۱۹۵۶ ضایعه ای برای دنیای هنر به
حساب می آید.

۱۲ فوریه ۱۹۶۲ میلادی

اعتصاب در فرانسه

بزرگترین اعتصاب دنیا پس از جنگ بین الملل دوم
در فرانسه صورت گرفت. در این روز ده میلیون زن و
مرد فرانسوی دست از کار کشیدند تا نفرت خود را از
عملیات وحشیانه " ارتش سور فرانسه" که محبوسه ای
از جنایتکاران حرفه ای بودند و انقلابیون الجزایری
را وحشیانه می کشند، اعلام کنند. " ارتش سور"
فرانسه توسط دولت فرانسه سازمان داده شده بود
تا با شکار انقلابیون و ایجاد رعب و وحشت انقلاب
الجزایر را منوط سازد. در این روز ۳۰ هزار پلیس
و ۲۱ هزار سرباز مسلح مراتب اعتصاب کنندگان
بودند.

بررسی مقایسه ای!

بسیار اتفاق افتاده است که پیرامون شخصیت های برجسته تاریخی دیدگاه های متفاوت و حتی
متضاد ارائه شود. برای شناخت دیدگاه درست و شباهت های متفاوت وجود دارد که یکی از آنها " بررسی مقایسه ای"
است.

مصدق یکی از این جبهه ها است که این روزها پیرامون سخنان متضاد گفته میشود. برآن شدیم تا
برای شناخت درست مصدق (و یاکلیانیکه درباره او سخن می گویند) که بی شک در ارتباط با شناخت
مسائل سیاسی اجتماعی حیثیتان است، به یک " بررسی مقایسه ای" بپردازیم.

حجت الاسلام مصدق در نماز جمعه (۱۹ دیماه ۵۹):
" ... این ایام است که یک خیابان در حدود ۳ فرسخ اسم بگذارند بنام مصدق دیگر مصدق
پهلوی را بپسورد کردیم ... هر مصدق جرات داشت با شاه طرفت کند آتیرا را می کردند ... او
قابل پیرگاره نبود ... آقای مصدق که با شاه دعوا نکرد. مصدق موجب عجزهای موجود دست شاه را
بوسیده، دست ملکه را بوسیده، فرمان نخست وزیرش را از محضرها پهلوی گرفته ..."

آیت الله طالقانی در سخنرانی بر فراز مصدق (۱۴ خرداد ۵۷):
" نام دکتر مصدق همان اندازه که برای خوشحالی، بیداری، نبضت مقاومت، قدرت ملی، خاطرهای گزیز
است، همچنان اندازه برای دشمنان ما، دشمن داخلی خارجی، استعمار خارجی و عوامل استعمار داخلی
وحشتناک و وگرنه آن است ..."

مهروری ۱۲۲



شماره ششم - آسفند ۱۳۵۹
ماهنامه سیاسی - اجتماعی
زیر نظر شورای نویسندگان
نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۱۲ - ۵۴
تلفن: ۸۳۸۸۶۳

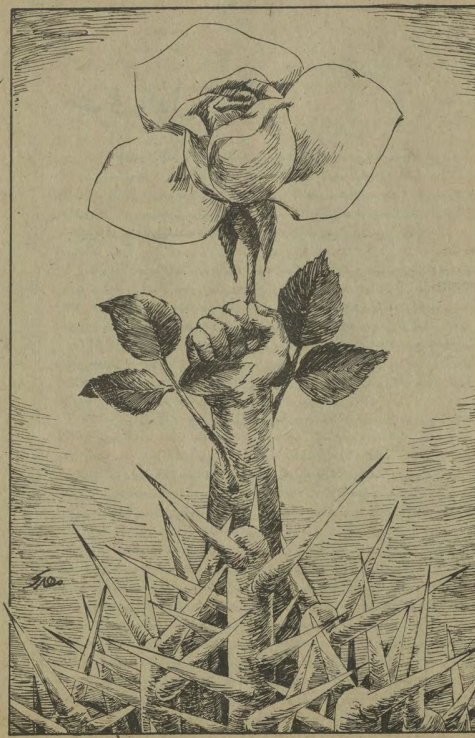
'پیروزی' مشترک می پذیرد

بهای اشتراک: - ۶ شماره ۵۰۰ ریال
- ۱۲ شماره ۱۰۰۰ ریال
برای اشتراک جمله مبلغ لازم را به حساب جاری شماره
۳۶۲ بانک صادرات شعبه ۳۱۳۶ تهران واریز کنید
و رسید آنرا با ذکر اینکه جمله را از چه شماره ای
مخواهید به نشانی پستی ما بفرستید.

بنا بخواست عده زیادی از خوانندگان عزیز تعداد محدودی
توجه از شماره ۲ "پیروزی" که نایاب شده بود، تجدید چاپ شد.
علاقتمندان می توانند آن را از نمایندگی های ما تهیه کنند.

- شماره های قبلی "پیروزی" را در تهران و شهرستانها از مراکز زیر تهیه کنید:
- تهران: انتشارات آگاه - خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه انتشارات باران - خیابان انقلاب، خیابان فروردین انتشارات پیمان - خیابان انقلاب، بازارچه کتاب انتشارات پیوند - خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه انتشارات نوس - خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه
 - اراک: علی سپهری - تلفن ۲۶۸۲۷
 - اصفهان: مطبوعاتی اتحاد - چهارباغ، نشن شبانهایی مطبوعاتی شعل - چهارباغ مقابل مدرسه حضرت صادی مطبوعاتی شهرام
 - سرخورد: مطبوعاتی پلازده - خیابان امام خمینی
 - تبریز: کوکب مقابل مهاباد - خیابان زند
 - شیراز: مطبوعاتی زند - خیابان زند
 - قائم شهر: مطبوعاتی آزاد
 - حکمران: کتابروشی شهر کتاب - خیابان شریعتی
 - مسجد سلیمان: مطبوعاتی توفان
 - مشهد: مطبوعاتی کلاهی - خیابان امام خمینی روبروی باغ ملی
 - همدان: مطبوعاتی کاظمی - میدان امام خمینی مطبوعاتی ذوالفقاری - اول خیابان شهیدا

برای فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، و کالاهای مربوط به آنها کمی میسزیدیم



مهروری ۳

حرف اول

همه جا صحبت از اوست. اکنون دیگر بحث آن همه جاگیر شده است. تا همین چند هفته پیش علیرغم وخامت، گسترش و حتی "قدمت"ی که دارد، اما اکنون برهنه و زکند در بالاترین سطوح لابی‌های تق تق و با حتی "توسعه‌ناگلب" قلنداد میشد، اما اکنون برهنه و زکند در بالاترین سطوح لابی‌های حاکمیت و در میان برجست‌ترین دولتمردان بحث روز شده است. و کار آن تا بداند کاشیده که گمانی از همین شخصیت‌ها آن را خطری بنیادی برای کل نظام جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند و نسبت به تداوم آن هشدار می‌دهند.

سخن از "حقایق" و چاق‌داری است. و عجیب آنکه این بحث اکنون پس از دو سال که از تداوم این پدیده می‌گذرد، و بدین‌سان بسیار اعتراضی‌ها که هرگز شنیده نشد و فقط برجسته‌های را بدین‌حال خود آورد، تاگیان عنوان می‌شود. و در نتیجه فوراً "این سؤال برانگیخته می‌شود که این "گفت" ناگهانی پدیده‌ای این چنین شناخته شده، که بصورت یکی از بزرگترین مشکلات روزمره هر حرکت اجتماعی در آمده است، چه معنی دارد؟ آیا "چاق‌داری" بصورت روزی مهارت‌پذیر در آمده که از شکل یک زخم قابل اغماض فراتر می‌رود و خود سبب می‌گردد که خواسته یا ناخواسته در وجود آوردن آن سبب بوده تنبیه می‌کند؟ آیا "چاق‌داری" که تا همین چندین پیش وجودشان ناپدید انگاشته می‌شد و حتی سوزان از آن عنوان "مردم" یاد می‌کردند، اکنون با آن کلیم خود فراتر نیاده و آنچه نماند، بی‌هرمی گردانند؟

نکته عجیب دیگر اینکه، تازه هم اکنون که چاق‌داری با همه دست‌و‌گواهی آن برانجام از برده‌ها خاشا و اعصاب بیرون افتاده، بصورت سال‌های گنگ و بی هویت، و مانند پدیده‌ای که تاگیان نخستین نشان‌های بروز آن گفته شد، مطرح می‌شود. در حالیکه به شهادت رویدادهای گذشته، چاق‌داری را می‌توان به "ایده‌ی" بودی و خطرناکی تشبیه کرد. اکنون، اظهارات سوزان، این احساس را بدست می‌دهد که تازه نخستین "ویروس‌های" منور این بیماری، نزد تک و توک افراد "آلوده" دیده شده باشد. مانند بیماری ناشناخته‌ای که از آن سوی مرزها، توسط سفارتی سبیل‌نثار، به داخل کشور منتقل شده باشد.

اما واقعیت این است که "چاق‌داری" بعنوان "شیوه" ای متداول برای مقابله با حرکات و جری‌های ناشی "تا مطلوب" در دو سال گذشته رونق رو به گسترش و فراوانی داشته و مانند هر پدیده اجتماعی، چیزی نیست که به تاگیان، از آسان یا از آن سوی مرزها فرود آمده باشد. برعکس، استمرار "شیوه" چاق‌داری در دو سال که گذشت، چنان بوده که اکنون سبب بی‌احتکام آن نه تنها در زمینه‌های که مستقیماً "مورد حمله" چاق‌داری قرار می‌گیرد، بلکه در بسیاری زمینه‌های دیگر، و حتی در میان بعضی محافل که خود نیز از سال‌ها قبل سرخست این پدیده‌اند، حس می‌شود. بعبارت دیگر، چاق‌داری بدلیل حضور دائمی خود، از حالت یک شیوه "عادی" و "بدوی" سرگوب فراتر رفته و کم‌کم بصورت یک "اسلوب" خاص مقابله و "مجادله" سیاسی در آمده است که این بدون شک خودترین و اغلب‌ترین پیام‌تداوم چاق‌داری است. و آیا همین که یک شیوه "بدوی" بخود بدی (فریبگی) که کم‌کم بصورت یک ژانده "فرهنگ سیاسی" در آمده باشد، برای گردانندگان دست‌های چاق‌داری کافی نیست تا آن را بخود آورد؟

اما مهم‌ترین مسأله مربوط به چاق‌داری، که مستقیماً به سوزان، و بویژه به ارگان‌های قضایی و

انتظامی مربوط می‌شود این است که چرا با این پدیده مقابله نمی‌شود؟ حتی اگر این فرض محال را بپذیریم که چاق‌داری پدیده‌ای تازه از افراسیود، و ویروسی است که تازه نبرد چند فرد "آلوده" دیده شده‌است، و حتی اگر این ارقام را بکنیم که از سوزان قضایی و انتظامی درباره "دلایل عدم مبارزه با این پدیده" در گذشته، و در نتیجه تسهیل روند گسترش و افزایش آن، باز خواست کنیم، اکنون این سؤال مطرح است که با وجود اذعان همه سوزان بوجود این پدیده، چرا با آن مقابله نمی‌شود و عوامل آن، که برضی عدل کوچکی هستند، سرگوب نمی‌شوند؟

ساله این است که شیوه برخورد سوزان با پدیده "چاق‌داری" شامه‌تباری یا "سوحه" ارکان، اینس پدیده از سوی آنان دارد. در حالیکه خود پدیده بصورتی گنگ و ناشناخته مطرح می‌شود، درباره اینکه چگلی سوزان پیدایش یا گسترش آن است، و چه کسی، چگونه باید با آن مقابله کند نیز یک چنین شیوه‌ای مشاهده می‌شود. آنچه دیده و شنیده می‌شود بیشتر شکوه و شتاب‌ناکی و چاق‌داری است، و تاکنون هیچ اقدام عملی در مقابله با چاق‌داری دیده یا اعلام نشده‌است. و این، مانع به اشتباه عملکرد چاق‌داران و گسترده‌تری امکانات دست‌های قضایی و انتظامی، پس‌تجسس جلوه می‌کند. بسیاری ساده بگویم: در حالیکه جرمش "شخصی" و "مخفی" چون سرچاق‌داری و اختیاب... بصورت وسعت کشف و مورد توجه قرار می‌گیرد این سؤال مطرح است که چرا جرم "اجتماعی" بزرگی چون چاق‌داری، که غالباً در برابر چشمان عدل کثیری ارتکاب می‌شود و اغلب چاق‌داران در حوزه عملیات خود شناخته شده و با سابقه هستند، هنوز با مقابله سوزان مواجه نشده است؟ آیا تنها یکی از دلایل این رفع حیرت‌آور رانندگی در این واقعیت جستجو گردید که بسیاری از سوزان با برخورد گنگ و سوزان موازنه خود با چاق‌داران، که گاه حتی بعنوان "مردم" ارکان یاد می‌شود، خواسته یا ناخواسته کراهت چاق‌داری بعنوان یک "جرم" اجتماعی را وارد کرده و با مطرح کردن آن بعنوان "اکسکلوزیویته" شیروشا، در برابر چاق‌داران، به آن حاکمیت و وضویت داده‌اند؟ آیا می‌توان این واقعیت بسیار تلخ را نپذیرفت که بدلیل عدم مقابله دست‌های قضایی و انتظامی، سال‌ها چاق‌داری که نه تنها در بعد سیاسی، بلکه حتی در زمینه حقوق جزایی نیز کاملاً قابل تشخیص و نسبتاً آسان محمول مانده که کم‌کم بصورت یکی از اجزای تشکیل دهنده "محیط سیاسی کشور" در آمده حضور خود را بر آن محمول کرده، و همانگونه که گنیم تا کامل تا صف تا ملت‌نوا را در "فرهنگ سیاسی" کشور را باقی‌مانده است؟

سرچاق، چاق‌داری و سوحه برخورد سوزان به آن، سال‌ها دیگر را نیز مطرح می‌کند که بخور غیر مستقیم با آن رابطه دارد و تقریباً به همان اندازه هشدار بارگین است. در دو سال که گذشت، بسیاری از مردم به گونه‌های مختلفی به چاق‌داری و چاق‌داران اعتراض کردند و خواستار توجه سوزان به این پدیده و اعتراض آن به زندگی روزمره مردم شدند. بسیاری از خصمی‌ها و گروه‌های سیاسی اجتماعی نیز زمان به اعتراض‌گشوده و جرات این پدیده و اثر شوم آن بر زندگی و فعالیت‌های اجتماعی را گوشزد کردند. اما در تقریباً "همه موارد" این اعتراضی نه تنها با واکنش ساده سوزان مواجه نشد، بلکه معترضان خود بعنوان "تخالف" یا "عدم انطباق" طرد شدند. اکنون، با همه جای گیر شدن بحث سال‌ها چاق‌داری، و با طول وجود این پدیده "مدموم از سوی سوزان، خواست‌خواه این برخورد سوزان با افراد گروه‌های معترض، نه تنها درباره چاق‌داری که در مورد بسیاری مسائل دیگر، مورد سؤال قرار می‌گیرد. و با اذعان سوزان به اینکه چاق‌داری واقعاً "سال‌های آنتی‌جان" وحشی است که به گفته بعضی دولتمردان "حتی سوسا در جمهوری اسلامی را به خطر می‌آورد" باید زمان آن رسیده باشد که بسیاری دیگر از انتقادها که در گذشته، مانند اعتراض به چاق‌داری طرف‌ناشنیده گرفته شده بود، دوباره مورد بررسی قرار گیرد و فعالیت آنها به رسمیت‌شناخته شود. اکنون، و در شرایطی که ظاهراً همه در کراهت چاق‌داری اتفاق نظر دارند، و وقت آن است که این پدیده ریشه‌کن شود و گردانندگان واقعی آن به مردم شناسانده شوند.

زندانی

سیاسی

از 'ضد امنیتی' تا 'ضد انقلاب'



مسئله دستگیری افرادی جرم داشتن ارتکاب سیاسی و یا فعالیت‌های جری‌های سیاسی، اگر چه در آغاز به صورت زندانبندی تکرار کننده می‌گویی می‌دیدم اکنون واقعیتی زنده‌تر شده، و وجود زندانی سیاسی به صورت یکی از معضلات حاد اجتماعی که بارگین کننده روزی ناخوشایند در عرصه طلب آزادی است مطرح می‌شود. با توجه به رویدادهای که هم‌روزه در گوشه و کنار کشور با آن روبرو هستیم، باید دیگر کمتر جای تردید باقی بماند که بارگین زندانبندی به عنوان یکی از عمده‌ترین ابزارهای تحمید آزادی در جامعه تکرار گرفته شده‌اند.

بارگینت به روزها و ماه‌های قبل از قیام بهمن، وطن فریادهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را در گوشه‌هایمان زنده می‌کند. شعار "آزادی زندانی سیاسی" یکی از نخستین شعارهای بود که مردم در جریان شکل‌گیری راهپیمایی‌های قبل از قیام بر زبان می‌آوردند. فریادهای رسائی که آن‌روزها "آزادی زندانبانان سیاسی را طلب می‌کرد، با بهای حکومت‌سیند و سخت مملزاند، بزرگ زندانبانان رژیم دربرگرفته استانی‌هایی بود که بی‌شماره در صفوف اولیه پیگار برای آزادی سالیان سال زیر شکنجه‌ترین شکنجه‌ها، مقاومت می‌کردند، ولی فریادهای حق طلبانمان را برای آزادی، دسرساز سالیان سیاه استبداد، همواره بلند نگاه داشتند. و این‌ها همه سبب میشد که رژیم خوف آزادی زندانبانان سیاسی و حضور دوباره آنان را در صحنه مبارزات نودها، به وضوح احساس کند.

ولی سرچاق، درهای زندانبانان رژیم توسط مردم گشوده نمود زندانبانان سیاسی از فضا و زندانبانان سالیان اسارت رها شدند. پس از فروپوشن دیوارهای زندانبانان رژیم گذشته، همچنان صحبت از این بود که زندان اوین، یکی از خوف‌ترین و مجهزترین زندانبانان سیاسی جهان بود، از این پس بصورت نمایگاهی در خواهد آمد. یکی از ماحض‌نظران که خود نیز مدتی در زندان اوین محبوس بود است در مصاحبه‌ای گفته خبرگزاری پارس باقی در مورد آینده زندان اوین انجام داده بود، چنین پاسخ گفت: "از معنی از قسمتهای این زندان منسوب برای امور عادی استفاده کرد، لکن شکنجه‌گاهها و سلول‌های انفرادی آنرا باید به همین صورت حفظ کرد و مانند زندان باسئیل فرانسه در معرض تائاتی نمود. عموماً روز داد با مردم به چشم خود تجامع انجام شده را ببیند.

و اکنون که زمان جدایی از آن‌روزها نمی‌گذرد، بازتابها و گروه‌های سیاسی وجود زندانبانان سیاسی را بصورت یکی از عمده‌ترین مسائل اجتماعی مطرح می‌کند. ولی رئیس زندان اوین در مقام پاسخگویی به

چنین اظهار نظرهایی که به گفته او از سوی به‌القابل صورت می‌گیرد، در جواب یک مصاحبه مطبوعاتی رسماً اعلام کرد که "هیچکس بخاطر ارتکاب سیاسی مورد تعقیب و محاکمه قرار نمی‌گیرد" (کجهان ۶/۲۷)

رئیس زندان اوین در این مصاحبه صراحتاً گفت: "ما در بین زندانبان اوین، زندانی سیاسی نداریم، چراکه هیچکس بخاطر ارتکاب سیاسی و داشتن نظر فکری سیاسی مورد تعقیب و محاکمه قرار نمی‌گیرد. زندانبان اوین با قصد ای‌لای‌ی هستند یا محارب با خدا و یا باغی."

اعتصاب غذای زندانبانان سیاسی
گرچه وجود زندانی سیاسی از طرف بعضی مسئولان زندانبندی تکرار می‌شود، اما از گفته بسیاری از مسئولان و توجه به معیارهای قانونی و رعایت به تعاریف و تعصبات حقوقی از زندانی سیاسی، چنین بر می‌آید که در حال حاضر خود قابل توجهی از کاسینکه در گوشه و کنار کشور زندانی هستند، به جرم داشتن فعالیت و کارهای خاص سیاسی و نتایج آن بعنوان "زندانی سیاسی" در بازداشت سبری برند. اخیراً گروهی از این زندانبانان طی بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه زندانبانان سیاسی (عد امپریالیست - ضد ارتجاع)" که از زندان اوین منتشر گردانند خواست‌های خود را چنین بازگو کردند:

در شرایطی که دوباره زندانبانان کشور از زندانبانان سیاسی امتیاز شده دستگیر و تعقیب و آزار انقلابیون از سرگرفته شده است. مبار دیگر فرزندان استر شا از زندان اوین عداای اعتراضی خود را علیه جو فشار حاکم به گویی شما می‌رساند. ما بارها خواست‌های برحق خود را با مقامات زندان مطرح نمود و طی نامه‌ای به تاریخ ۵۹/۹/۲۳ توسط دفتر زندان به اطلاع دادستان تهران، رئیس دیوان عالی کشور، شورای عالی قضایی، دفتر امام، دفترهای رئیس جمهوری و دادستان‌کل کشور رسانده‌ایم که تاکنون بی جواب مانده است. بنابراین از امروز به نشانه "دبلا" به آن اشاره خواهد شد. دست به اعتصاب غذای رژیم:

۱- تشکیل بند مستقل زندانبانان سیاسی - ما خواهان جدا شدن از عوامل ساواک و مزدوران رژیم منور پهلوی می‌باشیم. بزرگه با یکجا به بند کشیدن زندانبانان سیاسی در کنار آنها نخواهد وجود زندانبانان سیاسی را انکار کنید و موجب شکنجه روحی زندانبانان سیاسی نمود.

۲- رسیدگی هرچه سریعتر به پرونده‌های زندانبانان سیاسی و رفع بی‌تعللی عدالتگری از آنان و نیز تجدید



گذشته در احکام زندانیان که بدون حضور دو دادگاه به حمله‌های طول‌المدت محکوم شده‌اند. میان ما هستند کسانی که مأموران انتظامی رسیده‌اند و بدون داشتن مجوز بلا تکلیف در زندان می‌برند. و این درحالی است که عناصر سربریده رژیم سابق در مدت کوتاهی کارشان رسیدگی شده و آزاد می‌شوند.

۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن - تضمینی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شود به مراتب شدیدتر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته می‌شود. اخیراً تعدادی از آنان را به سمت اعتراضی به وضع موجود، بعد از ضرب و شتم و اذیت، به زندان قصر تبعید کرده‌اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و قطع هرگونه رفتار غیر انسانی با زنان می‌باشیم.

۴ - آزادی ورود کتاب و راه‌پیمایی درون زندان و استرداد کلیه کتابها و راه‌پیمایی که توسط مسئولین زندان، توقیف شده است، نه تنها کامیابانه است، خانواده‌ها برایشان می‌فرستند بدست ما نمی‌رسد. بلکه اخیراً تعداد زیادی از کتابهای ما طی پورتی که به بندها آورده‌اند، توقیف گردیده است.

بنا به اظهار یکی از اعضای برجسته جمعیت حقوقدانان، بکار گرفتن واژه "ضد انقلاب" در مورد زندانیان سیاسی دقیقاً جاگزین اصطلاح "زندانیان ضد امنیت" است که در گذشته بکار گرفته می‌شد. رژیم قبلی برای گریز از مطرح شدن پرونده متهمان سیاسی در محاکم دادگستری، جرمهای این قبیل متهمان را جرائمی ضد امنیتی تسمیه می‌کرد تا بدینوسیله رسیدگی به پرونده متهمان سیاسی را بدادگاههای نظامی بکشاند. زیرا که رسیدگی به جرائم ضد امنیتی در صلاحیت دادگاههای نظامی بود. شرایط خاص زندانیان نظامی که زندانی سیاسی را از زندانیان حقوق بشری محروم می‌ساخت، عواقب ناگوار برای زندانیان سیاسی بدنام داشت. حتی در آن هنگام شدیدتر و گریز از مطرح شدن متهم سیاسی، در یکی از دادگاههای نظامی، به هنگام دفاع از آن بزرگوار خود، خطاب به رئیس دادگاه گفته بود که: " برای کسی که علیه رژیم شاهنشاهی قدیمی برادر برگ است. !!!"

مراحل رسیدگی به جرائم سیاسی

بهرادریم، لازم است که شواهدی کلی و مختصر از جرم سیاسی و ترمیم‌چین سیاسی در دست داشته باشیم. جامع ترین تعریفی که تاکنون از طرف عللای حقوق از جرم سیاسی و جرمین سیاسی عنوان شده است می‌گوید: جرم سیاسی جرمی است که علیه تشکلات و یا طرز اداره یک حکومت ارتکاب می‌شود. زندانیان سیاسی کسانی هستند که در ارتباط با مسائل سیاسی مربوط به جزای شخصی، یعنی در نظام مملکت‌ها یا مسائل عمومی و در نهایت در نظام مملکتی با نظم عمومی جاری در کشور، مرتکب جرم شده‌اند. جرم سیاسی، جنبه عمومی دارد و نه جنبه خصوصی، مهم‌ترین فرق جرم سیاسی و جرم عادی اینست که جرم سیاسی منبأی انتقامی داشته و مجال آنکه در جرائم عادی از قبیل قتل و سرقت و... مالی عقیدتی انگیزه ارتکاب جرم نیستند.

گذشته در یکی از گزارشات خود درباره وضعیت زندانیان سیاسی رژیم کمونیستی گفته است: " با تکراری و تلافی بسیار به اطلاع مردم سایر ایران می‌رسانیم که اطلاعات و یافته‌های ما حکایت از این دارد که هم اکنون زندانیان سرتاسر ایران، در زندان، احوال، خرمشهر (مقر پاسداران)، آمان، سنندج، همدان، سقز، باگان بانه، دیوان آباد کرمانشاه، همدان، یادگان مهاباد (مقر پاسداران)، زندان اوین زندان قصر... بر است از زبان و مردان آزاده‌ای که به اتهام وابستگی به سازمانهای سیاسی، بخش اعلامیه و نشریه و یا فعالیت در جهت احقاق حقوق خلقها و یا شرکت در تظاهرات و مشارکت در فعالیت‌های دانشجویی و کارگری بازداشت شده‌اند... از میان زندگانی که به اتهامهای سیاسی و به علت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دستگیر شده‌اند صد وسی فخران در زندانهای تیرباران شهید شده‌اند... این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران در دادگاههای مخفی، بدون حضور هیات منصفه، بدون برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع، بدون روی پرونده انجمنی پیش از تشکیل باصلاح دادگاه، اوردن جسد و زندگانه در محاکم دادگاه به مرگ محکوم و تیرباران شده‌اند... بسیاری از موارد، تعداد شرکت کنندگان در دادگاههای که به تیرباران انجامید، دو تن بوده‌اند: حاکم شرع و متهم. در مواردی تفهیم اتهام و بازجویی اولیه در همان دادگاهی که متهم را به اعدام محکوم کرده‌اند صورت داد. بعنوان نمونه در دستگیری‌های سیاسی عنوان کرد. پس از آن دستگیری‌هایی به هنگام صلاح افراد وابسته به سازمانهای سیاسی صورت گرفت و بعدها این قبیل بازداشت‌ها به هنگام برگزاری مینتگها و راه پیمایی‌های سازمان‌های سیاسی بود. گسترده‌ترین پیدا کرد. ما دانشجویان فعال برگزار می‌کنیم هر یک از این مراسم با اعتراض دهها نفر به جرم شرکت در مینتگها و راه پیمایی‌ها دستگیری می‌شدند. سرسر صودی تعداد دستگیر شدگان سیاسی به اتهام وابستگی و یا هواداری از یک جریان خاص سیاسی هم زبان با اعتراضات و اعلام شدن تشریحات گریه‌ها و آزارهای فعال سیاسی بصورت برآمده‌ای منظم و سیستماتیک از طرف کمیته‌ها در اجرا می‌شد. و حال اینکه گسترش بازداشت‌های سیاسی زیاد شدن آخرین گروه از زندانیان سیاسی رژیم پیشین می‌گردد. یعنی در شرایطی که عمده‌ترین فعالیت‌های پلیسی رژیم می‌باشند صرف دستگیری و سرکوبی عوامل رژیم گذشته می‌شد. منوجه سازمان‌های سیاسی و اعضا و هواداران آن گردید.

ضد امنیتی، ضد انقلاب

یکی از عواقبی که دست مسئولین دادگاههای انقلاب را در محکومیت متهمان سیاسی آزرگذاشته، بکارگرفتن لفظ "ضد انقلاب" در مورد این متهمین است. اطلاق "ضد انقلاب" به زندانیان سیاسی تاکنون مانع از آن شده است که افرادی که به جرم وابستگی‌های سیاسی دستگیر و زندانی می‌شوند، مطابق قانون در دادگاههای دادگستری محاکمه شوند. با باور نامی احکام محکومیت زندانیان سیاسی از ناحیه دادگاههای انقلاب صادر شده است و حال آنکه فلسفه وجودی دادگاههای انقلاب، در آغاز پیروزی قیام، بر اساسی حاکم و به کفیر رساندن

نظر در احکام زندانیان که بدون حضور دو دادگاه به حمله‌های طول‌المدت محکوم شده‌اند. میان ما هستند کسانی که مأموران انتظامی رسیده‌اند و بدون داشتن مجوز بلا تکلیف در زندان می‌برند. و این درحالی است که عناصر سربریده رژیم سابق در مدت کوتاهی کارشان رسیدگی شده و آزاد می‌شوند.

۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن - تضمینی که در مورد زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شود به مراتب شدیدتر از اعمال فشارهایی است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته می‌شود. اخیراً تعدادی از آنان را به سمت اعتراضی به وضع موجود، بعد از ضرب و شتم و اذیت، به زندان قصر تبعید کرده‌اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان و قطع هرگونه رفتار غیر انسانی با زنان می‌باشیم.

۴ - آزادی ورود کتاب و راه‌پیمایی درون زندان و استرداد کلیه کتابها و راه‌پیمایی که توسط مسئولین زندان، توقیف شده است، نه تنها کامیابانه است، خانواده‌ها برایشان می‌فرستند بدست ما نمی‌رسد. بلکه اخیراً تعداد زیادی از کتابهای ما طی پورتی که به بندها آورده‌اند، توقیف گردیده است.

اگر درصدد ارائه زمان و تاریخ دقیقی در زمینه بازداشت‌های سیاسی در رژیم کمونیستی باشیم، شاید بتوان دستگیری‌های اولیه را که در جریان حمله به ستاد یکی از سازمانهای سیاسی در دانشگاه تهران رخ داد، بعنوان نمونه در دستگیری‌های سیاسی عنوان کرد. پس از آن دستگیری‌هایی به هنگام صلاح افراد وابسته به سازمانهای سیاسی صورت گرفت و بعدها این قبیل بازداشت‌ها به هنگام برگزاری مینتگها و راه پیمایی‌های سازمان‌های سیاسی بود. گسترده‌ترین پیدا کرد. ما دانشجویان فعال برگزار می‌کنیم هر یک از این مراسم با اعتراض دهها نفر به جرم شرکت در مینتگها و راه پیمایی‌ها دستگیری می‌شدند. سرسر صودی تعداد دستگیر شدگان سیاسی به اتهام وابستگی و یا هواداری از یک جریان خاص سیاسی هم زبان با اعتراضات و اعلام شدن تشریحات گریه‌ها و آزارهای فعال سیاسی بصورت برآمده‌ای منظم و سیستماتیک از طرف کمیته‌ها در اجرا می‌شد. و حال اینکه گسترش بازداشت‌های سیاسی زیاد شدن آخرین گروه از زندانیان سیاسی رژیم پیشین می‌گردد. یعنی در شرایطی که عمده‌ترین فعالیت‌های پلیسی رژیم می‌باشند صرف دستگیری و سرکوبی عوامل رژیم گذشته می‌شد. منوجه سازمان‌های سیاسی و اعضا و هواداران آن گردید.

دولت جدید نیز تلاش میکند به بهانه "طاعونی بودن سود ویز"، این قانون را درحضرتمزد لغو کند. در مقامی که از طرف چند کارگر به "پیروزی" رسیده است، ضمن تأکید بر ضرورت اجرای سودویزه و گرفتن حقوق پیمانال شده کارگران، مفاهیسه گوناگونی در مورد جنبه‌های مادی و معنوی این قانون، در نظام گذشته و حال صورت گرفته است. متن این نامه چنین است:

کارگران ایران در جمع نوددهای رخصتی و شوقهای مستندیده ایران و هواره بافندهای تاریخی از یک نوبت و آزماهی، برای سرنگونی رژیم سرسوزیده بهیول و محو قوانین ظالمانه و مستقرانه امپریالیستی به نهایت جفاشنای و فداکاری گردیده. آنها با اعتمادیاب و بیخ کارگاهها و کارخانجات را منوطف ساختند، از تولید و صورتی نقت خودداری و یمانعت عمل آوردند تا ناصت استراکاران طبع شود. کارگران درظاهرات میهنی که خودبختی بزرگی از آنها را تشکیل میدادند، فعالانه شرکت کردند و تزیان ختم آلود و زریانی برگ بر شاه و برگ بر امپریالیسم را سردادند تا سونهای کاج خم را به لیزه درآورند. آنها در برخوردی خبیانانیه برابر گلشنهای محافظین رژیم سودویزه ایستی حاکم و با بدست گرفتن سلاح، هرا مبادکرمزبان را خنککن، قوی ختم را برانو درآوردند.

نواز کارگران این بود که ستمزبانان را شترانوار شوند، قوانین ظالمانه خصوما قانون کار امپریالیستی نابود کرد و قوانین جدید بر پایه نفی استعمار ظالمانه بنا کردند. کارگران دویس و صوبت بود. با ایجاد شورهای و تزیون و برای طوفانهای آزادیی اجباری در نظام تولید و حالت مستقیم و امنی شدند. از سونهای سودگارانها با خودبختی و بدست آنها قوتی افشای بدست آمده جدید تولید و منوطف خودکفائی و فطری و باستی صرف نمودند. این مبارزات برای آن بود که اهرام جامعه که اکثریت آنان کارگران و دهقانان روستاها و روستاها هستند، از بیزکت و درازی و دیگر عداوت باهائی استفاده کنند. اعدا رقیب و میوان جنبش کارگران را چه واکنشی زوربندند؟

اولین قدم برای کارگران تصمیمی بود که شورای انقلاب گرفت و روزیکارگران را به مبارزه برای کارگران دانست: "در بیان طاعونی برای اینکه کارگران را مسائل کارخانه و غیره سودزبانان آسودنیک سودان را تعیین کنند. درحالیکه درمی کارگاهها سودویزه عیبی نیست از آن مقدار بود که به کارگران میدادند." (کتابان ۲۷) (۵۹)

به گفتنویز کار، خیزبان طاعونی برای جلوگیری از دخالت کارگران در امور کارخانه‌های غیر تک‌اداشتن آنان از میوان واقعی سودهای کلانی که از دسترس نظام فیرسانی آنان بدست می‌آید، یک نوع با تاریمت‌های سودویزه تعیین گردید و این قانون توسط شورای انقلاب ملغی اعلام گردید.

حال سیمیم چه قانونی بجای سودویزه امپریالیستی که ملغی تا بنی را تعیین کرده بود و مانع از سردار کردن کارگران از مسائل کاروسود غیره میشد تدوین شده و آیا این قانون سبب می‌شود تا کارگران بتوانند از میزان سود و زیان و بطور کلی از سربوشتی که بر محیط کارخان حکمفرمایست، سردیاری کرد؟

در مصوبه شورای انقلاب آمده است: "کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون ملغی شده مذکور تکلفند برای جبران عواید کارگران خود کلا از باقی حوالسهم ناشی از اجرای قانون مذکور و نیز عیدی و پاداشی سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد، برای ۱۲ ماکار در سال بیزکت از کارگران خود پرداخت نمایند که این ۶۰ روز حقوق نباید از ۸۵۰ تومان تجاوز کند."

مشولان در حالیکه از نظر مشارکت ندان کارگران را در محاسبات آنان در حسابهای کارخانهها به سود ویژه دوران طاعونی اشتباه میکنند و در حالیکه بدینال این اشتباه طولانی است که: کارگران این حق پاریس نمیدهند، طولانی است که: در این زمینه انجام ندادند. درجای این مصوبه شورای انقلاب ملغی ثابت رانه بفع کارگران تغییر داده اند و به آنها اجازه و امکان داده شده تا از امور کارخانه و سودوزان محیط کارخان سردیاری کنند؟ علاوه بر این، قانون جدید، کارگران را از جهت "ترتیب" هم‌مالها به عقب برداشت، زیرا اگر بر سونای ملغی شده کارگران تا حدود ۱۵۴ ماه سودویزه و عیدی دریافت میکردند که مبلغ متوسط کار بزمای ۳۵۰ تومان حساب کنیم مبلغ کل ۴ یا ۵ ماه سود ویژه همان کارگر در سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۱ هزار تومان میشود. در صورتیکه با قانون جدید دریافتی آن کارگر بیش از هفت هزار تومان میشود که حتی اگر این مبلغ بر سونای ۱۵۴ سودویزه در اول سال نصوب این قانون یعنی در سال ۱۳۴۲ (۱۸ سال قبل) بوسی مشاهده خواهد شد که کل مبلغ کم‌بیشتر از ۸۵۰ تومان امروز دارای ارزش بود است. برای مثال در سال ۱۳۴۲، اگر کارگران می‌توانستند از مجموع مبلغ سود ویژه خود یک فرس دست با بخردند و سونای اراتانی خالی شان را فرس کنند، برای خرید همان تولیدات امروز مجموع چندماه حقوق سودویزه عیدی خود را بردارند، در سال ۱۳۴۲ قسمت یک تخم مرغ آریال، یک کیلو پیوسته

۷۰ ریال و گوشت یک کیلو ۱۰۰ ریال بود. ولی امروز یک تخم مرغ ۱۲، یک کیلو پیوسته ۳۰۰ کیلو گوشت ۴۰۰ (۴۰۰ ریال) و آن از میوان واقعی سودهای کلانی که از دسترس نظام فیرسانی آنان بدست می‌آید، یک نوع با تاریمت‌های سودویزه تعیین گردید و این قانون توسط شورای انقلاب ملغی اعلام گردید.

حال سیمیم چه قانونی بجای سودویزه امپریالیستی که ملغی تا بنی را تعیین کرده بود و مانع از سردار کردن کارگران از مسائل کاروسود غیره میشد تدوین شده و آیا این قانون سبب می‌شود تا کارگران بتوانند از میزان سود و زیان و بطور کلی از سربوشتی که بر محیط کارخان حکمفرمایست، سردیاری کرد؟

در مصوبه شورای انقلاب آمده است: "کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون ملغی شده مذکور تکلفند برای جبران عواید کارگران خود کلا از باقی حوالسهم ناشی از اجرای قانون مذکور و نیز عیدی و پاداشی سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد، برای ۱۲ ماکار در سال بیزکت از کارگران خود پرداخت نمایند که این ۶۰ روز حقوق نباید از ۸۵۰ تومان تجاوز کند."

مشولان در حالیکه از نظر مشارکت ندان کارگران را در محاسبات آنان در حسابهای کارخانهها به سود ویژه دوران طاعونی اشتباه میکنند و در حالیکه بدینال این اشتباه طولانی است که: کارگران این حق پاریس نمیدهند، طولانی است که: در این زمینه انجام ندادند. درجای این مصوبه شورای انقلاب ملغی ثابت رانه بفع کارگران تغییر داده اند و به آنها اجازه و امکان داده شده تا از امور کارخانه و سودوزان محیط کارخان سردیاری کنند؟ علاوه بر این، قانون جدید، کارگران را از جهت "ترتیب" هم‌مالها به عقب برداشت، زیرا اگر بر سونای ملغی شده کارگران تا حدود ۱۵۴ ماه سودویزه و عیدی دریافت میکردند که مبلغ متوسط کار بزمای ۳۵۰ تومان حساب کنیم مبلغ کل ۴ یا ۵ ماه سود ویژه همان کارگر در سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۱ هزار تومان میشود. در صورتیکه با قانون جدید دریافتی آن کارگر بیش از هفت هزار تومان میشود که حتی اگر این مبلغ بر سونای ۱۵۴ سودویزه در اول سال نصوب این قانون یعنی در سال ۱۳۴۲ (۱۸ سال قبل) بوسی مشاهده خواهد شد که کل مبلغ کم‌بیشتر از ۸۵۰ تومان امروز دارای ارزش بود است. برای مثال در سال ۱۳۴۲، اگر کارگران می‌توانستند از مجموع مبلغ سود ویژه خود یک فرس دست با بخردند و سونای اراتانی خالی شان را فرس کنند، برای خرید همان تولیدات امروز مجموع چندماه حقوق سودویزه عیدی خود را بردارند، در سال ۱۳۴۲ قسمت یک تخم مرغ آریال، یک کیلو پیوسته

۷۰ ریال و گوشت یک کیلو ۱۰۰ ریال بود. ولی امروز یک تخم مرغ ۱۲، یک کیلو پیوسته ۳۰۰ کیلو گوشت ۴۰۰ (۴۰۰ ریال) و آن از میوان واقعی سودهای کلانی که از دسترس نظام فیرسانی آنان بدست می‌آید، یک نوع با تاریمت‌های سودویزه تعیین گردید و این قانون توسط شورای انقلاب ملغی اعلام گردید.

کارگران شاغل در کارگاههای تولیدی و صنعتی که سود ویژه دریافت نمی‌کردند یا کمبود درآمد می‌داشتند نسبت به افزایش هزینه زندگی بی‌رویه بودند. این کارگران برای تأمین مخارج زندگی و کمبود دستمزد خود در مقابل هزینه زندگی که هر روز بالا می‌رفت دست به مبارزه زدند و با مبارزات پیگیر خود توانستند کارفرمایان را وادار به پرداخت سودویزه کنند. از جمله این گروه کارگران چایخانه بودند که پس از زغال مبارزه، در سال ۱۳۴۷ توانستند "وزارت کار" را وادار به قبول اجرای قانون در چایخانه‌ها کند. بنام این مبارزات تا پایان عصر رژیم گذشته تعداد کارگران مشمول قانون سیمیم کردن کارگران در سود کارگاهها به حدود سیمیم میلیون نفر می‌رسید. تعداد کمتری از کارگران را ماهی، شرکت واحد، آسوپوق، دوپاهای ساختمانی سود ویژه دریافت نمی‌کردند. به هرصورت، همه کارگران در یک وضعیت قرار داشتند. آنهم کسری دستمزد و کمبود درآمد در مقابل گرانای کالا و در نتیجه گران شدن در مصرف و پلاکت. در این صورت دیدیم که با حمله کارگاههای صاحب سرمایه و به پشتیبانی نیروهای محافظه‌گرایان برای تولید بیشتر بر سر کارگاهها شدت بردند. متن اینکه سودویزه، جزئی از دستمزد و در نتیجه مبلغ دستمزد پرداختی به آنان قرار گرفته بود. حسب دخالت کارگران در تعیین مقدار سودی که صاحب کارخان می‌توانستند با تولیدی سوده بردند تا یک سمسار صورت می‌گرفت تا تقابلیت سوده شود و رژیم سلسل صرفا می‌خواست که کارگران هم از این طرفی معیان نیابند. اگر کاهی فردا کوهی از کارخان با این سلسله می‌توانستند تا از طریق می‌توانستند با جانی زیروگان حاکم مبارزه و غیره مواجه و سرکوب می‌شدند.

سروشست سودویزه به بعد از بهمن ۵۷
پس از اتمام کارخان خواهان اجرای کامل قانون سیمیم کردن کارگران در سودویزه کارخانهها یا یکسره به همه ترفیق آن یعنی مشارکت واقعی در سود کارخانهها شدند. کارگران می‌خواستند در جهت امپریالیستی این قانون بدو انگیزه خود را با جویانی در جهت منافع کارگران که به گفته وزیر کار "از روی غلبه هستند و این استعمار مال‌الیهات و کارگران همه مخالف استعمار هستند. . . (کتابان ۲۷) می‌توانند. از اجزای کارگران تعداد انقلاب جهنم ایجاد گروها را تجدید کوشش می‌کردند تا از این طریق بتوانند درام تولید و سیمیم بهتر بیشتر برآیند و با شدت و حدت در محاسبات کارخانه از سودویزان و با سیمیمزبانان به آنچه به خاطر انقلاب کردند به گفته وزیر، به خواست‌های انقلاب خودشان جاه عمل می‌توانستند. دخالت و سردار کردن از سودویزان کارخانه برای

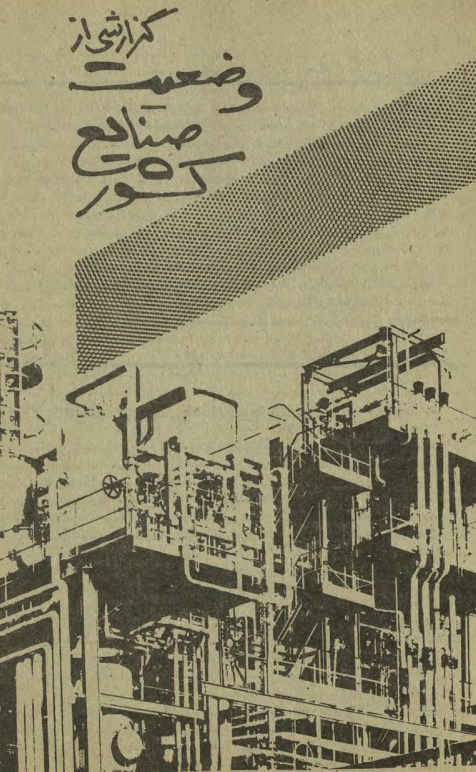
وزیر کار سوز که حسن بیزکت داشته باشد چرا که مقدار زیادی نگرانی‌ها را نیز در مورد درگیری‌های کارگر و کارفرما تحسین می‌دهد. وزیر کار گفت: "بندار انقلاب با دچار ناسامانی شدید. سپس محاوره اعتراضی پیش آمد و جنگ تحمیلی. همه اینها باعث زدودن رژیم از کارگاهها شد. کارگران می‌توانند که سودویزه را بخوابانند در حالی که خود آنها به نیک می‌دانند که کارگاه آنها به فقط سودی ندارد بلکه در برخی جاها زیان هم دارد." (کتابان ۲۷) (۵۹)

آیا واقعا این زیان دادن کارگاهها باعث شده است که کارگران اجازه دست‌یابی به حسابهای کارخانهها بر رویاروی؟ اگر کارگاهها را با فیرا می‌دهند، چیزی از بدخاله و مشارکت کارگران در حساب کتاب کارخانه وجود ندارد؟ و بفرقی مشارکت کارگران در امر حسابها خود آنان مشاهده کنند که کارگاه محیط فعالیت آنان زیان میدهد آیا باهم در گرفتن سود ویژه اصرار خواهند کرد؟ و در ایصورت آیا خیال وزیر کار آسوده نخواهد شد؟

دروغ کارگران این "مازوان انقلاب" که اهرم بقدرت رسیدن دولت جدید بودند، پس از اتمام بهمن ۵۷ از دخالت در امور سیاسی - اقتصادی دورنگین شدند و در عاخنه‌های ترس‌ناکه منقعه سخن قرار گرفتند. دولت در حال حاضر نتواند دادن درخوشی تولید آمده به کارگران بسنده میکند. امروز کارگران به صبر و تحمل دعوت میشوند. کارگران در مقابل این دعوت، را مایل مشکلات را سبب می‌نمایند که تا نام وجود درستی این را احسان میکنند. شان می‌دهند. طبیعی است که لغو قوانینی همچون سودویزه، بدست شورای انقلاب و بدون مشورت و نظرخواهی از کارگران، اعتراضی کارگران منتهال دانستند.

کارگران محروم‌های گوناگون خواست‌های اقتصادی و سیاسی خود را به کوشش مشولان رسانند. در میانه کارگران صنعت چاپ در زمینه اول بردار سال جاری (کتابان ۲۷) مرداد ۵۹) خواستار اجرای حقوق پیمانال شده خود شدند و لغو سودویزه را یک اقدام ضدکارگری به حساب آوردند. اما با وجود تمام این اعتراضات قانون سیمیم کردن کارگران در سود کارخانه‌های تولیدی منتهال مشولان قرار گرفت و آنرا لغو کردند.

روایت عمومی وزارت کار و امور اقتصادی با آن بود که: "کلیه قوانین مربوط به تعیین منافع کارگران در صنایع کارگاههای صنعتی و تولیدی که قبل از تاریخ ۲۲/۴/۵۹ تصویب شده است، کارکنان بنگل می‌توانند در محاسبات سمسار کلاهیسه قانونی صورت گیرد. ۲۲/۴/۵۹ شورای انقلاب به قوت قطعی خوددانی



حدود ۱۳ درصد و نسبت ناخالص صنعتی ۲۴ درصد کل اشتغال بود. در این زمان جمع ناخالص صنعتی کشور به حدود ۲۵ میلیون نفر رسیده بود.

سهم عالی کار (حقوق و دستمزد کارگران) از کل ارزش افزوده صنایع کشور ۳۲ درصد و بقیه آن یعنی حدود ۶۸ درصد حاصل تولید صنعتی عاید عامل سرمایه (بهره ، سود ، اجاره) می‌گردد. به عبارت دیگر بیش از دویست و یکم تولیدکنندگان مستقیم صنعتی به حیط صاحبان صنایع می‌رفت که از جمله درمورد حقوق و دستمزد باید نابرابری عمیق حقوقی مدیران و کارمندان با کارگران به حساب آید.

پیش از ۵۶ درصد واردات سالانه کشور ، مواد اولیه کارخانه های مونتاژ و واسطه ها و ماشین آلات صنعتی مورد نیاز بخش صنایع کشور بود و این به خوبی نشان دهنده وابستگی عمیق صنایع کشور به ماشین آلات خارجی (۱۷/۵ درصد کل واردات کشور) و مواد اولیه و واسطه صنعتی خارجی (۳۹ درصد کل واردات کشور) بود . موجبات برآورد های تقریبی بعمل آمده ، موجودی سرمایه در بخش صنایع کشور (صنایع غیر نفتی) در پایان سال ۱۳۵۷ به طور خالص حدود ۱۸۰۰ میلیارد ریال بوده است که حدود ۶۰ درصد آن در تنگ بخش خصوصی و بقیه به دولت تعلق داشته است.

سهم بخش خصوصی در سرمایه گذاری های صنعتی سالانه ، پیش از انقلاب به طور متوسط ۳۰ درصد و سهم بخش خصوصی به طور متوسط ۷۰ درصد بود (از این مقدار ۲۷ درصد آن محل منابع بانکهای تخصصی صنعتی ، ۴۰ درصد از محل منابع بخش خصوصی از طریق بانکها و حدود ۳ درصد از منابع بازار و غیرنظامی تهیه می‌گردد).

سیاست صنعتی کردن « معکوس »

بطور کلی سیاست « صنعتی کردن » ایران در رژیم گذشته بر اساس روش صنعتی شدن « معکوس » اجرا می شد ، در این روش برخلاف روش مستقیم کردن تولیدات صنعتی از کالاهای سرمایه ای شروع و پس از گذراندن مرحله تولیدی کالاهای واسطه به تولید کالاهای نهایی و مصرفی منتهی می‌گردد . همچون همه کشورهای زیر تسلط امپریالیسم به احداث صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی بی‌دوام و سپس کالاهای مصرفی با دوام با انگه « تکنولوژی ماشین آلات ، تخصص ، مواد اولیه و واسطه و حتی مدیریت و نیروی انسانی خارجی اولویت داده می‌شود .

موجبات این شیوه تولیدات کالاهای مصرفی تا حدود زیادی جاکرین کالاهای گردیده که از خارج وارد می‌شد . جاکرین واردات درمورد کالاهای مصرفی بادوام از قبیل اتومبیل ، موتورسنگت ، یخچال ، کولر ، تلویزیون ، رادیو و غیره به میزان قابل توجهی انجام گرفت به طوری که در برخی صنایع کشور این کالاهای امکان پذیر گردید . در سالهای دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰ که رژیم وابسته به یهود بیشتر درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را صرف واردات کالاهای مورد نیاز صنایع مونتاژی کرد و از این طریق سرمایه داری وابسته را بر تولیدات صنعتی و سرپرست بازار ۵۰ میلیون تومان اجاره حاکم کرده بود ، وزارت کشور سرمایه وابسته داخلی و همچنین خنجرهای سرمایه های اجاره ای خارجی که ایران را بازار مناسبی برای فروش ماشین آلات و کسب سرمایه های خوبی و هجوم عوامل خود به عنوان کارشناس و متخصص یافته بودند . سعی در ایجاد تعدادی صنایع اصلی و مادر کرد . بدینگونه در مقابل خرید ماشین آلات و تکنولوژی از کشورهای غربی برای احداث کارخانه دپو آهن اصفهان ، ماشین سازی آراک و ماشین سازی و تراکم سازی تبریز (از اروپای غربی) سعی در امر غرب به نامی گذشت و ماشین آلات و تکنولوژی و متخصصین غربی را برای واحدهای صنعتی بزرگی نظیر کوه شمسان تبریز ، مجتمع پتروشیمی رازی (تاهبوس - بندر امام خمینی) ، پتروشیمی آدهان ، فولاد سازی اهواز ، دپو شوش و شیراز ، پتروشیمی ایران نسوج ، پتروشیمی ایران - زاین ، فولاد سازی اهواز ، فولاد سازی بندر عباسی و غیره وارد ایران کرد . بیشتر این کارخانه ها به مرحله بهره برداری رسیدند ولی واحه ای است که همچون سایر صنایع دیگر نتوانستند مواد اولیه ، واسطه نطفه بدهی یا تکنولوژی و متخصص خارجی بوندند .

تضاد طبقاتی و دست و پا کردن چاره

در اثر کثرت نفوذ نظامهای داخلی ، رژیم اقدام بنحای برنامه های در جهت سرپوش گذاری بر این تضادها کرد . از جمله این برنامه ها « سهم کردن » کارگران در سود کارخانه ها و برنامه گسترش مالکیت واحدهای

۲۶ پیروزی



تولیدی بود که طبق برنامه اول ، صاحبان صنایع و بدون نظارت و حواسبری از سوی کارگران سود واحدهای تولیدی خود را اعلام می‌کردند و مقدار کمی از آن را به حساب سهم سود کارگران ، که هرگز بیش از معادل دویزه حقوق آنان را دربر نمی‌گرفت به کارگران پرداخت می‌کردند و پس از مدتی رابطه این سهم سود با سود کارخانه قطع شد و هر سال حدود دو یا سه حقوق اضافی به این عنوان به کارگران پرداخت می‌شد که در واقع تسلی از حقوق حقه کارگران را تحت عنوان حمرتی سهم سود به آنان پرداخت می‌کردند . در سال جاری بر اساس مصوبه شورای انقلاب این حق قانونی کارگران هم قطع شد و کارگران در چندین جا برای به دست آوردن آن به فعالیت‌های سیاسی دست زدند .

برنامه دیگری نیز تحت عنوان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی به منظور تقویت روحیه کارکنان اجرا گردید ، که در واقع وسیله ای برای افزایش سهام و دارایی های صاحبان سهام و سرمایه داران صنعتی به میزان چند برابر ارزش واقعی آنها و دریافت قسمت ۴۹ درصد ارزش ارزی شده سهام آنان از محل درآمد کارگران و بودجه عمومی کشور بود . ۱۲۵ واحد تولیدی حتماً مشمول این برنامه گردید و علاوه بر جمع شدن بقدری از سرمایه های راکد کوچک کارگران و کارمندان ، ۴۵ میلیارد ریال هم بابت سهام خرید شده کارگران توسط دولت در اختیار صاحبان صنایع قرار گرفت . برنامه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی که رژیم به پهلوی آن را به عنوان اولین ابتکار در نوع خود در تمام جهان معرفی می‌کرد چیزی نبود جز همان فریبی که بستگان استعمار در صنعتگران از اوایل قرن بیستم در کشورهای مختلف غربی به منظور فلج کاری از فنام کارگران اجرا کرده بودند . (اولین مورد عملی در سال ۱۹۱۶ در کلمبیا سوز - رویاک آمریکا اجرا شده بود) هر چند که فکراً در سال ۱۳۸۳ تکامل پیدا کرده بود (از این گذشته این حمله رژیم شاه دلایل زیاد دیگری نمودات که در این مقال نمی‌گنجد .

بازگشتن صحنه « صنعتی کردن » ایران طی دهه های تازه سال گذشته اصلاً همان عاونهاده هایی بودند که اصطلاحاً « هزار فامیل لقب گرفتند » . یماضه سرمایه داران چندین دار پات بازرگانی قدرت و از طریق واسطی ، دلالی ، و شومگی و ارشاد - حق العمل کاری ، زمین بازی و راههای غیرقانونی دیگر صاحب سرمایه شده بودند . مجموعاً در بخش خصوصی حدود چهارده هزار امیلی از این یکصد خانواده نبود . گردانندگان بخش دولتی نیز منحصر به حدود ۳۰ تا ۵۰ نفر بودند که سرخ اعتبارات دولتی ، بانکی و موسسات عمده صنعتی و اقتصادی ایران را در دست داشتند . این افراد گاه دولتی و وزیر ، مدیرعامل ، رئیس کارگ و غیره ظاهر می‌شدند و در ارتباط مستقیم با بازگشتن بخش خصوصی ایران بودند و گاه با مقام خود را با یک دیگر توجیه می‌کردند . عملکرد هر دو گروه « بورژوا - کمبودار » و « بورژوا - مملکت پرور » مکتل یکدیگر بود و طبعاً آنچه سهم صنایع شدن ایران توسط این دو گروه انجام گرفت به هیچ وجه در جهت استقلال اقتصادی ایران نبود ، بلکه تسلی صنعتی کردن « جود نترتازان تسلی از حلقه تولید در برنامه سرمایه اجاره ای غرب بود . آنچه به عنوان شرکت های تولیدی اشلاف مذکور در ایران با دسترین مردم حرم و روحیه ای که وجود آمد نظیر بخش دولتی سالانه حدود یکصد میلیارد ریال زبان به مزاحه کشور تحصیل می‌کرد و همچون هم این امر را به سرمایه ملت وارد می‌نمود .

در نتیجه ، بدینیه است که کوششهای احصارات جهانی برای « صدور سرمایه » ورشد دادن به صنایع مونتاژ و تولید کالاهای مصرفی و بعضی کالاهای سرمایه ای اولیه ، مانع از آن شده که همچنان از بسیاری لحاظ در مقابل زمینه های وابسته به خارج باشد و صنایع تولیدی کالاهای مصرفی مردم را تأمین نکند . گناهی به آن رژیم نیز که از بسیاری لحاظ تازه است و برای اولین بار منتشر می‌شود می‌تواند مثال گویایی برای شخص کردن وابستگی ما از هرحاظ به خارج باشد . این آثارها مربوط به تکامل پیش از انقلاب تا اول آگست ۱۳۵۷ است . و این وضعیت امروز نیز از بسیاری لحاظ تغییر نیافته است ، حتی درموردی ضمن بالا رفتن تقاضا (مصرف) تولید کاهش یافته است و کشور با مشکلات بیشتری مواجه است .

۲۷ پیروزی

ظرفیت تولید و تقاضای کشور

در مورد بهره ای از کالاهای صنعتی

کالا	ظرفیت تولید	تقاضا (مصرف)
روغن نباتی (هزار تن در سال)	۴۰۰	۵۰۰
روغن کنجد (هزار تن در سال)	۱۰۰۰	۵۰۰
کاغذ و مقوا (هزار تن در سال)	۴۰۰	۱۵۰
الیاف مصنوعی (هزار تن در سال)	۱۵۰	۵۰
لاستیک (هزار تن در سال)	۱۵۰	۸۰
روغن موتور (هزار تن در سال)	۵۰۰	۳۰۰
کودهای شیمیایی (هزار تن در سال)	۱۰۰۰	۲۵۰
شیشه (هزار تن در سال)	۲۵۰	۱۵۰
سیمان (میلیون تن در سال)	۱۲	۱
فولاد (میلیون تن در سال)	۱۰	۱۰
آلومینیوم (هزار تن در سال)	۱۸۰	۲۵
ماشین آلات صنعتی (هزار تن در سال)	۵۰۰	۹۰
اتومبیل (هزار دستگاه در سال)	۱۸۰	شخصی نیست
بی.وی.سی (هزار تن در سال)	۱۰۰	۶۰
نسبت بهره برداری از ظرفیت صنایع در سال های ۵۶ و ۵۷	به ترتیب ۷۰ و ۵۶ درصد است . این نسبت در سال ۱۳۵۶ در بعضی صنایع به شرح زیر بود :	
قند	۹۰ درصد	۶۰ درصد
شامی	۶۱ درصد	۴۰ درصد
آجر	۴۶ درصد	۲۰ درصد
سیمان	۹۶ درصد	۷۰ درصد
خودرو سازی	۴۰ درصد	۲۰ درصد
تراکتور سازی	۲۲ درصد	۱۰ درصد
نسبت بهره برداری از ظرفیت در بعضی کارخانه ها	در سال ۵۶ و ۵۵ و ۱۳۵۶ به شرح زیر بوده است . این نسبت در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به شرح زیر است :	
روغن کاشنی	۶۰ درصد	۴۰ درصد
کارخانه ها تا حد توقف و تعطیل پیشرفته است	توقف شده است :	
کفسور تن و ماهی (تولیدات جنوب)	۶۰ درصد	۴۰ درصد
کفسور ساردين (تولیدات جنوب)	۴۰ درصد	۱۱۶ درصد
روغن کنجی و روغن نار	۷۰ درصد	۲۰ درصد
قند مینا دواب	۹۹ درصد	۶۰ درصد
قند شاقه باد غرب	۶۰ درصد	۶۰ درصد
قند فشا	۷۵ درصد	۶۰ درصد

۲۸ پیروزی

۵۴ درصد	تخ (ریسندگی ماهید)
۳۹ درصد	تخ (ریسندگی آذر)
۶۰ درصد	بارچه (ریسندگی آذر)
۸۰ ^۴ درصد	بروفیل (گروه تولیدی سیاهان)
۱۱۲ درصد	چینی (اریکده)
۵۰ درصد	علامه امینی راهها (کارخانجات ونگ)
۸۲ درصد	محصولات لاستیکی ()
۱۰۰ درصد	سیمان (صوفیان)
۷۴ درصد	خودرو (ایران ناسیونال)
۸۲ درصد	چوب تراوس (راه آهن قزوین)
۳۸ درصد	بجور واگن (راه آهن مازندران)
۶۰ درصد	ماشین تراش (ماشین سازی تبریز)
۸۵ درصد	ماشین حفارچینی ()
۶۰ درصد	ماشین مته ()
۸۳ درصد	ماشین فرز ()
۱۰۰ درصد	کمپرسور معدنی ()
۱۰۰ درصد	کمپرسور صنعتی ()
۱۰۰ درصد	لیفت تراک
۶۸ درصد	لامپروشنایی (پارس نوشینیا)
۸۰ درصد	لوازم خانگی (پارس نوشینیا)
۶۳ درصد	بارچه پشمی (پشم رانی جهان)
۵۷ درصد	بارچه پلی استر (ریسندگی و بافندگی فوسفات)
۳۸ درصد	کلمه و پرین (الکتریک ایران)
۴۰ درصد	آلترگیم ، بخاری ، کولر و یخچال (جنرال)
۸۰ درصد	کاشی و سرامیک (سعفی)
۳۵ درصد	یخچال فریزر (فیلیور)
۷۳ درصد	راديو (پارس الکتریک)
۶۶ درصد	تلویزیون (پارس الکتریک)
۷۵ درصد	کمپرسور (کمپرسور سازی ایران)
۹۷ درصد	لوح و پرورفیل (سینما)
۸۰ درصد	تخ (پرسیس اصفهان)
۵۹ درصد	رینگ سازی (کارخانجات صنعتی رما)
۴۹ درصد	الیاق (کارخانجات صنعتی رما)
۱۰۰ درصد	چدن (ذوب آهن اصفهان)
۱۰۸ درصد	شش فولاد (ذوب آهن اصفهان)
۱۱۲ درصد	محازن (ماشین سازی آراک)
۸۵ درصد	حراقتال ساختمانی ()
۱۱ درصد	حراقتال منحرک ()
۶۱ درصد	آلومینیوم

تکنولوژی به کار گرفته شده در صنایع ایران از انواع متفاوت است . به طور کلی در صنایع سنتی روستاهای « کاربر » متداول است و در صنایع مدرن کارخانه ای بیست سال اخیر از روستاهای « تسنا » سرمایه ر « استفاده شده است . نسبت سرمایه گذاری لازم برای ایجاد یک نخل صنعتی (سرمایه سرانه) تا سال ۱۳۴۰ حدود ۵۴ هزار ریال بود . ولی این نسبت در صنایع اواسط دهه ۱۳۴۰ به ۲۱۰ هزار ریال و در سالهای پیش از انقلاب به منظور از ۲ میلیون ریال رسیده بود . به طور کلی روستاهای فنی ایجاد شده در ایجاد صنایع نشان میدهد که به جای در نظر گرفتن شاره ها و امکانات کشور روستاهای ایجاد گردید که مستلزم خریدن ماشین های تولیدی و درموردی تکنولوژی های برمود و با تجربه شده بود و از این راه درآمد های فنی کشور تحت عنوان صنایع مطالعات و تحقیقات مشاوران خارجی به خارج کشور باز می‌گشت . وابستگی به خارج بازرگانی انجام برای وابستگی مداوم شده بود که کالاهای خارجی وارداتی را در داخل مونتاژ یا به همان صورت تحت عنوان تولید داخلی به بازار عرضه می‌کردند .

- به طور خلاصه نمودار زیرگهیهای صنایع کشور را به شرح زیر می‌نویسد :
- ریشتراد نبودن و عدم اشطاق ای صنایع و نیازهای کشور .
- فقدان یونیده های تولیدی بین صنایع مختلف .
- فقدان هماهنگی و پیوند های لازم بین صنایع و کشاورزی و سایر بخش ها .
- وابستگی تقریباً کامل صنایع ایران به واردات مواد اولیه ، واسطه و ماشین آلات و خدمات صنعتی و خارجی
- عدم توزیع مناسب واحدهای صنعتی بین مناطق مختلف کشور .
- پایین بودن کارایی تولیدی و کاردهی برانه در صنایع .
- عدم توسعه صنایع کوچک .
- نا سالم بودن ساخت مالی اکثر صنایع و انکای پیش از حد آنها به وام و اعتبار .
- بالا بودن هزینه تولید و مرغوب نبودن کالاهای صنعتی .

وضعیت صنایع کشور بعد از انقلاب

بعد از ۵۷ هجری قمری ، بانکها و موسسات مختلف کشور که در جریان نیهض انقلابی مردم شوق شده بود رسماً از ۲۸ تهن ۱۳۵۷ بدستور دولت بوقت آغاز کار گردید . صنایع که در قبل دچار رکود شده بودند دراز عوارض ناشی از دوران انقلاب ، قرار مدیران ، خارج شده سرمایه ها و فقدان کلی یک برنامه از پیش تنظیم شده برای اداره واحدهای صنعتی حتی در چهارچوب روابط حاکم بر سیاست اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری وابسته دچار مشکلات حادثی گردید .

از سوی دیگر دید دولت مهندس بازرگان از انقلاب محدود بود و نمی‌توانست به طور ریشمائی با مسئله ریسور شود . ماحیت طبقاتی وجه غالب بر دولت بازرگان ، در مجموع نهاده طبقاتی و مجران اقتصادی را که از پیش از انقلاب نصیر گرفته بود مختصر و رخص را مایوس تر کرد . اقدامات دولت بوقت صرف برای وارداتری صنایع بیشتر جنبه مالی اعتباری و تسهیلاتی در این زمینه داشت که عبارت از دور زنده ریزر بود :

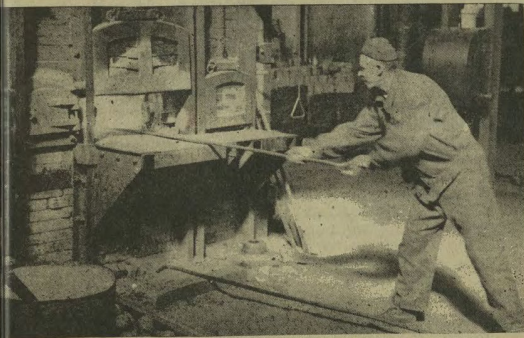
- ۱ - ایجاد تسهیلات در زمینه واردات مواد اولیه و واسطه مورد نیاز صنایع . ۴ - اختصاص ۱۵۸ میلیارد ریال اعتبار جهت راه انداختن فعالیت های صنعتی و کشاورزی .
- مهندس احمدزاده وزیر صنایع و معادن دولت بوقت در اواخر خرداد ۵۸ اعلام کرد : " دولت برای می‌تازد کردن صنایع کشور از حالت وابستگی به مواد اولیه و قطعات مختلف کمپنیونی را مایوس رسدگی و پرسیس جنگونی این کار کرده است تا با اجراء طرحهای مفید و سازنده صنایع کشور به خودکفائی از نظر قطعات و مواد اولیه برسد . وی گفت : " تاکنون یکصد واحد تولیدی ملی شده و دولت پس از بررسی دقیق صنایع ملی شده آن را به صورت سهام عام درآورده و به عموم عرضه می‌کند (۱) . " وی افزود : " در مورد خصوصی سازی دولت برخاست از صنایع و موسسات تولیدی که در گذشته بطور مالم به فعالیت اشتغال داشته اند اصولاً است دولت دربارت اینگونه صنایع و موسسات تولیدی هیچگونه مداخله و مداخلت را نسبت به صاحبان آنها به عمل نمی‌آورد " (کنهان) و خبرگزاری پارس اول بروداد ماه ۱۳۵۸ .

اما همانگونه که دیده شد خانه آزاییست ویران بود و کوششهای خواجده در نقش ایوان نمی‌توانست گازاز

۲۹ پیروزی

باید . مشکلات صنایع کشور مشکلاتی بنیادی است و آشنگی اوضاع ناشی از سیستم حاکم بر ماسات اجتماعی - اقتصادی کشور می باشد . اهدافی از گونه که در بالا بر سریده شد بیشتر جنبه رومانی و سگمنی داشت و منبواست در حل مشکلات موثر واقع شود . سبب دولت اقدام به " ملی کردن " پارای از صنایع بود . " ملی کردن " بعضی صنایع و مصادره بعضی دیگر از آنها توسط دادگاههای انقلاب ، از سوی مسئولان به عنوان اقدامی تلقی شد که بنیاد نه تنها مشکلات صنایع کشور را کاهش دهد بلکه با خشی به خواست های زمینکشان کشور در جهت بهبود توزیع درآمد ها ، فراهم نمودن زمینه ها و فرصت های لازم برای رفاه ای و ایستکی و مشارکت تولیدکنندگان در اداره واحدهای تولیدی باشد .

در نیمه سال ۵۸ ، شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران " قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران را گذراند که به موجب آن متجاوز از ۳۰ درصد کل سرمایه صنعتی کشور " ملی " شده که ارزش خالص سرمایه " ملی " شده حدود ۶۰۰ میلیارد ریال تخمین زده می شود . بنامی ترتیب متجاوز از ۷۰ درصد سرمایه صنعتی کشور به ملنگ و اداره دولت درآمده است . علاوه بر این از اوایل سال ۵۸ تاکنون دهها واحد صنعتی بزرگ و صدها کارگاه و واحد تولیدی کوچک به ملنگ بنیاد مستضعفان و دولت درآمده است . ولی طی دو سال اخیر واحدهای صنعتی ملی شده " کارخان " از اساسیه ها و مقررات خاصی خود نمیت یکنند و برای واحدهای ملی شده به ویژه صنایع اساسی که به موجب بند " الف " قانون " ملی کردن صنایع " ملی شده اند . تاکنون از لحاظ مدیریت و اداره آنها اتمام اولیه بر طرف نشده است و معلوم نیست آیا حواصت اداره این واحدها با تابع مکتومیهای گذشته



است و یا اینکه نظام اداری جدیدی برای واحدهای " ملی شده " بیترتیبی خواهد شد . اهدافی که تاکنون توسط دولت در مورد واحدهای مسئول این قانون انجام داده است ، ترتیب صنایع عالی (از محل ۸۵ میلیارد ریال سهولت اعشاری است) و استعاضه مدیران دولتی برای این واحدها بوده است که مطمئنا این اقدامات منبواست چاره دردهای صنایع کشور و مشکلات آن باشد .

ساد هاشگی توسعه و استقلال صنایع ایران " در نیمه ۱۳۵۹ در گزارشی اعلام داشت : " حدود ۳۰ کارخانه بزرگ تولید کننده انواع کالاها میهم ، با توجه به امکانات موجود و نیز ناسن برخی از مواد اولیه مورد نیاز

کارخانه ها که مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته اند ، می توانند استقلال یابند . این کارخانجات عبارت بودند از : تکویناس ، هیکو ، پارس الکتریک ، کمبندور ، فلور ، جهان رکنی ، زمیسن ، پیراس ایران ، کمپوسر سازی ایران ، کارخانه های ایران ناسونال ، آرج ایدامین ، الکتریک استورجی فابری ایران (ری - او - واک) هاکسونار دیزل ، جزیال الکتریک ایران ، کارخانه های سب ، سوخت ایران ، ایران دوجج ، تولید فیلتر ایران ، رادبو الکتریک ایران ، ماشین های پارس ، سلونید ، کارخانجات مهندسی موسی بهار ، زاگرس ، ایران گایه ، برودا ، پارس و جزیال استیل " .

ساد هاشگی و توسعه و استقلال صنایع ایران " همچنین اعلام داشت : " تسه های واسگی ایران به خارج از لحاظ اقتصادی ، فرهنگی ، سیاسی و نظامی چیزی نیست که عرض کنیم در سال گذشته توسط ولی در این زمینه قدمهایی برداشته شده است . در این اعلامیه آمده است که تاکنون ماشینهای درجهت رفاهای صنایع کشور از جنگل واسگی به خارج و امیرالینیم برداشته شده است و تشکیل این ماشینها با استقلال صنایع و احیاناً صنایع کوچک مواجه بوده است . " (خیرگزاری پارس - یانهاد ۲۹/۴/۵۹)

پس از تشکیل این ماشینها وزیر صنایع و معادن اعلام کرد : " به دنبال تشکیل ماشینها ، اقدامات لازم در مورد تهیه مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات ، ایداعات و کمک های لازم به تهیه قطعات یدکی صورت گرفته است و در حد امکان تسهیلات لازم در اختیار مسئولین مربوطه قرار می دهیم ولی متذکر این مسئله را فراموش کردیم که ملکت در حال حاضر در شرایط ویژه قرار دارد و آن تحریم اقتصادی است . با توجه به اینکه در حال حاضر ما شیدنا " از لحاظ اقتصادی وابسته چه کشورهای بیگانه هستیم ، لذا تصمیم گیری در مورد مواد اولیه فقط با ما نیست بلکه به تصمیم کشورهای تحریم کننده اقتصادی نیز بستگی دارد و تا رفع این مشکلات باید مواد اولیه را در حد امکان از داخل کشور تهیه و با کمبود آنها را با تغییر خط تولید تحمل نمود . " (خیرگزاری پارس ۹ خرمیماه)

علاوه بر این در نیمه گذشته شورای انقلاب قانونی به تصویب رساند که به موجب آن " هر کارخانهای که در جهت خودکفایی صنعتی قدم بردارد و بخواهد قطعاتی را در داخل تولید نماید از پرداخت تمام و با قسمتی از حقوق بازرگانی و مرگکی مواد اولیه معاف شود . " (خیرگزاری پارس ۹ خرمیماه - یانهاد ۲۹/۴/۵۹)

گذشته از مسائل بنیادی مربوط به واسگی صنایع کشور ، یک سلسله مسائل دیگر نیز وجود دارد که رفع را بجمدهتر می کند . یکی از این مسائل تعدد برآکز و عوامل تصمیم گیرنده است : از بعد از انقلاب ، و به دنبال ملی شدن صنایع بخش خصوصی و ملنگ و مصادره پارای از آنها به استناد احکام دادگاهها ، سازمانهای دولتی و نهاد های مختلف که تعداد آنها گاه از ده سازمان و نهاد متجاوز است به دلیل دارا بودن سهام و با قسمتی از سهام واحدهای مذکور در امر مدیریت واحدهای صنعتی مداخله می نمایند .

تعدد نمایندگان سهام دولت در شرکتهای ملی شده یکی از مشکلات اداره این شرکتها محسوب می گردد و با وجود آنکه وزارتخانه های به اسم صنایع و معادن به عنوان " مسئول برنامه ریزی ، اجرایی و صحیح صنایع کشور در مقابل قانون و مجلس شورای اسلامی " وجود دارد ، در عمل این مسئولیت تجزیه و تفکیک گردیده است بدون آنکه دست اندرکاران دیگر مسئولیتی در قبال قانون داشته باشند .

اکنون خوبی بنیاد است که دولت در پاسخگویی به خواست انقلابی توده های مردم ملی بر ملی کردن صنایع سرمایه داران وابسته کشور و دارائی های وابستگان رژیم منقور بپوی ، بدون یک برنامه انقلابی عمل کرده و آنچه تحت عنوان " ملی کردن صنایع " انجام گرفته است علیرغم آنکه مقدم میهم بوده در نهایت چیزی بیشتر از یک مصادره بدون برنامه بوده است . یک گزارش اقتصادی کشور می گوید : " آنچه تاکنون در بخش صنایع کشور بلنی ، مصادره و با تحریب و بیوفت گردیده بیش از آنست که دولت ، وقت و فرصت شارش و احیای آن را داشته باشد . آنچه در دو سال اخیر در صنایع کشور اتفاق افتاده اینست که مشهور را به انبات میرساند که " تفاوت بین اجتماعی کردن و مصادره کردن است که " مصادره " را میتوان فقط با تصمیم به انجام رساند بدون آنکه توانایی شارش و توزیع مناسب آن باشد ، در حالی که " اجتماعی کردن " بدون چنین توانایی تحقق پذیر خواهد بود .

در نتیجه چنین عملگردهای " ملی کردن صنایع " حاصل شده است ، تعدادی از واحدهای صنعتی تا آنجا که موجودی مواد اولیه و قطعات یدکی داشته و اعتبارات ملیل و آسان دولتی هم به آنها توزیع شده است به فعالیت خود ادامه داده و بسیاری از آنها با زیر ظرفیت های گذشته به فعالیت پرداخته و تعدادی دیگر نیز عملا منقوف

مانده اند . به دنبال محاصره اقتصادی وسیله کشورهای امیرالیستی عملا بسیاری از صنایع کشور ما با کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی مواجه بوده اند و خرید این کالاها به طور مستقیم امکان پذیر نبوده است . در مواردی که ایران توانسته است کالاها را بخرد خرید کالاها غیر مستقیم و از طریق واسطه های حرفه ای بوده است که همواره با قیمت سنگینی مورد ریز اشاره کنیم : روزنامه تعجب بنی اللیلی مام شده است . برای بررسی مشکلات صنایع ملی شد کشور به چند ایران نم : " به علت مشکلات مالی و کمبود مواد اولیه ، برخی صنایع ملی شدگاران در آستانه تعطیل قرار گرفته اند . این کارخانه ها عبارتند از : کارخان تولید کننده کابل و انواع سیم های برق ، کارخانه پلاستیک سازی ماهدنت ، کارخانه شیمیایی ماهدنت و کارخانه ایران شاتین سازنده بیج و مبره که هنگی اخیرا ملی شده بودند . در همین زمینه می توان از مشکلات کارخانه چوکا در شمال ، مشکلات شهر صنعتی اسیرو و ازماء هشتی از سوی رئیس جمهوری ، منقوف شدن بیش از یک هزار واحد تولیدی صنعتی که از میان آنها تا اوایل آذرماه هنوز ۱۳ واحد در آستان کلان ، ۲۲ واحد صنعتی بزرگ و کوچک در آستان خراسان ، نزدیک به ۱۲ واحد صنعتی و تولیدی در آستان مرکزی و ۷۹ شرکت از شرکتها و واحدهای تولیدی زیر کنترل سازمان گسترش و توسعه صنایع کشور که با منحل و با در صنایع دیگر ادغام شده و با منقوف مانده است نام برد . (گنجان اول آذرماه ۱۳۵۹) . گنجان در ادامه گزارش خود می نویسد که در آستان بزرگ و آذربایجان غربی صنایع منقوف شده وجود ندارد . و ما در مورد وضع صنایع دیوسنطه مهم کشور ، آذربایجان شرقی و اصفهان نتوانستیم اطلاعاتی به دست آوریم . در ادامه این گزارش به موضوع کارخانجات منقوف شده اشاره خواهیم کرد .

حال لازم است بنگار دیگر به متفکر صنایع کشور با نکتی برآمارهای رسمی و با استفاده از آخرین شماره مجله بانک مرکزی ایران که تا آخر ۶ ماهه اول سال گذشته رادرس می گوید بپردازیم . مشرف های عدیه ای که در این آمارها بررسی شده عبارتند از تولید ، استقلال و حقوق و مزایای برداشتی به کارکنان در صنایع بزرگ که در بسیاری موارد تاکنون بلا تغییر مانده و با تغییرات آن رسا از سوی دولت اعلام شده است .

شاخص تولید کارگاههای بزرگ صنعتی کشور

شاخص تولید شاخص ماهه اول سال

شاخص تولید شاخص ماهه اول سال	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۵۸
کل صنایع	۱۳۵/۳	۱۵۸/۸	۱۲۱/۸	۱۷۴/۴	۲۲/۳
صنایع غذایی ، نوشابه ها و نوشون	۱۰۸/۲	۱۱۹/۲	۱۰۷/۴	۱۰/۲	۹/۶
صنایع نساجی ، پوشاک و چرم	۱۲۳/۴	۱۶۳/۸	۱۴۱/۶	۲۲/۸	۱۳/۶
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۸۳/۲	۲۲۲/۰	۱۹۵/۳	۲۶/۵	۱۵/۸
صنایع کاغذ ، نفوا و محصولات کاغذی	۱۲۴/۸	۱۶۶/۲	۱۳۰/۸	۲۲/۳	۲۱/۳
صنایع شیمیایی	۱۲۷/۷	۱۶۰/۳	۱۲۱/۴	۱۶/۴	۲۲/۳
صنایع معدنی غیر فلزی	۱۵۹/۹	۱۸۲/۵	۱۶۱/۰	۱۵/۲	۱۲/۷
صنایع فلزات اساسی	۱۲۹/۲	۱۱۵/۳	۱۰۲/۲	۲۵/۲	۲۴/۲
صنایع ماشین آلات و محصولات و وسایل نقلی	۱۵۲/۵	۱۸۳/۳	۱۱۶/۴	۱۸/۶	۳۶/۵

مجله بانک مرکزی ایران شماره ۱۸۴

بطوریکه از جدول فوق بنیادست تولید صنعتی کشور در کارگاههای بزرگ که ۶ ماهه اول سال ۱۳۵۸ معادل ۲۲/۳ درصد نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۵۷ کاهش یافته است . بیشترین کاهش تولید طی مدته مذکور در میان سپهری ۲۲

رشته های مختلف صنعتی مربوط به دو رشته اساسی و مهم ذوب فلزات و ماشین سازی است که بزرگترین سهم را در میان رشته های هشتگانه از تولید صنعتی در گذشته داشته اند (۲۵/۳) با وجود آنکه همه رشته های صنعتی کاهش تولید داشته اند ، تولید در صنایع زیر با سوزیه ، دخانیات و ماشین های کشاورزی افزایش نشان میدهد . اکنون چا دارد به مسئله استقلال در صنایع بررسی شده جدول قبل بپردازیم .

شاخص استقلال کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی کشور (۱۰۰ = ۱۳۵۳)

شاخص استقلال شاخص ماهه اول سال	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۵۸
کل صنایع	۱۱۸/۸	۱۲۳/۸	۱۲۵	۴/۲	۱۳۵۸
صنایع غذایی ، نوشابه ها و نوشون	۱۳۳/۷	۱۴۰/۷	۱۳۸/۷	۵/۲	۱/۲
صنایع نساجی ، پوشاک و چرم	۹۸/۹	۹۹/۲	۱۰۱/۵	۰/۳	۲/۳
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۱۳/۲	۱۲۴/۲	۱۲۰/۶	۹/۷	۲/۹
صنایع کاغذ ، محصولات کاغذی و نفوایی	۱۳۰/۴	۱۳۳/۰	۱۲۷/۰	۲/۰	۳/۰
صنایع شیمیایی	۱۲۶/۰	۱۲۰/۲	۱۲۹/۰	۳/۵	۱/۱
صنایع معدنی غیر فلزی	۱۵۲/۳	۱۵۲/۳	۱۶۳/۲	۵/۸	۱/۲
صنایع فلزات اساسی	۱۱۲/۸	۱۱۷/۲	۱۲۰/۶	۳/۹	۲/۹
صنایع ماشین آلات و محصولات فلزی	۱۳۰/۲	۱۴۰/۸	۱۴۲/۱	۸/۱	۰/۹

مجله بانک مرکزی ایران شماره ۱۸۴ شماره چهارم سال ۱۳۵۸

جدول فوق هم نشان منبدهد که در شش ماهه اول سال ۱۳۵۸ سطح استقلال صنعتی در کارگاههای بزرگ به میزان یک درصد نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۵۷ افزایش یافته است . یعنی در حالی که سطح تولید ۲۲/۳ درصد کاهش یافته ، استقلال یک درصد بالا رفته است . این ارقام شاگرد آنست که کارایی سرمایه تولید در مدت گذشته کاهش یافته است . دورشته صنایع فلزات اساسی و ماشین آلات صنعتی که با بیشترین کاهش تولید مواجه بوده (به ترتیب ۲۲/۲ درصد و ۲۶/۵ درصد) تقریبا بنسبت " استقلال " داشته اند (به ترتیب ۲/۹ درصد و ۹/۰ درصد) شاخص مرد و حقوق و مزایای برداشتی به کارکنان کارگاههای بزرگ کشور

شاخص مرد و حقوق و مزایای برداشتی

شاخص مرد و حقوق و مزایای برداشتی	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۵۸
کل صنایع	۲۱۷/۲	۲۷۷/۲	۲۱۳/۲	۲۶/۴	۱۳۵۸
صنایع غذایی ، نوشابه ها و نوشون	۲۶۸/۲	۲۷۳/۷	۲۹۸/۵	۳۱/۵	۲۵/۶
صنایع نساجی ، پوشاک و چرم	۲۰۳/۲	۲۱۵/۱	۲۳۸/۸	۲۴/۶	۲۱/۱
صنایع چوب و محصولات چوبی	۲۰۳/۲	۲۵۸/۲	۲۲۷/۸	۲۶/۸	۲۲/۵
صنایع کاغذ ، نفوا و محصولات کاغذی و نفوایی	۲۲۲/۰	۲۲۶/۰	۵۱۰/۶	۴/۶	۵۶/۶
صنایع شیمیایی	۲۲۹/۶	۲۸۱/۶	۳۸۸/۷	۱۷/۵	۲۱/۶
صنایع معدنی غیر فلزی	۲۷۰/۱	۲۳۹/۴	۵۱۹/۷	۱۵/۲	۵۳/۱
صنایع فلزات اساسی	۱۸۶/۸	۲۲۹/۰	۳۲۵/۸	۲۲/۶	۲۲/۲
صنایع ماشین آلات و محصولات و وسایل نقلی	۲۵۶/۹	۳۲۲/۶	۲۷۹/۲	۲۹/۵	۴۴/۱

مجله بانک مرکزی ایران شماره ۱۸۴ شماره چهارم سال ۱۳۵۸

شاخص بود و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان صنایع بزرگ در شش ماهه اول سال ۱۳۵۸ نسبت به شش ماهه اول ۱۳۵۷ حدود ۵۱ درصد افزایش یافته است . بیشترین میزان افزایش حقوق و دستمزد در صنایع نساجی و پودناک و چرم بوده است .

با در نظر گرفتن سه جدول فوق می توان عملکرد صنایع کشور را در شش ماهه اول سال ۱۳۵۸ به صورت زیر خلاصه کرد . لازم به توضیح است مشکلات و مسائل صنایع کشور در شش ماهه دوم سال گذشته و شش ماهه اول سال ۵۹ نیز به رفاهان ساق بوده و در موارد زیاد مسئله محاصره اقتصادی ایران از سوی امپریالیستها و تجاوز رژیم بعث عراق به خاک میهن ما نیز از زمره علل افزایش مشکلات بوده است . اکنون نتیجه گیری کل جدولها را در مجموع شاخصهای اصلی به صورت زیر خلاصه می کنیم :

درصد تغییر شاخصهای اصلی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در شش ماهه اول سال نسبت به سال قبل

	۱۳۵۷	۱۳۵۸
تولید	۱۷/۴	-۲۳/۳
انتقال	۴/۲	۱/۵
مرد و حقوق و یوریا	۲۶/-	۵۰/۶
مرد و حقوق و یوریا بر سرانه	۲۱/-	۲۸/۹
تولید سرانه	۱۲/۴	-۲۵/۸

مآخذ : مجله بانک مرکزی ایران شماره ۱۸۲

مقایسه ارقام مربوط به تغییرات شاخصهای اصلی صنایع کشور در شش ماهه اول سال ۱۳۵۷ نشان دهنده تمیزی فاحش در همه موارد می باشد که توضیح آن همان دلایلی است که قبلا ذکر کردیم و یا توجه به شرایط بحرانی صنایع از سالهای قبل از انقلاب . توقف صنایع در دوران انقلاب و سپس مسائل و مشکلات ۶ ماهه اول بعد از انقلاب قابل انتقاد بوده است . در حالی که سطح تولید در شش ماهه اول سال ۵۷ (قبل از توقف صنایع و شروع اعتراضات) نسبت به شش ماهه اول سال قبل افزایش معادل ۱۷/۴ درصد را نشان میدهد . سطح تولید در شش ماهه اول سال ۱۳۵۸ به میزان ۲۳/۳ درصد نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۵۷ کاهش داشته است که همین علت آن و تحلیل درست به سهولت امکان پذیر است و ما بعداً " باز به آن خواهیم پرداخت . اما افزایش انتقال در همین مدت به میزان یک درصد نشان دهنده بالا رفتن سرمایه گذاری صنعتی و در نتیجه ایجاد فرصتهای جدید صنعتی در صنایع کشور میباشد بلکه بیشتر مربوط به ریشه های صنایع نساجی ، دختانیات ، شیشه ، سیاه ، فلزات اساسی است که از قدمت بیشتری برخوردارند و به علت انبوهی کارگران در این رشته و شکل مبارزاتی بیشتری که در سالهای اخراج داشته اند . کارگران قدیمی و اخراجی زبان رژیم سرکون شده در آن انقلاب به محل کارهای خود تعلق مراجعت نمودند و نه همین جهت شاخص انتقال این صنایع را بالا بردند .

افزایش حقوق و مزایای کارکنان صنایع به میزان ۵۰/۶ درصد طی مدت مورد بررسی پاسخی بود به خواستهای برخی اکثریت کارکنان صنایع که سهم کمی از حاصل کار خود را دریافت می کردند . اما به طوریکه جدول نشان میدهد افزایش مرد و حقوق و مزایای کارکنان صنایع طی مدت مذکور همچونکه ارضایی یا تئودا نداشته است . زیرا در همین مدت با وجود آنکه مرد و حقوق و مزایای سرانه حدود ۴۹ درصد بالا رفته تولید سرانه کارکنان حدود ۲۶ درصد کاهش یافته است . بدین معنی است دفاعان سیستم سرمایه داری بلافاصله این مسئله را به حساب کارگران گذاشته و بکار دیگر جای سرکوب را برای کارگران بلند کردند و آنان را عامل کاهش تولید معرفی نمایند در حالی که علت کاهش تولید همان علت اصلی است که بر سرش برآمده اضافه اینکه تحریم اقتصادی ، کمبود کالاهای واسطه ای ، قطعات یدکی و ... مزید بر علت بوده است .

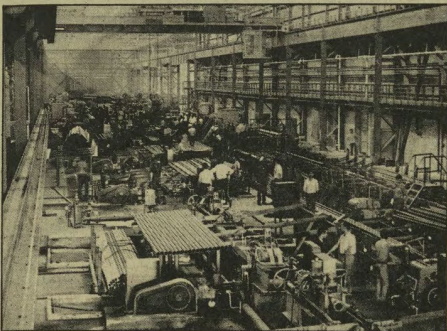
... و مشکلات دیگر صنایع کشور

همانطور که در ستون گذشته گفتیم یکی از مشکلات حاد صنایع کشور ما ناهماهنگی و تعدد مراکز تصمیم گیری در مدیریت آنهاست . در اوایل ناسان گذشته " ساد هانهنگی نسوعه و استقلال صنایع ایران " راسته به وزارت

صنایع و معادن گزارشی از بررسی برخی صنایع کشور را منتشر کرده و اعلام داشت : " عدم هماهنگی لازم بین صنایع کشور و عدم اطلاع و آگاهی مدیریت آنها از امکانات دیگر موجب شده تا واسطی کشور به خارج در زمینههای مختلف صنعت افزایش یابد و این عامل هراما کمبود دانش تخصصی و تکنولوژی در برخی از صنایع موجب گردیده است تا امکان قطع وابستگیها و سهولت بیشتر نیاند . چنانکه نگاه نوسه نامین های کشاورزی به نیاز به فیلتر دارد علیرغم نایب ترغیبت فیلترهای ساخت یک واحد صنعتی داخلی فیلترهای مورد نیاز خود را به میزان زیادی از خارج وارد کرده است . از سوی دیگر برخی صنایع که آماده نامین درصدی از قطعات مورد نیاز در داخل کشور میباید قیمت های پیشنهادی را فروزون به صوفه نمیدانند . به عنوان مثال میوان از شرکت آرم جوم پردک برای بیج پایه تنظیم وارداتی از خارج ۵/۵ ریالی می بردارد در حالی که همین بیج اگر در داخل تولید شود باید قیمت ۱۲ ریالی برای آن پرداخت شود . در برخی صنایع نیز مواد اولیه و سوبوه تکنولوژی و کمبود تخصص نیز از عوامل بازدارنده در نامین خودکفایی صنعتی هستند . چنانکه در صنایع تولیدکننده تلویزیون ، برای ساخت قطعات بدنی الکترونیکی حساب به علت همان بوانع امکان تولید داخلی قطع وابستگی میسر نبوده است .

(بامداد ۵۹/۴/۱۷)

یک روز قبل از انتشار این گزارشی شوراها اسلامی بازده کارخانه نساجی کشور به ورود صد هتای بیخ خارجی از طرف وزارت بازرگانی کشور اعتراض کردند و اعلام داشتند در حالی که تولید بیخ در داخل امکان پذیر بوده است . چرا اقدام به وارد کردن این کالاها شده است . کارگران اعلام کرده اند که ورود این کالا بدون کسب نظر و اطلاع



دست انداز کارکنان صنایع ریسندگی داخلی و مثل همیشه و همواره دیگر بدون اطلاع و نظر کارگران . این بیروی اساسی تولید کننده بوده است . نامه اعتراضی سوز شوراها اسلامی کارخانه های ریسندگی زبانی منتشر شد و زیر صنایع و معادن یک هفته قبل اعلام کرده بود : " حیات از تولیدات معسکران ماضلی به صورت خرنه تولیدات آنها و با جلوگیری از ورود کالاهای مشابه خارجی و با افزایش حقوق و کثرت و سوبایزگانی قطعات وارده میسر میگرد . " با این حال احزاب و ریزر صنایع و معادن در همان موقع اعلام داشت : " باید توجه بود برخی از تولیدات کالاهای معارف داخلی را نمی توانند لذا در این موارد نمونهای حلوی ورود کالاهای مورد نیاز و مصرف جامعه را گرفت . در این حالت

تولیدکنندگان داخلی تقاضای جلوگیری از ورود اینگونه محصولات را دارند تا با ایجاد بازار ساد ، کالاهای خود را به قیمت بیشتر به فروش برسانند که البته این تقاضا قابل قبول نیست و در این ضمن یورادی است که تولیدکنندگان داخلی مسئله حیات از آنها را مطرح می کنند که مسلماً چنین چیزی صحت ندارد . (خبرگزاری بارس جاب شده در بامداد ۵۹/۴/۱۵)

کارگران صنایع ریسندگی و بافندگی در پاسخ وزیر صنایع و معادن را داده و پیشنهاد کرده اند : " کتده اخراجهای صادر شده برای واردات کتده های آماده برای بافندگی و بافندگی سوبی که شامل آن در ایران تولید میشود نسخ شود و توزیع کالاهای تحت نظارت کارکنان ریسندگی و بافندگی کشور تاگزردد . در همین رابطه بود که شوراها کارگری به کارخانه " زاماد " " زر " و " و " یادمان ایران " آزادی ورود ۱۶ تلم کالاهای مربوط به اوسپیل را مورد اعتراض قرار داده و نوشتند : " در توضیحی که صحبت تولید بیشتر خودکفایی اقتصادی در کشور وجود دارد اقدامی از طرف وزارت بازرگانی و صنایع و معادن میسر نشده که مخالف تمام شارهها در مورد قطع وابستگی اقتصادی است .

فرار معنوی " طاعتی " و تعدادی از سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و کارگران اصلی رژیم شاه به خارج ، از همان بامروز ۱۶ کتده طبقه انتظاف افق ایران را تلگون ساخته بود هنگی حاکی از نمود بحران بعدی بود که صنایع ما را درگیر کرد و نیز تحریم اقتصادی ، جنگ ایران و عراق ، مدیریت بورژوازی صنایع کشور ، کمبود کادرفهای تخصصی و فنی هنگی در برابر خواست بوده مردم از مفهوم عام استقلال و از آنجمله استقلال اقتصادی قرار گرفته بود و اجاب می کرد که اقدامات جدی برای قطع وابستگی اقتصادی به عمل آید . همانطوریکه گزارش ۶ ماه اول سال ۵۸ نشان داد و آغاز صنایع نساجی از سوی بانک مرکزی خطوط آن را در تمام سال گذشته نامید می کند در بسیاری از صنایع کشور تولید در طول کتده سال کاهش یافته است و صنایع کشور هنوز با مشکلاتی میباید دست به گریبان است و مباحث مسائل حاکم برجایه و ضدیندی کلان سرمایه داران وابسته صنعتی و تجاری . بدین معنی که از این اسخوز نقدی میشود . ضعف دولت در برابر این مسائل و ملایم و سرمایه گذاری های محدود سرمایه جهانی در ایران (ساحه رجایی یا دوجیه سایومگ - پیوستی شماره ۴) هنگی حکایت آزان دارد که بحران صنایع کشور تنها با برآه انداختن چند کارخانه منوق شده نخواهد شد . هنوز ارضانکننده های مسئولان و کارگران می توانیم عنق حران را در کت کنیم . اکنون به چند نظر در مورد راه اندازی صنایع توجه کنیم : یکی از اغضایگانوی راه اندازی صنایع راگ و ضرورت آن در این برده از زمان می گوید : آنچه مسلم است بهترین مساله ای که باید برای خودکفایی ملکت بود نظر باشد کار راه اندازی کارخانه های غیرفعال است که تمام ملاحیبتها . ایفات ها و اسعداد آنها هیچف کارگران را شگوفی می کند . راه اندازی صنایع باید در مناطقی باشد که ساز آن نندید است و باید در جهت خودکفایی کشور بخصوص از نظر مواد دروسی و کشاورزی و غذایی باشد و به موزات آن باید صنایع سنگین را فعال کرد . " وی با توجه به نقش کارگران در راه اندازی واحدهای تولیدی می گوید : " عامل اساسی که بخش عمده تولید صنعتی کشور را حفن کرده است حاکم بودن روابط طاعتی بین کارگر و کارفرما و روابط توریعی است . اگر کارگری اجبار کند که محصول دست او به وسیله سرمایه دار ، محتر دلال و واسطه توزیع می شود (که مستعد) و قیمت کالای ابرک با قیمت و از خودکفایی زیاد می سازد به علت سیستم غلبه توزیع پرگان به دست مردم می رسد دلرد می شود . " (کیهان - دوم آذر ۵۹)

کریج سوزای اسلامی کارگران به هردلیل که باشد ناطفانه با موضوع روبرو میشود اما واقعیت اینست که انتشار کارگران و یکدن شود جان مصرفکنندگان و درصق ففدم ، خود کارگران عامل دروسی و مساحه سوزای صنایع کشور است . ذکر علی ماضی عنق سوزای عالی صنایع ملی شده می گوید : " در مساله راه اندازی صنایع بعد از پیوستی انقلاب این کارگران بودند که با تمام قدرت از صنایع بنگهائی کردند و نگذاشتند بیخی از کارخانه ها کم شود . " وی می گوید : " این هتاری مردم و مسئولان معتمد ، کارگران توانمند بسیاری از کارخانه ها را به کار اندازند و کارخانه هایکی منوق مانده است به خاطر نامیام بودن کارهای ساختمانی و فرار ناطفکاران خارجی بوده است و می خواهند منتظر بمانند تا پیروزه آنها را ملی کنیم و آنها خسارات خود را از حسابهای خارجی ایران چند برابر برداشت کنند " (کیهان ۲ آذر ماه)

اما دکتر سکن علی صادقی آنجا جای اهمیت است که می گوید : " با انگیزه های غیر امریکایی خواستهای به ایران میباید و پیروزه های خود را تمام کنند و در صورت میباید طبق قانون شخصی می تواند آنها سهام خود را رها کرده اند " این یکی دیگر از مشکلاتی است که صنایع با آن درگیر هستند و وابستگی به امپریالیسم را فقط در وابستگی به آمریکا میبایدند . میبایدند یعنی تفرقه های انحرافی ، امپریالیسم را از کت و استعاج خارج کرده فکر می کنند وابستگی به امپریالیسم زاین و با آلمان غربی " وابستگی " نمی آورند !

اروسیه دیگر مهدی میراوطنالی قائم مقام استاندار خراسان می گوید : " بر اساس شد " د " ضوبسته سوزای انتظاف در مورد راه انداختن صنایع ، دولت بعد از برداشتن بدهیهای بانک باید سواد اضافی را به صاحبان کارخانه ها بدهد و به عیارت دیگر دولت و کارشناسان کارگری میباید موباج صاحبان کارخانه ها خواستند که هم باید کارخانه را به راه اندازند و هم سواد اضافی را به صاحبان آنها بدهند و این همان دولتی است که از آغاز کار ، رژیم جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده و معما " به نقل و عمل کرده است .

دولت احزاب " ملی اطلاعاتی به صاحبان این کارخانه ها هشدار داد چنانکه خود کارخانه ها را به راه نیندازند

کرده اند . می شود اما کارخانه داران از این تهدیدها ریان نندیدند و در نتیجه راه اجرائی آن را منوق

شیرعزم تمام این سائل دولت و بعضی از مسئولان برای جلوگیری از توقف بعضی صنایع کشور دست به اقداماتی

زدانند که نمی توان آنها را درمراه انداختن صنایع منوق شده و درموردی کمکگرفتن از کارگران بی تاثیر دانست .

در اینصورت جنگ و مبارزات ناسیاس نفتی کشور وضع ترگیتهای صنعتی از لحاظ سوخت با دشواریهای مواجه شد .

سناد بسیج اقتصادی کشور در این مورد به صنایع اولویت داد و سوخت تقریباً اکثر کارخانه ها نامین شد . دولت

میخواست امکان تعویب سوخت کارخانه ها را به " مازوت " فراهم آورد که در بسیاری موارد با نکتست مواجه شده است .

از طرف دیگر دولت در مورد دیماه اعلام کرد که با تاسیخ واحد نامین مواد اولیه کارخانه ها و با عنایت به تالون

ملی کردن تجارت خارجی ، دولت نامین مواد اولیه کتیه کارخانه ها را در سال ۱۳۶۰ به عقیده می گوید .

با توجه به مشکلات قطعی پیاوچو به کمبود ذخیره ارز کشور و سببم بودن نحوه اجرائی قانون تجارت خارجی

معلوم نیست نامین دولت در اجرائی این معمد نا چه حادست . اما همطوری در رابطه با وضعیت صنایع کشور

اعم از صنایع منوق شده و با صنایعکی خط تولید را تغییر داده اند می توان نمونه ماینر معمد ماینر مهدی

میراوطنالی در مورد مشکلات استاندارد خراسان در کار فعال کردن کارخانه های این استان بوجه کرد : " فراسان

خراسان ۱۷ کارخانه صنعتی غیرفعال وجود دارد که این رقم با احصای کارخانه ها به عدد تولیدی می رسد .

ما ، با وجود آنکه یک دهه است شامروز در تلاش راه اندازی این واحدها هستیم اما به علت عدم همکاری مسئولان

وزارت دارایی و سازمان کثرتی سوزای صنایع فقط نوسانتیم ۲ تا ۳ کارخانه را برآه میبازاریم . توضیح

اینکه شورای انتظاف در خصوصمانه خود در ماده های الف - ب - ج باغ انداختن صنایع را منوط به ارائه ترانزانه از

سوی وزارت دارایی و بازورد سرمایه کارخانه ها کرده است که تاکنون به علت عدم معمد معیاران کارخانه ها ، همکاری

وزارت دارایی همچسین نبودن ابراه تخصصی برای قیمت گذاری نامین آلات کارخانه ها ، با موقوف به راه انداختن

هیچیک از صنایع نندشاید و چند کارخانه کی برآه انداخته شده شمول شد " د " بوده و به علت سواد مدیریت آن

بوده است . " (کیهان اول آذر ماه)

تجاوز رژیم صدام به ایران

در اول فروردین جنگ ایران و عراق آغاز شد و نیروهای عراق ناسیاس نفتی و صنعتی کشور را مورد حمله قرار دادند . پیوستی می شد که چند اتمد آینه صنایع کشور متروک شود . عراق نخستین هدفهای این حملات را انتصاب کننده بود و نیرو هوایی رژیم ناسیاسی عراق حمله به کارخانه های صنعتی ناسیاس نفتی جنوب (آمانان) و شهرهای دیگر را درمورد اول حمله قرار داد و انتظاف داشت از این حملات نامین سوخت ایران را بخلر کرده و آندسته از صنایع ایران که به راه انداخته بود متوقف کرد . در این میان ایالاتیکه نفت آبادان به علت حملات بی دریغ زمینی و هوایی رژیم بعثی عراق تقریباً " به طور کامل از بافاده است . کارخانه پیوستی آبادان نیز به طور کامل متوقف مانده است . مجتمع پیوستی " امام خمینی " که مدت قبل آزان برای نگین

ناست آن آغاز شده بود و هزینه احرار آن به مبلغ دلا آلت به دنبال حمله عراقی به این ناسبات کارهای ساختمانی آن موقوف ماند و زمانی‌ها که بناهای برای از سرگرفتن این طرح (که به صورت ۵۰ - ۵۰ مین ابران و زبان اجرا می شد و قریباً نزدیک به ۳۰۰ در صد کارگران با یان یافته بود ۱۰ مایلون آمده بودند به و این بارگرفتهند. کارخانه های فولاد سازی اهواز و بند دروین که در حال احداث بودند به دنبال حملات عراق موقوف شده و کارخود را هنوز آغاز نگردانند . درمیان کارخانه ابران نامشوال دیوار بود حمله ترار گرفت . کارخانجات هلی کوپتساری ابران نیز ۲ دفعه بود حمله ترار گرفت و خسارانی به آن وارد شد که قابل حیران است . حملات بی دریغ عراق درهنگام اول جنگ تقریباً نوانست به آنچه رژیم صدام خوابان را دیده بود برسد و به همین جهت این حملات به علت سقوط تعداد زیادی از هواپیماهای جنگی عراق و نیز وجود سد دفاع هوایی ابران نوانستند آسانی حتی به صانع دور از منطقه جنگی وارد آویزد . اما شرایط جنگ اعلام خلیج فارس بعنوان منطقه جنگی ، حاضر شدن بیشتر ناخری احصارات غریبی برای حمل کارهای برنامهای ، مواد اولیه و واسطه بهمدار ابران صانع ابران را بیشتر ازگرفته با کمبود کالا و مواد اولیه مواجه کرده است . دولت دران مورد اظهار نظر های کرده و اقداماتی برای تسهیل ورود کارهای ابران نمود و مواد خام به ابران صورت داده است که می توان از فرار داد تراژیت ابران و شوروی نام برد که به ابران امکان میدهد مقدار بیشتری کالای مورد نیاز کشور را از طریق شوروی وارد کند . مسافانه گوشت ما برای ناسبات نسبی اقتصادی کشور و اطلاع از مشکلات صنایع کشور در رابطه با جنگ ، بی نتیجه ماند و نوانستیم اطلاعات بیشتری درمورد صنایع کشور بی از تحولات جنگ به دست آوریم .

به دنبال تصویب قانون اساسی که اقتصاد کشور را به سه بخش مستقل عمومی ، خصوصی و تعاونی تقسیم می کند ، و بدلیل چند ساهنی بودن اقتصاد و شخصی شدن وضع مالکیت در کشور ، سرمایه گذاری حتی خصوصی در صنایع تولیدی نیز ترویج پیدا کرد و نامگذاری که در زمینه های سرمایه گذاری صنعتی و معدنی فعالیت می گرداند در بانک صنعت و معدن را تشکیل میدهند . اقدام مهمی برای سرمایه گذاریهای صنعتی تازه به عمل نامورده است و بیشتر سرمایه گذاریها در زمینه راه اندازی صنایع موقوف شده بوده است . بانک صنعت و معدن در سال جاری فقط مبلغ ۲۲۲ میلیون ریال وام برای ۵ واحد صنعتی برداخت کرده است که به واحد آن کارخانه آرد بوده است . علاوه بر این مقدار وام در فرمال ۱۳۵۹ تعداد ۲۱ واحد تولیدی و صنعتی کشور تقاضای مبلغ چهار میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال وام کرده اند که برداشت نزدیک به ۲۲۲ میلیون ریال آن آماده تصویب است .

بانکهای توسعه صنعتی و معدنی ابران ، بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه و سرمایه گذاری ابران در ۹ ماهه اول سال ۱۳۵۸ مجموعاً شش میلیارد و ۵۰۹ میلیون ریال سرمایه گذاری کرده اند که نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۵۶ حدود ۸۱ درصد کمتر است . اگر این رقم را با میزان سرمایه گذاری بانک صنعت و معدن در سال ۱۳۵۹ مقایسه کنیم مشاهده می شود که میزان سرمایه گذاری این بانک به طور کامل سقوط کرده است (برداشت ۲۲۲ میلیون ریال وام) .

اخذ اطلاعات دوجانبه حاکم درمورد تقدم ورجحان " مکتب " و " تخصص " قبل از همدا در کارخانه ها و صنایع کشور امکان یافت و آنچه در این زمینه به حساب نامیده شد یعنی سوری اصلی کار یعنی کارگران می باشد . دولت موفق از همان ابتدا منابع بسیاری دربرابر کار شوراها را کارکنان ایجاد کرد و کارکنی های صورت گرفت . تبعیضات و احرارهای بی دریغ کارگران و منابع معدودی که در راه دخالت کارگران در مدیریت کارخانه ها به وجود آمد مانع از آن شد که کارگران سازار و انقلابی نوانند در تولید و توزیع ، ویرانه ریزی واحدهای صنعتی کشور تفری داشته باشند . مدیران کتم عنوان " تخصص " از سوی دولت برای نظارت بر واحد های تولیدی معرفی شدند و کارگران را اخلاک معرفی کرده و مانع نظارت آنان بر تولید این واحدها بودند . جناح بنابر نیروی کار کارکنان نام حاکمیت از شوراها را کارکنی ، کارکنان راسته به خود را در شوراها نگارند و در نتیجه کارکنان آگاه ، سازار و انقلابی که راسته به این جریان نوانند و با اصطلاح " مکتبی " مومند نوانستند در شوراها کارگری فعالیت کنند .

مجموع این عوامل و خصوصاً " مختصر ابونکس " ماده ۳۳ قانون کار ، و ارائه روابط کار از میان رژیم گذشته همچنان به عنوان عواملی بنکار میزود که جهت اصلی حمله آن صنایع کارکنان بوده است . و این نیز نشانی از

بازرگان بودن ناسبات اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری وابسته در کشور ما میباشد . نظر یکی از کارگران کارخانه پروفیل نیمه سبک در اهواز می تواند بیانگر یکی بر خوردی باشد که از جانب سلطان با کارگران می نمود : " مالگفته ما ترواری داشتیم که افسانای به علی برنگان شدند . ما اقدام به تشکیل شورای جدیدی کردیم که همه از کارگران هستند . از اعضای این شورا یک نفر را برای مدیریت کارخانه انتخاب کردیم ولی سازمان صانع ملی کارت مدیریت او را انضا نمی کند و ما دیوانه است که گرفتار این مسئله هستیم و در این دیوانه کارخانه حدود یک میلیون تومان میر داده است . من نمیدانم حرف حساب سازمان صانع ملی چیست که فرد را به تعویب هیئت مدیره انتخاب نمی کند و او را نمی بخرد . " (گپهان ۳۰ دماه)

بهمین طری از نظر مدیران و کارفرمایان بخش شوراها کارگری فقط مشورت است و در سایر مسائل حق دخالت ندارند . نباید همین دیدگاه فرمایان ، مدیران و مسئولان دولتی نوانند جامع ناسبات برای این کارگر باشد و آنچه در این حمله ، یعنی " حکومت ناسبات سرمایه داری وابسته بر سیستم اجتماعی - اقتصادی کشور " خلاصه میشود .

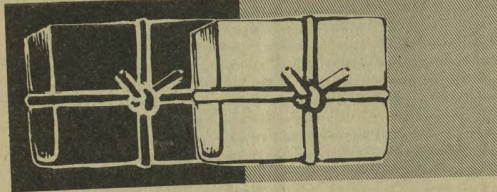
در نیمه اول گزارش از صنایع زیر استفاده شده است :

- ۱- و قایق ۲۰ ماله ابران . مین جزئی
- ۲- زندگی اقتصادی ابران منوجهر فرهنگ.
- ۳- تاریخ نوب ابران . ابونف.
- ۴- مجله اقتصادی بانک مرکزی ابران شماره های ۱۸ - ۱۹ - ۲۰
- ۵- گزارش آماری بانک مرکزی ابران درمورد بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور دماه ۵۹
- ۶- نشریه ماهانه مرکز توسعه صادرات ابران ، آذرماه ۵۹
- ۷- روزنامه های انقلاب اسلامی و ابه اد و گپهان .

خلع سلاح مردم و جنگ ایران و عراق

- از اطلاعیه های اسرار انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر: به دارندگان اسلحه در آبادان و حومه ، خرمشهر ، ماهشهر ، میناگان ، جزیره مینو ، اروندکنار ، دارخوین و گلبه و روستاهای نامعه تا ۱۴ شهریور مهلت داد تا در امرای برمیاء خلع سلاح عمومی اسلحه خود را تحویل دهند
- صحیح زادگان ۲۲/ شهریور/ ۵۹
- مبرودان خوانی بطریق انجمن اهل حق
- حملات مکتبی آبادان را درمورد افراز دادند

گپهان - ۳/ مهر/ ۵۹



در حالیکه نزدیک به یک سال از تعلیم و دانشگاه و موسسات آموزشی عالی می گذرد هنوز افرادی از سوی مسولان که تاریخ بازگشتی آنها را حتی بطور تقریبی تعیین کنند ، صورت نگرفتند . در این مدت ، از سوی گروه های دانشگاهی و سازمان های سیاسی ، فعالیت های متعددی در جهت اعتراض به ستم مامدان دانشگاهی و با خواست بازگشتی هر چه سریع تر آنها صورت گرفته و بویژه اطلاعیه های متعددی انتشار یافته است . تازه ترین اطلاعیه هایی که در این باره منتشر و

اطلاعیه جمعی از استادان و کارکنان مسلمان دانشگاه اصفهان در زمینه بازگشتی دانشگاهها و مؤسسات عالی کشور

دانشگاه بعنوان کانون روشنگر و تحرک همواره نقش مهمی در سازشات ضد استبدادی ، ضد استعماری بر دم ایفا کرده است . کثرت نیروهای را می توان سراغ داشته که از این کانون فروغ آزادی و استقلال نامیده ماند . دانشگاه در جریان قیام نیز مطالب تاریخی خود را در گروه خود را با نودها واحدی توطخهای سازگاران و تفرقه افکنگر بخوبی ایفا نمود و در جریان انقلاب براسنی کسب کرامت و وحدت بر دم بود . طوفانی بود که پشتکشیشان و مردم فرمایان راهوار بود می تواند در این سانسیت حق درکلام چند طائفی " سگژرادی " لقب گرفت .

دانشگاه در ادامه انقلاب در مسیر عد امپریالیستی ضد استعماری می توانست همچون همسنگ کانون روشنگر بوده - های مردم و مرکز سالم برخوردار افکار و فریاد رسای آزادی و استقلال باشد . اما با ناسبات اقتصادی کارمرو در دانشگاهها ما می گذرد حکایت از ضربه هولناکی می کند که بر پیشانی نهاد واره آمده ، درهای دانشگاه که توسط دستهای نوده مردم شکسته شده بود به روی دانشگاهها بسته شد آنهم تحت عنوان " فرهنگ " و " انقلاب " آثار و عواقب یاسامبار چنین عملکردهایی همچنان که از آغاز قیام قابل بینش بینی بود جز حرم کردن انقلاب از " سگژرادی " و مبارزه علیه آمریکا این سندان بزرگ ویرانگری و سرگردانی همدا هزار دانشگاهی اعم از استادان و کارکنان و دانشجویان و ... نبوده است .

از انبوه ما جمعی از استادان و کارکنان مسلمان دانشگاه اصفهان ضمن یادآوری زیامتها و خسارات جبران ناپذیر

باید و معمولی که از تعطل دانشگاهها بوجود آمده است وجه مهم نیروی آگاه و دلنیز انقلاب پوشیده نیست . از مقامات سطول مبرمانی می خواهیم با رفع هرگونه تعلل و سهل انگاری فوریت در بازگشتی کلیه دانشگاهها و مؤسسات عالی کشور کوشیده تا این حد موصحات نگرانی جدی نمای درمورد تروخواه را فراهم نموده و واکوئی نیاز موم انقلاب در این شرایط حساس باشد .

بدینیه است که بی از بازگشتی دانشگاهها با تکیه اصولی بر نظام شوراها این رمان بقدری چگونگی برنایه ریزی اداری و بد جریان انداختن کارهای دانشگاهی قابل طرح خواهد بود .

روئوسنت به دفتر رئیس جمهوری
مطبوعات

جمعی از اساتدان و کارکنان مسلمان دانشگاه اصفهان
اباضا ، بنی از ۱۵ شهریور

اطلاعیه استادان دانشگاهها و مدارس عالی تهران درمورد ضرورت بازگشتی دانشگاهها

موظبان آزاده ، دانشگاهیان عزیز

حدود هفت ماه از تعطیلی دانشگاهها و آرازی که با انقلاب فرهنگی در دانشگاهها اتفاق افتاد ، میگذرد . در این مدت وضعیت بی از تکمیل و بی جاها را دانشجو ، همند هزار دینمه در مطالب ورود دانشگاهها و دیها هزار اساتد و کارکنان همچنان نامتعین و در حالت بلاکنفی است . در حالیکه جامعه ما بی از هر زبان دیگر نیازمند وجود دانشگاه - های فعال چه در زمینه های علمی و آموزشی و چه به لحاظ اقتصادی - سیاسی و اجتماعی است . این سؤال اساسی در اذهان عمومی مطرح است که تعطیلی دانشگاهها تاکی به طول می انجامد ؟

اکنون دیگر عوارض زایل نمند تعطیلی مراکز آموزش عالی کشور می توانست بود . برنایه اقتصادی - اجتماعی و افزایش بارشای های حاصل از آن را نمی توان نادیده گرفت . ولذا باید تا حد ممکن که طرح انقلاب آموزشی کاصولاً می بایست در گرونی نظام دانشگاهی را در جهت تفریح هر چه بیشتر با مفاع جامعه در نظر داشته ماند ، تا بحال محمولی جز ضرر دادن انبوهی اموزشها و اسنادهای این مبین نداشته است . بررسی عملکردهای چند ماهه جهاد دانشگاهی نیز موند این ادعایت که جز برانگیزدن صفوف دانشگاهیان ، تضعیف عقیدتی و دخالت در عزل و نصب مسئولین دانشگاهی و رکود فعالیتها و تحقیقات علمی کارگرفته است . همچنین بی از گذشت بی از نشیاء از برقراری ساد انقلاب فرهنگی ، مسئولین امر کمترین بومقنی در برنامهریزی یک سستم آموزشی انقلابی برای دانشگاهها نداشته اند و در این راه نیز نه تنها هیچ کام بومقنی برداشته نشده بلکه در بسیاری از زمینهها منتخبا جز عقده گرد دیده بی شود . منتخبا کار این مدت نشان میدهد که هرگونه بومقنی در این زمینه در کر کنار گذاشتن هیوا تنگ بینگرا و باحمارطاللیها و موبه به ترک فعال دانشگاهیان از طریق شوراها بر دمی و منتخبا آنان خواهد بود .

اینگ با توجه به مباحثی که از سوی حدود یک هزار نفر از اعضا هیئت علمی دانشگاهها تهران در آغاز سال تحصیلی صادر شد و ضمن آن بازگشتی سریع در دانشگاهها خواسته شده بود و با توجه به قطعنامه های متعددی که از سوی همکاران دانشگاهی شهرساختا در رابطه با لزوم بازگشتی دانشگاهها انتشار یافته است و در آستانه سالگرد بازگشتی دانشگاهها به اراده خلق قهرمان ما و با حضور مملع کبیر آیت الله العظمی در دوسال پیش صورت گرفت ، و نیز در آستانه شروع نغمال دوم سال تحصیلی ، با اتمه هیئت علمی دانشگاهها و مدارس عالی تهران با توجه به عوارض گوناگونی که ستم مامدان دانشگاهها بوجود آورده است و بنقشه نظرها و خواسته های اساسی خود را در رابطه با انقلاب فرهنگی و سرنشوت دانشگاهها بار دیگر اعلام نموده ، ضمن درخواست حمایت تمامی دانشگاهیان منعم و

بازرگان ، نخست‌وزیر دولت بوقت انقلاب در بهار ۵۸ گفت : " کارخانجات ، به دست هستند ، کارخانجات دولتی ، کارخانجات تولید و کوچک بخش خصوصی و کارخانجات بخش خصوصی به نقیاس بسیار کوچک‌تر و کوچک و مالکین و صاحبان سرمایه‌های دست خود رفتند و پولها را نیز با خود بردند و برای ما رحمت و بدهدگاری به‌ارت گذاشتند... بهرحال ضمیمان این سرمایه‌های بزرگ را حواصیلند ...

بعد از آن نیز راه دولت بوقت ادامه یافت . در حالیکه " ملی " کردن بصورت مصادره سرمایه‌های خارجی (مانند سدکو ، فلور ، استارلاین) پذیرفته شد و بسیاری از آنها هم اکنون فلاند .

بني صدر نیز بعد از کسب مقام ریاست جمهوری سیاست بازسازی نظام سرمایه‌داری و ایستادگی را در پیش گرفت . از دید او مهم این است که به نحوی با بازار سرمایه‌داری جهان در ارتباط باشیم و در شرایطی که بحران روابط با آمریکا اوج میگیرد ، از طریق زاین و اروپای غربی و بواسطه کشورهای خلیج فارس و دیگر نقاط نزدیک ، این روابط حفظ شود .

نوحه رئیس جمهور در باره ارتباط با امپریالیسمهای غیرامریکائی ، گسترش روابط با امریکای بعد از ۲۸ مرداد را بناد می‌آورد . در آنزمان یکی از توجهها این بود که امریکای بخاطر فاصله دورتری که نسبت به انگلستان ، به ایران دارد ، کمتر مستواند به استعمار کشور ما بپردازد ! و امروز در باره زاین بعنوان یک " امپریالیسم خوب " می‌شویم که " زاینی‌ها هیچوقت به ما تسلط ندهند و نه خواستارند که تسلط ما باشد ."

قانون سهیلان ، مالیاتی برای کارایی بیشتر واحدهای صنعتی نیز که بصورت ماده واحده از تصویب شورای انقلاب گذشت (۱۹ دی ۵۸) حرکتی در جهت سهولت بخشیدن به ادامه مسائلی فنی و ادامه روابط با سرمایه‌های جهانی بدست دولت بود .

روزیهای دولتی به " ملی کردن " ، روزنامه‌های عمومی کشور عموماً نظریاتی سطحی را عنوان میکنند ، روئیهای صبح و عصر بخشهای فطری را به این تمیزات اختصاصی دادند که تنها در حد بیان یک خواست گنگ فانی می‌مانند و راه عملی گسترش زنجیرهای انحرافات را نشان ندهند . در این روزنامه‌ها به دفاعات بر نقش کارخانه‌های انحصاری و صنایع وابسته تاکید میشود که البته غیر قابل انکار است . این تاکیدها بدون ارائه طرحهای عملی برای استقلال ، از بهمن ۵۹ تا کنون به تکرار در روزنامه‌های مکتوب شده است و نظریاً در تمام وزارت تلاش بران بوده تا با زدن رنگهای " علمی " و " مکتبی " راههای نگیس و منجیبی که عرضه میشود ، بدون جوب و چرا ، راه‌های جهانی و اساسی عنوان شود .

ترمیم نظام قبلی

در مقابل برخی سازمانها و احزاب صریحاً " برعکس بودن اینگونه " ملی کردن " ها ناکند کرده ، کوشش خود را صرف این کردند که نشان دهند همه وسایل برای این کار آماده است . این احزاب یادآور شدند که چنین اقدامی درازمدت گذشته نیز مبرور است منتهی احزاب دست ...

ایران حرس‌نویسه که همواره از امداد فنی دولتی، کردن سرمایه‌ها بودیست در شماره ۲۴ دی ۵۸ خود دربارهٔ گفنه رصاصه‌وزیر بازرگانی دولت بوقت سنی بر اینکه درست گرفتن بحران خارجی بوسیله دولت محتاج آمادگی کامل است می‌نویسد : " بنظر می‌رسد که تنظیم کنندگان قانون اساسی با استفاده از تجربه تلخ گذشته ، بردستی به این نسخه رسیده اند که برای جلوگیری از هر چه واردات و کنترل قسماً، تنها راه ملی کردن بازرگانی خارجی می‌بودن گنده امور در این عرصه حساس جهانی به دولت است . همه میدانند که مسئله دخالت دولت در بازرگانی خارجی موضوع تازه ای نیست . در گذشته به تنها انواع سازمانهای دولتی ، بلکه در مواردی حتی وزارتخانه‌های جداگانه نیز اقدام به خرید کالا از خارج می‌کردند . این سازمانها با همه وسوسه و دودخه امروز نیز وجود دارند و قاعداً " می‌بایست با نیازمندیهای داخلی و وضع بازار جهانی آشنائی داشته باشند . علاوه بر این ، اکثر بانکهای ملی تازه نیز در این زمینه تحریمات کمی ندارند . لذا میتوان گفت که پایه نسناً " وسیعی برای اجرای تدریجی و در عین حال سریع اصل ملی شدن

بازرگانی خارجی وجود دارد .

" لیبرال " ها به نشان نشان ندادند که از این ملی کردن‌ها بگریزند ، بلکه استقبال نیز کردند . آنها یادآور شدند که اصل این قانون مخالف نیستند ، ولی شورای انقلاب در این زمینه قانونی تصویب کرده است و دیگر معایز به طرح و تصویب دوباره آن نیست " لیبرالیها " بخاطر وابستگی اقتصادداران و بحران عمیق و همه جانبه آن از اینها قتل ، بخوبی می‌دانند که بدون تترکز و تک‌های وسیع دولتی نمی‌توانند بحران را تخفیف دهند . آنها می‌گویند که دولت باید بشی‌ارزشش در امور اقتصادی به " ارشاد " بپردازد .

لیبرالها آنگاه حکومت " دولت بوقت انقلاب " نیز این ضرورت را درک کرده بودند . بهین سبب بانکها را " ملی " و صنایعی را که زیان دیده بود " دولتی " اعلام کردند . چرا که راه دیگری برای تخفیف بحران با دست‌کم جلوگیری از عمیق‌تر شدن آن (از نظر دولت) وجود ندارد . ضمن آنکه نظریات فنی و سیاسی نیز دولت می‌توانست بوقت‌های بدست آورد ، بدینگونه‌کسانی که انتظار داشتند دولت سرمایه‌سرایان را " مهار " کند و با مخالفانی که " دولتی شدن را معادل " سوسیالیسم " کردن اقتصاد تصور می‌کردند " متقاعد " می‌شدند که مطالبه دولت با بحران ، علیه سرمایه‌داری جهانی یا " عد امپریالیستی " است .

تسلطات وسیعی که در پی گرفته ، احکار و تورم ، احکار و تورم ، حتی از سوی رسانه‌های گروهی مطرح شد ، می‌بایست به راه جاری می‌شدند . بسیاری از روزنامه‌ها بعد از سردادن از طرفان از گزائی " ملی کردن بازرگانی خارجی " را بعنوان راه حل اساسی این مشکل عنوان کردند و به این ترتیب برده‌صحنی بر مناسبات سرمایه‌داری و آنچه که نامی کشور را درازتار خود دارد ، کشیدند . این راه حل به بخاطر نقش مثبت بلکه بدلیل حفظ مناسبات " سرمایه‌داری " و بعنوان جزئی از این نظام و آنچه راهی که سعی در حفظ بازارهای بیرون هستند آن را دارد قابل توجه است . در این شرایط است که دولتی‌کننده می‌نود تنها راه حل مشکل گزائی " فقط " اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ملی کردن بازرگانی است . باید یادآور شد که منشا و مرجع سه ساله داده‌گرفته شده ،

مبارزه با « معلول »

علاوه بر این جنبش بومی از ملت اساسی گزائی و تنها مبارزه با معلولان آن ، این اقدام اصلاحی که خود در جهت " بازسازی " سرمایه‌ها و زمینه سازی برای پیشی آنها و رونق عرصه دست‌بند استوار نیست ، یک عمل انقلابی تلقی می‌شدند . تقریباً همه روزنامه‌های عمومی این " ملی کردن " را معادل " استقلال " و قطع وابستگی عنوان کردند . بر آنکه نشان دادند چگونه هنگامی که حتی با وجود دولتی کردن سرمایه‌های خارجی همچنان در عین اولویت های اقتصادی با نقش تعیین کننده داریم ، می‌توان مدعی رسیدن به استقلال اقتصادی شد ؟

بنیکی از سخن‌ترین موسیقی‌ها در این زمینه می‌گوید : " در همه رشته‌های صنعتی نیازمند استقلال و بیشتر فرجه هستیم ... به سلطه " شرکت‌های چندملیتی بر صنایع دارویی کشور با همه ریزه‌چیزها و نریاها یاد ... صنعت دارو سازی با نیازمندی سرمایه‌های خارجی و داخلی خصوصی محتاج باید . تولید و توزیع صنعت دارو تنها راه دسترسی به نیازمندیهای دارویی در سطح کشور است " (ناممرد ، ۲۸ بهمن ۵۹)

به این ترتیب باید پرسید چگونه با دولتی کردن تولید و توزیع دارو و استقلال این وسیله از بخش خصوصی " به " دولتی " ، بدون تعبیر در مناسبات این بخش با سرمایه‌های جهانی ، استقلال اقتصادی ناممکن می‌شود و باید پرسید بیشتر بر چه است دولت را در نظام وابسته با معادل قطع وابستگی معرفی کرد ؟

نگاهی به چند مورد در زمینه مسائل بازرگانی ، دست‌بند و ادامه وابستگی را بسنجی می‌توان دید . برای مثال در حالیکه به گزارش گنجان روز ۱۱ خرداد ۵۹ ارسال گشته در مقابل نزدیک به ۷ میلیون دلار صادرات سالانه غیر نفتی حدود ۳/۵ میلیارد دلار واردات مواد غذایی و دیگر ۱۲ میلیارد دلار واردات دارم که نزدیک به ۸۰ درصد آن از بازار استرکارتارو است یعنی خود . با استقلال در همین نوسه‌ها هدف تعیین‌کنندگان که همان " بازسازی " نظام قبلی است بیهان شده است ضمن اینکه خود آنها نیز نشان می‌دهند که این نظام " چگونه " باید بازسازی شود . " چگونه کارخانگان اگر کارخانه‌های دارو سازی فعلی طوری بازسازی می‌شدند که از ساختار ظرفیت

خود استفاده کنند ، حدود ۹۰ درصد احتیاجات کشور در داخل قابل تهیه خواهد بود . " (گنجان ۱۴ بهمن ۵۹) و آیا تهیه نیازها در داخل کشور بمنتزاهای نشانه استقلال است ؟

کنند مهم دیگر اینها بر این نوشته‌ها بر " سودآوری " تاکید بسیاری نمود . سودی که شرح خواهیم داد به هیچ‌کس نمی‌رسد . اما نگرانی همچنان این است که " دولتی کردن " بعنوان بزرگترین راه نجات اقتصاد کشور قلمداد می‌شود . گنجان ۲۱ بهمن ۵۹ حکم می‌کند که " ملی کردن تجارت خارجی ، مشکل کشای احکار ، گزائی و بسیاری است . و توزیع دولتی دارو ، درمان همه دردهاست " . و در حالی که هدف ملی کردن ، از نظر بیشتر مسئولان استکارا تولید بیشتر و برآورد انرژی اقتصاد معرفی نمود ، و روزنامه‌ها به تلاش استوار برای اعلام شده با بیان‌شان به تکرار دولتی کردن را بافتی استوار و وابستگی یکی می‌دانند و ملی کردن‌های خارجی را با " سوسیالیسم " تریابی کنند .



هائی ، سهولت افزایش تولید

یکی از مدیران کارخانه‌های دارویی می‌گوید : ما از نظر مالی و اقتصادی مشکلات داریم و انتظار از مقامات مسئول این است که خارج از مقررات دست‌بند بگیر ، از این نظر سهیلانی قابل‌توجه " . (گنجان ۲۳ بهمن ۵۹) این بخوبی نشان می‌دهد که هدف از دولتی کردن بطور اعم ، ایجاد سهولت جریان تولیدات بدون توجه به مناسبات سرمایه‌داری موجود و با حفظ شرایط طبیعی کشورهای که در گذشته نیز با ما روابط بازرگانی مشابهی را داشتند .

روزیته انقلاب اسلامی نیز در شماره‌های ۲۶ تا ۲۸ بهمن جاری تلاش می‌کند راه‌های رسیدن به استقلال اقتصادی و راه " بازگشت " مرکز تصمیم‌گیریهای اقتصادی را به داخل کشور نشان دهد و گویند که چگونه می‌توان ارتباط صنعتی و کشاورزی به " خودکفائی " رسید . این روزنامه با طرح دوربیشتر " دست اندر کاران " خوانسته است اما راه رسیدن به استقلال اقتصادی را نشان دهد . سوال اول این است که آیا " ملی اقتصادی " بی‌زمینوری انقلاب در جهت خودکفائی بود است ؟ " که پاسخ از سوی همه " دست‌اندرکاران " منفی بوده است بر سر خود این است که " برای رسیدن به استقلال اقتصادی (قطع وابستگی) چه باید کرد ؟ و اینجاست که روش می‌شود که بر پایه‌های عرضه شده از سوی این روزنامه تا چه حد می‌تواند پاسخگوی خواست اساسی انقلاب یعنی استقلال اقتصادی باشد .

در این گفت و گوها ، " دست اندرکاران " تغییر الگوی مصرف (بدون توجه به مقدم تولید مصرف) مهاجرت " قدس " (بازگشت به روسا) و در نهایت افزایش " تولید داخلی " را بعنوان راه حل معرفی می‌کنند و یادآوری می‌کنند که باید تکلیف نظام مالکیت و بهره‌وری زمین روشن شود ، امنیت نظمی برای هنگام بهره‌وری تولیدکنندگان تضمین شود و طرح بیمه محصولات کشاورزی و تضمین خرید محصولات کشاورزی (خرید با قیمت زیاد و فروش با کم) اجرا گردد . همچنین در نظرموسنا ، مواد اولیه در داخل کشور تولید شود و صنایع وابسته به کشاورزی (قند ، آدام‌آردی ، نساجی و غیره) مورد توجه کافی صورت گیرد .

البته انتظار روزنامه انقلاب اسلامی اقداماتی است که " باید " صورت گیرد ولی اینکه اجرا و ارتباط آن با استقلال اقتصادی و نتیجه آن سود چه کسانی خواهد بود ، روشن نمی‌شود .

در یک کلام ، همه این نوشته‌ها ، تلاشی است برای تشویق اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خلاصه نظرات این گروه‌ها را که در نهایت " استقلال اقتصادی " را در افزایش تولید و " توسعه " می‌دانند ، می‌توان در اصل

۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی یافت که از جمله می‌گوید : " تا یکصد نفر از پیشانی تولیدات کشاورزی و دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند کشور را به مرحله خودکفائی برسانند از وابستگی برهانند . اینها نمونه‌های بوداری تجزیه‌روزیته‌ها و شرایط رسمی درباره " دولتی کردن " یا " استقلال اقتصادی " مطرح می‌کنند . اینگونه موضع‌گیری‌ها بطور خلاصه دولتی کردن را اقدامی ضروری برای " خودکفائی " ، " ارآمداری " و در نهایت " توسعه " اقتصادی می‌دانند . اما نشان می‌دهند که این افزایش تولید " چگونه " در چه " شرایطی " و چرا و با استفاده از چه بکنده و ابزار به " استقلال " اقتصادی می‌رسند . اگر " توسعه " بدست دولت یا بخش خصوصی خودی خود بی‌باید به استقلال و قطع وابستگی برسد ، باید انتظار داشته باشیم که نظام‌هایی چون رژیم سابق که در یک دوره معین کسب و کار رونق داشت با گرگ‌جانی اقتصادی کالا " وابسته به سرمایه‌داری جهانی و رزق از پیش تولید چشگیری داشتند ، در نتیجه این " توسعه " خود بخود به استقلال اقتصادی رسیده ، با در این مسیر چشم انداز قطع وابستگی را پیش رو داشته‌باشند . در اینجا تلاش می‌کنیم با نشان دادن حرکت و عملکرد شکل‌های خصوصی با دولتی سرمایه‌داری بر این سبم خود به روشن شدن مسئله کمک کنیم .

جهانی شدن سرمایه در ایران

در توسعه روابط تولید سرمایه‌داری در ایران ، دو عامل نقش عمده داشته است : یکی نیازهای کشورهای امپریالیستی و دیگری نقش دولت مرکزی ایران . این دو عامل طی چند سال اخیر ، بسته به شرایط مختلف تاریخی و تحولات درونی سرمایه‌داری جهانی ، دارای تأثیرهای بارز داشته‌اند . در نتیجه توسعه سرمایه‌داری صنعتی در ایران بوده اند در این بعد دولت‌های امپریالیستی بخاطر وجود ذخایر عظیم نفتی و موقعیت جغرافیائی ایران از نظر سطح تولید فاریس ، به کشور ما علاقه‌مند بوده‌اند .

وجود درآمدهای فرازاید نفت که در اختیار دولت ایران بوده بویژه در دهه اخیر ، در توسعه سرمایه‌داری صنعتی نقش اساسی داشته است . بطوریکه دولت مرکزی با عرضه وام‌های کم بهره به سرمایه‌داران صنعتی و انجام برنامه‌های زیر بنائی (مثل راه ، برق ، آب ، بنادر ، مخابرات و آموزش) و همسپواری ایجاد صنایع سنگین حوالیت حمایت از سرمایه‌کارهای خارجی ، نقش تعیین‌کننده‌ای در " توسعه " سرمایه‌داری صنعتی داشته است .

" توسعه " و " صنعتی شدن " به معنی انباشت " سرمایه " است و " شکل سخگان محلی " به مفهوم تحکیم حاکمیت سرمایه‌داری است . صنعتی شدن از طریق سرمایه‌داری صنایع انگلیس برای اکثریت مردم وارد . همچنین از جابجایی قدرت از سرمایه‌داری جهانی به سرمایه‌داری محلی (از نظر گویا " توسعه ملی " می‌گوید) ، نفعی به نفع‌های مردم نمی‌رسد . منافع توده‌ها در نفعی مالکیت خصوصی است نه در " توسعه " که همان انباشت سرمایه است .

قوانین اساسی شیوه تولید سرمایه‌داری ، سرمایه‌ها را به انباشت هر چه سریع‌تر در تمام نقاط ، از جمله کشورهای عقب مانده ، با گزیری می‌سازد و این روندی است که " توسعه " خوانده می‌شود . این " توسعه " ، حتی اگر " غیر سرمایه‌داری " نیز خواهد بود ، در یک کشور سرمایه‌داری و در صورت حفظ مناسبات این نظام ، چیزی بیشتر از توسعه روابط تولید سرمایه‌داری نیست و نمی‌توان آنرا بسا سوسیالیسم یکی دانست و انجام " توسعه غیر سرمایه‌داری " را معادل سوسیالیسم قلمداد کرد . چرا که سوسیالیسم نتیجه توسعه سرمایه‌داری نیست بلکه ناشی از انقلابی است که طی آن طبقه کارگر و متحدانش قدرت دولتی را به چنگ می‌آورد و برای رسیدن مابین نظام به حرکت شان ادامه می‌دهد .

تکامل اقتصاد ایران در دهه اخیر نتیجه انباشت سرمایه در صنایع نفتی است . این امر در دهه نخست توسط سیاست‌های دولت ، طرز تفکر دولتی‌های امپریالیستی ، اقدامات شرکت‌های چندملیتی ، با حتی مبارزات کارگران صنعتی شده بلکه برعکس اقدامات دولت ، قدرت‌های امپریالیستی و شرکت‌های چندملیتی

خود نتیجه همین روند (جهانی شدن و خودکسری سرمایه) بود که سرعت و طبیعت صنعتی شدن را تعیین می کرد.

روند خودکسری و جهانی شدن سرمایه بصورت دوره ای، نضادها و نضادها را بوجود می آورد که حل آنها (ازجمله دولتی کردن سرمایه)، مستلزم تجدید ساخت سرمایه است.

مرحله آغازین تولید کالای غیرسرمایه داری، در برخورد ناموان صنعتی شدن، نضادها و نضادها بوجود آورد که از طریق گذار به تولید سرمایه داری حل شد. انباشت سرمایه به نوبه خود موجب بروز روندی شد که نقطه اوج آن جهانی شدن تولید است. نتیجه جهانی شدن تولید برای ایران رشد سریع صنعتی بود، مداری که توسط حرکت سرمایه ترسیم می شود، از پیله مرحله عبور می کند: پول، کالا، تولید. درانطباق با هر یک از این مراحل، یک مدارگرایی سرمایه وجود دارد، درحالی که هرمدارگرایی معطوف به همان روند خودکسری سرمایه است.

نحزات من المنطقی تنهاسلطان وجود تولید کالای در یک مقیاس جهانی است و طی آن وجود روابط تولید سرمایه داری ضروری نیست. بنابراین گذار سرمایه کالای مدت ها پیش از سایر مدارها حتمی و جهانی نبود.

درحالی که جابجایی سرمایه ها قبل از حرکت جهانی دوم بخشی از بازار جهانی را تشکیل می داد، تنها با جهانی شدن مدار سرمایه کالای ظاهر شد. سرمایه داری در دوران سوسیالیسم، در پی خودکسری سرمایه داری در کشورهای توسعه یافته، سرمایه داری در کشورهای در حال توسعه، تولید نفت و گاز در کشورهای نفتی، تولید نفت و گاز در کشورهای نفتی، طبق رهنمودهای مشاوران خارجی، که مانند طبقات حاکم محلی، مخالف صنعتی شدن این کشورها بودند، به مصرف می رسید. نضادها و نضادها سالی چند در جریان جهانی شدن مدار سرمایه کالای در ایران، بیشتر ناشی از اقتصاد جزیره ای بود که موجب این بخش اقتصادی بشرن صنعتی بر پایه روابط مبتنی بر سرمایه داری در دوران یک اقتصاد سنتی مابقی سرمایه داری محصور می شود، طوری که این دو بخش از نظر فنی و اقتصادی در مجموعه نامیار را تشکیل می دهند.

در سرمایه داری دولتی بصورت بودجه، دولت بوسیله خودکسری و خودکسری در بخش خصوصی و بخش دولتی کنترل می شود. دولت مالک و مابقی عمده تولیدات و بودجه سرمایه گذاری صنعتی دولت توسط ناظران می شود. کنترل باقی بزرگوارهای دولتی در دست مدیران این واحدهاست.

حکومت عراق میباید که نمونه وسیعاً از سرمایه داری دولتی را دنبال کرده است. تنها صورت تکنکراتی سرمایه داری دولتی در عراق، «حیات بر پایه ریزی» است که شاکت زمامی با «سازمان سرمایه داری». هر دو این سازمان ها بطور نظری سرمایه داری را برای بخش های دولتی و خصوصی تعریف کرده اند اما برای رسیدن به هدف های خود هیچکدام از نفوذ سیاسی و طرفداران اجرائی برخوردار نبوده اند. این دو سازمان به صورت بوسه های شد دولتی باقی مانده که در آستانه صرف اجرای طرح های مشاوران خارجی می گردند. با این وجود یک مغایرت اساسی میان «حیات بر پایه ریزی» عراق و «سازمان سرمایه داری» وجود داشته است. «حیات بر پایه ریزی» در مرحله اول شامل جهت سلطه سرمایه داری دولتی بر سایر تولید بوده است، درحالی که «سازمان سرمایه داری» بطور عمده وظیفه هماهنگ کردن و ستاب بخشیدن در روند انباشت سرمایه خصوصی را برعهده داشته است.

سرمایه دولتی در ایران

ایران در دهه اول راه سرمایه داری دولتی را دنبال کرد سرمایه گذاری دولت در بخشهای تولیدی بسیار کم بود. با اواسط دهه ۱۳۳۰ (۱۹۵۰) مالکیت دولت بیشتر بر صنایع حیدر محدود می شد.

شام و اردات که واحدهای دولتی به چند ناحیه صنایع محدود شوند و این اقدام منجر به احداث کارخانگی اولیه صورت گیرد. با سازمان موسسه های خصوصی توانمندسازی سازمانها در اختیار بگیرند.

همزمان با افزایش در دسترس شدن نفت، دولت ایران به جای آنچه خودخواه مشاوران در دسترسگاه هاروارد پیش بینی کرده بودند، در تولید نفت شرکت کرد. تا سال ۱۳۵۰، دولت ایران در زمینه انرژی سرمایه گذاریهای مشترک با موسسات خارجی شرکت کرده بود که کارخانه کود شیمیایی و مینرالی در ارضی آن جلند.

در دوره دهه های عمرانی بر پایه چهارم که توسط سازمان برنامه تهیه شده بود، با مبنای صرف امور زیربنایی (حمل و نقل، ارتباطات، نیرو، سکن، آموزش و غیره) می شدند. تا نهم عمده هزینه های دولتی، ایجاد شرایط لازم برای گسترش سرمایه خصوصی بود.

گرایش عمده برنامه های صنعتی دولت ایران به ایجاد صنایع دولتی بلکه عرضه وام های کم بهره به کارفرمایان خصوصی بود. برنامه عرضه اعتبارات در ایران، نقش اساسی را در توسعه صنعتی ۳۰ سال گذشته داشت. بخش کوچکی از وام های دولتی صرف صنایع کوچک و متوسط می شدند. با اقبال همین نگاههای کوچک

بودند که قیمت اعتبار متوسط و متوسط و زیربنایی توسعه صنعتی ایران را فراهم کردند.

بیشتر سرمایه داران صنعتی در ایران را تجار سابق بازار شکر می دهند که در نظرشان فعالیت کارخانه تنها قدمتی به جندان دلچسپ برای فروش محصول است. آنها برخلاف صنعتگران سابق، علاقه کمی به تغییر فنی و یا افزایش میزان بهره وری دارند. با وجود این و با وجود اینکه در توسعه صنایع دولتی در تولید سبب توسعه سرمایه گذاری های سنتی در زمینه های چون زمین و مسکن و انواع بورس بازی و تجارت

خارجی را ترجیح میدهند.

بخش های هارنج می داد میباید در سرمایه گذاری صنعتی شرکت کنند و تا آجایی که بتوانند فعالیتها را با یکدیگر بنامند و با یکدیگر بازاریابی سریع را بران و وام های تولیدی به موسسات حیدر جمع دهند.

سرمایه دولتی در ایران نقشی اساسی در تعیین مسیر توسعه سرمایه داری داشته است. نهاد های مالی تحت نظارت دولت نقش عمده را در توسعه سرمایه داری در ایران ایفا کرده اند و بطور کلی صنعتی شدن ایران بطور عمده بر پایه سیاست جاگرتی واردات قرار داشته است. به بیگانه سازی از بانکان ایرانی تبدیل میباید در ایران صنعتی شدند. نهاد شری مالکان ارضی - تجار و بازرگانان - با مبنای تبدیل به سرمایه داران صنعتی شوند یا از سرمایه داران صنعتی حمایت کنند.

از «تولید سبب» زمینه انباشت سریع سرمایه داران صنعتی نیروی کار... در ایران در فراهم آورد. نگاههای آمریکا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بیشتر هنگامی عرضه میباید که سازمان برنامه و ارتش به جای کارخانه درآمدهای موجود صنعتی خرج کرده بودند. این کمک ها همیشه آماد عرضه بودند و این بود که در ایران در برآورد و ساخت اهداف امیرالستهای آمریکایی موفق بوده است.

یک نکته مهم در سرمایه داری دولتی صنعتی در ایران این است که «اقتصادی در ایران ابر نهفته است که ابر تولید تاجه حیدر ای برنامه ریزی کارخانه است و این آگاهی تاجه در اخراجات اساسی کشور مربوط بخرایسته است. سرمایه داری دولتی در سرمایه گذاری نفت مانند (از جمله مصر، عراق و ایران) رطبی به تولید با

برنامه ریزی کارخانه نداشته است. و از آنجا که شکل اصلی این کشورها و صنعتی است و سرمایه به مفهوم جهانی آن خفاصلی اقتصاد این کشورها تعیین می کند، بدون سرمایه داری در بخش «تعمیرگری» و رهبری این کشورها، امکان بر پایه ریزی از سوی «دولت» نمی تواند هدفهای بنیاتی مردم را تحقق بخشد

صن آن تکنولوژی به گونه ای در نهایت «امانت دار» سرمایه داری خواهد بود.

اما «دوره» بر پایه ریزی نیز باید توجه داشت این اقدام از سوی چه کسی انجام می شود صرف

«بر پایه ریزی» را نباید صرفاً به سوی «استقلال» اقتصادی تلقی کرد علاوه از آنجا که «بر پایه ریزی» خود

توزیع اداری و عمومی «دولتی» شدن را طلب می کند، شاکت دقیق تر «سرمایه داری دولتی» که مستلزم نوعی «بر پایه ریزی» است ضروری بنظر می رسد.



سهولت مبادله با دولت ها

مبادله آرد و سبب که در صورت تجارت جهانی را مایل به همان شرکت های چند ملیتی شکل می دهد که این رقم در حال افزایش است. در این زمینه حتی دولت هائی مانند ایران و چین و روسیه و سایر کشورها هم صنعتی و نفت مبادله می کنند که این سهولت مبادله از طریق «دولت ها» اشاره دارد.

علاوه بر این، بهترین فعالیت های اقتصادی رژیم سابق که در برز می آمد، دولتی کردن راه به منظور سهولت تجارت سرمایه داری جهانی در آسیای تین صنایع طبیعی و انسانی با نشان می دهد.

۱- صنایع نفت، گاز و نیروی هسته ای در اختیار دولت

۲- تولیدکننده کار و نفت منظور حمل کار و نفت به مراکز فروش و مصرف در اختیار دولت

۳- صنایع دوا، آهن، صنایع فولاد، دوا، قطعات، اموال، اوبسیتیوم، تکنولوژی های هسته ای، نیرو و گاز در دولت به خود اختصاص داده.

۴- مبادله کالا در اختیار دولت و دوره های زیادی از زمان در صنایع و زغال سنگ در دولت مبادله داشت.

۵- کلیه راههای ترانسپورت و ارتباطات، راه آهن، هواپیما، مینی و سایر در اختیار دولت قرار داشت. صنایع «کرف ایرانی شرکت های منقطع حمل و نقل ایران و شوروی و بعضی کشورهای اروپای شرقی دولت بود.

۶- خطوط آبی و هوایی تهران و شهرها تنها منقطع دولت بود.

۷- سدها، بزرگراهها، نیروگاهها، دریاها، سراسر ایران در اختیار دولت بود.

۸- دست و پنجه و نفت و گاز و سایر اجزاء در اختیار دولت بود.

۹- نشتات شمال و جنوب و نشتات در اختیار دولت قرار داشت.

۱۰- بانکهای مرکزی، ملی، بیمه، راهکارگران، اعتبارات صنعتی، رهتی و کشاورزی بانکهای دولتی بودند. نیز

امکانوار راه امریالی و رهبری بانکهای خصوصی و سیاستها و حتی دولت در امریالی بوسیله بانک مرکزی انجام میشد.

۱۱- شرکت بیمه و شرکت دولتی است. بیمه کارگران و کارمندان معیبه سازمان بیمه های اجتماعی و سازمان خدمات درمانی که هر دو سازمانهای دولتی هستند گذاشته شد.

۱۲- تجارت خارجی در اختیار دولت بود. شرکت مبادلات خارجی شرکت دولتی بود که خریدهای دولتی و توزیع و فروش را مبادله داشت. تجارت خارجی را دولت تعیین میکرد و در صورت هر چه کارگزاران حقوق گرفت و سود مازاد را برای کارگاههای و اداری و صادراتی دریافت میشد دولت تعیین میکرد.

۱۳- بزرگ رسته صادرات که مساحت دولت را در باره صادرات کالا برای سرمایه داران خصوصی تعیین میکرد

۱۴- سازمان دولتی بود. کارخانهها منقطع بدولت بود. قیمت گذاری گوشت در دست دولت بود. خرید

گوشت و دام و سرمایه گذاری در دامداری های استرالی و ولاند نو با سرمایه گذاری دولتی انجام میگرفت.

۱۵- دولت در صنایع صرفی مانند کارخانه های نفت، شیمیایی، صنایع استخراجی، کبوت، کتسو،

توربینها، سوزنده، چوب، کاغذ، بتن، سرمایه گذاری کرد و بیشتر این صنایع منقطع بدولت بود.

۱۶- واحدهای کتسو صنعت در اختیار دولت بود.

۱۷- اجازه تا تعیین شرکتها و موسسات مختلف در اختیار دولت بود.

صنایع متنوع در زمینه کتسو و صنایع ارتباطی میان کتسو که تریب به همه رشته های اقتصادی زیر نظر دولت است.

در جریان «صنعتی شدن» ایران، دولت در گسترش سرمایه حیدر صنایع بسیار پرد، دولت در آمد نفت را در زمینه های تولیدی، ایجاد نا، سیاست زیربنایی و نظامی و واردات کالاهای صرفی واسطه و سرمایه های

کثرت گرفت. سهم هزینه های صرفی دولت در مجموع هزینه های ملی، از ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۳۸ به

۲۳/۲ درصد در سال ۱۳۵۱ افزایش یافت. در این مدت، دولت خریدار عمده را بازارهای بود و هزینه های دولتی و خارج نظامی - سیاسی باعث افزایش نظامی برای کالاهای وارداتی و محصولات صنعتی شد.

در طی این مدت (۱۳۳۸ - ۱۳۵۱) سهم دولت با سهم بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی برابر شد. هر چند سرمایه گذاری دولت در بخش ساختن هواپیمایی بیشتر از سرمایه گذاری بخش خصوصی در این زمینه بود است. سرمایه گذاری ناخالص دولت که در ۱۳۳۸ - ۱۳۵۱/۵ میلیارد ریال بود در سال ۱۳۵۱

۱۳۲/۵ میلیارد ریال یعنی بیش از ۶۶ درصد افزایش به ۱۳۴ میلیارد ریال رسید.

بخش عمده سرمایه گذاری دولت در ماشین آلات برای ایجاد صنایع سنگین بود که به سرمایه هنگفت نیاز داشت و به علت با شیب بودن نرخ سود در این صنایع، بخش خصوصی آردود به آن برض می کرد اما دولت برای

بانش آوردن هزینه سرمایه داران بخش های دیگر، به برخی ارزشته های سنگین که تقسیم من المنطقی کار وجود آنها در اقتصاد ایران اجتناب می کرد، روی آورد.

تحولات آغاز دهه ۴۰ در ایران موجب غلبه سرمایه داری و سرمایه داری و سرمایه داری و سرمایه داری، به بزرگترین سرمایه داران بخصوص در بخش مالی شد.

اقدام اقتصاد ایران در نظام جهانی سرمایه، سیاست بهره گیری از تغییر نهاد «دولت» نیز در

سونه های گذشته، ازجمله ایران نتوانسته این سیاست را ازین میرد، بلکه در دولتی کردن سرمایه، دولت هر چه بیشتر سرمایه داری خود و بیشتر از هر چیز این بیده سانه ادامه حیدر در نظام سرمایه داری

جهانی و نهاد «حیات» سرمایه» است.

تغییر روابط دولت و جامعه

این گونه دولتی کردن به معنای تکریمی "مخاد" مناسبات اجتماعی تولید، بلکه به مفهوم تغییر در روابط دولت و جامعه است. در این حالت شکل اجتماعی نیروی کار (کارمندی و شکل گیری ارزش آفرینی در روند تولید) از زمین نیرو، بلکه فقط کنترل دیوانسالاری بر تولید، جایگزین نظارت شخصی سرمایه‌داران می‌شود.

در دهه ۱۳۴۰، دولت به منظور ایجاد زمینه مناسب برای رشد سرمایه‌داری، سیاست‌های گوناگون اتخاذ کرد. از طریق بانک‌های سرمایه‌داری، در اختیار سرمایه‌داران قرار داد. معافیت مالیاتی و عوارض گمرکی در اختیار صنایع داخلی قرار داد و خدمات و تسهیلات سرمایه‌داری را فراهم کرد.

سرمایه‌های خارجی که پیش از دهه ۱۳۴۰ در بخش غیر نفتی سرمایه‌نابری بود، در این دوره سرعت افزایش یافتند. دولت با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی و گمرکی و تأمین برکت بود، زمینه ورود آنها فراهم ساخت. بطوری که جریان سرمایه گذاری منقسم انحصارات جهانی بویژه آسیای آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه طی سال (۱۳۴۳-۸۰) بیش از دوازده برابر شد. این سرمایه گذاری‌ها که با مشارکت سرمایه‌داران داخلی و برخی موارد با مشارکت دولت صورت می‌گرفت در سال‌های ۵۲ تا ۵۴ به بیشتر صنایع لاستیک، داروسازی و شیمیائی، وسایل حمل و نقل، الکتریکی و الکترونیکی، معدنی و فلزی صورت می‌گرفت. به این ترتیب دولت بعنوان نماینده سرمایه داری جهانی شرایط عمومی گسترش سرمایه‌های جهانی را بنا کرد. بی‌شک دولت تسهیل روند انباشت سرمایه در ایران، در اندازه نیروهای بولد بطور روز افزونی، حالت می‌کرد.

جهانی شدن تولید موجب تجدید تولید و تقسیم کار بین المللی در یک مقیاس گسترده می‌شود. در حالی که در گذشته کشورهای امپریالیستی کالاهای صنعتی تولید نمی‌کردند و کشورهای جهان سوم به تولید مواد خام اشتغال داشتند. امروزه کشورهای امپریالیستی فعالیت خود را در تولید کالاهای برخورداری از تکنولوژی پیشرفته (بویژه وسایل تولید) متمرکز کرده‌اند. در حالی که بعضی کشورهای جهان سوم شروع فرآورددهای صنعتی، شامل کالاهای صنعتی استاندارد یا پیچیده می‌کنند. یکی از اثرات این تقسیم کار افراشتاریستی متقابل تمام کشورها به یکدیگر بویژه نفوذ تاریخی جهانی سوم به اقتصادهای امپریالیستی است. صنایع جدید جهان سوم به کالاهای سرمایه‌ای (وسایل تولید) متعلق به کشورهای امپریالیستی بنگی بود و به محتاج به جریان مداوم قطعات بدکی هستند که تا باید با صلاح دید و از نیروی کشورهای امپریالیستی وارد شوند. به بیان دیگر صنعتی شدن (نوسعه) در شرایط کنونی، جهان سوم را هر چه محکم‌تر با سرمایه‌داری جهانی پیوند می‌دهد. در این روند، اندازه بازار سرمایه در این ارضاط مجبور "دولتی" یا "عمومی" یا اختلاطی را پیدا می‌کند. تأمین هزینه‌های تولید و تسهیل ادامه حرکت و حیات سرمایه‌هاست.

نقش عمده ایران در تقسیم کار جدید بین المللی تولید محصولات پتروشیمی و نفتی بوده‌است.

ایران در اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع به ایجاد صنعت پتروشیمی کرد. در سرمایه‌های رژیم ملی یک سرمایه‌گذاری میلیاردها دلار سرمایه‌روشنی تا سال ۱۹۸۳ پیش‌بینی شده بود که باستانی تولید محصولات این رشته را به ن ا تا ۱۰ درصد تولید جهان افزایش دهد. همچنین رژیم سابق ایران در نظر داشت کارخانه‌های بزرگ تولید آلومینیوم و فولاد ایجاد کند که محتاج انرژی فراوان است.

با ادامه راه اقتصادی رژیم سابق، می‌توان انتظار داشت که ایران در صورت موفق در برابر دنیای جهانی شدن شده چندسال اخیر، به صادر کننده محصولات پتروشیمی و تولیدات انرژی بر تبدیل شود. اما از آنجا که اداره و رهبری این حرکت همچنان بدست "سرمایه‌های جهانی" است، نوسعه و صنعتی شدن نیز برای می‌رود که به منظور کنترل آنرا همچنان کشورهای امپریالیستی در اختیار خواهند داشت.

۵۲ بهروز

«نوسعه» و تداوم وابستگی

شروع تولید سرمایه‌داری، دارای یک حرکت دورانی است و این حرکت دورانی برخلاف دوران پیش از بی گذار، سرمایه‌هیچگاه ساکن نیست و بواسطه طبیعتش - از پیش که خود را گسترش می‌دهد - ناگزیر از تجدید تولید مداوم در یک مقیاس گسترده‌است. گسترش سرمایه‌داری در سرمایه‌داران و چون آن به اعناق مختلف نتیجه قوانین انباشت سرمایه است. لیکن گسترش سرمایه‌داری هنوز وابسته نبوده و از مراحل منطقی عمومی کند و اقتصادهای جهان سوم را در معرفی دگرگونی‌های عظیمی قرار می‌دهد.

به مرحله اصلی دگرگونی شدن سرمایه‌داری جهان سوم را در معرفی دگرگونی‌های عظیمی قرار می‌دهد. در طی روند جهانی شدن دنیای سرمایه‌گالایی، از آنجا که سرمایه‌داران در جستجوی منابع ارزان مواد خام و بازارهای خارجی برای محصولات خود هستند، تجارت بین المللی گسترش می‌یابد. همچنین تولید کالایی در سرمایه‌داران جهان سوم تصمیم می‌یابد و منافع طبقات حاکم می‌گیرد (که منتفی نبوده‌ای تولید ماقبل سرمایه‌داری است) با منافع سرمایه‌داران خارجی به هم می‌آمیزد. مانع از گذار به روابط تولیدی سرمایه‌داری نبود. این مناسبت موجب بروز تنش‌های سیاسی، سرنگونی طبقه حاکم زمین‌داران و به روابط تولیدی سرمایه‌داری در جهان سوم می‌شود. امپریالیسم (صنوع سرمایه‌ها بعنوان پول و هم بعنوان یک رابطه اجتماعی) نشانگر این مرحله یعنی جهانی شدن دنیای سرمایه‌داری است. بورژوازی‌های وابسته صنعتی در کشورهای جهان سوم مصمم به انباشت سرمایه به سرعت ترین شیوه ممکن هستند: شرکت‌های چندملیتی برای کسب سودهای کلان، دگرگونی شدن تولید به بورژوازی حلقی می‌پیوندند.

این گونه صنعتی شدن و نوسعه" نشانگر تصفیح امپریالیسم نیست، بلکه بیانگر شکست "تعمیر و تحول عملکرد سرمایه‌داری جهانی در روند حرکت "سرمایه" است. صنعتی شدن بخشی کشورهای جهان سوم از جمله ایران، از طریق اجازه نوسعه سریع‌تر به کشورهای امپریالیستی عقب مانده ممکن شده‌است. امروزه کشورهای جهان سوم به تولید محصولات صنعتی استاندارد شده اشتغال دارند و این امر به کشورهای امپریالیستی اجازه می‌دهد منابع خود را در مسیر تولید کالاهای تکنولوژی پیشرفته تر قرار دهند. بعنوان پایه صنعتی شدن هر چه بیشتر به کشورهای جهان سوم فرقه‌ت تولید، وقتی زمین‌داری که از صنعتی شدن "منقطع" می‌شوند، تنها گروه کوچکی از افراد صاحب امتیازات نیروی های بدست آمده استفاده می‌کنند. صنعتی شدن به شیوه سرمایه‌داری - دولتی یا بدست بخش‌خصوصی و بورژوازی مرتعی - در یک کلام ادامه وابستگی است و در راه رسیدن به "استقلال اقتصادی"، جز به تحکیم پیوند با امپریالیسم، بجای نمی‌رسد.

نش پانگیا

کارخانه‌های جهانی عرضه این بوده‌است که بخشی از کل پول موجود در جامعه را که بی مصرف مانده‌است، از طریق بی اندازه و حساب جاری وغیره جمع کرده و به سرمایه‌داران وام بدهند.

بارشده نظام سرمایه‌داری و پیوسته شدن سرمایه‌داری جهانی نقش ساکنان ها در اقتصاد بیشتر شده و خود بعنوان سرمایه‌داران بزرگ شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع کردند و آنها را تحت کنترل درآوردند. در چنین شرایطی چندین بانک بزرگ در زمین حال سهام عمده صنایع راهم در اختیار داشتند و بر اقتصاد کشورها آغاز فراموشی می‌کردند و آمیزش سرمایه‌های بانکها و صنایع بصورت مهم ترین حتمت امپریالیسم درآمد. نظام اقتصادی ایران در واقع سال‌هاست که زیر کنترل این سرمایه‌داران قرار دارد. تصمیم گیری از سوی احسان این سرمایه‌هاوند که هنوز امکان طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی را فراهم می‌ساخته‌است و نه تقاضا و تصمیم‌گیری واقعی که از درون مردم جامعه برخاسته باشد. "وابستگی" و "استقلال اقتصادی" مفهوم عام از هم جدا روش می‌شود و "ملی کردن" یا "دولتی کردن" نیز در زمان همین مقدمات معنا پیدا

بهروز ۵۵

می‌گذرد و دولتی کردن سرمایه‌ها، آیم در شرایطی که تصمیم گیری نه از سوی نمایندگان راستین بوده‌ای زحمتکار بلکه از طرف همان سرمایه‌ها انجام می‌شود، تنها کاری است در جهت تسهیل حرکت سرمایه‌های جهانی و این همچنان "وابستگی" است. در این حالت وقتی صرفاً شکل وابستگی تغییر شکل یافته و از صورت صدور کالا، به شکل صدور سرمایه پولی و سرمایه‌های صنعتی درآمده، تغییر ناپذیر و نتایجی که از "شدت" (با کیفیت و وابستگی گشته شده است. در این حالت سرمایه‌های جهانی، به ضرورت تولید برخی محصولات نسما "بیچیده" را، به کشور "تابع" خویش واگذار می‌کنند اما خود، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های رانندایی می‌کنند که همگه کالاهای این زمینه‌ها را دارد. در این حالت دولتی کردن بیشتر یک تعمیر شکل سیاسی است تا دگرگونی عوارض مناسبات اقتصادی. در این حالت و در شرایطی که انقلاب اجتماعی نمایندگان منقسم امپریالیسم را فراری داده و "توحیتی" ساخته‌است، و "انست تقاضی" برقرار نیست، "دولتی کردن" یک چاره‌اندیشی و یک اقدام "اداری" است. نالایی است برای تعویض کادر مدیریت، که به مناسبت تحریکات "طغانی" (تاریخی - فرهنگی) "مدبران" و عمده تر از همه اینها ناتوجه به درجه اعتدالی انقلاب عظیمی که شاهد هستیم، می‌توانست صورت‌ها و شکل‌های مختلفی بخود بگیرد و پانگیاک‌ها و ناگای‌های گویه‌گویی و پیرو بود.

برای اثبات این نکته که این تعمیر امری "بشترتاریسی" است و نه دگرگونی مناسبات، وابسته این تغییرات بیشتر در سطح مدیریت باقی مانده‌است مالی ارضای می‌آوریم:

در بسیاری موارد ارضای بزرگ، و در شرایطی که کارگران زیر بار نظارت و اداره مدیرانی که نتوانند هزاران کارگر را بجا اداره کنند می‌روند، منقسم کارخانه به واحدهای کوچکتر و اداره خواهد بدست یک مدیر صورت گرفت. این کوچک کردن واحدها، به دلیل ایجاد تعدد مراکز مدیریت در کاهش بار دخی تولیدات در دست اما هدف "مدبران" را که نقش بی‌سجام کارگران بود "ظاهرا" برآورده کرد. اگرچه کارگران دریافتی بودند که مدیریت بخش "مدبران" را عمال "کارفرمایان" سابق بدانند.



«ملی» کردن، راه حل اجباری

در سال‌های ۱۳۵۷-۶۰، با رویکردی جنش، سهام‌داران بانک‌ها و صنایع کوچک‌تر در همه بخش‌های خود را بصورت پول نقد درآوردند و به خارج از ایران فرستادند. به این ترتیب بانک‌ها و صنایع در زمانه ورتکشی قرار گرفتند. با سرمایه‌داران بزرگ و بسیاری از مدیران وابسته، شکل اداره این واحدهای اقتصادی نیز صورت حاصل درآمد. سرمایه‌داران در بسیاری کارخانه‌ها، مملتی بیشتر از ارزش کارخانه (از سرمایه‌های مردم) وام گرفتند یا خود بودند. بیش از ۹۰ درصد صنایع ایران در گرو بانک‌ها قرار گرفتند و بدی ماسبات اقتصادی به بانک‌ها ۷۵ تا ۱۰۰ میلیارد دلار (بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال) رسید. در نتیجه دولت جدید با مسدود کردن کارخانه، شرکت و بانک ورتکسته زیروند که تقریباً "ظهور ناخواسته تحت ناگفته آن درآمد نبودند و بدست منقسم، ام ماسبات "دولتی" شد. و بدینسان که این وضعیت تا چه اندازه با مفهوم واقعی "ملی شدن" ماسبات نفوذ دارد. برای کارگران و زحمتکاران، ملی شدن تنها هنگامی واقعی است که دولت نماینده منقسم خودشان و از طریق شورای خودشان موجود آمده باشد. در این حالت تمام سرمایه‌های وابسته حامل سبب تخریب کارگران و سایر زحمتکاران است، معادری می‌شود و در اختیار "دولت" آن قرار می‌گیرد. در نتیجه منافع عموم مردم استفاده نمود. اما از نظر سرمایه‌داران، ملی کردن به نفع مناسبت که دولت صنایع و بانک‌ها را سرمایه‌داران مختلف بگیرد و در دست خودی متمرکز کند و خود بی‌میلون یک

بهروز ۵۶

سرمایه‌داران بزرگ برای ماسبات اقتصادی مدیران و عاملان بدیده انتخاب کنند. این اقدام قدرت دولت سرمایه‌داری را بسیار زیاد می‌کند و در استعمار کارگران و سایر زحمتکاران توانایی دارد. در حالی که ملی کردن از دیدگاه کارگران و سایر زحمتکاران یک عمل انقلابی به نفع خود و دست کردن بدست سرمایه‌داران، اقدامی بسود سرمایه‌هاوند نظیر اقدامات دستفردانستار بیشتر کارگران و سایر زحمتکاران خواهد آتایان بازار بود اصلی است.

برای سال در رژیم سابق و نبود "فعلی" ملی "نمود" اما منافع آن نصیب سرمایه‌داران می‌شد. براه انداختن بانک‌ها و صنایع با ملی باسبت با نبودن کردن نظام سرمایه‌داری و نوسعه اداره امور آنها بوسطه کشورهای خارجی، دشمنی و گریزمدی صورت گیرد. بانک که نظام مللی پارامی تولیدی خواهد گویه که دیده شد، این دوم انتخاب خود برای بازسازی نظام وابسته برخی طبقات بازاریها بدست کمک بطرف سرمایه‌داران فراری کردند و بر محیط صنعت آنان نالایی‌ها را عملی آمد. همچنین برای جلب اعتماد آنان اعتبارات قابل توجهی (به معنی اعتبارات درجه ۱) در اختیار صاحبان صنایع قرار گرفت. اما سرمایه‌داران این پول‌ها را نیز نگذاشتند و نالایی‌ها را در این سرمایه‌های مردم را نیز به خارج فرستادند. تا جایی که صنوبراز به کمک کارت‌های بازرگانی همه گیرند.

دولت که همه این راه‌ها را در دوره انداختن بانک‌ها و صنایع در چهارچوب بازسازی نظام اقتصادی بی نتیجه دید، در خرداد ۵۸ بانک‌ها و در تیر ۵۸ صنایع را ملی اعلام کرد و بدینان انتقال لانه جاسوسی، "حرم اقتصادی" و "شده دیجک باعراق" بسراخ شرکت‌های دارویی که با همان مشکلات و وسایل بازرگانی روبرو بودند. البته کارخانه‌ها "عموما" به بانک‌ها بدهکار بودند و اربند تا قبل توسط دولت اداره می‌شدند و دولت با این اقدام، برسا" صنایع را "خریداری" کرد و مایلون وزارت صنایع و معادن (آعلی) در آن هنگام خودبه این تکلیف اعتراف کرد: "دولت با این اقدام خود در حقیقت صنایع و کارخانجات را خریداری می‌کند. چرا که این واحدها اغلب به دولت بدهی سنگین دارند. معینان صاحب صنایع قفلا ۵ میلیون تومان وام دریافت کرده‌است در حالی که تا سیماست موجود آن بیش از ۱۰ میلیون تومان از پیش "تدارک" (اطلاعات صخر ۵۸).

بقول معین فرسیرت وقت سازمان برنامه و بنیادهای مجلس: "دولت دگرگانی می‌توانست انجام دهد، با پول در اختیار بانک‌ها و کاررویدهی‌های آنها را پرداخت کند تا دولت خوددارانه آنها را بچیده‌گیرد. اما وقتی سرمایه‌داران پول‌ها را به حبز زنده، دولت مجبور شد بدینتر بدست گیرد" و همچنین تذکر داد که "دولت نقد صادره نادر کفیه حقوق سهام‌داران بانک‌ها محفوظ خواهد ماند." به این ترتیب سرمایه‌داران اطمینان داده‌شد که سرمایه‌هاشان با حاصل زحمت‌ها بدهکار با خرید خواهد شد.

"در نظام مللی بانک‌ها مجبور است بدستترین وام‌های خود را به بخش‌های تجاری که بهره‌بیشتری با آن تعلق می‌گیرد بپردازد و اگر خواهد وام زیادی در اختیار بخش‌های کشاورزی و صنعت بگذارد چون کارمندان با این است با نوعی ورتکشی روبرو می‌شود." (کتابها ۲۷ بهمن ۵۹) به این ترتیب استکار در حال حاضر نیز این حرکت و سودهی بیشتر سرمایه‌هاست که سرپوش و وام‌ها را تأمین میکند و بصورت‌های اجرای برنامه‌های معنایی و زیربنایی و با نیاز و استحقاق متضامان.

هلی دولت جدید

دولت موجودی اصلاحی ۴۰۰۰ بعداد روی کار آمدن، بانک‌ها و عبادتکاران، صنایع را "ملی" اعلام کرد. با این اقدام، دولت گوید مردم را متقاعد ساز تا با اسقاط خود را بپردازند زیرا مردم از بدست‌ها از اسقاط خود را می‌دانند و می‌توانند تا این امر را از نظر اقتصادی جدا قائل رسیدند. علاوه بر مردم در جریان قیام، تنفر خود را با بی‌توجهی‌ها و کلاه برداری‌ها نشان دادند. بدینسان مردم، به علاوه ملی کردن بانکها و صنایع، دولت گوید خص جلب اعتماد سرمایه‌های خارجی و داخلی، کارگران و سایر زحمتکاران را که به

بهروز ۵۷

نیروی عظیم خود بی برده بودند دیگر حاضر نبودند برای سرمایه‌داران شناخته شده کار کنند ، بکار وادار ، قصد دولت برداشت برای راهی سرمایه‌داران بود و قضا می‌بود که در نتیجه این صورت " ملی " اعلام نمی شوند ، بلکه از آنها حمایت نیوی نمود . هدف دولت بطور خلاصه این بود که با همکاری صنایع وابسته را که سرمایه‌داران مبارزات برده بصورت نیمه جان به حیات خود ادامه می دادند نجات دهد و سرمایه داری وابسته را بازسازی کند . اما دوره جدید بحران اقتصادی ایران که از سال قبل آغاز شد و بعد از سرنگونی سلطنت شدت گرفت ، دیوال‌مداران و ملی دولتی کردن بخش عمده صنایع وابسته ها با اهداف بزرگ برآمده می باید ، رکود نسبی تولید داخلی (از جمله نفت ، تولیدات صنعتی و محصولات کشاورزی) فشار بر بخش بازرگانی بویژه در مورد کالاهای مصرفی را افزایش دادند . " دولتی کردن بازرگانی خارجی " و سایر بخش ها با توصیف کنار آید ، جدا از آنکه جنبه تسکین بیماری را دارد ، بیا انگیزه ارزانی کالاها عامل عمده آن است . از آنجا که به ریشه های بحران (سرمایه داری بطور عام ، سرمایه داری وابسته در ایران) نمی پردازد ، نمی‌تواند با سخوی بیماری عمیق اقتصاد ایران باشد . دولتی کردن سرمایه ها ، بخاطر حفظ همین روابط است که نه تنها از بحران عاجز خواهد ماند ، بلکه مردم در این گرداب ، بیشتر فرو خواهد رفت . مشکل اصلی در این است که " دولت " نمی خواهد و نمی تواند نظام سرمایه داری را بعنوان علت اصلی بحران فرسایش بشناسد ، بنابراین از آن بصورتی تنگ از سوی کارگران و سایر رنجستگان آغاز حرکت کند ، دکتر علی صادقی تهرانی عضو شورای عالی صنایع ملی شده این مشکل سیاسی موجود را در مورد صنایع خوبی توضیح میدهد : " مدیریت تفکرگرای عوامل تولید در جهت رسیدن به هدف های تولید است . . . اما در جامعه ای که قوانین اقتصادی ، وضع مالکیت ، وضع مدیریت ، هدف های اقتصادی و برنامه های اقتصادی آنجان مشخص نیست ، مدیریت بین آری که یک مسأله اقتصادی باشد ، مسأله ای سیاسی است " (کیهان ۳۰ دی ۵۹)

ملی کردن صنایع و مسأله مدیریت

طبق بند " در توضیحات شورای انقلاب در مورد راه انداختن صنایع ، دولت بعد از بررسی های بانک باید سوادمانی را به صاحب کارخانه بدهد ، در این حالت دولت بعنوان یک " امانت دار " برای سرمایه داران روستی می شود . عبارت ساده تر دولت و کارخانه اش ، هم کارخانه را به زاه می اندازد و هم سود اخذی را تقدیم سرمایه داران می کنند . نکته مهم این است که مسئولان به مناسبات استثماری هیچ کاری ندارند .

گله و تکلیف از مشکل مدیریت را میز باید در همین زمینه بررسی کرد : فرایند بران به خارج و به راه سرمایه داران از این معنای بحران از سرمایه های فرازی ، در حقیقت منزله کم شدن یکی از گلبه های تولید بود . آنها ظاهر " انحصار اطلاعات و چگونگی اداره کارخانه ها را داشتند ، البته در شرایطی که قصد تغییر بنیانی مناسبات سرمایه داری در این شانند . اما کلیه اصلی بدست نبراهای واقعی کارگران بود و مسئولان که مایل به قبول هیچگونه مشارکتی از این رخصتم گیری هائی نبودند ، با مسأله مدیریت مواجه شدند ، طبیعی است که اداره یک واحد کوچک بصورت یک کارگاه با در فضایی یک کشور ، هنگامی که نخواهیم خود را مصمم گیری سازند تا اصلی واحد را دست ششام و عملی کنیم ، مسأله ای بسیار عظیم خواهد بود .

فصل رقیام همین ماه حدود ۵۰ درصد صنایع " دولتی " بود . در روزی با مسائل حل اعلام شد که ۷۰ درصد صنایع بدست دولت اداره می شود . این تغییر کمی ، نتوانست تغییر در مناسبات تولیدی ، روابط کارگران و کارفرمایان بوجود آورد . کاهش بازده تولید را نمی توان بحساب برن شدن آهنگ استثمار بعنوان یک نتیجه انقلابی گذاشت ، بلکه بیشتر باید بعنوان مست شدن و مایل کنترل کننده در تراکز تولیدی بحساب آورد . مسئولان و مدیران جدید ، جای حل مشکل از راه طبیعی با اقداماتی دست میزدند که نتیجه آن گسستن استیجاب و بیوندهای کارگران ، کوچک کردن واحدهای بزرگ تولیدی ، افزایش مسأله دیوان سالاری ، افزایش کوردها و بیوندهای در نتیجه کاهش تولید است . نتیجه گیری برخی هباهای دولتی از مشکلات کارخانه ها این بود که " ملت رست

بشازند کارخانه ها و در میون در کنترل دقیق و مشکلات ، کارخانه ها دچار کم کاری است ، تجربه مدار انقلاب نشان دادند که تقسیم کارخانجات وسیع به قسمت های کوچکتر ، کارگران مدبر برای هر قسمت بازرگانی بیشتر با همراستانت است . . . (کیهان دوم آذر ۵۹)

اما کارگران خود بصورتی به شکل اصلی که حاکم بودند روابط سرمایه داری است ، بعنوان علت اصلی بحران اقتصادی اشاره می کند : " عامل اصلی که بخش بزرگی از تولید صنایع وابسته کوردها است ، حاکم بودن روابط ظانوی بین کارفرما و کارگرو روابط . . . است . اگر کارگری احساس کند که محصول دست او بیوسله سرمایه دار ، بشکر و دلالت توزیع می شود و قیمت کالای او کم باشد از خود کسب نمی‌تواند چیزی سازد . . . کاران بدست برده می رسند دلبری می شود . . . (کیهان دوم آذر ۵۹)

افزایش واردات

دکتر صادقی علت امر استفاد برخی از واحدهای تولیدی را نیمه تمام گذاشتن پروژه های صنعتی از سوی منطقه کاران و نبودن کارشناسان خارجی ذکر کرده و می افزاید : " بیشتر واحدهایی که هنوز تکمیل نشده اند بخاطر نسیف کار با مندرن ساختمان و نصب ماشین آلات آنهاست که منطقه کاران خارجی این کارخانه ها در زمان انقلاب به کشورهای خود بازگشته و کارهای خود را نیمه تمام گذاشته اند . منطقه کاران خارجی در نظر دارند که با پروژه های آنها را ملی اعلام کنیم و آنها خسارات خود را از حساب های خارجی چند برابر می‌بردارند ، اما اگر می‌توانستیم این همساز در کشورهای آمریکایی خویشیم که به ایران آمده و پروژه های خود را با ما با ما برسانند . . .

قوانین " ملی کردن " مشکلاتی مبارز و در است که عمدتاً " از نداشتن سرمایه اقتصادی معین بویژه در مورد حدود مالکیت ، عدم قاطعیت دولت در برابر سرمایه داران و مسامحت مسئولان با آنها در جرعه می کرد . این قوانین اغلب دست و پای دولت و سرمایه داران را مستعد تر از این بود که در صورتی توضیح می دهده که : " مسأله مشکلات بسیاری در کار با مندرن صنایع داریم که تمام آنها را تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی عراق تشدید کرده است . از جمله مشکلات ما در این کار ، واحدهایی هستند که مالک هایشان در ایران هستند و طبق ماده " د " کوردها است . این کارخانه ها را نمی توان ملی کرد از سوی دیگر می بویجی صاحبان کارخانه به برآورده سرمایه و تنظیم برنامه های سرمایه گذاری بعضی از مسئولین وزارت دارایی کار با ملی کردن بخش عظیمی از واحدهای تولیدی را دچار وقفه کرده است . . . صاحبان بیشتر این کارخانه ها حاضر به قبول مسئولیت هستند و نیمه ای که حاضر بویجی می شوند

ادامه رکود اقتصادی و بی‌زمانی تولید کشاورزی صنعتی و عدم کاپیت عرضه کالاها و خدمات بویجی شده است که تمایل به واردات کالاها ساخته شده خارجی افزایش یابد . ناشی که عمدتاً بخش اقتصادی را تأمین می‌کنند ، مانند بانکرگانی بحساب آورد . دولتی کردن بازرگانی خود نشان سهم عمده بازرگانی در کل اقتصاد کشور است . این بویجی خود حاکی از آنست که دولت جایگه بر سرمایه گذاری هائی برای " توری " ترین و نه بنیانی ترین بخش ها توجه دارد ، نگاه می‌آید به معنای " تحریم اقتصادی " این نکته بر واردات را بخوبی نشان می‌دهد . بر اساس آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۵۸ در مقابل ۱۴ میلیون دلار صادرات کالاها غیر نفتی ایران به کشورهای خارج ، ۱۱۰ میلیارد دلار کالا کم تر وارد شده است . یعنی واردات کالا در سال پیشتر ۲۷ برابر صادرات کالاها غیر نفتی ایران به خارج بوده است .

نکته قابل توجه در مورد کالاها و وارداتی ، افزایش چشمگیر واردات ایران در چهار ماه بعد از کوردها (آبان ۵۸) است . سبب به چهار ماه قبل از کوردها کسب است . بطوریکه واردات ۴ ماهه بعد از کوردها کسب ۴ میلیارد (۳۷۵ میلیون دلار) بیشتر (۴ درصد) بیشتر از واردات ۴ ماهه قبل از کوردها کسب است . این افزایش واردات کالا بعد از کوردها کسب ، بخوبی نشان می‌دهد که عدم مدیریت کارانه ایران از جمله " حرف فزونی ترقت . همین نکته تحریم یک جانبه بود . به این معنا که نفت را می‌توان خریدند (در نیمه حاصل از نفت پیش در چهار ماهه بعد از

کوردها کسب کردی ۱/۵ میلیارد دلار کم تر از چهار ماه قبل از کوردها کسب است) بلکه کالاها دیگر کشورها حرمه نامه در بازار ایران آید . بدینجا بخاطر باکت جدید به تولید و صدور روز افزون نفت (فرار داهای اخیر با زاین و برایشین ترولویوم) برای این من نیازهای وارداتی بویژه در مورد کالاها مصرفی ، بخوبی مشاهده می شود .

ملی دولتی از این بویجی و کشاورزی کاهش یافته و بعد از " تخصیص اقتصاد ایران " ، از قدرت تولید صنعتی کاسته شده است . ذات این بخش ها برودجه دولت و نظام بانکی و در نتیجه سرمایه های مردم تحمیل می شود . در دو سال گذشته در آدهای دولت سرمایه گذاری های ثابت کاهش یافته ، در حالی که هزینه های جاری صرفی (همچنین کل پرداخت ها و کوردهای بودجه) با وجود صرفه جویی های بسیار افزایش پیدا کرده است (انقلاب اسلامی ، ۲۶ بهمن) .



ملی کردن بازرگانی خارجی

نگاهی به بودجه سال جاری که اسامیان بخوبی در بودجه سال آینده نیز منعکس شده است این نکته را روشن نموی کند .

کل بودجه کشاورزی و صنایع طبیعی " بمیلارد ۴۹۸۰۰ میلیون تومان است که ۲/۶۶ درصد کل بودجه را تشکیل می‌دهد . از این رقم ۳۰۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به اعتبارات جاری و ۱۹۰ میلیارد و ۳۸۰ میلیون تومان یعنی ۱/۵۴ درصد کل بودجه به اعتبارات سرمایه گذاری ثابت (اعتبارات دارای بازده تولیدی) اختصاص دارد . بودجه صنایع نیز بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان (۲۰۰/۵۰ درصد کل بودجه) است که ۱۲ میلیارد تومان آن صرف سرمایه گذاری های ثابت و ۲۰ میلیارد تومان صرف سرمایه جاری می‌شود . یعنی مجموع بودجه صنعت و کشاورزی حدود ۷۰۰ میلیارد بودجه کشور را تشکیل می‌دهد .

در حالی که رقم مربوط به واردات مواد غذایی در سال ۵۸ حدود ۶۰۰ میلیارد تومان از این رقم بیشتر است ، نکته قابل توجه دیگر اینکه در بودجه سال جاری سهم بالایش نفت (بمیلارد ۱۰۴/۴ درصد کل بودجه) است که

یک میلیارد و ۲۴۰ میلیون تومان از سال قبل کم تر است که از این مبلغ تنها یک میلیارد تومان آن مربوط به سرمایه گذاری ثابت می‌شود . این کم توجهی به تولیدات نفت در شرایطی که این محصولات از خارج وارد می‌کنیم ، قابل توجه است . در چهار ماه ۵۹ ، تجارت خارجی " ملی اعلام " شد و در خرداد ۵۹ ، یعنی ۲۰ سال بعد از آغاز تولید نفت ۲۴۰ میلیون ، مدیریت کارخانجات صنعتی دارویی در اختیار دولت قرار گرفت . اما سرمایه های آبی شده " ملی " شد ، دولت چند ملی اعلام کرد اما بعد از آنکه کالاهای نفتی در اختیار دولت قرار گرفت ، در یکی دو ماه است ، با بحالی یک بخش دولتی (بنیاد نسوی) اخیراً با پذیرفتن دولت بر واردات کالا فقط نظارت خواهد کرد .

در ملی کردن بازرگانی خارجی نیز اوضاع کم و بیش مشابه با یک ها ، صنایع مهمان بود است . نه بخش عمده (بانکها - صنایع و بازرگانی) چنان ارتباط نزدیکی دارند که هرگونه بحران تریک بخش صنعت ، بخاطر بخش های دیگر بوترمی افتند . شبکه بازرگانی ایران که در پیروه گیری از امکانات نفتی سوسیالیست برده ، بخاطر تکلیفاتی اقتصادی به " توزیع " بیشترین مسئولیت گزینی و تورم را بعهده دارد . این شبکه بعنوان سبب بزرگی که در برابر برود فرار دارد و مانع از تأمین ابتدایی ترین نیازهای آنان می‌شود ، خشم بوده های رنجستگان شکل روز افزونی دامن می‌زند . واکنش دولت در برابر این تحریکات بیشتر جنبه بند و در دست داشت است . در یکی دو ماه گذشته نیز همچون ماههای نخست بعد از زمین ۷۰ نهاد بدویم که به هیجان و فعالیت کوردها با زبان را بر عیادت اصول اخلاقی دعوت کردند . این تکراری در واقع انعکاسی خشم طبیعی مردم از گزینی بود و بر وجهت گرفتن جان نشان داد که مسئولان بخوبی می‌دانند که چه فشار عظیمی از ناحیه شبکه بازرگانی بر حیل عظیم مصرف کنندگان وارد می‌شود ، اما در همین حال ، موضع گیری " ولان عمدتاً " کوردها است که رنجش را در مان با نگرین بویجی نمود . رشا هد روز بویجی از این در مورد ایجاد تراکز " تهیه توزیع کالا " گفت : " وزارت بازرگانی بسیار مدتی مظلوم بر روی لاجبای ر بشورای انقلاب تسلیم کرده است ، این کار با مناسبتی با ارکان دولت اینک با تأسیس تراکز تهیه و توزیع کالا بدست یکسالگیه سفارشات بازار به خارج و نرخ گذاری آنرا تحت کنترل گرفت . ماهر طول یکسال تجریات لازم را برای اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی بدست خواهیم آورد ، تا در یکسال بازرگانی خارجی را کسر می‌کنیم و در اختیار می‌گیریم . " (کیهان دوشنبه ۲۴ شهریور ۵۹) اما بالا فاطمی از این سیاست در جهت کسب سرمایه و ارد کنندگان گفت : " در حال حاضر با نگار افغان سه مرکز تهیه و توزیع نفت ، نفت ، چوب و کاغذ می‌سازد رگمی تجار کم شده است چرا که آنها با اصولی است این قانون نسیف شده است و بصورتی در خواهد آمد رشای یکی از دلایل مخالفتشان هم همین بوده است . در تکلیفاتی که با چند وارد کننده و بویژه وارد کنندگان کالا انتم را اینک دست واسطه کارگرا به بشود رانی بودند . . .

دلجویی از تجار بزرگ

برای تشکیل این تراکز کالا نیز دولت تجار بزرگ را قانع کرد و از آنها بیاری خواست ، طبیعی است که این وارد کنندگان عمده در برنامه های پیشنهادی نیز صنایع خویش را در برابر خواست های رنجستگان همچنان حفظ می‌کنند . ضمن اینکه کوردها از این تراکز و توزیع کالا نباید بدین حلقه ارتباطی با بازار جهانی جا بگریزی و واسطه های داخلی ، اطمان حاصل می‌کنند که در ملی سازی جدید (دولتی) ، همچنان ایران را بعنوان بخشی از بازار سرمایه داری جهانی حفظ می‌کنند .

مهندس عمارتپور رشی " هاست " مدبر و مدیر عامل تراکز تهیه و توزیع نفت در مورد فعالیت این تراکز گفت : " بعنوان تراکز بازار های ایران در دست او بطوریکه بود اینها بود که منصفی بازار وارد است داشتند . اگر کسی مخواس خرید کند باید به اینها مراجعه میکرد و اینها هم خود با واسطه های خارجی در مان می‌بودند و نتیجه این بود که جنسی خیلی گرانتر از آنی که باید باشد بدست مصرف کنندگان ایرانی می‌رسید . آمدت آنها با واسطه کرده ام آنها هم مغفلاً کوشیدند هم خودشان مخالفت کنند هم تجار انترنشنال دولتی با اینها حرف زدیم و آنها را قانع کردیم که این روشی نفع آنهاست و خوشتر است تا نفع ما باشد . " (کیهان ۲۴ شهریور ۵۹)

به مناسبت سالگرد قیام «کمون»

اوژن پواتیه
شاعر انقلاب

۱۲۷ هجری قمری - سالگرد قیام تاریخی مستبدان و زحمتکاران فرانسوی و تشکیل حکومت انقلابی کمون پاریس بهانه‌ای بدست میدهد که به معرفی اوژن پواتیه کارگر - شاعر بروداریم که یکی از بهترین نونهالان پاریس بود هنر انقلابی و هنرمند انقلابی است. تا غریبا کاری - که در مورد او، زندگی انقلابی و آفرینش هنر انقلابی آنچنان دردم می‌آورد که یکی می‌شود و در نتیجه، اثر او بصورت اثر ناب و صادق انقلابی درمی‌آید. تنها یکی از آثار پواتیه، و اقبال عظیمی که این اثر همچنان پس از یک قرن داراست، نشان دهنده برود نفوذی است که هنر انقلابی می‌تواند داشته باشد. این اثر، شعر سرود "انترناسیونال" است.



۲۲ بهروز

زحمتکاران، اوام هرز سرمایه‌داری را درهم شکست و ادبیات را چون جزئی از فعالیت مشترک کارگران و چرخ و دنده مکانیزم بزرگ و بیگانه مبارزه رهایی آنان نگار گرفت.

اوژن پواتیه می‌داند که "هنر به خلق تعلق دارد و باید در عمق نبردهای زحمتکاران ریشه بیاورد. باید پویا باشد این نبردها درک شود و دوست داشته شود. باید احساسات، تفکرات و خواسته‌های آنان را متحد کند و تفرع بخشد، باید بارنگزیده فعالیت باشد و غرایب هنری را در آنها بدهد. "بعضی جهت، دربارتاریخ، جای ضایعی به توصیف زندگی آکنده از رنج کارگران در زیر یوغ سرمایه‌داری اختصاص داد. اما او به نمایش می‌پردازد استواران آنگا می‌کند و اعتماد را سخ کارگران به به‌پوزی را می‌نماید:

حزب بزرگ زحمتکاران ما کارگران و برترگان، این زمین تنها آن است که گاریمتیم، روحی متفق‌الرائی است که گاریمتیم، اکنون، تصویر گاریمتیم است، اما فردا گلا گلا خواهد گرگید ما بودیم، خوشید برای همیشه خواهد درخشید.

۲۵ بهروز

است. این سرود (که موسیقی آن نیز توسط یک کارگر دیگر فرانسوی، ساخته شده) همانگونه که نخستین خصلت هر اثر مادی هنری است به کویاترین نحوی بیان‌کننده آرمان‌های تاریخی است که برایمختلک، از همین روز، در عمق خود آهنگ مریم‌های بنگها و داسهای زحمتکاران را دارد، ضرب‌هائیکه "جهان‌کنده" جوروسم را در دم می‌تکند و جهانی نوین می‌سازد. سرودی که بیانگر مبارزه‌است که جهان " سرمایه" را در تنگی برکزا فرو برده است.

همین یک سرود کاسیت که کارگران جهان، پواتیه را شاعر خود بدانند و شعرهایش را بعنوان سرودهای مورد علاقه خویش بیسندند. "انترناسیونال" مشهورترین سرود پواتیه به همه راه‌های دنیا ترجمه شده است. در ایران نیز برایان ترجمه ابوالقاسم لاهوتی - شاعر طنز کارگر - از آن سرودها ترجمه شده است. به جرات می‌توان گفت "یک کارگر آواز در هر کسری که باشد، هر قدر که خود را تیرم‌احسان کند، بدون زبان، بدون دوست، و بدون از سوزن مادی خود، می‌تواند با رجوع به انترناسیونال رفقای و دوستانی بیابد. کارگران همه کشورها سرود چنگو، سرود شاعر خود را بیرون بفرستند تا برانندیل - سرود جهانی جماعت زحمتکاران گردانند.

پواتیه، شاعری که در تمام طول عمر خود بی‌چیز و کارگر باقی ماند، سوره واقعی بود زندگی انقلابی با هنر انقلابی است. او در تمام اعراض جلوه‌های گویاگون زندگی و مبارزات کارگران را با زبان ساده، در سال ۱۸۴۰ در سرودهای حماسی خود از کارگران خواست که متحد شوند و سرمایه‌داری و دولت را ساقط کنند. "بسیارگونه در ناله‌ای که سرمایه‌داری اروپایی هنر را فارغ از سیاست میخواند و برمای از زوال محوم تاریخی‌اش، خود را در تنگنای رنگارنگی می‌بیند. پواتیه، پواتیه، هر خود را همچون یکی از سواران جریه‌های سیاسی در خدمت ترویج و تبلیغ انقلابی به کار گرفت. او به این حقیقت باور داشت که درجهان طبقاتی، ادبیات و هنر فرافطی و فارغ از سیاست وجود ندارد هر هنری - در نهایت - ممکن‌کننده روحیات، عواطف، منافع و آمال یک طبقه اجتماعی است و ادبیات فارغ از مبارزه طبقاتی جای دربرهنه اجتماع نیست. بر او، که شاعر طبقه کارگر بود، هدف خود را در بیداری نودها و پیشرو ایدئولوژی این طبقه قرار داد. وی کوشید کارگران را به شکوه و عظمت هدی که پیش رو دارند، آگاه سازد، چنین بود که با انگار روح انقلابی و مبارزه جوی کارگران

گوسفندانی بیچاره‌ام، واریا به چه می‌بازد برای خود می‌بازد، بگذر که دوست نداریم، و گردهم آیم، هرگاه که می‌توانیم - چمتو با بفرند و چمتو با خوش باشند - و نوشیم، نوشیم، نوشیم بملا شتی دنیای آزاد

از رنجی که پشت صغفا ما عم میکند چه شرمای بر می‌گیریم؟ عرق‌چین ما سلا بهار جارست ما ما شیتی پیش نیتیم کاشیاتی که ما می‌سازیم، سر به فلک می‌کشد همه عجایب زمین گارمات اما همین‌که کار غسل تمام شد، صاحب کندو زنبورها را می‌راند، بگذر که دوست نداریم، و گردهم آیم، هرگاه که می‌توانیم - چمتو با بفرند و چمتو با خوش باشند - و نوشیم، نوشیم، نوشیم بملا شتی دنیای آزاد

اوژن پواتیه بجای پرداختن به مسائل مابرایطیاب هنر را همچون اسلحه‌ای برای مبارزه با همه حمله‌های نظام کینه و بارنگزیده احساسات زحمتکاران بر علیه استشارکاران نگار گرفت. او "چون سلفی بزرگ‌ترین تیرانه سرودهای خود، کارگران را به یکدیگر نزدیک و متحد می‌سازد و در آنها ذوق و احساسی بزرگ می‌آفریند. او به پوزی نهایی را از آن آرد و پیشانی کار" میداند که با دست خود "آرشی بنگار می‌دهد" آن را به چنگ آورد.

با کسبت کون، پواتیه به انگلستان و امریکارفت. سال بعد فرانس بازگشت و به حزب کارگران پیوست. از او مجموعه شعر تحت عنوان "سرودهای انقلابی" به جا مانده که امیداست، مترجمی صاحب همت با برگرداندن آنها به فارسی، جنبه ادبیات طاقت را مستحکمتر از پیش سازد.

پواتیه در ۱۸۸۷ در فقر مرد. اما از خود خاطره‌ای برجای گذار که می‌تواند برای جوانان، اوکی از سترترین سارندگان مبلغ بود، وقتی نخستین سرود خود را می‌گفت، شمار کارگران سوسیالیست جداگانه از دهها نفر تجاوز نمود. سرود تاریخی او را امروزه دهها میلیون کارگر و زحمتکار می‌شناسد و می‌خواند.

۲۷ بهروز

بخاطر آینده بزرگ، پواتیه را از افتادن در منجلب پاس و ناامیدی در امان داشت. سرود اویشای زوال - ناپدری‌است که به یاد قهرمانان کون پاریس افتاده شده، این شعر که همچون امول کون زوال ناپذیر است، زحمتکاران جهان را به تلاش برای برانداختن "جهان جوروسم" و ساختن جهان نوین فرامیخواند:

بیا خیزید ای تیرین رنگان زمین! بیا خیزید ای بردگان گرسنگی! تیروی گاهی چون اشتغالی می‌گرد لطفه انگار ناشی فراسیده است بیا خیزید! تا گذشته را بدور انگیم. بیا خیزید ای نودهای در زنجیر، بیا خیزید! آسای جهان جا جا نیشود، و ما که هیچیم، باید همه چیز تویم این برودنیای است، متحد شویم! تا نسل فردای بشریت، یکبارچه و جهانی شود. بدستگونه، پواتیه نیز به گروه بزرگی از هنرمندان مبارز می‌پیوست که با شرکت مستقیم در قیام "کون" و با بهره‌گیری از نجار این جنبش انقلابی، از یابف گذاران "هنر انقلابی" شدند. هنری که مشخص‌ترین وجهه آن نه فقط بیان وضعیت دردناک نودهای زحمتکار محروم و بلکه، همچنین دعوت آنان به مبارزه برای تغییر جهان و برانداختن نظام ظلم و بهره‌کشی است. اهمیت این بعد تازه هنر انقلابی، یعنی دعوت به مبارزه زبانی شخص می‌شود که توجه داشته‌باشیم هنر مردمی قرن نوزدهم فرانسه پیش از قیام کون، بیشتر به توصیف وضعیت زحمتکاران بسنده میکرد و بدلیل متعددی که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد - و تنها یکی از مهمترین آنها، شکست حرکتها انقلابی فرانسه در نیمه اول قرن نوزدهم بود - است. رهنمودی برای رهایی نودهای ستمدیده در برداشته و از این نظر، عموماً توصیفی نمودانه جلوه می‌کرده است. نمونه بسیار معروفی از یکی از این اشعار پیش از کون، که توسط "دوبون" شاعر مردمی فرانسوی بوده، بخشی نشان‌دهنده این تفاوت است. به مختصرهایی از این شعر، با نام "سرود کارگران" توجه کنید:

با بروناتن، با بونان، بچند به چه می‌بازد برای پیشین زمین سختی می‌انگیم تا کجای بنهنگه آنها را بیرون کنیم بروید، انما، آهن را منجا میوه ما منجا و گندم دشت ما را.

پواتیه در ۱۸۸۷ در فقر مرد. اما از خود خاطره‌ای برجای گذار که می‌تواند برای جوانان، اوکی از سترترین سارندگان مبلغ بود، وقتی نخستین سرود خود را می‌گفت، شمار کارگران سوسیالیست جداگانه از دهها نفر تجاوز نمود. سرود تاریخی او را امروزه دهها میلیون کارگر و زحمتکار می‌شناسد و می‌خواند.

۲۸ بهروز

انتظار اقتصادی - سیاسی بی‌بهره باشد و به اندازه یک کارگر حقوق بگیرند. هدفهاشک بسیاری از آنها، در حد مدت کوتاه چند هفته حاکمیت کون "تحقق یافت.

اما نبود حزب کارگری انقلابی در پاریس سبب ضربه‌پذیری آن شد. رهبران کون، برودنیستاها و بلاکنست‌ها که در سرکوب سرمایه‌داری طاقتی سه خرج ندادند. آنان همچنین برای اتحاد با دهقانان تلاش نکردند و منفرد شدند.

سرمایه‌داری فرانسه که در بی فرصتی مناسب برای درهم کوبیدن این حکومت کارگران و زحمتکاران بود، به جنگ با "دشمن" خود رژیم آلان - پاپان داد. تا همه نیروی خود را صرف سرکوب "کون" کند، "کون" در مقابل هجوم ضدانقلابیون تا آخرین نفس ایستادگی کرد، اما دردم شکسته شد. پس از ۷۲ روز برجم کون در خون کارگران و زحمتکاران غوطه‌ور شد. مردان و زنان قهرمان آن به هیچگون ناشی با دشمنان طبقاتی خود تن نهاده و با مقاومت حماسی هر خود نشان دادند که در راه نابودی قهرآمیز همه طبقات استشارکار از جانشانی دروغ نماند:

سرمایه‌داری فرانسه که در بی فرصتی مناسب برای درهم کوبیدن این حکومت کارگران و زحمتکاران بود، به جنگ با "دشمن" خود رژیم آلان - پاپان داد. تا همه نیروی خود را صرف سرکوب "کون" کند، "کون" در مقابل هجوم ضدانقلابیون تا آخرین نفس ایستادگی کرد، اما دردم شکسته شد. پس از ۷۲ روز برجم کون در خون کارگران و زحمتکاران غوطه‌ور شد. مردان و زنان قهرمان آن به هیچگون ناشی با دشمنان طبقاتی خود تن نهاده و با مقاومت حماسی هر خود نشان دادند که در راه نابودی قهرآمیز همه طبقات استشارکار از جانشانی دروغ نماند:

۲۹ بهروز

به هیچ نحی اعلی می‌شدیم. نه شاعران، نه آسای، نه دوست‌هایمان، نجات یا بدست خود است ای کارگران، به رهایی خویش کمر بستیم. تا حق خود را از حلقوم ذریان بیرون کنیم، تا جانی را از ساجاچالیای جهان آزاد کنیم، تنها مایم که باید برآش این بیچاره بدبخت و آهن‌را، تا سرخ است، بگویم.

قهرمانان کون خود را به نبردهای سرمایه‌داریستلم کردند و تا آخرین نفر در آخرین سرکوب، گویسان اطراف پاریس، کنار شدند. سرمایه‌داری انتقام طبقاتی خون آمیزی گرفت: بیش از ۱۰۰ هزار نفر تیرباران یا زنده به گور شدند. پاریس منتهی‌الحرافه میان درباری از خون بدل شد. و دولت سرمایه‌داری با عجله به صورت توالین اختیاری برداخت و جوینور را به شهر گستراند.

در اوج این قتل‌عام، اوژن پواتیه، که نشانی از خشم درخوش و غلبان بودش معروف را که می‌رفت تا در سراسر جهان منتشر شود، سرود، امیدوارو به مبارزه

۳۰ بهروز



نفته! هان - این زمین روی چیه روی شاخ کاور، کاور روی چیه؟ روی ماهی - ماهی روی چیه - روی آب - آب روی چیه؟ پای وای! آلهی رودت بیره جقدر حرف بی زنی حوصلم سرفوت.

آفتابه لکن شش دست شام و ناهار هیچی! آفتابه لکن شش دست شام و ناهار هیچی! گفت نخور، عمل و خیزه با هم نمی آید، شنیدی خود، یک ساعت دیگر یارو را دید مثل مار خودش می پیچد، گفت، نگفتم نخور این دو تا ماه نمی سازند، گفت حالا که این دو تا خوب با هم ساخته اند که من یکسرا از میان براهند!!!

من می خواهم اولیای دولت را به عمل و روسای ملت را به خیزه تشبیه کنم، اگر وزارت علوم بگوید تو همین است، حاضریم دوست و پنجاه حدیث در فضیلت خیزه و یکصد و نه حدیث در فضیلت عمل شاهد بگذاریم.

صاحبان این جور خیالات را فرنگیها آثار نیستند و مسلمان ها خواجه می گویند، اما شما را بخدا حالا دست خوبی نسجیده بچه، خدا پدرتان را می آیزرد من هر چه باشم دیگر آثار نیست و خواجه بنیسم. من هیچ وقت نمی گویم برای ما بزرگتر لازم نیست، میان حیوانات بی زبان خدا هم شیر بادشاه درندگان است و به صریح عبارت شیخ معدی، سیاهکون هم رئیس الوزرات و بلکه دراز گوش هم رئیس کشکک خانه می باشد.

میان مموه ها هم گلایه شاه مموه است و کلم هم شاید یک چیزی باشد، و اگر مشروطه هم به نباتات سزایت کرده باشد که سبب زمینی لاید... (چه عریض کنم که خدا را خوش بناید)، ماری برویم سر مطلب: من هیچ وقت نمی گویم اشرف مخلوقات از حیوان و نبات هم بستر باشد، من هیچوقت نمی گویم خر و گاو و ریس بزرگتر داشته باشند، جقدر و زردک و پشوا و آقا و نماینده داشته باشند و ما اشرف مخلوقات را دهتمان را بزنند سر خودمان.

من درست بادم هست که خدا بیامرز خاله فاطمه هر وقت که ما بچه ها بعد از پدر خدا بیامرز شیطانی می کردیم، جانم را سر می گرفتیم می گفت ایسی هیچ خانای بی بزرگتر باشد.

بزرگتر لازم است، ریس لازم است، آقا لازم است، ریس ملتی هم لازم است، ریس دولتی هم لازم است. اتفاق و اتحاد این دو طبقه یعنی ساختنشان هم با هم لازم است، اما تا وقتی که این دو

به پناهه بیست و پنجمین
سالگره گ «دهخدا»
دروس الاشیاء
از شماره ۲۵ روزنامه «صور اسرافیل»



تا با هم نمانند که ما یکی را از میان براند. این را هیچ کس نمی تواند انکار کند که ما ملت ایران در میان بیست و یک جمعیت پنج کور و سیمد و پنجاه و هفت هزار وزیر، امیر، سپهسالار، سردار امیرنویان، امیرنویان، سرهنگ، سرتیپ، سلطان، باور، میرمنجه، سفیرکبیر، شازدادر، کشمه، بوزبانی دهبائی و پنجمنائی داریم، و گذشته از اینها باز ما ملت ایران در میان بیست و یک جمعیت (خدا بزرگت بدهد) شش کور و چهارصد و پنجاه و دو هزار و شصت و چهل و دو نفر آبتالله، حجاج الاسلام، مجتهد، مجاز، امام جمعه، شیخ الاسلام، سید، شیخ، ملا، آخوند، قطب، مرشد، خلیفه، پیر، دلیل و پیششار داریم، علاوه بر اینها باز ما در میان بیست کور جمعیت چهارگروه شاهزاده، آقا زاده، ارباب، خان، المخان، ابل بیگی، وایه بائی داریم، زیاده بر اینها اگر خدا بگذارد این آخرها هم قریب دوسه هزار نفر وکیل مجلس و وکیل انجمن وکیل بلدیه، منشی دفتر دار و غیره داریم.

همه این طبقاتی که عرض شد دو قسم بیشتر نیستند، یک دسته روسای ملت و یک دسته اولیای دولت، ولی هر دو دسته یک مقصود بیشتر ندارند، می گویند شما کار کنید، زحمت نکنید، آفتاب و سرما بخورید، لخت و عبور بگردید، گرمه و نشه زندگی کنید، بدهید ما بخوریم و شما را حفظ و حراست کنیم، ما چه حرفی داریم، فیضان قبول، خدا بهشان توفیق بدهد، راستی راستی هم اگر اینها نباشند سگ روی سگ بند نمی گورد، آدم آدم را میخورد، تمدن و تربیت، بزرگی و کوچکی از میان می رود، البته وجود اینها کم با زیاد برای ما لازم است اما تا کی؟ بهنگام من تا وقتی که این دو تا با هم نمانند که ما یکی را از میان براند.

منی گویم ملت ایران یک روز اول ملت دنیا بود و امروز بواسطه خدمات همین روسا ننگ تمدن عصر حاضر است، من نمی گویم که سر حد ایران یک وقتی از پشت دیوار چین تا ساحل رود "دانوب" متمدن شد و امروز بواسطه زحمت همین روسا اگر در تمام طول عرض ایران دو تا موش دعوا کنند سر یکی به دیوار خواهد خورد.

من نمی گویم که با این همه ریس و بزرگتر که همه حافظ و نگهدار ما هستند بربروز هیجده شهر ما در ففزاز باغ سیبل روسها شد و پس فردا هم بقیه مثل کونست فراتی سه قسمت میشود. من نمی گویم که سالهای سال است فرنگستان رنگ "ویا" و طاعون

ندیده و ما چرا هر یک سال در میان باید یک کور از دست-شای کارکنی سلطنت یعنی جوانیردها و جوانه زندهای خودمان را بدست خودمان به کور کنیم!

من نمی گویم در این چند قرن آخری هر دولتی برای خودش دست و پائی نداشته، توسعه به خاک خودش داد، مستعمراتی تربیت نمود، و ما با این همه ریس و بزرگتر و آقا به حفظ سلطنت خودمان هم موفق نشدیم.

بله اینها را نمی گویم، برای اینکه میدانم برگشت همه اینها به قفا و قدر است، اینها همه سرپوش ماها بوده است، اینها همه تقدیر ما ایرانیهاست.

اما ای انصاف دارها، وایله بزرگ است بچه خودم را باره کنیم، بزرگ است کفر و کافر بشوم، بزرگ است چشمهای ما بگذار روی هم، دهسم را باز کنم و تکویم اگر کارهای ما را باید همانی را تقدیر درست کند، امورات ما را باید باطن تربیت اصلاح کند، اعمال ما را دست غیبی به نظام مینماید، پس شما سلولون ها ریس، آقا، بزرگتر، از جان ما بیچاره ها چه میخواهید؟ پس شما کوروها سردار و سیه سالار و جان چرا ما را دم کوره خورشید کباب می کنید!؟

پس شما چرا مثل زالو به تن ما چسبیده و خون ما را با این سحی می کنید؟

گیرم سلم سلم بول ندارید سد اهواز را بمیدید شما قوه نظارتشون برای حفظ سرحدات بفرستید، شما نمی توانید راه در سلطنت کنید، اما والله بالله

بسی جزو کلام الله شما آفتقر قدرت دارید شیخ محمود اما براده جعفری را از اورامین به طهران خواهید، شما آفتقر فوت دارید که صد نفر سرباز برای حفظ نظم برده خون خواهی قاتل سید رضای اصفهانی داروغه

پس گرفتن هفتصد تومان نایاب قمار اجزاء عدل الدوله از حجت الاسلام و ملا ذالانام امیرزا علی رضای صدر-العلمای بردی اطال الله ایام افادانه به برد بفرستید.

شما میبایستد کما بایدم سفر سوار میرهاشم را از سلطنت مملکت آذربایجان طلع کنید.

حالا که نمی کنید من هم حق دارم بگویم شما دو دسته مثل عمل و خیزه با هم ساخته اند که ما ملت بیچاره را از میان بردارید، وزیر علوم هم اسدی نمی تواند به من اعتراضی کند.

من دوست و پنجاه حدیث در فضیلت خیزه و یکصد و نه حدیث در فضیلت عمل در خاطر دارم، در هر روز رانندهای شاهد میگذارم، میگویند نه این کور و این میدان بگرد تا بگردیم.



کانون نشر
اندیشه های نوین
منتشر کرده است:

پل سوئیزی درباره فاشیسم
 فصلی از کتاب "نظری رشد سرمایه داری"
 ترجمه ج. فرزانه
 ۳۲ صفحه، ۲۸ ریال

مقدمه های بر جامعه شناسی و
روانشناسی فاشیسم
 رابین هارد کوبل، ترجمه مسعود کریم نیا
 ۵۶ صفحه، ۴۵ ریال

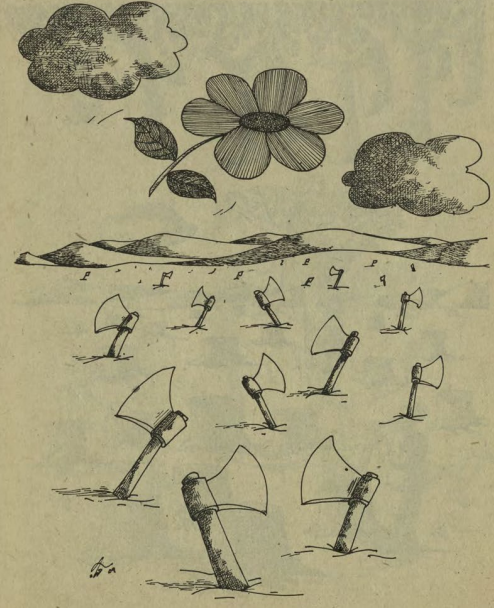
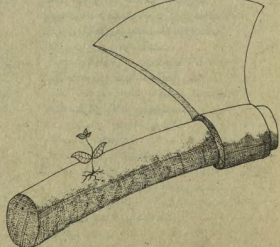
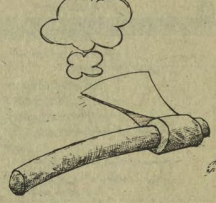
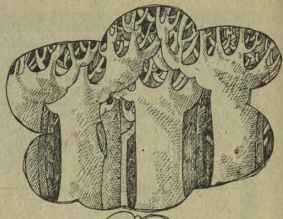
زنان عرب
 ترجمه زهره امیندوار
 گزارشی اوضاع و احوال زن در اکثریت
 ۶۸ صفحه، ۵۰ ریال

چهره عربان زن عرب
 نوال السعداوی، ترجمه رحیم مرادی و مجید فروتن
 ۳۸۴ صفحه، ۳۲۰ ریال

اصول فلسفی رئالیسم و مبانی
عقیدتی انسان
 دکتر رحیم مرادی
 ۴۰۴ صفحه، ۲۸۰ ریال، چاپ دوم

زیر چاپ:
انقلاب و آتش یا دیالکتیک
پرومته و اروسترات
 علی شاکری، چاپ دوم

بخش از انتشارات روزبهان روبروی دانشگاه تهران
 ش ۱۰۴



روز به روز

در کنترل نیروهای ایران است... عملیات تعرضی به داخل خاک عراق ادامه می یابد. (ا)

— نماینده قصرمیرین در مجلس طی مظهری به شورای عالی دفاع خود از آمدن قصرمیرین را تکذیب کرد. (طیوعات)

— سنی صدر به های الحسن عضو شورای مرکزی الفتح: "ایران دفاعی ما در برابر ارتدترها، آگاهی مردم ما بوده است. اگر مردم ما آگاهی نداشتند نمی توانستیم ۴ ماه بدون دریافت مهیات و اسلحه از خارج در برابر یک ارتش مجهز ۱۲ لشکر مقاومت کنیم" (طیوعات)

— رجبی: "دولت قصد دارد مراکز تولید اسلحه در داخل را تقویت کند." (م)

— عضو هیات مدیره ترک گسترش خدمات بازرگانی: "برای حیران خرابی های ناشی از جنگ ۳۰ میلیون تن سیمان از خارج وارد می شود." (خ ب)

— معاون اقتصادی بانک مرکزی: "در ۱۵ ماه اخیر تورم از ۴۰ درصد گذشته است." (ا.ا)

— سناد سبح اقتصادی: "قند و شکر و راه های برای دولت کلوبی ۷۰ تا ۸۰ ریال تمام می شود... سالانه یک میلیون تن شکر از خارج وارد می شود." (خ ب)

— سخیلی نهرانی: "منهم برای دفاع از خود در هر داده ای که مانند ستوانه وکیل گردد، اگر چه وکیل کافر یا بریند باشد و انگالی که آن شخص (آل الله کلانی) کرده که ما باید بدانیم منظور شرمی دفاع می کند، و بدانیم ماورین قضای اسلام را و کفر های در اسلام را بدانند، و معالطه بیش نیست... من مطمئن هستم که چون اینجا که فلا" منصدی امور قضایی هستند از مقابل شدن با

علاقم اختصاری

(ا) - اطلاعات
 (ا.ا) - انقلاب اسلامی
 (ج.ا) - جمهوری اسلامی
 (ح.ب) - خبرگزاری فارس
 (ص.ا) - صبح زادگان
 (ک) - کیهان
 (م.ا) - میوان

چهارشنبه اول بیمن ماه ۵۹

— آبادان، اهواز، درفول و سوسنگرد همچنان هدف خمپاره ها و گلوله های نیروهای عراق قرار دارد. (خ ب)

— در حبهه قاصیه آبادان دو انبار مهیات وجود سکر گروهی عراق به آتش کشیده شد. (خ ب)

— مواضع عراق در ارتفاعات کجناجم زیر آتش توپخانه ایران قرار دارد. (خ ب)

— یک انبار مهیات عراق در بخش غربی خرمشهر به آتش کشیده شد. (خ ب)

— تلاش عراق برای گشودن جبهه جدیدی در سوهار شکست خورد. (ک)

— ابوشریف: "سه نپ کابل بهاده کوهستانی عراق در جبهه های غرب منهدم شد" (طیوعات)

— نینمار فلاخی: "بزرگراه استراتژیک بغداد-بصره به کنترل ایران درآمد. مناطق استراتژیروهای عراق در مناطق حاجی عمران، رواندوز، باشاق، ماته و یابده

دختر و بنام

از : ناهید ترجمه : علی اصغر راندان

تو که هستی؟ خواهر؟
 دختری جوان؟
 یا فرشته ای؟
 چند ساله ای؟
 و با اصلا بدون سنی؟
 ایسان رنگان تو اند،
 با ابرها و جوهر آینه ای؟
 و آنان چشمان تو اند که به من می نگرند
 با درخشش برقی در دل طوفان است؟
 بیگرت از گشت است و یا بر تو؟
 بگذار باهای بچهدات را ببوسم
 بگذار دستان را در دست بفشارم
 دستان لطیف را،
 بیگر تجاوز شدات را

بر خیز خواهر
 روهای وحشت انگیز پایان گرفت
 دوباره زندگی را آغاز کن، خواهر
 شوک الکتریکی خشک کننده
 کارد برای سوراخ کننده
 آتش سوزنده
 قادر به کشتن تو نیستند،
 دختر قهرمان!
 قلب تو خواهر!
 قلب تو بس عظیم است
 با نظره ای خون دوباره خواهد طپید
 و تنها برای خودت نمی طپد
 به خاطر عدالت،
 دهکده های زادگاهت،
 کنورت
 و به خاطر انسانیت می طپد.
 تاز دیار برگ برشته ای
 با شکوه
 ۸۴ بهروز

همچون روزی که رفتی،
 روزی که برجم سرح نو را فراخواند
 تو برگشتی دختر سرفرازی!
 نامی کشور تو را آغوش می گیرد،
 همچون خون خویش
 تو دوباره زندگی خواهی کرد
 زیرا تو فاتح شده ای
 نامی کشور در کارت خواهد بود،
 محاربه کنندگان تحت سفیدت
 آواز خوان
 به همانگونه که مادر درگشته میخواند
 روزگه بسوی آواز گویی بان "نیوون" می رفتی
 نامی کشور هدیه خواهد کرد،
 خون خویش را
 هر روز پس از دیگر روز
 به تو هدیه خواهد کرد،
 به خاطر گلگون کردن دوباره رخساره تو
 به خاطر افزودن به درخشندگی کیمون تو
 بیگرت دوباره فریبندگی خویش را باز خواهد یافت
 سرفراز روی باهای بیرونمست خواهی ایستاد
 باهای برنوا تو بخواهند گشت،
 — به دهکده های ما
 و روی جاده های من انتها راه خواهی رفت،
 همچون گذشته ها
 زمانیکه ستارگان طلائی میدرخشیدند.
 آه از چشمان شعلور،
 زمانیکه به من می نگریستند!
 آیا میشود ما همان برق نیرومند،
 هوازه رخشان باشند؟
 با آن تعلقی بی پروایی
 با درخشش و گشتاخی زادگاهت
 آه خواهرم!
 دختر و بنام!

روزنامه روز

— بمباران فلاجی : با برداشتن محاصره اقتصادی و سریع در نایب مسائل بود نماز میوان بیروزی بر دشمن را سریع برکرد. (ا. ب.)

— نماینده نماینده در مجلس : خرید اسلحه از ایردینرها به استقلال با هزینه میزند. (ک. ب.)

— بی بی صدر در کارنامه رئیس جمهور : کنت کندی در سال جاری ۹۲ هزار تن کاهش داشته است و در این سال عرصه کندی به دولت ۵۲ درصد کاهش داشته. . .

— مساعی کیموندا ، نارسایی ها و خصوصاً چیزی که با همیشه درمیورد از فریاد زده ایم مثل فقدان امنیت قضایی ، بوجب چنین روندی در کشاورزی ایران شده که بسیار خطرناک است. (ا. ب.)

— بحیر کمسیون اصل ۹۰ : در مدت پنج روز ۳۰۰ تکلیت از آموزش و پرورش ، ۱۲۳ تکلیت از امور داخلی ، ۵۰۰ تکلیت از وزارت کشاورزی ، ۸۰ تکلیت از وزارت کار و امور اجتماعی ، ۱۵۰ تکلیت از وزارت مسکن و شهرسازی ، و ۶۸۶ تکلیت از جهات دیگر به این کمسیون آمده است. (طبوعات)

— معاون امور سالی و سالی وزارت ارشاد : از روز ۲۲ بهمن ورود نشریات وابسته به کشورهای آمریکا ، انگلیس ، فرانسه ، چین و روسیه که حق برای خود قائل هستند ، به کشور ممنوع خواهد بود . . .

— فعالیت خبرنگاران وابسته به این کشورها نیز از ۲۲ بهمن در ایران غیرقانونی خواهد بود. (طبوعات)

— ماه الله ضراب : دیروز دستگیر شد. دادسرای انقلاب اسلامی نوکر آرمانی که دیروز نامیرده شگفتی و با نجاتی دارد ، خواست ما در دست داشتن مدارک و دلایل به این دادسرا مراجعه کند. (ج. ب.)

— استناد از امضای : از بخش خصوصی خواستیم (برای برآورد انداختن جریخ تولید) فعالیت اقتصادی خود را شروع کنند و به همین جهت امکاناتی از قبیل زمین ، وام ، و برسی طرحها و کمک به آنها توسط دولت فراهم کرده ایم. (م. ب.)

— نخست وزیر به جای قانون "باکازی" مصوب شورای انقلاب ، لایحه "پاراسازی" را به مجلس داد. (ش. ب.)

— عبدالرحمن قاسمی : ما بی طبقه نداریم باسدار رژیم جمهوری اسلامی باقیم. (ج. ب.)

— نماینده رنجان در مجلس : یکی از علل و عواملی

بین آمریکا و شوروی ، ۱۶۵ میلیون آمریکایی و ۱۰۰ میلیون روسی کشته خواهند شد. (ج. ب.)

— سفر شوروی در آمریکا : این اظهار نظر روزنامه برارودا سنی براینکه آمریکا قصد مداخله نظامی در ایران را دارد ، اظهار نظر کرولین و با بیانیه رسمی وزارت خارجه شوروی نیست ، و فقط یک با دو نفر از روزنامه نگاران روزنامه مذکور نظرات خود را منعکس کرده اند. (ج. ب.)

— نخست وزیر هند : ایردینرها در منطقه آسیا آتوب و بلوا ایجاد کرده اند. (ج. ب.)

— علمیه "کفو حکومت نظامی" در فلسطین ، بوجب فرمان رئیس جمهور این کشور نیروهای نظامی همچنان میمانند ، افراد مشکوک به خرابکاری و کماشی را که نظم را برهم میزند ، دستگیر و بازداشت کنند. (ا. ب.)

— ده هزارتن از روستائیان مکزیک جاده های منتهی به مبدانهای نفتی این کشور را به علت "نابودی محصولات و راهی کشاورزی توسط شرکت نفت دولتی مکزیک" مسدود کردند. (ج. ب.)

— صدام حسین فاتی ساخت آمریکا چندین بار اقداماتی بعمل آورد تا با عراق روابط سیاسی بطور رسمی برقرار کند ، او ضمن نگه بر پشتیبانی شوروی از عراق به موضع گیریهای سنجیده شوروی فرسنگ اخیر با ایران آغاز کرد ، او گفت : "فرانسه به تعهدات خود در جهت عراق بجمعی عمل می کند و سلاجهای لازم را بر طبق قراردادهای منعقد شده عراق تحویل میدهد. (ا. ب.)

پنجشنبه دوم بهمن

— طی شامه روز گذشته مناطق مسکونی سوگند زبانش نوبخانه عراق فرار گرفت. (ج. ب.)

— یکگردان نیروی مخصوص عراق در نومود نازوبار شد. (ج. ب.)

— عراق از یک نیم استراتژیک در منطقه رنجان عقب رانده شد. (ج. ب.)

— عراق در سواحل کارون ، اطراف خومشهر ، ام الرضای و جنوب الدویب زبانش نوبخانه ایران فرار گرفت. (ج. ب.)

— نیروهای عراق با تلفات سنگین از غرب کرخه عقب نشینی کردند. (ج. ب.)

— آبدان زبانش نوبخانه کانیوتای عراق بود. (ج. ب.)

— نیروهای ایران جاده فاو - بصره را زیر آتش گرفتند. (ج. ب.)

— وزیر دفاع آمریکا : "در صورت وقوع جنگ هسته ای

را در حساسی که از پیش جهت پرداخت به ایران افتتاح شده بود واربر کرد. لیکن پس از پرداخت کلمه بدیهای های ایران به بانکهای خارجی که در توافقنامه آزادی گروگانها قید شده بود ، تنها ۲/۸۸ میلیارد دلار به ایران تعلق گرفت که این مبلغ یک چهارم پولی بوده که ایران ادعا میکرد در آمریکا متوقف شده است. (ک. ب.)

— معاون اری بانک مرکزی : "پس از بحث و گفتگو های مفصل آقای بهزاد نبوی نماینده نام الاختیار دولت برای حل مساله گروگانها تصمیم گرفت که دیون ایران به کلمه بانکهای آمریکایی را هم اکنون پس بدهد. . . بانکهای آمریکایی از این پیشنهاد بجمعی استقبال کردند چراکه به طلبیهای خود می رسیدند که در ابرار بعد از انقلاب امید به دریافت آنها داشتند. (ا. ب.)

— دفتر رئیس جمهور : "این ادعای سخنگوی دولت که مقام ریاست جمهوری در جریان مذاکرات بوده است صحت نداشته و بدین وسیله تکذیب میشود. (ا. ب.)

— گارتز : "آزادی گروگانهای آمریکایی در ابرار با شرایطی انجام پذیر شده که برای همیشه شرف و منافع آمریکا را حفظ خواهد کرد. (طبوعات)

— سفیر شوروی در آمریکا : "از آزادی گروگانها استقبال می کنم. (طبوعات)

— طبوعات سوریه : "آزادی گروگانها یک بیروزی برای ایران است. (طبوعات)

— دبیر کل کنفرانس اسلامی : "آزادی گروگانها بار دولت ایران را بطور قابل ملاحظه کاهش خواهد داد. (ج. ب.)

— تایلر لندن : "شکست آمریکا در تصرف سفارتش در تهران منتهی نشود ، بلکه این سقوط رژیم شاه بود که شکست آمریکا را بوجب شد. (ج. ب.)

— یک روزنامه لبنانی : "اکنون نایب برسد آیا ابرار بخت موافقتنامه جدید نیمنه است ، ضحیک نمی داند ، ولی به هرحال آزادی گروگانها بدان معنی نیست که صلح و نظام بین دو کشور برقرار شده است. (ج. ب.)

— گارتز گاج سفید را ترک کرد. (ج. ب.)

— وزارت دفاع آمریکا به کنگره این کشور پیشنهاد کرد با تحویل تجهیزات نظامی به ارزش تقریبی ۳ میلیارد دلار ، برای حمایت از عربستان سعودی ، موافقت کند. (ج. ب.)

— وزارت خارجه آمریکا : "برنامه تحویل تجهیزات نظامی شامل آمریکا را در حمایت از کوششهای عربستان سعودی ، برای توسعه امنیت این کشور به اثبات می رساند. (ج. ب.)

— وزیر دفاع آمریکا : "در صورت وقوع جنگ هسته ای

حقوقدانان ناوانند ، چنین سببهای خلاف قانونی را به آتش مقدس اسلام میدهند. (م. ب.)

— نماینده استار در مجلس : "دادگاههای انقلاب بعنوان یک نهاد در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده است. . . دادگاههای انقلاب باید با دادگاه های دادگستری ادغام شود. (طبوعات)

— نماینده قاضی در مجلس : "ورود افغانها به فاکتات (که در اثر زلزله های متوالی بیش از ۲۰ هزار نفر از اهالی با فقر در دچار بسر میبرد) مساله ای از نظر قضائی بوجود آورده است. (طبوعات)

— مجلس ملت تهیه ترازنامه برای نمایان مستضعفان را برای ۶ ماه دیگر تمدید کرد. (طبوعات)

— اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ تهران : "اگر مجلس در خرم مقدس کلاس درس به روحانیت اصل بنماید ، به از گانهای انقلابی احانت کند ، و به مقدمات انقلاب بی جرمتی بنماید ، مشخص و غیر مشخص ، با سابقه و با بی سابقه ، جامع جمع علوم عالم هم که باشد ، جایش در کلاس درس نیست و نخواهد بود. (ج. ب.)

— نماینده رئیس جمهور در استان خراسان : "استاندار خراسان در ایجاد جوی که نزدیک بود کشور را به بلوا بکشد نشان بوی داشتند. (ا. ب.)

— طی در گریه های اطراف برانشهر ۱۰۰ تن از اعضای حزب دنگرات و کومله کشته شدند. (ا. ب.)

— کنگره مرکزی به دارندگان "نواهای فخره ، عشقگده ، فخرانجه" و فلپهای مخالف اهداف جمهوری اسلامی "شده" اظهار کرد. (طبوعات)

— بزرگان الحزبایی : حال همه آنها (گروگانها) خوب و رمانجین است. . . هیچک از آنها تکلیفی از وضع کلی خود نداشتند. (ج. ب.)

— اطلاعیه دولت : "دولت جمهوری اسلامی ایران برابر تعهدات عمل آمده بلافاصله اقدام به اعزام ۵۲ نفر آمریکایی گروگان ملت ایران نمود. . . هواییهای الحزبایی حامل آنها در ساعت ۲/۵۵ دقیقه بوقت تهران از فرودگاه پرواز نمود. (طبوعات)

— فائده های ایران هواییهای حامل گروگانها را تا مرز اسکوت کرد. (ج. ب.)

— رفسنجانی در مورد آزادی گروگانها : "آمریکا نخواستن حلی در اراده ملت ایران وارد کند. (طبوعات)

— خلیفانی : "من از استخلاص گروگانها اظهار خوشحالی میکنم. (ا. ب.)

— اطلاعات : "خروج ۱۲ میلیارد دلار سرمایه ایران اقتصاد آمریکا را متزلزل کرد. . .

— خبرگزاری رویتر : "آمریکا ۷/۹۸ میلیارد دلار

روزنامه روز

نی‌پهرماند. (م.م.)
دو دفتر امام خمینی : در اثر ازدحام بی‌سابقه و عدم گنجایش خیابانها و کوچی‌های اطراف آژنگاه ضایعات جانی و مالی زیادی بار آمد موجب ناآرامی شدید حضرت امام مد ظله‌العالی و مسئولین دفتر گردید. (مطبوعات)
— سرافقه میزان : روابط دولت آمریکا با انقلاب و دولت وقت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تنها با روی کار آمدن دولت بوقت شروع نشود، موجب اطلاعات و مدارک و اسناد و شواهد از ماهها قبل از پیروزی نهایی انقلاب نتایج متعددی میان اعضای شورای انقلاب در ایران با مقامات آمریکایی و فرابار و مذاکره‌ای در جریان بوده است... اما آنچه قطعی است و هیچکس نمی‌تواند در آن شک نماید این است که همین نتایج و برخوردها و گفتگوها میان سران انقلاب اسلامی در داخل ایران با مقامات آمریکایی و ارتش و جنرال بودک از وقوع حوادث ناگوار بسیاری جلوگیری کرده و مانع کودتای ارتشبان گردید.
— مضافان نماینده مجلس : باید از کلاهچینی که بعد از ساله گروگانگیری از این ضد ساخته شد و مسائل دیگر صحبت کرد. (مطبوعات)
— بنی‌صدر : دنیا را گردش نکند ببیند ازبابت گروگانگیری در دنیا چه بوده است، اینهم گنورتان ببیند اثراتش در کشور خودتان چه بوده، اما اگر چنانچه که در روزنامه خواندم گوئیم که موجب شده عدای از حکومت رفتن و عدای آمدن، اگر بگوئیم که محصولات این بوده، بهای سنگین برای این برداشتم، اگر محمولات دیگری داشته بودند برودت تحقق کند، بین الان در وضعی نیستیم که راجع به این موضوع اظهار نظر کنیم. (م.م.)
— سرافقه "انقلاب اسلامی" : ساله گروگانگیری باید به بحث آزاد گذاشته شود... اکنون برای است که برنده‌های نبرد و فریب باید بالا رفته بود و واقعیت مسائل و رویه‌های می که در این نکال زانده در پس پرده‌هایمان داشته است برای مردم قهرمان با روشن بود.
— سرافقه "کیهان" : شعارهای انجمن جبهه‌های جبهه‌ها و لیبرال علیه انقلاب تحت پوشش اعتراضی به آزادی گروگانها، همه رفته آگاهانه یا ناآگاهانه به راه خدایتان زمینه‌های مناسب برای حمله مستقیم آمریکا به ایران پیش بردند.
— دکتر باجر ۲ : آمریکا لیز کرده که ایران تاه معدوم و خاک‌آبادان را به ما بدهد... اعتبار و اقتدار آمریکا در سطح جهانی بربر کشیده شده، همین مسائل ضایعات اجرایی برای ایران و پشتیبانی

حکمی است تا آمریکا به انجام تعهدات خود استوار باشد. (ج.ا.)
— رفسنجانی : نخست‌وزیر اعلام آمادگی کرده تا گزاشی درباره آزادی گروگانها به مجلس بدهد. (مطبوعات)
— گروگانها واره آمریکا شدند. (مطبوعات)
— آسوشینپرس : ایران درهای خود را برای بازگشایی و دسترسی با کشورهای عضو بازار مشترک پس از آزادی گروگانهای آمریکایی کرده است... در ماه ژوئیه ۱۹۸۰ صادرات بازار مشترک اروپا به ایران از مرز ۲۹۰ میلیون دلار در ماه ژوئن به ۳۱۵ میلیون دلار رسید. در ماههای اولیه پس از وضع تحریم اقتصادی، صادرات بازار مشترک اروپا به ایران نسبت به دوران قبل از جنگ بالا رفت... بعضی از شرکتهای واردکننده با حمل کالا از طریق کشورهای سوم توانستند اثرات این تحریم را خنثی کنند... در جریان تحریم بازگشایی دادوستد میان ایران و فرانسه رونق گرفت و از سال ۷۹ تا ۸۰ دویسایر شد... ایرلند در جریان تحریم اقتصادی حاکمتر استفاده را کرد و بازگشایی خود را به ۷۰ درصد افزایش داد. (ج.ا.)
— آمریکا منظور ریورونی سریع با تهدیدات نظامی نسبت به منابع نفتی خلیج فارس یک نیروی فریبی ویزتامال ۲۸ فروردین با سگن خود آورد. (مطبوعات)
— آمریکا و ۲ کشور اروپایی ۷۰ درصد از ذخایر طلا دنیا را در اختیار دارند. (م.م.)
— وزیر خارجه وینام : وینام در نظر ندارد تسهیلات با کلاهچینی نظامی خود را در اختیار شورای فرار دهد. (ن.ا.)
— روزنامه پراورا اظهار امیدواری کرد که روابط شوروی با آمریکا گشایش یابد. (ک.ک.)
— رامیدو کابل : از طرف نیکو کارل رهبر افغانستان تلگرام تبریک بی‌قائل ورنالد ریگان به مناسبت اجراء بست ریاست جمهوری به واشنگتن معیاره شد. در این تلگرام اظهار آرزومندی شده است که روابط میان افغانستان و آمریکا بحالت اول درآید.
— دولت لیسه‌تان طرح ۵ روز کار در هفته را رد کرد. (ک.)
— حزب‌الله عراق : ۵۰ هزار عراقی طرفدار ایران در عراق زندانی هستند. (ا.)

سه‌شنبه هفتم بهمن

— آژانگ و آژانگ : مسوئله و دزول و راندر بار دیگر زیر آتش بیخانه دوربرد عراق فرارگرفت (ج.پ.)
— شیخون ۳ : سامعه گمانده‌های عراق به پیوسته درهم کشک. چند ارتقا بیخون الحقی پیوسته آزاد شد. (مطبوعات)
— عراق از حبه‌های میهران - دهلوان و سوار عقب نشینی کرد. (ج.پ.)
— یگان نوجوانه عراق در اهواز نابود شد. (ج.پ.)
— در منطقه بجنوب و بومیان ثلقات سنگینی به دو موضع درخاک عراق وارد شد. (ج.پ.)
— بخشنامه بودجه سال ۶۰ : استخدام جدید به شرکت صنوع است... هرگونه افزایش حقوق و مزایا برای کارکنان دستگاههای اجرایی شامل شرکتها دولتی و وابسته به دولت جز از مابت ترغیبات معلول و قانونی صنوع است. (مطبوعات)
— بنی‌صدر : نامه بیشتر از نان، بیشتر از گزائی، از مردم نگران و ناراضی هستند... می‌خواهند حقوق تکلیف آنها در جمهوری اسلامی مطابق قانون اعلام معلوم و مشخص باشد. (مطبوعات)
— بنیام مسکن تهران منحل شد. (مطبوعات)
— خفالی : ما نباید خودمان را منبهم به دکامتوری کنیم نباید سفر از یک حزب واحد وارد شورای بربرستی (رادویو تلویزیون) شود. (مطبوعات)
— رفسنجانی : "صراحتاً" میگویم دکتر روحانی و دو نماینده از او فقه دیگر جزو حزب جمهوری اسلامی هستند. (مطبوعات)
— روابط اقتصادی انقلاب : نظر نماینده محرمدا ساداتی عضو کادر مرکزی سازمان‌های حلق خلق صافره از دادگاه انقلاب را برود دانسته و تصادف جدید دادگاه نوده... لذا حاکمه محاسبه‌نبرده در اسرع وقت دابروا هستند. (ج.پ.)
— استانداری آذربایجان غربی از گروههای مسلح خواست دست از اقدامات خود برداشته و با عزت اسلام بازگردند در غیر این صورت با تکلیف عمل شدید

تجدات است که می‌توان از آمریکا با توجه به فواینس آن کشور گرفت. (مطبوعات)
— مفسر "الانقلابات" : راجع به حساب و کتابهای کاسیکارانه که مثلا "فلانقدر دادند و فلانقدر دادند و فلانقدر ندادند" به همه قول می‌دهیم که ایران که این میان حق دینار هم ممنون نشود و بواسطه آن همی‌گروها را در نظر در فرصت مناسبی که حساب و کتابها مشخص شد خواهیم داد.
— بنی‌صدر : باید که دولت تمام وقت خود را روی این مسئله گذاشته بود، بعضی‌ها می‌گویند برترین جناب تاریخ در حال وقوع است. (مطبوعات)
— نماینده زردگرمان در مجلس : ماکه می‌توانیم انقلابی بر آیم با نسیم، اما می‌توانیم همه ما را آزاد کرد و این انقلاب را برپا کرد و جهان را از استه‌الله آزاد خواهد کرد، اما نام عمل انقلابی دانشجویان بی‌سواد ما را نکرد. باید فرموده‌های امام بود که از زوارول فرمودند اگر آمریکا تسلیم جوارسهای ما شود یا یک هزار کارگر هم شد. (مطبوعات)
— فریادها به شدت زیاد شد. (مطبوعات)
— توافق انجام شده را در شرایط فعلی یک بیرونی بزرگ نشی می‌کنم. (ا.)
— روزنامه نامز عالی : ایران پروتکت فست بزرگی از بندهای خود را به بانکهای بین‌المللی آفاز کرده است... اقدام آمریکا یکی از بزرگترین و گریزناک بوده، در مقابل ما یکی بومیانگهای آمریکا مابست گفتنی هفتاد شده است. (م.م.)
— یکی از گروگانهای سابق : دولت ایران از حقش لشدن آمریکا در سطات کاناادا اطلاع داشت، باید اقدام کرد. (ک.)
— چهارشنبه سواران نظامی آمریکا در زمستان قابلیت دارند. (ا.)
— رادو بسکو : ۳۳ باجگش آمریکا در نزدیکی سواحل ایران سقر شد. (ک.)
— پارلیاروایا : چند کشور اروپایی از جنگی‌بنیامنه می‌کنند. (ک.)
— دربرون بین نیروهای امنیتی و شیوهای آزادیبخش ایران، ۳۵ هزار آرمینی کشیده شد. (ج.پ.)
— اعتصاب ۱۶ هزار ملوان اکتلسکی که خواستار ۶ درصد اضافه دستمزد هستند، وارد می‌شده‌اند. (ج.ا.)
— سازمان عین‌الملل خواستار تحقیق در مجازات بومیان بود که اعتراضی گروگانها زور شد. (ج.ا.)
— در انفجار بینی در خارج بانک ملی ایران ششم ساغرانسکو خسارانی بی‌سار آمد. (مطبوعات)

روزنامه روز

تجدات است که می‌توان از آمریکا با توجه به فواینس آن کشور گرفت. (مطبوعات)
— مفسر "الانقلابات" : راجع به حساب و کتابهای کاسیکارانه که مثلا "فلانقدر دادند و فلانقدر دادند و فلانقدر ندادند" به همه قول می‌دهیم که ایران که این میان حق دینار هم ممنون نشود و بواسطه آن همی‌گروها را در نظر در فرصت مناسبی که حساب و کتابها مشخص شد خواهیم داد.
— بنی‌صدر : باید که دولت تمام وقت خود را روی این مسئله گذاشته بود، بعضی‌ها می‌گویند برترین جناب تاریخ در حال وقوع است. (مطبوعات)
— نماینده زردگرمان در مجلس : ماکه می‌توانیم انقلابی بر آیم با نسیم، اما می‌توانیم همه ما را آزاد کرد و این انقلاب را برپا کرد و جهان را از استه‌الله آزاد خواهد کرد، اما نام عمل انقلابی دانشجویان بی‌سواد ما را نکرد. باید فرموده‌های امام بود که از زوارول فرمودند اگر آمریکا تسلیم جوارسهای ما شود یا یک هزار کارگر هم شد. (مطبوعات)
— فریادها به شدت زیاد شد. (مطبوعات)
— توافق انجام شده را در شرایط فعلی یک بیرونی بزرگ نشی می‌کنم. (ا.)
— روزنامه نامز عالی : ایران پروتکت فست بزرگی از بندهای خود را به بانکهای بین‌المللی آفاز کرده است... اقدام آمریکا یکی از بزرگترین و گریزناک بوده، در مقابل ما یکی بومیانگهای آمریکا مابست گفتنی هفتاد شده است. (م.م.)
— یکی از گروگانهای سابق : دولت ایران از حقش لشدن آمریکا در سطات کاناادا اطلاع داشت، باید اقدام کرد. (ک.)
— چهارشنبه سواران نظامی آمریکا در زمستان قابلیت دارند. (ا.)
— رادو بسکو : ۳۳ باجگش آمریکا در نزدیکی سواحل ایران سقر شد. (ک.)
— پارلیاروایا : چند کشور اروپایی از جنگی‌بنیامنه می‌کنند. (ک.)
— دربرون بین نیروهای امنیتی و شیوهای آزادیبخش ایران، ۳۵ هزار آرمینی کشیده شد. (ج.پ.)
— اعتصاب ۱۶ هزار ملوان اکتلسکی که خواستار ۶ درصد اضافه دستمزد هستند، وارد می‌شده‌اند. (ج.ا.)
— سازمان عین‌الملل خواستار تحقیق در مجازات بومیان بود که اعتراضی گروگانها زور شد. (ج.ا.)
— در انفجار بینی در خارج بانک ملی ایران ششم ساغرانسکو خسارانی بی‌سار آمد. (مطبوعات)

تکران بسیاری از کارها و انجام آنچه لازم بود نیرومند و توانا نسیم تا دشمن نتوانند به ما حمله کنند و بسیاری گفتنی‌های دیگر است که پیوسته آمریکا است، گفتنی‌های است که پیوسته آمریکا است. (ا.)
— بنی‌صدر : بنی‌صدر در مورد آزادی گروگانها :
— اگر آمریکا به تعهد خودش عمل نکند فقط همان چیزی را که می‌خواهیم برای مردم جهان اشاعت خواهد شد، ولی بعد ما مدتی آمریکا اینکار را نکند، چون جزوات بعضی بعد از نداد.
— بنی‌صدر : باید که دیگر مثل کاسیکار جنگی نیندازند که چندگرمیم، چندگرمیم، کشک ما را به آن ناسکه مجبور نسیم که حرفهای دیگری بزنیم. (مطبوعات)
— ناطق نبوی : چند روز پیش گروگانگیری را محکوم می‌کردند و امروز در راه دلسوزتر از مادر شده‌اند. و در روزنامه‌های صحت‌حجاب آزاد را مطرح می‌کنند. (ج.ا.)
— بنی‌صدر : دلیل اینکه پس از آن زمان دخالتی در این قضیه نکردیم این بود که می‌خواستیم آنها که این قضیه را تیار کردند و شروع کرده بودند، خودشان قضیه را تمام کنند و مسؤولیت آن متوجه خودشان کند. (ا.)
— ۱۲۰ نماینده مجلس ملی نامهای از دولت برای حل مساله گروگانها تقدیر کردند و آژانگ یک بهروز اینکار - یابنده دانستند. (مطبوعات)
— آمریکا بی‌موقعی بازگشایی و مسافرت به ایران را لغو کرد. (ک.)
— طی یک جلسهمیان‌برنده ریگن با سالیف طرح‌سجسجر برای ایجاد اقتصادی در منطقه‌ای ضمن ایران بررسی شد. (مطبوعات)
— حمله شدید حافظ اسد به آمریکا و عراقی‌کنسار طاقف را پیشگردد. (مطبوعات)
— وزیر خارجه مصر خواستار مذاکره الفتح با دولت ریگان شد. (ک.)
— اسفکابوچی : پنج هزار زندانی فلسطین در زندانهای رژیم صهیونیستی شکجه بسبود. (ک.)
— زندانها : ایرلند شمالی خواستار بهبود شرایط زندان شدند. (ج.پ.)
— نیوم در کشورهای بازار مشترک اروپا به ۱۴ درصد رسید. (ج.ا.)
— کاسوز : اگر آمریکا جزوات تجاوز به منگت ما را بیدانند، آمریکا‌های بیشتری از جنگ جهانی دوم کشک خواهند شد. (ج.ا.)

چهارشنبه هفتم بهمن

— آژانگ و آژانگ : مسوئله و دزول و راندر بار دیگر زیر آتش بیخانه دوربرد عراق فرارگرفت (ج.پ.)
— شیخون ۳ : سامعه گمانده‌های عراق به پیوسته درهم کشک. چند ارتقا بیخون الحقی پیوسته آزاد شد. (مطبوعات)
— عراق از حبه‌های میهران - دهلوان و سوار عقب نشینی کرد. (ج.پ.)
— یگان نوجوانه عراق در اهواز نابود شد. (ج.پ.)
— در منطقه بجنوب و بومیان ثلقات سنگینی به دو موضع درخاک عراق وارد شد. (ج.پ.)
— بخشنامه بودجه سال ۶۰ : استخدام جدید به شرکت صنوع است... هرگونه افزایش حقوق و مزایا برای کارکنان دستگاههای اجرایی شامل شرکتها دولتی و وابسته به دولت جز از مابت ترغیبات معلول و قانونی صنوع است. (مطبوعات)
— بنی‌صدر : نامه بیشتر از نان، بیشتر از گزائی، از مردم نگران و ناراضی هستند... می‌خواهند حقوق تکلیف آنها در جمهوری اسلامی مطابق قانون اعلام معلوم و مشخص باشد. (مطبوعات)
— بنیام مسکن تهران منحل شد. (مطبوعات)
— خفالی : ما نباید خودمان را منبهم به دکامتوری کنیم نباید سفر از یک حزب واحد وارد شورای بربرستی (رادویو تلویزیون) شود. (مطبوعات)
— رفسنجانی : "صراحتاً" میگویم دکتر روحانی و دو نماینده از او فقه دیگر جزو حزب جمهوری اسلامی هستند. (مطبوعات)
— روابط اقتصادی انقلاب : نظر نماینده محرمدا ساداتی عضو کادر مرکزی سازمان‌های حلق خلق صافره از دادگاه انقلاب را برود دانسته و تصادف جدید دادگاه نوده... لذا حاکمه محاسبه‌نبرده در اسرع وقت دابروا هستند. (ج.پ.)
— استانداری آذربایجان غربی از گروههای مسلح خواست دست از اقدامات خود برداشته و با عزت اسلام بازگردند در غیر این صورت با تکلیف عمل شدید

گروهان بهاد عراق که قصد بشوری در منطقه هالانه و انجیر در جبهه ایلام را داشت، سرکوب شد. (ج.پ.)
نیروهای ایران ۴ کیلومتر در جبهه ذهاب و قصر شیرین پیشروی کردند. (ج.پ.)
در خرمشهر فریاد سنگین به‌عراق وارد شد. محل تجمع نیروهای عراق در غرب خرمشهر به آتش کشیده شد. (طبعات)
جنگنده‌های ایران ۵ تاک عراقی را در جبهه اهواز منهدم کردند. (ج.پ.)
نیروی شدید از زمین و هوا در جبهه میگ آدامه دارد. (ج.پ.)

وزیر دفاع آ ایران نیازهای تسلیحاتی خود را از کشورهای دوست‌سازارآدامه‌محرم‌بدرای می‌کند (ک)
نی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور آ ایمنار نوبت بردم است که اسامیت کند و پیش از آنکه دیر بشود رضایشان را از خط حفظ کند. (۱.۱)
سرماغه "سپزآردگان" آفای بنی‌صدر به‌جای اینکه مدافع انقلاب اسلامی ایران و مفسر مشکلات باشند، خود جای مخالفین مستمیر را گرفتند و این سوال‌پراکنگ است... آفای بنی‌صدر زمینه کاروب گیزی را فراهم می‌آورد و در این جریان مشغول جمع آوری کلبه بهانه‌های مغلوط و نامغلول است که بتواند این‌امرا را بوجه جلوه دهد.

سرماغه "جمهوری اسلامی" "سهم‌گویی می‌تواند چون پوششی برای اهداف نامشروع گوییده و نویسنده نکار گرفته شود، می‌وقتی مردم را به استقامت‌جویان و مشخص‌کنم که اسامیت در برابر کدامین نهاد و کدامین دشمن، در حقیقت مردم را از خط انشائی خود ترسانند... آن‌کی که با سخنان خودی تلاش می‌کند ترس و رعبی را نسبت به آزادترین جمهوری اسلامی در میان مردم آن جمهوری پدید آورد، در حقیقت تلاش می‌کند با پایه‌های یک نوع دیکتاتوری جدید در این کشور استوار سازد."

وزیر کشاورزی "بابد جلو فعالیت لبرال‌های سیاسی‌حی که صهیونیسم آورا غلم کرده و بهترین رانگه را با سوسیالیسم بین‌الملل دارد، کسرتنه نمود." (ج.پ.)
گروهی از نمایندگان مجلس در ارتباط با حمله جانداران به کانپونا، کاترفوتی‌ها و روزنامه‌ها خوستار حموروزی‌روزنامه‌درجلسه شدند. (طبعات)
طرح قانونی تشکیل جمعیت‌ها و احزاب، توسط گروهی از نمایندگان به مجلس ارائه شده. (طبعات)
براساس یک لایحه ارائه‌شده به مجلس، منقسم درمورت عدم معرفی خود به ۶۱ روز درمورت گزار ۴ ماه تا یکسال حبس‌جنهم‌محکوم خواهدشد (۱.۱).

سرماغه "انقلاب اسلامی": "طبق بند چهارم فرمان امام در ۲۱ مهر سیاست خارجی، مربوط‌به سوزن‌مالی دفاع است و رانگانه‌های دیگر بدون اجازه در این امر دخالت ندارند... بنا به این‌بایست نماینده ایرانی (به کنفرانس غیر معیجده‌ها) از سوی شورای‌عالی دفاع تعیین گردد، نه اینکه بدون تصویب این شورا وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر به عنوان نماینده ایران در این کنفرانس شرکت‌نمایند."
پدر‌رضایی‌ها، همسر دکتر شریعتی، همسرآیت‌الله طالقانی و ۱۳ شخصیت دیگر طی بیانیه‌ای تشکیل "جمعیت مراعات بر اجراء و تکمیل قانون اساسی (افاقه) را اعلام کردند، در این بیانیه آمده است: "در نتیجه عملکردهای نادرست دست‌اندرکاران، ناشایستی و بحران فضای مملکت را فراگرفته و امروز وجدان عمومی مردم ایران تکران سرزشت انقلاب از دست‌دادن فرصت حاکمیت خویشند، مردم چگونه می‌توانند به حمایت لفظی و موسمی دولتمردان کنونی دل خوش داشته و نظاره‌گر بی‌تفاوت قانون شکنی و سرنگ‌کننده‌های بی‌ایمان اسلام باشند؟" (م.)
گروهی تحت عنوان "دانش‌آموزان مسلمان بروحط امام" روز دوشنبه دیرسران دخرانه خوارزنی را به انتقال خود درآوردند و از ورود کارکنان و دانش‌آموزان به محوطه دیرسران جلوگیری کردند. (۱.۱)
وزیر آموزش و پرورش: "برای خنثی‌کردن نوبلگها در مدارس باید نیروهای اسلامی تقویت و منقسم‌تر شوند." (طبعات)
س‌طارت ایران در فلسطین توسط‌گروهی‌ازدانشجویان ایرانی مقیم آن کشور بمدت ۸ ساعت اشغال شد.
دانشجویان شعار دادند: "دانشگاه‌های ایران باید باز شوند- مرگ بر حزب جمهوری اسلامی." (۱)
در بی انتصاب‌سریست جدید دانشگاه برتگی دانشگاه اصفهان، هیات علمی جامعه برتگی این دانشگاه با صدوربیانیه‌ای به انتظامی بودن سریست جدید اعتراضی کردند و خواستار بازگشت سریست پیشین شدند. در این بیانیه تأکید شده است: "سولیت عواقب بعدی معاهده گامی است کهچنین جریان را در این دانشگاه بوجود آورده‌اند" (۱.۱).
جامعه روحانیات خرم‌آباد اظهارات نماینده خرم‌آباد در مجلس را در مورد بزرگ نامی در استان لرستان تکذیب کرد. (طبعات)
معاون استاندار آذربایجان غربی: "تداوزکات افراد صلح کرد در مرسوئاسی محور مهاباد، بوگان زیر آتش توپخانه قرار گرفت، و تلفات سنگینی‌به ایشان وارد شد." (ج.پ.)
در درگیری بین کشاورزان و موبان‌انقضایی در کاکف گاماد، ۶ کشاورز کشته شدند. اوضاع شهرس بدتد ششمنع است. (۱.۱).

یک عضو هیات بررسی سه‌ماهه تکجه: "زندانیان از اینکه بعضی از گروه‌ها در زندان مورد دستگیری می‌جوانند ننگات دارند، و بسیاری از پاسداران از اینکه بعضی از گروه‌ها عویاوط و مقررات زندانها را رعایت نمی‌کنند، بدتد عصبی شده‌اند." (۱.۱)
در طول ۹ ماهه اول اسامال، ایران قریب به ۲۸ میلیون ریال صادرات داشته است. (م.)
رادبو آمریکا: "یک گروهان آمریکایی ادعای ۱۲۵ هزار دلار خسارت از ایران کرد." (ک.)
گروهان "آمریکا نمی‌باید برای آزادی گروگان‌نمایا با ایران وارد مذاکره میشد." (ک.)
چهارم‌مقام‌عراق‌ایران تقاضای بانه‌دستی سیاسی کردند. (طبعات)

"ناخبر مالی" "تکمید تا‌نگ که تصور می‌رودستقل به زرادخانه بهمان روشو در جمهوری دموکراتیک آلمان و لیسان باشد، طی دو هفته گذشته حویبل عراق شده است." (ص.۱.)
مجاهدان حزب اسلامی افغانستان در حمله به زندان ابالت کندوز، ۱۲۵۰ زندانی سیاسی را آزاد کردند. (ج.پ.)
سفر ثوروز در پاکستان: "آکر یک راه حل بین پاکستان و افغانستان پیدا شود، ثوروزی نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند." (۱.۱)
روزنامه‌نگاران پاکستان منوان اعتراضی به سانسور مطبوعات بمدت ۲ ساعت اعتصاب کردند، و خواستار لغو سانسور و آزادی روزنامه‌های کشور شدند. (۱)
وزیر خارجه آمریکا: "امریکا کنکهای نظایی اقتصادی خود را به دولت السالوادور به منظور مطالعه با جرگه‌ها افزایش میدهد." (ک.)
جرگه‌های السالوادور دو جایگاه نرین متعلق به دو شرکت بزرگ آمریکایی را به‌اترکشیدند. (ک.)
برگان: "۲۹ هزار سرباز آمریکایی در کرمنوسی باقی خواهند ماند." (۱.۱)
وزیر دفاع آمریکا: "امالات منحهه تولید بمدت ثوروزی را که در سال ۱۹۷۸ بدستور کارتر متوقف شده بود، از سر میگرد." (۱)

پنجمه ۱۶ یمن

عراق ۱۵ کیلومتر در سربل‌دهاب و ۴ کیلومتر از رجباب و دالاهو عقب رانده شد. (ج.پ.)
با سبازان جنگنده‌های ایران یک تیب گانگنوعراق در خاکان کنوزستانی شد. (ج.پ.)
عراق برای در قیاضیه و بهمنشتر سبازان شد. یک ایمنار مچات عراق در جبهه دولفقاری آسمان‌آب مسفر شد. (طبعات)

عراق در چهارمین حمله به ارتفاعات ایلام با تحمل تلفات سنگین شکست خورد. (ج.پ.)
توپخانه ایران مواضع عراق را در پنجمین درهمس کوبید. (ج.پ.)
آسمان، سوپرگور و شوش زیر آتش توپخانه عراق قرار دارد. (ج.پ.)
نی‌صدر: "عدم حصول لاجهای آمریکایی‌به نفع ما و مستضعفان جهان است." (ج.پ.)
وزیر دفاع: "دخالت نظامی آمریکا، ایران‌محتمل نمی‌بینم چون آمریکا به جزات این کار را دارد و نه توانایی آنرا... زیرا که آمریکا تا زمانی که صدام و سدایما را در منطقه دارد، نیازی ندارد که خود را مستحقاً درگیر یک ماجراجویی نظامی کند." (ک.)

مفسرینو بنامیده مجلس: "چه شد در طی این دو سال که اکنون آمده‌اند بدل به اضطراب شدند، اعتداده‌ها به سواض بدل کشند، دوستی‌ها به خصومت گردید، در آن زمان می‌گفتم اوین را مروزه جنایات بهلوق خواهم کرد و امروز در اوین کسانی می‌شنیند که بجای شش زندان تهدید به شش گورستان‌میکند... امروز سبازار فلها برای پوشتن ملرزند، سبازری اندیشه‌ها در نطفه حقه مشنوبه، سبازری حرکت‌های خلق در مرباب بی‌حرگی و تردید غرق می‌شوند." (طبعات)

امام خمینی: "این روزنامه‌هایی که هرکدام به جان هم افتاده‌اند و یک راهی را دارند باز می‌کنند و برای اعتقاد کشور، برای اعتقاد از جمهوری اسلامی، برای اعتقاد از گروه‌ها و اشخاص، اینها ضابطینی هستند و قلم در دست ضابطین است و خودشان نتوجه دارند." (طبعات)
طعمه سبازار آینه حعهه به استان در شزای: "به روزنامه‌ها و نشریات هشدار میدهم که از نشر مطالب تفرقه‌انگیز خودداری کنند در غیر اینصورت آنها و سبب محرم خواهم کرد." (ج.پ.)
نی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور: "وقتی مقامات سواول که باید باط‌حقوق آزادی‌های مردم باشند و بر طبق قانون وظیفه آنهاست که این حقوق را حفظ کنند، خود گروه‌های چاندادار داشته باشند و به اجتماعها بفرستند و مخالفان خود را بگیرند و حبس کنند، ناگزیر این خطر که روز اول یعنی فکر می‌کردند توجه خودیها نخواهد شد، توجه آنها شده‌است." (۱.۱)
رهبری دینی شش‌دهان تفکر مردم است نه بی‌خبر نگانده‌دینی آنها... تا آنجا می‌که بی معادام‌اعلا خود گلمه روحانی و روحانیت ریشمالایی‌ندارد." (۱.۱)

گروهان بهاد عراق که قصد بشوری در منطقه هالانه و انجیر در جبهه ایلام را داشت، سرکوب شد. (ج.پ.)
نیروهای ایران ۴ کیلومتر در جبهه ذهاب و قصر شیرین پیشروی کردند. (ج.پ.)
در خرمشهر فریاد سنگین به‌عراق وارد شد. محل تجمع نیروهای عراق در غرب خرمشهر به آتش کشیده شد. (طبعات)
جنگنده‌های ایران ۵ تاک عراقی را در جبهه اهواز منهدم کردند. (ج.پ.)
نیروی شدید از زمین و هوا در جبهه میگ آدامه دارد. (ج.پ.)

وزیر دفاع آ ایران نیازهای تسلیحاتی خود را از کشورهای دوست‌سازارآدامه‌محرم‌بدرای می‌کند (ک)
نی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور آ ایمنار نوبت بردم است که اسامیت کند و پیش از آنکه دیر بشود رضایشان را از خط حفظ کند. (۱.۱)
سرماغه "سپزآردگان" آفای بنی‌صدر به‌جای اینکه مدافع انقلاب اسلامی ایران و مفسر مشکلات باشند، خود جای مخالفین مستمیر را گرفتند و این سوال‌پراکنگ است... آفای بنی‌صدر زمینه کاروب گیزی را فراهم می‌آورد و در این جریان مشغول جمع آوری کلبه بهانه‌های مغلوط و نامغلول است که بتواند این‌امرا را بوجه جلوه دهد.

سرماغه "جمهوری اسلامی" "سهم‌گویی می‌تواند چون پوششی برای اهداف نامشروع گوییده و نویسنده نکار گرفته شود، می‌وقتی مردم را به استقامت‌جویان و مشخص‌کنم که اسامیت در برابر کدامین نهاد و کدامین دشمن، در حقیقت مردم را از خط انشائی خود ترسانند... آن‌کی که با سخنان خودی تلاش می‌کند ترس و رعبی را نسبت به آزادترین جمهوری اسلامی در میان مردم آن جمهوری پدید آورد، در حقیقت تلاش می‌کند با پایه‌های یک نوع دیکتاتوری جدید در این کشور استوار سازد."

وزیر کشاورزی "بابد جلو فعالیت لبرال‌های سیاسی‌حی که صهیونیسم آورا غلم کرده و بهترین رانگه را با سوسیالیسم بین‌الملل دارد، کسرتنه نمود." (ج.پ.)
گروهی از نمایندگان مجلس در ارتباط با حمله جانداران به کانپونا، کاترفوتی‌ها و روزنامه‌ها خوستار حموروزی‌روزنامه‌درجلسه شدند. (طبعات)
طرح قانونی تشکیل جمعیت‌ها و احزاب، توسط گروهی از نمایندگان به مجلس ارائه شده. (طبعات)
براساس یک لایحه ارائه‌شده به مجلس، منقسم درمورت عدم معرفی خود به ۶۱ روز درمورت گزار ۴ ماه تا یکسال حبس‌جنهم‌محکوم خواهدشد (۱.۱).

وزیر دفاع آ ایران نیازهای تسلیحاتی خود را از کشورهای دوست‌سازارآدامه‌محرم‌بدرای می‌کند (ک)
نی‌صدر در کارنامه رئیس جمهور آ ایمنار نوبت بردم است که اسامیت کند و پیش از آنکه دیر بشود رضایشان را از خط حفظ کند. (۱.۱)
سرماغه "سپزآردگان" آفای بنی‌صدر به‌جای اینکه مدافع انقلاب اسلامی ایران و مفسر مشکلات باشند، خود جای مخالفین مستمیر را گرفتند و این سوال‌پراکنگ است... آفای بنی‌صدر زمینه کاروب گیزی را فراهم می‌آورد و در این جریان مشغول جمع آوری کلبه بهانه‌های مغلوط و نامغلول است که بتواند این‌امرا را بوجه جلوه دهد.

سرماغه "جمهوری اسلامی" "سهم‌گویی می‌تواند چون پوششی برای اهداف نامشروع گوییده و نویسنده نکار گرفته شود، می‌وقتی مردم را به استقامت‌جویان و مشخص‌کنم که اسامیت در برابر کدامین نهاد و کدامین دشمن، در حقیقت مردم را از خط انشائی خود ترسانند... آن‌کی که با سخنان خودی تلاش می‌کند ترس و رعبی را نسبت به آزادترین جمهوری اسلامی در میان مردم آن جمهوری پدید آورد، در حقیقت تلاش می‌کند با پایه‌های یک نوع دیکتاتوری جدید در این کشور استوار سازد."

وزیر کشاورزی "بابد جلو فعالیت لبرال‌های سیاسی‌حی که صهیونیسم آورا غلم کرده و بهترین رانگه را با سوسیالیسم بین‌الملل دارد، کسرتنه نمود." (ج.پ.)
گروهی از نمایندگان مجلس در ارتباط با حمله جانداران به کانپونا، کاترفوتی‌ها و روزنامه‌ها خوستار حموروزی‌روزنامه‌درجلسه شدند. (طبعات)
طرح قانونی تشکیل جمعیت‌ها و احزاب، توسط گروهی از نمایندگان به مجلس ارائه شده. (طبعات)
براساس یک لایحه ارائه‌شده به مجلس، منقسم درمورت عدم معرفی خود به ۶۱ روز درمورت گزار ۴ ماه تا یکسال حبس‌جنهم‌محکوم خواهدشد (۱.۱).

یک عضو هیات بررسی سه‌ماهه تکجه: "زندانیان از اینکه بعضی از گروه‌ها در زندان مورد دستگیری می‌جوانند ننگات دارند، و بسیاری از پاسداران از اینکه بعضی از گروه‌ها عویاوط و مقررات زندانها را رعایت نمی‌کنند، بدتد عصبی شده‌اند." (۱.۱)
در طول ۹ ماهه اول اسامال، ایران قریب به ۲۸ میلیون ریال صادرات داشته است. (م.)
رادبو آمریکا: "یک گروهان آمریکایی ادعای ۱۲۵ هزار دلار خسارت از ایران کرد." (ک.)
گروهان "آمریکا نمی‌باید برای آزادی گروگان‌نمایا با ایران وارد مذاکره میشد." (ک.)
چهارم‌مقام‌عراق‌ایران تقاضای بانه‌دستی سیاسی کردند. (طبعات)

"ناخبر مالی" "تکمید تا‌نگ که تصور می‌رودستقل به زرادخانه بهمان روشو در جمهوری دموکراتیک آلمان و لیسان باشد، طی دو هفته گذشته حویبل عراق شده است." (ص.۱.)
مجاهدان حزب اسلامی افغانستان در حمله به زندان ابالت کندوز، ۱۲۵۰ زندانی سیاسی را آزاد کردند. (ج.پ.)
سفر ثوروز در پاکستان: "آکر یک راه حل بین پاکستان و افغانستان پیدا شود، ثوروزی نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند." (۱.۱)
روزنامه‌نگاران پاکستان منوان اعتراضی به سانسور مطبوعات بمدت ۲ ساعت اعتصاب کردند، و خواستار لغو سانسور و آزادی روزنامه‌های کشور شدند. (۱)
وزیر خارجه آمریکا: "امریکا کنکهای نظایی اقتصادی خود را به دولت السالوادور به منظور مطالعه با جرگه‌ها افزایش میدهد." (ک.)
جرگه‌های السالوادور دو جایگاه نرین متعلق به دو شرکت بزرگ آمریکایی را به‌اترکشیدند. (ک.)
برگان: "۲۹ هزار سرباز آمریکایی در کرمنوسی باقی خواهند ماند." (۱.۱)
وزیر دفاع آمریکا: "امالات منحهه تولید بمدت ثوروزی را که در سال ۱۹۷۸ بدستور کارتر متوقف شده بود، از سر میگرد." (۱)

پنجمه ۱۶ یمن

عراق ۱۵ کیلومتر در سربل‌دهاب و ۴ کیلومتر از رجباب و دالاهو عقب رانده شد. (ج.پ.)
با سبازان جنگنده‌های ایران یک تیب گانگنوعراق در خاکان کنوزستانی شد. (ج.پ.)
عراق برای در قیاضیه و بهمنشتر سبازان شد. یک ایمنار مچات عراق در جبهه دولفقاری آسمان‌آب مسفر شد. (طبعات)

روز به روز

یکشنبه ۱۹ بهمن

— یک ستون بمباد ارتش عراق در کلبانرب متلاشی شد. (خ. پ.)
— مواضع عراق در سوسنگرد زیر آتش توپخانه ایران قرار گرفت. (خ. پ.)
— یک میدان سین در کرکه‌جهر، با هزارمین کتف و ختی شد. (مطبوعات)
— تعدادی از سگهای عراق در جبهه‌های سومار و خرمشهر منهدم شد. (مطبوعات)
— نیروهای ایران ۱۰ کیلومتر در مناطق استراتژیک تک کورک پیشروی کردند. (خ. پ.)
— در جبهه‌های اهواز و قصرشیرین شایعات و شغفات سنگینی به عراق وارد شد. (خ. پ.)
— تلاش عراق برای تصرف مجدد روستاهای بسود تکست خود. (خ. پ.)
— آبادان و سوسنگرد بار دیگر مورد حملات شدید عراق قرار گرفت. (خ. پ.)
— لایحه اصلاحیه بودجه ۱۳۵۹ تصویب مجلس شورای اسلامی شد. (مطبوعات)
— سلامتبان نماینده مجلس: "کری بودجه یک بیماری مزمن رژیم‌گدشته است و ما بجای آنکه آبراکم کنیم داریم آنرا یادآور می‌کنیم." (مطبوعات)
— هست، معاصره اقتصادی هست، "درست است که جنگ انتهایی با سخوی این اندازه‌گیری بوده هستند... در مورد این نوع‌گس بودجه مزمن و مراجعه به بانک مرکزی برای تأمین آن باید آشکاروی هراس گفت: "عظمتی در سراسرین خطوط است."
— معاون گل وزارت اقتصادی و دارایی: "مساله حذف بهره بهنج وجه به معنی عدم پرداخت جایزه به سیدفکران میست واز این بابت باید خیال‌سیرده... گزاران راحت باند." (مطبوعات)
— وزیر کار: "طرح جدید طبقه‌بندی مشاغل از سال آینده اجرا می‌شود... لغو قانون کار، گارچندانی ندارد اما مهم اینست که چه چیزی را جایگزین آن کنیم." (ک.)
— سرعالم "اطلاعات": "وقتی یک مقام رسمی با لحنی خشاکین و تهاجمی از واردی تکلیت‌کند و فریاد

— اولین نظاره‌ها دانشجویی در فلبپین پس از "لغو" حکومت نظامی به خون کشیده شد. دانشجویان خواستار آزادی گردهمایی در دانشگاه و انتشار روزنامه خود هستند. (خ. پ.)
— دبیرکل حزب کمونیست لهستان: "از ماه جولای گذشته تاکنون ۵ هزار تن از حزب‌خارج‌شدگان (م) — آمریکا، برزیل، آرژانتین و نیلی نظارت بر آتش-پس بین پرو و اگوادور را معیده گرفتند. (ک.)
— اعلامیه‌هایی در یکی از مجله‌ها منتشر شد که در آن شخص نامو منم شده که مسبب اطفی "خانیانی" است که بمبوباتی جندی پیش بخاطر آنها محکوم شده‌است (م)

شنبه ۱۸ بهمن

— در منطقه بسود، ارتفاعات دازبان به تصرف ایران درآمد. (خ. پ.)
— نیروهای ایران نزد سنگین جبهه میروان را به خاک عراق کشاندند. (ک.)
— بران آتش شدید توپخانه ایران، عراق تعدادی از مواضع خود را در خرمشهر ترک کرد. (خ. پ.)
— یک انبار مهمات در خاک عراق منهدم شد. (خ. پ.)
— در طول و سوسنگرد بار دیگر به نوپ بسته شد. (مطبوعات)
— ابو شریف: "برای رسیدن به پیروزی کامل جنگ طولانی می‌شود." (ک.)
— امام جمعه تهران: "دشمن مایل است در خاک ما بماند و آتش‌سوزی اعلام نهد!" (مطبوعات)
— چهار تن در آبادان بجرم ارتباط و همکاری با عراق تیرباران شدند. (خ. پ.)
— امام خمینی: "بعضی اشخاص مدعیان را توقع نبود که این گله را بگویند که زمان شاه بهتر بود." (مطبوعات)
— خلخال نماینده مجلس: "دولت وقتی مکتبی است که گرانی را ریشه‌کن کند، بنگاری را علاج کند." (مطبوعات)
— رحمانی: "هیات دولت ۳۰ نفر نیست، نام مردم هیات دولتند." (مطبوعات)
— معین نماینده مجلس: "گلاهی بزرگی بر سر ملت ایران گذاشتند، مناسفانه این را یک پیروزی جلوه دادند، درحالی‌که پیروزی برای بانکداران آمریکایی بوده است... در جریان موافقتنامه الجزایر سوی ساخته‌اند که کسی جرأت مخالفت نداشته باشد... پرداخت ۳/۶ میلیارد دلار از وامهای طول‌مدت که پرداخت شده است، موجب تنگدستی دخیار اری

— وزیر صنایع و معادن: "ما مخالف توله‌های همبیم که مختلان و روتختان غیر اسلامی است و هرچاه هم که باشد جلویان می‌بندیم... کسی که معاز ۴۰ ساعت کار در هفته را معصوم در خدا انقلاب نیست... ندونم قانون کار مسا‌های نیست و کارگران باید صبر پیشروی داشته باشند." (ا.)
— امام خمینی: "امروز هر دعوت به همکاری و همکاری و هر دعوت به اعتصاب خیانت به این کشور است و خیانت به جمهوری اسلامی." (مطبوعات)
— معاون وزارت آموزش و پرورش: "دانش‌آموزان باید بدانند آزادی یا هرچیز غیر از این نیست." (ا.)
— دانش‌آموزان مسلمان بیرون خط امام دبیرستان خوارزمی: "این دبیرستان پایگاه فساد و فحشه شده بود." (خ. پ.)
— من لایحه قضایی که در هیات وزیران تصویب رسیده است منتشر شد. در قسمتی از این لایحه آمده است: "قتل‌خسین در صورتی موجب قتل است که قتل باشد یا مانند کسی که به پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام دهد و... قضایی قائل‌چیز نیست." (ا.)
— از سوی هیات وزیران کمیته‌ای مامور بررسی چگونگی حذف بهره از سیستم بانکی شد. (مطبوعات)
— امام خمینی: "در همین چندروز این مخالفتی که بین دو حزب در آمریکا بود... بعد از اینکه آن یکی برد قضا را و رئیس جمهور شد، آن حزب دیگر نتواند به جان او و کارکنانش کند، تبریک گفتند و بلا‌لغظ شتول خدمت هستند برای کشور خودشان." (مطبوعات)
— ۲۳ نماینده مجلس خواستار طرح چگونگی فیصله یافتن ماجرای گروگانها در مجلس شدند. (مطبوعات)
— روزنامه آمریکایی "وال‌استریت جورنال": "در جریان گروگانگیری، در ایران شایعه به اجرا گذاشته شدن دو نظریه بسیار متفاوت بودیم، یکی نظریه حکومت کار و دیگری نظریه حکومت ریگان." (ک.)
— کارشناسان فرانسوی: "تحویل هواپیماهای میواز به عراق اثر سرتوسازی بر جریان جنگ فعلی عراق با ایران نخواهد گذاشت زیرا حملاتهای عراق مهارت و زورپدگی لازم را در هدایت این هواپیماها ندارند." (مطبوعات)
— عراق به دولت فرانسه میهد که از هواپیماهای میواز علیه رژیم صهیونیستی استفاده کنند (مطبوعات)
— فرانسه متعاقب سرب‌المرستی متعلق به ایران را تحویل خواهد داد. (م.)
— وزیر دفاع فرانسه: "فرانسه هرگز نباید اقدامات خود در زمینه کمترین سلاحهای هسته‌ای را متوقف کند." (ک.)

برآورد، اقتدار وسیعی از مردم چنین استنباط می‌کنند که لایحه مسأله‌ای به امضاوت وجود دارد که یک مقام رسمی آنرا اعلام می‌کند. پس هر چه روز در تریان زمینه گفتند رسد است.

— بی‌شکر در کارنامه رئیس جمهور: " اگر رهبری ضعف‌ها را نکند، در حقیقت خود ضایع نخواهد دانست که چه کاری را باید انجام بدهند و کدام کار مهمتر است که آنرا انجام بدهند. " (۱.۱)

— یک عضو شورای نگهبان: " ضعف مجلس، ضعف رهبر است. " (۱.۲)

— نامه نماینده حزب آمان در مجلس: " آیت‌الله‌مطهری: " مدتی است در روز روشن عده‌ای از مردم شهر خرم آباد را از طرف گروهی شخصی به رگبار می‌بندند و شما به در منزل بردم. قضا صورت بسته خواهد بود یا تهدید به مرگ می‌نمایند. " (۱.۱)

— نماینده " فوه " قلمه در شورای سربستی صوابیا: " بی‌طرفی همه‌سایه‌ای است که باید در یک فرصتی روشن شوکد بی طرف بودن یعنی چوبی‌خط بودن یعنی چه، ما بی‌خط سیستم اما بی‌طرف هستیم. " (طیوعات)

— دادگاه انقلاب اسلامی سنجج مورد حمله گروهای مسلح کرد فرارگرفت. (خ.ب.)

— روحانی نماینده مجلس: " مرحوم نینسار قربی طرح — های دادند که اگر اجرا میشد مساله لنگرستان هم حل میشد ولی باید دید چرا نگذاشتند این طرحها اجرا نشود؟ همینطور هائی بنام هات حسن اثیر میگردانند رفته بسیاری از کارهای آبروش نیست. " (طیوعات)

— نامه شماره ۱۸: " خمیت به امام خمینی: " آنگنان حوی بر جامعه حاکم است که دیروز واری که چهار شهید در انقلاب تقدیم کرد و خود دیگر فرزندان در ساجاهالهای ارواک افتاده و کتجه شده اند، اکنون در جمهوری اسلامی از امکان حضور فرزندان احسن رضایی در مجلس داماد (اعتقالت که تحت پیگرد دادستان انقلاب فرار دارد) محروم می‌باشند. " (۱.۱)

— ایران خواستار اعراج عراق، مصر، و رژیم افغانستان از جنس غیر متحدها شد. (طیوعات)

— وزیر دفاع آمریکا: " ایالات متحده، اواخر ماجاری یک مایور بزرگ نظامی در عمان بزرگ خواهد کرد. " (طیوعات)

— نماینده رگان در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل: " آمریکا از مصیقت اسرائیل را حسیتم نمی‌کند. . . سربست و کشورش چوبی‌ای بادی روی به یکدیگر پیوسته است. " (خ.ب.)

— وزارت بازرگانی آمریکا: " در سال ۱۹۸۰ کسری بازرگانی

آمریکا بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. عاهدات ۲۱ درصد افزایش به ۲۳۰۰ میلیارد دلار و واردات با ۱۶ درصد افزایش بالغ بر ۲۲۲ میلیارد دلار رسیده است. " (۱.۱)

— یک عضو شورای انقلابی: " جبهه آزادبخت اربیره: ۱۲ هزار سرباز آتوی که بوسله گویا و شوروی تسلیم دیدند، اکنون مجهر به سلاحهای روسی در اربیره موضع گرفته اند. . . بازار مشترک اروپا نیز برای سربوزی جبهه آزادبخت اربیره به آتوی تکگرد است. " (طیوعات)

— هفت حزب سیاسی پاکستان خواستار استعفا هائ الحق شدند. (خ.ب.)

— درگیری مرزی بین تایلند و لائوس بالا گرفت. (۱.۱)

دوشنبه ۲۰ بهمن

— حمله گسترده عراق برای ورود به آبادان در دم شکست شد. آبادان زیر آتش توپخانه دوربرد عراق قرار گرفت. (خ.ب.)

— دهلنکر ذخیره عراق برای پی‌گرفتن ارتفاعات میمک ایلام وارد عمل شد. (خ.ب.)

— جاده نادرگانی و دگل بی سیم عراق در خربشتر منهدم شد. (طیوعات)

— عراق از ۷ کیلومتری جنوب سوسنگرد عقب نشست. (خ.ب.)

— سوسنگرد زیر حلات توپخانه عراق فرار دارد. (ک.)

— وزیر کشور در مجلس: " نامه‌ای بنویسم به برادرمان آقای سنی صدر. . . آقای سنی صدر در جواب فرمودند که انتخابات در این شرایط مصلحت نیست. " (طیوعات)

— نامه وزیر کشور به رئیس جمهور (۵۹/۱۱/۹): " جو اجتماعی و سیاسی برای انجام انتخابات مناسب به نظر نمی‌رسد لذا پیشنهاد می‌نمایم در حوزه‌های انتخابیه. . . برای مدت عیاء از تاریخ تا نایند شورای نگهبان، و حوزه‌های انتخابیه. . . تا پایان جنگ و فراهم شدن شرایط مناسب به تعویق بیایند. " (۱.۱)

— پاسخ رئیس جمهور به وزیر کشور: " باید انتخابات کلیه حوزه‌های یک بدون نماینده ماندند در اولین فرصت برگزار شود، و در صورتیکه بنا باشد انتخابات مناطق انتقال شده و نامی کشور متوقف شود، دلالت کافی از فرمایش. " (۱.۱)

— وزیر کشور در مجلس: " در تجدیدنظری که صورت گرفته، در تهران، تبریز و اصفهان هم انتخابات مجلس برگزار می‌شود. " (طیوعات)

— یک زن آمریکایی ۹۶ ماه پیش در تهران بازداشت شده بود، به جرم جاسوسی، به ۴ ماه حبس محاسب

دوشنبه ۲۰ بهمن

— حمله گسترده عراق برای ورود به آبادان در دم شکست شد. آبادان زیر آتش توپخانه دوربرد عراق قرار گرفت. (خ.ب.)

— دهلنکر ذخیره عراق برای پی‌گرفتن ارتفاعات میمک ایلام وارد عمل شد. (خ.ب.)

— جاده نادرگانی و دگل بی سیم عراق در خربشتر منهدم شد. (طیوعات)

— عراق از ۷ کیلومتری جنوب سوسنگرد عقب نشست. (خ.ب.)

— سوسنگرد زیر حلات توپخانه عراق فرار دارد. (ک.)

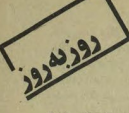
— وزیر کشور در مجلس: " نامه‌ای بنویسم به برادرمان آقای سنی صدر. . . آقای سنی صدر در جواب فرمودند که انتخابات در این شرایط مصلحت نیست. " (طیوعات)

— نامه وزیر کشور به رئیس جمهور (۵۹/۱۱/۹): " جو اجتماعی و سیاسی برای انجام انتخابات مناسب به نظر نمی‌رسد لذا پیشنهاد می‌نمایم در حوزه‌های انتخابیه. . . برای مدت عیاء از تاریخ تا نایند شورای نگهبان، و حوزه‌های انتخابیه. . . تا پایان جنگ و فراهم شدن شرایط مناسب به تعویق بیایند. " (۱.۱)

— پاسخ رئیس جمهور به وزیر کشور: " باید انتخابات کلیه حوزه‌های یک بدون نماینده ماندند در اولین فرصت برگزار شود، و در صورتیکه بنا باشد انتخابات مناطق انتقال شده و نامی کشور متوقف شود، دلالت کافی از فرمایش. " (۱.۱)

— وزیر کشور در مجلس: " در تجدیدنظری که صورت گرفته، در تهران، تبریز و اصفهان هم انتخابات مجلس برگزار می‌شود. " (طیوعات)

— یک زن آمریکایی ۹۶ ماه پیش در تهران بازداشت شده بود، به جرم جاسوسی، به ۴ ماه حبس محاسب



ایام بازداشت و اخراج از ایران " محکوم شد. (۱.)

— در مراسم سالگرد ساهکل در لاهجان، بویدنال درگیری بین هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق و گروهی که شعار حزب فقط حزب الله. . . را می‌دادند، ۳۰ تن از هواداران فدائیان خلق دستگیر شدند. (خ.ب.)

— ۵۵ زندانی مواد مخدر به مناسبت سالگرد انقلاب آزاد شدند. (طیوعات)

— فرزند امام جمعه اهل نسن ترتجام و عده‌ای از اهالی این شهر خواستار رسیدگی مقامات مسئول به مفقودالانتر شدن یکی از خویشان خود شدند که توسط پاسداران اعزامی منطقه تهران دستگیر شده است (۱.۱)

— در ادامه درگیری‌هایی که پس از تیرور یک فرهنگی در کرمان روی داد، ۳۰ تن از فرهنگیان تابلوهای و عده‌ای نیز مجروح شدند. (طیوعات)

— دادستانی انقلاب فرمانداری خرم‌آباد هرگونه راهبیبانی و نظارتها بدون اجازه در این شهر را ممنوع اعلام کردند. (ک.)

— عضو هیات هفت نفره جنود: " توقف بندج خطرناک است، کل منطقه شمال خراسان بسیار حسی است چرا که ترکمن‌نشین و مزار است، حتی سایر پاسداران ادامه پیدا کنند در صورت منطقه متشنج می‌شود. " (۱)

— روابط عمومی شهرداری تهران: " عده‌ای ناشناس مارتد به تعویب و تاخیر در صدور تکلیف تابلوهای خیابان دکترو معذرت کردند. " (ک.)

— سهمیه نفت منازل در تهران کاهش یافت. (طیوعات)

— روزنامه "انقلاب اسلامی": " از آقای حسنی (امام جمعه ارومیه) اگر انتقادی داریم، نه در جهت نفی شخصیت مثبت و نورانی ایشان یا عناصری چون عبودی، نظاری، و. . . است. ما هیچگاه عبودی و آقای حسنی را در عرض هم از برای بی‌نی‌کیم بلکه برعکس وجود آقای حسنی را در سطح لازم و مفید می‌شناسیم. " (۱)

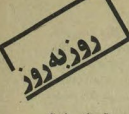
— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)

— در دوسمی شوروی تردید کند، فرد می‌آورد. (خ.ب.)

— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)

— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)

— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)



ایام بازداشت و اخراج از ایران " محکوم شد. (۱.)

— در مراسم سالگرد ساهکل در لاهجان، بویدنال درگیری بین هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق و گروهی که شعار حزب فقط حزب الله. . . را می‌دادند، ۳۰ تن از هواداران فدائیان خلق دستگیر شدند. (خ.ب.)

— ۵۵ زندانی مواد مخدر به مناسبت سالگرد انقلاب آزاد شدند. (طیوعات)

— فرزند امام جمعه اهل نسن ترتجام و عده‌ای از اهالی این شهر خواستار رسیدگی مقامات مسئول به مفقودالانتر شدن یکی از خویشان خود شدند که توسط پاسداران اعزامی منطقه تهران دستگیر شده است (۱.۱)

— در ادامه درگیری‌هایی که پس از تیرور یک فرهنگی در کرمان روی داد، ۳۰ تن از فرهنگیان تابلوهای و عده‌ای نیز مجروح شدند. (طیوعات)

— دادستانی انقلاب فرمانداری خرم‌آباد هرگونه راهبیبانی و نظارتها بدون اجازه در این شهر را ممنوع اعلام کردند. (ک.)

— عضو هیات هفت نفره جنود: " توقف بندج خطرناک است، کل منطقه شمال خراسان بسیار حسی است چرا که ترکمن‌نشین و مزار است، حتی سایر پاسداران ادامه پیدا کنند در صورت منطقه متشنج می‌شود. " (۱)

— روابط عمومی شهرداری تهران: " عده‌ای ناشناس مارتد به تعویب و تاخیر در صدور تکلیف تابلوهای خیابان دکترو معذرت کردند. " (ک.)

— سهمیه نفت منازل در تهران کاهش یافت. (طیوعات)

— روزنامه "جمهوری اسلامی": " از آقای حسنی (امام جمعه ارومیه) اگر انتقادی داریم، نه در جهت نفی شخصیت مثبت و نورانی ایشان یا عناصری چون عبودی، نظاری، و. . . است. ما هیچگاه عبودی و آقای حسنی را در عرض هم از برای بی‌نی‌کیم بلکه برعکس وجود آقای حسنی را در سطح لازم و مفید می‌شناسیم. " (۱)

— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)

— در دوسمی شوروی تردید کند، فرد می‌آورد. (خ.ب.)

— سرطاله " انقلاب اسلامی": " امیروزها حزب توده که یکی از مسلمانان التقاطی که دولت شوروی را دولتی متروقی و در جهت سیر تکاملی تاریخ می‌باشند، داننا تبلیغ می‌کنند که باید با امیرالیسم غرب قطع رابطه کرد و رویه سوسیگورهای دوست انقلاب که را با آنها حتا روسیه و بلوک شرق فرار دارند، آورده داننا " (خ.ب.)

روزنامه روز

است... چگونگی وظیفه بنیادین مسائلی از این قبیل و اقدامات آن وزارتخانه را برای پیشگیری از بروز مشکلات مشابه اعلام فرمایند. (مطبوعات)

تهنیه تهران: با افرادی که در شهرداری جو سازی می کنند فائزانه برخورد می کنیم. (مطبوعات)

سی صدر: کار با رئیس جمهور: ما هم همدار! اگرما دستگاه تبلیغاتی ای داشته باشیم که از اینجانبان آزاد شود و جدان عمومی را رها کند و موافقت عمومی را ارتقا دهد و موافقت عمومی را برای ما شرکت دربار سازی ایران نامین کند این احصال هست که ما بتوانیم کشور خودمان را از افتادن در ورطه استبداد و سلطه خارجی نجات دهیم. (ا.ا.)

وزیر کشور: اگر ما می توانیم مردم زیاد شود، خطر بزرگی است. (مطبوعات)

استاد آذربایجان عربی: هنوز گروههای مسلح خود را معرفی نکرده اند... شهر جهاد، آنتونیه و محلات عمومی افراد مسلح کرد ما ۱۰۰ نفرند تندیدند. (مطبوعات)

استاد آذربایجان عربی: اگر حاکم شرع به زنجان نرسدند کارها را و گذاری زمین منوط خواهد شد. (ا.ا.)

دو هزار تومانی طی تظاهراتی که در آن برپا کردند خواستار تعطیل کلیه پایگاههای نظامی آمریکا در ایران شدند. (مطبوعات)

۲۳ هزار کارگر مردان ذغال سنگ انگلیس در مخالفت با دولت دست به اعتصاب زدند. (ک.)

صدها هزار کارگر اسپانیایی در اعتراض به شکنجه جنس به قتل یک چریک بانگهتصاب کردند. (ا.ا.)

دری تاجور نیروهای انتظامی مراکش به حرم دانشگاه و دستگیری و شکنجه تعدادی از دانشجویان، استادان به عنوان هسته های دانشجویان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. (ا.ا.)

سازمان آذربایجان فلسطین تقاضای اسباب رسانی برای این مردم داد به جنگ مسلحانه فلسطینی میهنیست و تشکیل کدولت فلسطینی برتند. (ا.ا.)

حزب کمونیست شوروی، حزب کمونیست ایتالیا را تشدید، با همسنگی با شوروی که در لهستان یک حلقه و فلسطینی علیه سوسیالیسم برده انداخته اند حکوم کرد. حزب کمونیست ایتالیا اعلام کرده است که در کشور حزب کمونیست شوروی شرکت نخواهد کرد.

– دو ساختمان محل تجمع نیروهای عراق در غرب خرمشهر با آتش یگانهای نیروی دریایی منهدم شد. (ج.ب.)

– چندین سکر گروهی عراق در حومه آبادان منهدم شد. (ج.ب.)

– اهواز، آبادان و سوسنگرد زیر آتش توپخانه عراق قرار دارند. (ج.ب.)

– برج دیدبانی المظفر واقع در منطقه فاو عراق به آتش کشیده شد و به نیروهای مسافر درونامریز بمبره خسارات زیادی وارد آمد. (ج.ب.)

– جاده ندرگانی عراق در حومه درفول منهدم کرد. (ج.ب.)

– یک سکوی براب توپک در ام الرصاص عراق منهدم شد. (ج.ب.)

– عده ای از نمایندگان مجلس، نخست وزیر را برای پاسخ به علت سکوت و اهمال دولت در مقابل جناب داران به مجلس دعوت کردند. (ا.ا.)

– حجت الاسلام لاهوتی اظهارات استاد گلان را رد کرد. او گفت: مردم رشت ناظر به جریانات بودند و می بینند که این شخص دروغ گو هستند. (م.)

– عده ای از نمایندگان مجلس طی نامه ای به رئیس مجلس حمله به اختاعات و افراد را محکوم کردند. در این نامه آمده است: "ادامه و استمرار این نوع حلات و عدم مطالبه قاطع با آنها و ناسنجانه باندن سبب این آنها هر روز بر اضطراب عمومی و عدم احساس امنیت می افزاید. و این امر است که کشور را به طرف محاسبات و مغایله های خوسین سوق می دهد." (مطبوعات)

– پاسخ حجت الاسلام لاهوتی به تلگرام رئیس جمهور، عدم امنیت قضایی و عدم امکان سخن گفتن برای نمایندگان مردم حتی در حروه انتخابیه موجب نجات ناسف بود. (مطبوعات)

– بخدا! کومچه های حمله جاسفان را، مسجد جامع این شهر بر هم ریختن سخناری حجت الاسلام لاهوتی را محکوم کرد. (ا.ا.)

– سر مقاله جمهوری اسلامی: "از حاج سید احمد آقا برسیم چرا هکناسک عداای مابق که در خطاریک و به نفع آمریکا در خیابانهای شهر بعد از سخناری رئیس جمهور در ۲۲ تهن فراد می زند پستی بهشتی، طالق را تو تهن؟! " شما ساکت نمانید و سخن نگفتند. !!!

– سر مقاله کیهان: "روزنامه ها به میزان ششای گری و فکری علیه جمهوری اسلامی خریداری نمودند! و در غیر انصورت تحریم اقتصادی!"

– مدیر عامل جدید دولت و تلویزیون از پیش کمال و خلاقیت رئیس جمهور تلویزیونی کرد. (ا.ا.)

– روابط عمومی دفتر رئیس جمهور: "حزب توده که

هشتمین ۲۸ یمن

– علیات چریکی نیروهای عراق در مهراش شدت سربودند. ارتفاعات "ذیل" در مهراش به تصرف ایران درآمد. (ج.ب.)

– بالاسنگ "سختانه" عراق به آتش کشیده شد. (ج.ب.)

– سوسنگرد زیر آتش پراکنده عراق قرار دارد. مناطق سکونی آبادان زیر آتش ملاحهای سنگین عراق قرار گرفت. (ج.ب.)

– تفنگداران نیروی دریایی محل دیدمایی عراق در غرب خرمشهر را منهدم کردند. (ج.ب.)

– چهار یادگار عراق با آتش توپخانه مسافر در مهراش منهدم شد. (ج.ب.)

– یک لیون رهزی عراق در آمسوی "اروند رود" در شهر "ار" عراق منهدم شد. (ج.ب.)

– امام خمینی: "از اول پیروی، به این انقلاب هجوم بردی و این از آن هجوم ظلم و زبانی شده است... کلهای جاسفان این انجمنی جانی کوچکترین احزاب شما را بدین ترکیب احزاب عمومی میکند. (مطبوعات)

– سر مقاله "اطلاعات": "سرخ سبازان این انقلاب - گریه و چپاکیها بطور منظم و غیر منظم در دست خود گروهها را میانه ها می نهند... بخشند و ناسنجانه جاسفان همان قلهای مرتفی و بازگویی بود که صبح اول انقلاب ظلم را چاق کردند و وقت "بق" کشیدند."

– نامه سید احمد خمینی به نمایندگان مجلس درباره حمله به لاهوتی: "آخر چرا دستگاه قضایی از این نوعی بی تفاوت میگذرد؟ چرا ناله و فریاد می کند؟ ... اگر واقعا "نی نمانند ساکتند؟"

– آقا واقعا "شما که برای جمهوری اسلامی را منهدم می کنید این جمهوری بود که عداای اینگونه نیست افراد را لحن نماند کند و تمام افراد مسؤول این ملک را بالا تا پایین ساکت باشند؟ ... نمایندگان محترم و تشدید، اگر تا زود است جریان جاسفان را از رهز سرگند فردا علیه ریاست "اطلاعات"

– تلگرام رئیس جمهور به حجت الاسلام لاهوتی: "تا می توانم برای استقرار نظم قضایی خواهان استناد آماده برداختن بیانی آن هر اندازه سنگین باشد، هست." (مطبوعات)

– استاد گلان: "سؤاضد به حجت الاسلام لاهوتی را بستند تکذیب می کند." (ج.ب.)

– تلگرام دفتر رئیس جمهور به وزیر آموزش و پرورش: در نتیجه دخالت عوامل بیگانه، جنسی است فعالیت آموزشی دبیرستان خورامی تهران منوط شده

پنجشنبه ۳۰ یمن

– مواضع عراق در اعراف یادگان حمید در جاده اهواز خرمشهر زیر آتش گرفته شد. (ج.ب.)

– حلات دیوبند عراق به مناطق سکونی آبادان، سوسنگرد و درفول از سر گرفته شد. (ج.ب.)

– یک سکر گروهی و یک ایتار جهات در گلان تهر منهدم شد. ارتفاعات ایزین در گلان تهر به تصرف ایران درآمد. (ج.ب.)

– مواضع عراق در براب هدف آتش توپخانه ایران قرار دادند. (ج.ب.)

– یادگان بمبار عراق کاللا منهدم شد. (ج.ب.)

– وزیر کشور: "با دو میلیون آواره جنگی، یک میلیون آواره افغانی و بیش از ۳۰۰ هزار معاد از عراق این میواند کشور را بهر اداره کند. این کوی و این میدان، ولی به ترفی که مملکت را به این چپها رانی ها نرسد فرغند." (مطبوعات)

چهارشنبه ۲۹ یمن

– گردان رهزی "عراقی - اردنی" در خرمشهر در هم کوبیده شد. (مطبوعات)



بخدا

تقویم اسفند

۲ / اسفند ۵۷

انفکریکای « شائین »

رافل ناسن عوهای اجرائی "کمیته ایرانی آزادی فکری و هنری ایران" و عضو کمیته "بیراند" - راسل: "در یک مساجحه طبیعایی بدعی شد که سرهنگ نصرالله توکی، رئیس ستاد عملیاتی ارتش (بمباران انقلاب) توفانی را علیه انقلاب ایران طرح کرده و

مخواهد منافع آمریکا در ایران را حفظ کند. شائین همین گفت که سرهنگ توکی طرح خود را برای او چنین بیان کرده است "... ما در حال استفاده از همه روشهای روانی در تلویزیون و رادیو هستیم تا به مردم این احساس را بدهیم که انقلاب اکنون قدرت رسیده و اخلاکشان آتراً تهدید می کنند... مردم خسته خواهند شد... بعد خواهان خواهند شد که اخلاکشان را ازین ببریم..."

۳ / اسفند ۱۳۵۴

شهادت پشمال انقلابی ارتش

سرگرد علی حسین انسان مجاهدی که نظام بسویده ارتش شاهنشاهی نوانس بود اسپرش کند در یک

درگیری مسلحانه به شهادت رسید . سرگرد محمی در سال ۱۳۱۹ در زنجان دنیا آمد و پس از پایان دبیرستان نظام وارد دانشکده افسری شد . او که اطاعت کورگورانه حاکم برارنشرانمیوانست نخل کند ازجهان ابتدا روحیه سرکش و ناآرام خودرا بروز داد . او برای پاسداری از حیثیت و شرف مردم لیبس نظامی پوشید و این انگیزه ۱۳گناهه چون ششلی تا پایان عمر فاروقی او بود . در جریان ملاقات ساسی اندولوزیک خود با شهید شریعی و سازمان مجاهدین خلق آشنا شد . جمعها در حسینیه ارتاد حضور یافت و در درسهای اسلام شناسی دکتر شریعی شرکت می کرد . در آخرین نامه به خانواده اش نوشت : «... من نمی توانستم آرام بودم و شاهد سه عارت رفتن منابع طبیعی کشور خودنویس سرمایهداران و استثمارگران و استثمار و ظلم به میلیونها مردم زحمتکش ایران عزیز بامتم

در چهارم دیماه ۵۴ سرگرد علی محمی ، جمعی لنگر پیاده رفاشته ، صبح ۲ ماهیور با یک خودروی ارتبی از یادگان خارج شد . درحالیکه دهه کشت ارتبی و یک هفته کشت لاما ، ۲۶۰۰ خاز ششک و ۱۲۰ بوگه کشت ، ۱۰۰۰ تنگ لاما ، یکمستگاه می سیم ، بوردهای اخبارتی ، کلیدهای ماشین بزم و ... را نیز با خود خارج کرده بود . به سازمان مجاهدین خلق پیوست و روز دوشنبه ارتاد خود نوشت : «آرمایه ا زنجیری را که تو بر دستم و پای ما مستند بودی باره گرم و رستمان را با نام الله شروع می کنم . او سازمان همچنان که با خدا و خلق خود بیمن استه بود . در سوم اسفند ۵۴ جان خویش را از دینچه راه و آرامش کرد و به شهادت رسید .



۱۱۶ سپهری

برای اولین بار شمار "گرمی کون نفت" مطرح شد . علی منصور عامل انگلیس در ۲۴ فروردین ۱۳۲۹ ماهیور تشکیل گامیبه شد و برای اینکه توده های سرگرد در جریان مذاکرات نفت در مجلس قرار گیرند ، پیشنهاد تشکیل "کمیسیون نفت" را به تصویب اکثریت مجلس نامندگان مجلس رساند و از آن به بعد لایحه نفت در کمیسیون مطرح بود و نه در جلسات عمومی مجلس! اما از آنجا که "علی شدن نفت" همچون مازی طفس در جان هر ایرانی رسیده بوده با این جمله باطنی نمی گرفت ، با نقل روزآورد شازدهم اسفند ۲۹دینت خلیل قشماهی دیگر کسی را حشرات مقاومت در مقابل اراده ملت نبود و سرانجام اصل علی شدن صنعت نفت به تصویب رسید .

اگرچه ملت به پیروزی بزرگی که سرشک مبارزات ضداستعماری خلقهای منطقه شد ، دست یافت ، اما بعدها با توطئه های ارتجاع و باجگهای استعمار جانی بدشان و قدارضدان حرفه ای ، دولت یلسی دکتر محمد مصدق سقوط کرد و جریان ملی شدن نفتی صنعت نفت عمیق ماند و عارت منابع نفتی با شد بیشتری بدست قدرت های امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا اترس گرفتند .

۳ / اسفند : سرگرد علی محمی در نرسردی مسلحانه (۱۳۲۴)
 ۴ / اسفند : محمدرضا طویح شریعی (۱۳۵۷)
 ۷ / اسفند : میزوه اختاری (۱۳۵۷)
 ۱۱ / اسفند : مسعود احمدزاده ، مجید احمدزاده عباس فتاحی ، امثالله طلفعی ، حمید توکل ، علیرضا گلوی مهدی بوالوئی ، مهس آزگی ، عبد الکرم حاجان سبله و سید اریان نیوزیان (۱۳۵۰)
 ۱۲ / اسفند : جنتی خوزآبادی (۱۳۵۲)
 ۱۵ / اسفند : ناصر طحان (۱۳۵۷)
 ۱۸ / اسفند : عبدالله امینی (۱۳۵۲)
 ۱۹ / اسفند : فرهاد صفا در نرسردی مسلحانه (۱۳۵۴)

۷ / اسفند ۵۷
ساداکی ها خواستار اعاده حیثیت شدند!
 درحالیکه پیش از دو هفته از قیام بهمن گذشته بودصدها گارمند ساواک در سراسر نخت زورستی اجتاع کردید و کواستار روشن شدن تکلیف خود از نظر نظراتسدحی و نیز اعاده حیثیت شدند! برخورداری محافظه کارانو برداشت های مبذل از "اسنایت" نوسط مسئولان آنجهان قضایی را ایجاد کرده بود که کسانی که از خون این ملت تغذیه کرده بودند ، دو هفته پس از انقلاب جرات می یافتند تا خواستار "اعاده حیثیت" شوند .

۸ / اسفند/ ۱۳۳۴
مرگ دهخدا

علی اکبر دهخدا نویسنده بزرگ و آزادیخواه چشم از جهان فرو بست . دهخدا در سال ۱۳۲۷ هجری قمری بدینا آمد . دیوان کوچکی را که تصادف با آخرین سال - های عمر استعدای قاجار بود ، نزد غلامحسین جوهردی به فراگیری ادبیات فراباخت . پس از پایان تحصیل به اروپا رفت و همزمان با آغاز مشروطیت نمایران پارکنت و در مبارزات آزادیخواهانه بزرگی فعال شرکت کرد . او پایتاق آزاده بزرگ مشروطیت ، میرزا جهانگیر خان موراسرافیل و قاسم خان روزنامه "موراسرافیل" را منتشر ساخت تا فساد روابط اجتماعی حاکم بر عصر خویش را بر ملازاد و فرهنگ منحل استبدادی را درگورنگ کند . در این روزنامه او سوتی تحت عنوان "چرند و پرند" داشت که با امضای "دخوی می نوشت و روابط منحل اجتماعی را با طنزی گزنده که در تاریخ ادبیات ایران بی نظیر بود ، به نقد می کشید .

پس از به توب بسته شدن مجلس و کشتار آزادی - خواهان ، دهخدا بناحق باراش دستگیر شدند . میرزا جهانگیر خان ، کسی که با ملاقاتش بزرگترین قدرت جامعه خویش را به نصخر می گرفت و محمدعلی شاه از گمنامی عمیق به دل داشت ، به شهادت رسید و دهخدا با چند آزادیخواه دیگر به اروپا تبعید شدند . دهخدا به سوی رفت و در آنجا نیز سه تهار از موراسرافیل را منتشر ساخت . پس از تسخیر تهران بدست مجاهدین و مبارزین و سرنگونی استبداد ، دهخدا به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد . او از زمان جنگ بین الملل اول از مسامت گارگرفت و بناکارهای فرهنگی برداخت . گذشته از ترجمه های بسیاری که داشت ، عمیق ترین خدمت فرهنگی اش " فرهنگ لغت دهخدا" است که جابجایی بسیاری و بیخ حال در پی نامه های میابان رسد . این کتابی نظیر که صورت جزوه جاب

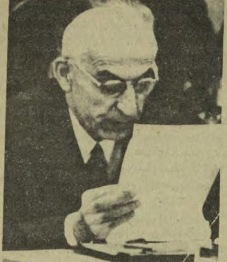
مشهد نزدیک به ۲۶ هزارمصداد بود . ۲۷ جلد صحافی خوانده شد . حرف الف" این فرهنگ عظیم باع بر ۱۸۱۶صحنامت - از دیگر آثار دهخدا میوان از "امثال و حکم" (مرحبا را جلد) ، "دیوان اشعار" و "شرح حال ایریوجان بیرونی" نام برد .

۲۴ / اسفند ۱۳۳۲
روزنامه نگار آزادهای که به آتش کشیده شد
 کریسپور شترازی روزنامه نگار آزاده و یاز بیستوی نهمش ملی ایران دکتر محمد مصدق و مدیر روزنامه نعتش بدست رژیمیان آزادیگری در حالیکه در زندان اسیر بود به آتش کشید شد و به شهادت رسید .

کریسپور پیش از این سوگند یاد کرده بود که ظم خویش را جز در راه منافع ملت خود بکار نبرد و در این راه از ریخته شدن خون خود نیز ایمنی ندانت و در فطنی که ظم میزدان همه چیز را فرامی ساخت حاضر بود میماند او عاشقانه و با خون خود شرافت ظم را با پای داشت .

بدینال کوفی ننگین ۲۸ برادر و برقرساری حکومت نظامی ، دکتر مصدق ، دکتر قاضی و همنی سران ملی و چه جراهای مردمی با به زندان افتادن و با مخفی شدنند کریسپور پس از مدت ها زندگی مخفی در میوه همان سال توسط مأموران فرامرداری نظامی و در مبارزات آزادیخواهانه بزرگی فعال شرکت کرد . او پایتاق آزاده بزرگ مشروطیت ، میرزا جهانگیر خان موراسرافیل و قاسم خان روزنامه "موراسرافیل" را منتشر ساخت تا فساد روابط اجتماعی حاکم بر عصر خویش را بر ملازاد و فرهنگ منحل استبدادی را درگورنگ کند . در این روزنامه او سوتی تحت عنوان "چرند و پرند" داشت که با امضای "دخوی می نوشت و روابط منحل اجتماعی را با طنزی گزنده که در تاریخ ادبیات ایران بی نظیر بود ، به نقد می کشید .

پس از به توب بسته شدن مجلس و کشتار آزادی - خواهان ، دهخدا بناحق باراش دستگیر شدند . میرزا جهانگیر خان ، کسی که با ملاقاتش بزرگترین قدرت جامعه خویش را به نصخر می گرفت و محمدعلی شاه از گمنامی عمیق به دل داشت ، به شهادت رسید و دهخدا با چند آزادیخواه دیگر به اروپا تبعید شدند . دهخدا به سوی رفت و در آنجا نیز سه تهار از موراسرافیل را منتشر ساخت . پس از تسخیر تهران بدست مجاهدین و مبارزین و سرنگونی استبداد ، دهخدا به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد . او از زمان جنگ بین الملل اول از مسامت گارگرفت و بناکارهای فرهنگی برداخت . گذشته از ترجمه های بسیاری که داشت ، عمیق ترین خدمت فرهنگی اش " فرهنگ لغت دهخدا" است که جابجایی بسیاری و بیخ حال در پی نامه های میابان رسد . این کتابی نظیر که صورت جزوه جاب



مردم سبب شد که باستان استعمار که مناصب دولتی و کرسی های مجلسی را اشغال کرده بودند نتوانند کم - ترین مقامی شان از خود نشان دهند و به آسانی از مقابل اقتبیت نیروی خلق مجلس عقب نمانند .

استعمار و امپریالیسم تلاش خود را برای تسلط بر رفت ایران از اخراج نیروی بزرگم آغاز کردند . ابتدا استعمارنامه "داری" برای مدت شصت سال به امضای مظفرالدین شاه رسید . سی سال بعد امپریالیزم انگلیس با استفاده از قدرت دیکتاتور دست نشانده اش - زما خان - قرارداد دیگری را در خرداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۲ میلادی) بدست ۶۰ ساله ایران تحمل کرد . ۸۵۲ ساله شد تدریجی مردم سبب به قراردادهای خانثانی استعمار با دولت واسه توب سبب شد که بهیبت دکتر مصدق واقبیت مرتبی مجلس چهاردهم ، مصونیت قانونی خود از دستگاره و بند قرارداد رایج سه اشعار نفتی را بیجا کند . در آذر ۱۳۳۲ تصویب رسید . نظارتها باامتدار مردم علیه شرکت نفت انگلیس و ایران ، قرارداد تصویبی ۱۹۳۳ را بریان استعمار به خطر انداخت و خانه تیرور ناموق " میروز شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۳۳ ، بنابه ساسی به دست ارتجاع حاکم شد تا با برقراری حکومت نظامی و لغو آزادیهای سیاسی - اجتماعی و سانسور شدید مطبوعات ، توطئه جدیدی را در پشت درهای بسته مقدمه چینی کنند و ملی مذاکرات ، به امضای قرارداد خانثانی دیگری نام " قرارداد الحاقی گن - گلشانیان" با استعمارگر بنامدند که در حقیقت تله بود و تکمیل قرارداد ننگین ۱۹۳۳ بود .

درجهان

۱ / اسفند (۲۰ فوریه ۱۳۵۸ میلادی)
تخریب یزدان و سرنگونی عباسیان
 دوران باصمد و بیست و چهار ساله" خلافت آل عباسی ، به تسخیر بغداد بدست هلاکوخان و کشته شدن السعتمه بالله ، می رفتنسن حلیقه عباسی ، به پایان رسید .

پیش از عباسیان ، امویان بر سرزمینهای اسلامی حکم می راندند . اما به علت ظلم و ستم بی شاری که بر مردم رومی می راندند ، عباسان توانستند با فریب مردم ستمنده رهبری مخالفین را در دست گیرند . عبدالله ساج ، موسی ابن سلطه به کمک اوزبکان و به سرداری ابومسلم ، خلافت امویان را در ۷۵۰ میلادی برانداخت . عباسیان پیش از به قدرت رسیدن مدعی بودند که اگر زمام امور بدستان افتد از میوان بالانها خواهند کاست و عدالت اجتماعی را برقرار خواهند کرد و بدست صورت از عدم رعایت مردم برای استقرار فرمانروایی خود استفاده کردند . اما پس از به قدرت رسیدن ، همه وعددهای خود را زیر پا گذاشتند و روش ظالمانه بنی عباس را پیش گرفتند و درحالیکه ادعای مسلمانی داشتند و خود را جانشین پیامبر می دانستند ، مسلمانان ستمنده و پاکخانه را بدست دسه گردن می زدند و از هیچ جانبی تنگی برپرو نگردند .

روشای ظالمانه عباسیان زمینه را برای قیامهای مردمی چون قیام سجاد ، حبش طبع و پاک و ... آماده ساخت . اما سرکوب و وحشیانه این قیامهای برجق زمینه اجتماعی مساعدی را فراهم ساخت تا وحشمان دیگری به سرزمینهای اسلامی بورش آورند و سرانجام در این روز هلاکوخان بغداد را فتح و مردم را قتل - عام کند .

۱ / اسفند (۲۰ فوریه ۱۶۷۷)
حالیته" در دام استعمار
 دوران سلطه هیرامیا کنتار دولت فرانسه بر "حالیته" آغاز شد .

رهبری غلامزاده های بنام "نوسن لوتوروز" فرانسویان را در ۱۸۰۴ اسفند ۱۸۰۴ میلادی از آن سرزمین بیرون راند . فرانسویان در طول تجاروات استعماری خود در حالیته پیش از چهاردهل سرباز خود را به کشتن دادند و هشتم هزار تن از حالیته این "مژورید" دریا را آتش زد . جزویرانهای عظیم بروجانگه گشتند . چند سالی از استقلال گذشته بود که بی لیاقتی نامداران ، اخلایی و اینه ، دیکتاتوری را بر آن سفان حاکم کرد و زمینه مساعدی را برای هجوم تنفکداران دریایی آمریکا در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۵ افرامخت . آمریکا جنگاتی را در ۱۹۲۲ از حالیته خارج شد اما به شوهه همسنگ امپریالیستها ، زمام امور آن کشور را به خودبرعقیمتسقف همچنان در دست گرفتند و تکلیفوری و حقانی را بر آنجا حاکم کردند که در اعداد خود "سنتون ماکوت های آتمکش" "پادادگ" دیکتاتور محرف حالیته را بوجود آورد .

۳ / اسفند (۲۲ فوریه ۱۸۷۲)
تولد اقبال لاهوری
 محمد اقبال ، نویسنده ، شاعر و فیلسوف بزرگ سلطان شرق در "سپالکوت" ایالت پنجاب بدینا آمد . تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت . در ۱۹۰۵ به کمبریج رفت و فلسفه اخوت و ریالیسه دکتاری خود را نیز عنوان "سیر فلسفه در ایران" نوشت . در ۱۹۰۸ به سرزمین خود مراجعت کرد . محیط ساسان ، اخلافا و کشمکشها و همچنین متق به آزادی او را سوس قنایلیتهای ساسی کشاند و رهبری فلسفه او را نیز برودم و سرنوشت ملت گرسه و ایتس غافل ساخت .

او با شنیدن مبارزات آزادی با استعمار انگلیس رویاروی جنگید و نشان داد که اسلام ، علیرغم چهل و دوکود حاکم بروجع اسلامی و سارت در جنگلهای برجم خارجی ، همچنان استمداد آن را دارد که نتوئیهای بزرگ پدید آورد و روحهای زما و عمیق و نیرومند برپورد .

اقبال در ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ چشم از جهان فرو بست .
 ۷ / اسفند (۲۶ فوریه ۱۹۷۶)
تاسیس جینوری دیمکر آتیک عربی صحرا
 جبهه خلق برای آزادی صحرای غربی (بولساریو) سپهری ۱۱۹



پس از خروج اسپانیایی استعمارگر از صحرای غربی ایجاد کشور جمهوری دموکراتیک عربی صحرا را اعلام داشت.

صحرای غربی ، کشوری که قسمتی از صحرای بزرگ آفریقا است و در همسایگی الجزایر ، مراکش و موریتانی قرار دارد ، در قرن پانزدهم مورد هجوم استعمار - گران برتغالی قرار گرفت . آنها بومیان صحرا را به اروپا می بردند و بعنوان برده می فروختند . در همین سالها استعمارگران اسپانیایی نیز به صحنه آمدند و برای اسب کفراس برلین در سال ۱۸۸۴ - که استعمار - گران ، مستعمرات را میان خود تقسیم می کردند - اسپانیا ، صحرای غربی را مستعمره خویش ساخت . در تمام دوران استعمار ، مردم صحرای غربی علیه استعمارگران مبارزه می کردند و استقلالگرا نبرویشانه مردم را قتل عام می کردند .

در سال ۱۹۷۲ به منظور هماهنگی و وحدت نیرو - های مبارز ، جبهه پولیساریو تشکیل شد و در نخستین گنگوه خود تصمیم گرفت آزادی کامل صحرای مبارزه را ادامه دهد و بی درنگ حملات مسلحانه به پایگاه - های دشمن را آغاز کرد . اسپانیا تاب مقاومت نیاورد و از صحرای خارج شد و انجام اعمال وحشیانه را به عهده نیروهای موریتانی و مراکشی واگذار کرد . حکومت دستنشانده مراکش ، صحرا را به خون و آتش کشید و کشتارهای ازشن مزدور در صحرا ، اوج گرفت . موریتانی نیز از سمت جنوب و با حمایت فرانسه حملات خود را به مردم صحرا شدت بخشید و مردم آنجا را به آوارگی در بیابانها کشاند . جبهه پولیساریو برای ۱۲۰ شهری

آوارگان ، اردوگاهها ساخت و ارتش ملگ حسن ، اردوگاههای آوارگان را در جنوب بحرمان کرد و آنها را به آتش کشید . با تلاش رزمندگان قهرمان پولیساریو و با کمک الجزایر و چند سازمان بین المللی مردم آواره صحرا در اردوگاهی در اطراف شهر "تمندوف" در مرز الجزایر مستقر شدند . در ژوئن ۱۹۷۴ مبارزان پولیساریو اولین حمله گسترده خود را به پایتخت موریتانی انجام دادند و فرجه سختی به رژیم موریتانی وارد آوردند . و کاخ ریاست جمهوری را به تاراج بستند . در این حمله که توسط ۶۰۰ رزمنده انجام شد ، بیش از نیمی از آنان به شهادت رسیدند که "شهید والی مصطفی" دبیرکل جبهه پولیساریو نیز در میان آنان بود . حملات مبارزان پولیساریو منجر به سقوط مختار اولیده رهبر موریتانی شد و مصطفی سالگ که با یک کوزتا قدرت را در موریتانی بدست گرفت خود را از جنگ کنار کشید و برکنار را امیرالمنشیای غربی تنها گذاشت . رزمندگان قهرمان پولیساریو برای آزادی سرزمینشان و ایجاد جامعه ای عاری از هرگونه ستم و ظلم همچنان به نبردی بی پایان با دستنشانگان امپریالیسم ، بزدلان مراکشی ادامه می دهند .

۱۲ / اسفند (۲ مارس ۱۹۸۳)

قتل عام مردم دردمردجنتی گامرودی

قتل عام و کشتار مردم شهر تریبولینا در جریان جنگهای یونان و عثمانی اتفاق افتاد . در جریان این جنگها که مردم بیگناه فرانسوی حرس و طبع حکام و سلاطین خونخوار وقت می کشیدند ، نیرو - های یونانی شهر تریبولینا را در شهریور "توره" اشغال کردند و نوزده هزار نفر از مسلمانان این شهر را که بیشتر آنان زن و کودک بودند ، سربریدند . از آنجا که این جنگها ماهیتی ضربه زنی داشت ، اعمال انتقامجویانه و وحشیانه در آنها امری رایج بود . ترکان عثمانی به انتقام قتل عام "تریبولینا" رفتی که به جزیره "کو" دست یافتند ، در ۲۳ بهمن ۱۸۲۲ ، دست به قتل عام ۳۳ هزار نفر از زنان و کودکان و پسران و بیوزنان این جزیره که دین مسیحی داشتند زدند و ۵ هزار دختر و پسر جوان را به برده می فروختند .

۶ مارس ۱۵۰۶

سفر دستچینی کارگران استعمار

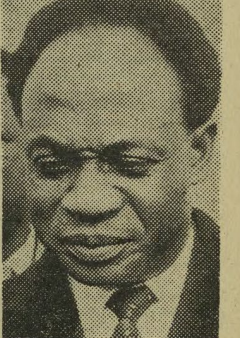
برای نخستین بار جمعی از دریاوردان "زربیده" برتغالی که سابق درخشانی در "موریتانی استعمار" داشتند به سرگردی یکی از دریاوردان مشهور فنون

پانزدهم نام "نریسان داکوتا" به سواحل هندوستان رفتند تا این سرزمین ناشناخته را برای قدرتهای استعماری شناسایی کنند . آلفونسو البورگک معاونت "داکوتا" را که در این سفر بعهده داشت ، نتیجه اسن سفر تسخیر سرزمین یوزاسنگ به نفع دولت برتغال و آغاز بدبختی مردم ستمدیده یوزاسنگ بود .

۱۵ / اسفند (۶ مارس ۱۹۵۷)

استقلال غنا

کشور رزخیز غنا در غرب آفریقا و مستعمره انگلستان ، به رهبری دکتر فوام نگرهه استقلال یافت . این کشور از سال ۱۸۷۱ میلادی تحت سلطه استعمار انگلیس قرار گرفته بود . استقلال غنا رهبران مهم - دوست کشورهای دیگر آفریقا را در عزم خود برای دستیافتن به استقلال استوار ساخت . نگرهه رهبر غنا در ۱۹۰۹ دنیا آمده بود و در پایان زندگی جادبه قدرت او را سوی دیکتاتوری و جدالی ازیردم کشاند ، بطوریکه هنگام بازید از چین در ۱۹۶۶ ،



ارتش و نیروهای نظامی اشکان یافتند تا قدرت را بدست گیرند . نگرهه در پارکمنت مکینه بنام برود در ۱۹۷۲ در حالی که دیکتاتور نظامی بر غنا حکومت می کرد درگذشت .

۱۸ / اسفند (۹ مارس ۱۹۴۴) **تولد پوری گارگارین**

پوری گارگارین اولین خلبان قایمیهای جهان در یک خانواده دهگانه در دهان ارمنستان تولد شد . پدر مادر او دهقان کالجور بودند ولی او پس از پایان تحصیلاتش به موخنت خلبانی پرداخت . او اولین انسانی بود که با سفینه ای بنام "سوتوک یک" در ۲۲ آوریل ۱۹۶۱ میلادی بکار برده گردید و فصلی نوین را در فضاپنوردی رقم زد .

۲۵ / اسفند (۱۱ مارس ۱۹۵۵)

مرگ کاشف پستی سلیمان

آکساندر کاشف کاشف پستی سلیمان ، پس از ۷۲ سال زندگی چشم از جهان فرو بست . سلیمان در ۶ اوت ۱۸۸۱ میلادی در قفقلس در جنوب غربی اسکاتلند دنیا آمده بود و در جریان جنگ دوم جهانی موفق به کشتن این اژدها شد که جان میلیونها انسان را از مرگ نجات داد .

۲۳ / اسفند (۱۴ مارس ۱۹۳۳)

جنگ برای کسب قدرت

جنگها ۲۰ ساله معروف به "جنگ و تخت" برای بدست آوردن تاج طلسمی در کشور فرانسه آغاز شد . در این نبرد قدرت طلبان ، جری و آژ سیروبایدنو خود را با رضایت خیم جمع گیتی از مردم بیگناه فریفتانند و برنامم هائی ویولانتانه تمام مواضع قدرت را در دست گرفت و ۳۵ سال حکومت کرد .

۲۳ / اسفند (۱۷ مارس ۱۸۷۹)

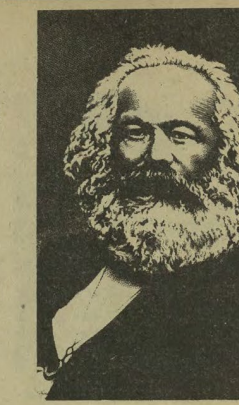
تولد ارشتمین

آلبرت ارشتمین بزرگترین فیزیکدان و ریاضیدان قرن بیستم و مبتکر فریمیهی نوین استی و واضع فریمیه "مکتب" در آلمان دنیا آمد . در ۱۹۲۱ جایزه نوبل گرفت و در جریان جنگ جهانی دوم به آمریکا پناه برد و در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ در آمریکا درگذشت .

۲۳ / اسفند (۲۴ مارس ۱۸۸۳)

مرگ کارل مارکس

کارل مارکس ، فیلسوف ، اقتصاددان و شخصیت سیاسی بزرگ قرن نوزدهم ، در لندن درگذشت . مارکس در سال ۱۸۱۸ در ترو بندنا آمد . پس از پایان شهری ۱۲۱



بمطورت ایدئولوژی حاکم بر جنبش سوسیالیست درآند و اکنون در بسیاری از کشورهای جهان (شوروی ، چین ، کوبا ...) عنوان ایدئولوژی رسمی این کشورها را دارد که تنها به دلایل متعدد دستخوش تغییراتی گاه بسیار اساسی شده است .

۲۳ / اسفند (۱۲ مارس ۱۹۵۲)

نبرد دین بیدین

نبرد قهرمانانه دین بیدین که سرنوشته فرانسه را در هندوستان تعیین می کرد آغاز شد . در این جنگ همه نیروهای دستگت که برای راهی از جنگل استعمار و کسب آزادی هندوچین می جنگندند - سا فرانسویان که نومیدانه از مستعمره سابق خود دفاع می کردند روبرو بودند . این نبرد سرانجام در ۷ بهمن ۱۹۴۷ به نفع فرانسه و برپروزی خلق قهرمان و پشیمان به رهبری همتی جومیه پایان یافت .

۲۷ / اسفند (۱۸ مارس ۱۸۷۱)

قیام «کمون»

قیام تاریخی و قهرمانانه کارگران و رجمتکنان ستمدیده فرانسوی آغاز شد که به تشکیل حکومت انقلابی "کمون" در پاریس و چند شهر دیگر فرانسه ، بدست و با شرکت مستقیم رجمتکنان انقلابی منتهی شد . شکتها راهی ارتش فرانسه در جنگ با پروس ، محاصره پاریس و بی کفایتی دولت "دفاع ملی" و اتوانی آن در برابر اوضاع نظامی ، اقتصادی و سیاسی کشور ، زمینه مساعدی را برای گسترش و انبساط نیروهای انقلابی بوجود آورد که با تسلیم فرانسه در برابر پروس مخالف بودند و در عین حال ، در جهت مبارزه با استعمار و برای راهی رجمتکنان ، خواستار استقرار یک "کمون" انقلابی بودند . پس از فرار اده تسرک محاصره ۲۹ ژانویه و اشغال دولت و پارلمان بمورسای لویی آدولفی تی بر ، رئیس دولت ورسای بر آن شد که - نوجوانهای مستقر در خانه پاریس را گردآورد این شهر را اشغال نظامی کند (۱۸ مارس) . برای مقابله با این نوظه ، ژورنی عظیم پاریس را فرا گرفت که در جریان آن دو نزال ارتش فرانسه نبرازان شدند . کمیته مرکزی گارد ملی که در روز ۱۵ مارس تشکیل شده بود و توسط "انجمن بین المللی کارگران" حمایت میشد فرمان انتخابات "شورای کمون" را صادر کرد و در نتیجه آن ، در روز ۲۸ مارس این شورایمعاون دولت انقلابی رجمتکنان پاریس رسا تشکیل شد . در همین حال ، اوضاع این قیام بزرگ انقلابی به چندین شهر دیگر فرانسه ، از جمله لیون ، ماری ، نارس ، تولوز و

سنت آنتین کشیده شده بود . "کمون" پاریس که از ده کمیسیون (از جمله کمیسیون اجرائی) تشکیل شده بود چندین فرمان انقلابی صادر کرد که از آن جمله است : تعیین حد اکثر حقوق و دستمزد ، جدائی کلیسا و حکومت ، تشکیل مجدد انجمنهای کارگری و کارگاهی و ... اما جندی گذشت که اختلالاتی در بین شورای "کمون" ظاهر شد که بویژه بهنگام احد تصمیم دیرا در تشکیل یک کمیته نجات ملی" با اختیارات گسترده خود نمایانند (اول ماه مه) و دست بندیهای مختلف از جمله زاکوسها ، بلاکتها ، پسرودنیها و سوسیالیستها ... را مشخص کرد . آنچه در جریان این اختلاف نظریه های سیاسی مورد توافق قرار گرفت این بود که "کمون" باید حالت یک قدرت فوی تریز باشد (اصطلاحا دیکتاتوری) را بخود بگیرد با این تریز بمطورت قدرتی برانگنده (نزدیک به آنتارسیسم) باشد . از این اختلالات سیاسی گذشته ، بعضی خطاهای کمون در زمینه اقتصادی (مثل ملی نکردن مویسات بزرگ و بانک فرانسه) کمون را در مبارزه با نیروهای ورسای تضعیف کرد . این نیروها پس از تسخیر مواضع استراتژیکی در حومه پاریس در روز ۲۱ مه به این شهر وارد شدند و دست به یکی زوجنتاکریس و برگرترس کشتارهای تاریخ زنده که به مدت یک هفته (بوموم به هفته "خوس" ۲۸-۲۷ مه) ادامه یافت و "کمون" را درحاکم و خون کشید . عده کمی از نمایندگان کمون فرار گرفت که خواسته با خواسته نافر طیفانی تریس و گراه خود را در برابر یک قدرت واقعی رجمتکنان رها شده از بند نشان میدادند . سخنگویان این نیروها ، از جمله هنرمندان و نویسندگان "بورژوازی فرانسوی" مانند آکساندر دوپایسر ، ماکسیم دوگام (...) ضلیفات وسیعی را برای واکنز جلوه دادن نهضت عظیم "کمون" در پیش گرفته ، زبان و بردان قهرمانان این جنبش را مشت "آوانت" خواندند . در مقابل ، هنرمندان آزادآدی چون ونگتور هوگو و آرتور رمبو از همان آغاز به مقابله با نهمینها و لحن پرانگیهای خصمن سرزمینداری برخاستند و از "کمون" عنوان "نخستین حکومت واقعی رجمتکنان و ستمدیدگان بسا خاسته ستایش کردند .

در جواب خوانندگان

شش ماه است گفتا می نویسم و علیرغم تمام مشکلات و گرفتاریهایی که آن دست به گریبان بودیم - و هنوز هستیم - به آنچه وظیفه ما بود عمل کردیم . طی این مدت خوانندگان زیادی با تلفن و نامه با ما تماس گرفته اند و پیشنهادها و انتقادات زیادی را دربارمان نوشته اند ما دربارهمی که در پیبرگرفته ایم تشویق می کند . از جمله انتقادهای که از ما میشود ، در مورد تخریب توزیع وعدم توزیع شریه در بعضی شهرستانیست که درمورد آن هنوز امکاناتی روبرو هستیم که برامتحویل شده است ، و متأسفانه ما همه تلاشهایی که درجهت رفع آن بکاربرده ایم ، هنوز نتیجه مطلوبی را بدست نیاوردیم .

دوستای عزیز برای ما شعر ، مقاله و طرح فرستادند که برخی از آنها به علت ضعف ها و کاستیهای بسیار و به علت اینکه در انطباق با خط مثنی مستقل نشود ، تا به حال چاپ نشده است مقالات قابل چاپ خوانندگان ، به ترتیب و به ماست چاپ خواهد شد ، باوجود این خواهیم کشید درآینده بخشی از نشریه را به نوشتههای خوانندگان اختصاص دهیم . از اینپروا دوستان خواننده که برای ما مقاله میفرستند میخواهیم گفتمن رعایت کوتاه نویسی توجه داشته باشند که :

- ۱- نفعهای ارفقاله خود را برای ما بفرستند و نسخهای ابراز خود بفرستند . "شهری" را بازگرداندن مقالات ، شعرا ، بوغیرخاکهتکلیفهای ازسالی خوانندگان مدفواست .
- ۲- حق تنظیم و جرح و تعدیل مطالب خوانندگان ، برای "شهری" محفوظات است .
- ۳- دوستان عزیز برای ما شعر ، طرح و یا کتاب برای ما فرستادند ما سیگناتوری و آثاری را نامی خواهیم آثار خود را باهم برای ما فرستند .
- ۴- محدود بودایزه ، تیور - ناصر پهلوانی زاده ، تریز سیدحاجتی ، مهدی - پاپی محمداسد سبور ، سیدجلیلان شمرچیان ، امجدان - صبری صمیمی - قبا ، محمد مهدی کوشکی ، ارگان - آلفا - جیم ، تیمورترنج ، غفرانوفی آلفا - پادار آلفا - دیویشتی ، زنه درزیدان ، محمدعاقری ، علی - صفر راشکانی - م - رام ، افشار پارما ، امیرداد قزوینی و جیساگبیر سرویس اختریان .

شهری ۱۲۲

